



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

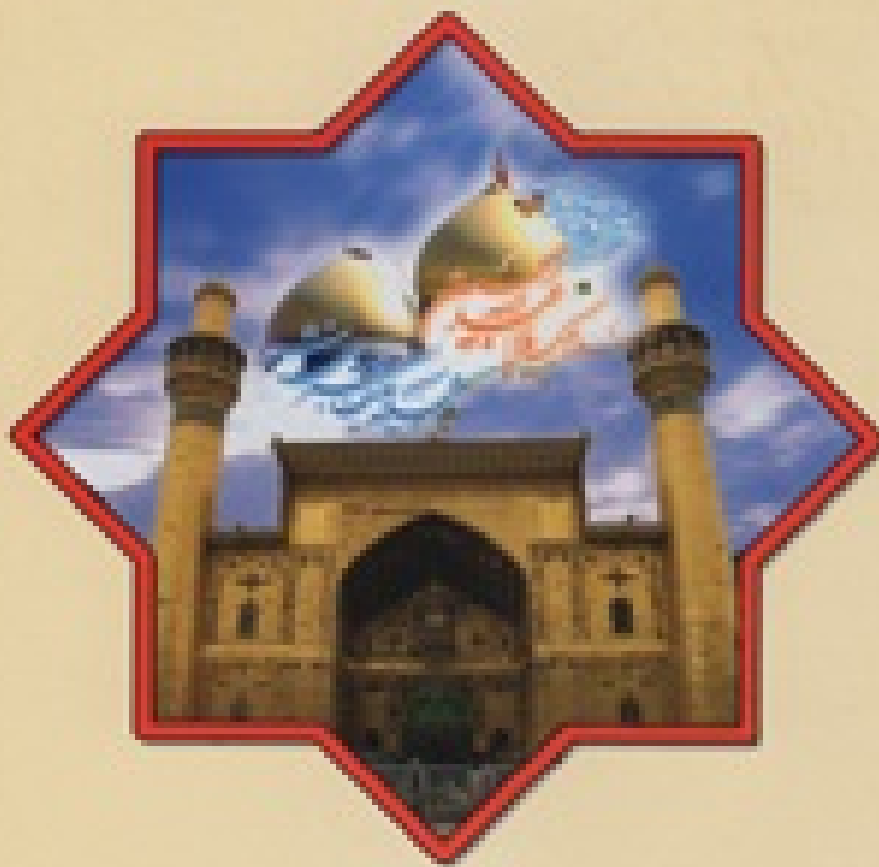


عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

راه‌نمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

ویژه‌کارگزاران حج و زیارت



تألیف: دکتر احسان مقدسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

نویسنده:

احسان مقدس

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۱	راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق
۲۱	مشخصات کتاب
۲۱	اشاره
۲۶	فهرست مطالب
۳۶	هدف از تألیف این کتاب
۳۷	مقدمه چاپ چهارم
۳۸	مقدمه
۴۰	فصل اول: عراق در یک نگاه
۴۰	اشاره
۴۲	هدف
۴۲	هدفهای رفتاری
۴۳	پیشگفتار
۴۷	تاریخ عراق
۴۸	سومری ها (۵۰۰-۲۳۰۰ ق. م)
۴۸	اکدی ها (۲۳۰۰-۲۱۰۹ ق. م)
۴۹	عیلامی ها (۲۱۵۹-۱۸۹۴ ق. م)
۴۹	بابلیها (۱۸۹۴-۱۵۹۴ ق. م)
۵۰	کشیها (۱۶۸۰-۱۱۵۷ ق. م)
۵۱	آشوری ها (۱۳۰۰-۶۰۶ ق. م)
۵۱	کلدانیها (۶۲۶-۵۳۹ ق. م)
۵۳	مادها و پارس ها (۵۳۹-۳۳۱ ق. م):
۵۳	یونانی ها (۳۳۱-۲۴۷ ق. م):
۵۴	پارتی ها (۲۴۷ ق. م-۲۲۶ م):

۵۴	ساسانی ها (۲۲۶ م ۶۵۲ م):
۵۴	دوران اسلامی:
۵۵	اموی ها (۴۱ ه ق ۱۳۲ ه ق):
۵۶	عباسی ها (۱۳۲ ه ق ۶۵۶ ه ق):
۵۷	ایلخانی ها (۶۵۶-۷۳۸ ه ق):
۵۷	جلایری ها (۷۳۸-۸۱۳ ه ق):
۵۷	آق قویونلو و قراقویونلو (۸۱۳-۹۱۴ ه ق):
۵۷	صفوی ها (۹۱۴-۹۴۱ ه ق):
۵۷	عثمانی ها (۱۰۴۹-۱۳۳۵ ه ق):
۵۸	استعمار انگلیس (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م):
۵۹	دولت پادشاهی عراق (۱۹۲۱-۱۹۵۸ م):
۵۹	دولت جمهوری عراق (۱۹۵۸-۲۰۰۳ م):
۶۰	استانهای عراق:
۶۰	اشاره
۶۰	۱. استان بغداد:
۶۱	۲. استان نجف:
۶۲	۳. استان کربلا:
۶۳	۴. استان بصره:
۶۴	۵. استان صلاح الدین:
۶۴	۶. استان التأمیم:
۶۵	۷. استان نینوا:
۶۶	۸. استان واسط:
۶۸	۹. استان دیاله:
۶۹	۱۰. استان دهوک:
۷۰	۱۱. استان اربیل:
۷۱	۱۲. استان الانبار:

۷۲	۱۳. استان المثنی
۷۲	۱۴. استان بابل
۷۳	۱۵. استان سلیمانیه:
۷۳	۱۶. استان قادسیه:
۷۴	۱۷. استان میسان:
۷۴	۱۸. استان ذی قار:
۷۵	خلاصه درس فصل اول:
۷۹	فصل دوم: شهر مقدس نجف
۷۹	اشاره
۸۱	مقدمه
۸۱	هدف
۸۱	هدف های رفتاری
۸۲	شهر مقدس نجف
۸۳	نحوه ورود به نجف از مرز چگونه است؟
۸۴	تاریخچه نجف
۹۰	محلله های شهر نجف
۹۰	الف محلله های قدیمی:
۹۰	اشاره
۹۰	محلله العلاء:
۹۰	محلله العماره:
۹۰	محلله الحویش:
۹۰	محلله البراق:
۹۰	ب محلله های جدید:
۹۱	خیابانهای نجف:
۹۱	مساجد معروف نجف:
۹۱	اشاره

- مسجد شیخ طوسی: ۹۱
- مسجد شیخ انصاری: ۹۱
- مسجد هندی: ۹۱
- مسجد خضراء: ۹۱
- مسجد جواهری: ۹۱
- مسجد صافی الصفا: ۹۱
- مدارس دینی نجف: ۹۲
- کتابخانه های نجف: ۹۲
- اشاره: ۹۲
۱. کتابخانه حسینیه: ۹۲
۲. کتابخانه شیخ محمد رضا آل فرج: ۹۲
۳. کتابخانه عمومی آل حنوش: ۹۲
۴. کتابخانه عمومی نجف: ۹۳
۵. کتابخانه امیرالمؤمنین (علیه السلام): ۹۳
۶. کتابخانه عمومی حکیم: ۹۳
۷. کتابخانه العلمین: ۹۳
۸. کتابخانه حیدریه: ۹۳
- چاپخانه های معروف نجف: ۹۴
- شخصیت های مهم مدفون در شهر نجف: ۹۴
- اشاره: ۹۴
- مدفن یاران خاص حضرت علی (علیه السلام): ۹۷
- ۱- حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام): ۹۷
- اشاره: ۹۷
- الف توصیف حرم مطهر: ۹۸
- اشاره: ۹۸
- اعجاز هندسی حرم: ۹۸

- روضه شريف: ۹۸
- صحن شريف: ۱۰۰
- اشاره ۱۰۰
۱. باب الكبير يا در بزرگ: ۱۰۱
۲. باب مسلم بن عقيل: ۱۰۱
۳. باب الطوسي: ۱۰۱
۴. باب القبله ۱۰۱
۵. باب السلطاني: ۱۰۱
- گلدسته ها: ۱۰۲
- رواق حرم مطهر: ۱۰۲
- ايوان طلای بزرگ: ۱۰۳
- ب تاريخچه حرم مطهر حضرت علي (عليه السلام): ۱۰۳
- ج. موزه يا گنجينه حرم مطهر: ۱۰۷
- د. شخصيت هاي مهم مدفون در حرم مطهر حضرت علي (عليه السلام): ۱۰۸
- اشاره ۱۰۸
- قبور موجود در روضه شريف: ۱۰۸
- قبور موجود در رواق زير گنبد: ۱۰۸
۲. مقام امام زين العابدين (عليه السلام): ۱۱۱
۳. مقام حضرت مهدی (عج): ۱۱۱
۴. مرقد هود و صالح: ۱۱۲
۵. مرقد آدم و نوح: ۱۱۳
۶. مسجد حنانه: ۱۱۳
۷. مرقد كميل بن زياد: ۱۱۴
۸. مسجد عمران بن شاهين: ۱۱۵
۹. مسجد الخضراء: ۱۱۶
۱۰. مسجد الرأس (بالاسر): ۱۱۶

۱۱. مسجد شیخ طوسی: ۱۱۷
۱۲. تکیه بکتاشیه: ۱۱۷
۱۳. وادی السلام: ۱۱۸
- شهر کوفه ۱۱۹
- اماکن زیارتی در شهر کوفه ۱۲۱
۱. مسجد کوفه: ۱۲۱
۲. حرم مسلم بن عقیل: ۱۲۵
- تاریخچه مرقد مسلم بن عقیل: ۱۲۸
۳. مرقد هانی بن عروه: ۱۲۹
۴. مرقد مختار ثقفی: ۱۳۱
۵. مرقد میثم تمار: ۱۳۳
۶. مسجد سهله: ۱۳۴
۷. مسجد صعصعه بن صوحان: ۱۳۶
۸. مسجد زید بن صوحان: ۱۳۹
۹. خانه امام علی (علیه السلام): ۱۳۹
۱۰. مرقد خدیجه دختر حضرت علی (علیه السلام): ۱۴۰
۱۱. مرقد اولاد الحسن (علیه السلام): ۱۴۰
۱۲. مرقد سید ابراهیم غمر: ۱۴۰
۱۳. قصر دار الاماره: ۱۴۰
۱۴. مسجد و مقام یونس (علیه السلام): ۱۴۱
- اشاره ۱۴۱
- شهر کفل: ۱۴۲
- خلاصه درس فصل دوم: ۱۴۴
- فصل سوم مسیر حرکت امام حسین (علیه السلام) به کربلا ۱۵۲
- اشاره ۱۵۲
- مقدمه ۱۵۴

- هدف ۱۵۴
- هدف رفتاری ۱۵۴
- مسیر حرکت کاروان امام حسین از مکه به کربلا ۱۵۴
- اشاره ۱۵۴
۱. التنعيم: ۱۵۵
۲. الصفاح: ۱۵۵
۳. وادی عقیق: ۱۵۵
۴. وادی صفرا: ۱۵۶
۵. ذات العرق: ۱۵۶
۶. حاجر بطن ارمه: ۱۵۶
۷. فید: ۱۵۷
۸. احفر: ۱۵۷
۹. خُزَیمیه: ۱۵۷
۱۰. شقوق: ۱۵۸
۱۱. زرود: ۱۵۹
۱۲. ثعلبیه: ۱۶۱
۱۴. ذی القاع: ۱۶۴
۱۵. بطن العقبه: ۱۶۴
۱۶. شراف: ۱۶۵
۱۷. ذوحسمی: ۱۶۶
۱۸. البیضه: ۱۶۷
۱۹. عذیب الهجانات: ۱۶۸
۲۰. القلطانیه: ۱۶۹
۲۱. قصر بنی مقاتل: ۱۶۹
۲۲. ورود به کربلا: ۱۷۱
- خلاصه درس فصل سوم: ۱۷۴

۱۷۸	فصل چهارم شهر مقدس کربلا
۱۷۸	اشاره
۱۸۰	مقدمه
۱۸۰	هدف
۱۸۰	هدف های رفتاری
۱۸۱	شهر مقدس کربلا
۱۸۲	تاریخچه شهر کربلا
۱۸۹	شهرستانهای تابعه کربلا:
۱۸۹	محلله های کربلا:
۱۹۰	خیابانهای کربلا:
۱۹۰	زیارتگاه های کربلا:
۱۹۰	اماکن سیاحتی کربلا:
۱۹۰	اماکن سیاحتی کربلا عبارتند از:
۱۹۰	مساجد کربلا:
۱۹۱	حسینیه های کربلا:
۱۹۱	مدارس دینی کربلا:
۱۹۲	کتابخانه های کربلا:
۱۹۲	۱ کتابخانه های عمومی:
۱۹۳	۲ کتابخانه های خصوصی:
۱۹۳	گورستان های کربلا:
۱۹۳	بازارهای قدیمی و جدید کربلا:
۱۹۳	کاروانسراهای قدیمی و معروف کربلا:
۱۹۴	ب توصیف حرم مطهر امام حسین:
۱۹۴	روضه الشریف:
۱۹۵	رواق ها:
۱۹۵	اشاره

۱۹۶	رواق شرقی
۱۹۶	رواق غربی
۱۹۷	رواق جنوبی
۱۹۸	رواق شمالی:
۱۹۸	صحن مطهر:
۲۰۰	ایوان ناصری:
۲۰۰	تکیه بکتاشیه:
۲۰۱	سقاخانه ها:
۲۰۱	گنبد مطهر:
۲۰۲	گلدسته ها
۲۰۴	درهای صحن مطهر:
۲۰۴	اشاره
۲۰۴	۱. باب القبله:
۲۰۵	۲. باب الرجاء:
۲۰۵	۳. باب قاضی الحاجات:
۲۰۵	۴. باب الشهداء:
۲۰۶	۵. باب الكرامه:
۲۰۶	۶. باب السلام:
۲۰۶	۷. باب السدره:
۲۰۷	۸. باب السلطانيه:
۲۰۷	۹. باب الرأس الشريف:
۲۰۸	۱۰. باب الزينبيه:
۲۰۸	ج موزه یا گنجینه حرم مطهر امام حسین (علیه السلام)
۲۱۱	د کتابخانه حرم مطهر امام حسین (علیه السلام):
۲۱۳	ه شخصیت های مهم مدفون در حرم مطهر امام حسین (علیه السلام):
۲۱۹	ب - توصیف حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام)

۲۱۹	روضه شریف
۲۱۹	رواقها
۲۲۱	صحن شریف
۲۲۱	ایوان شرقی:
۲۲۲	ایوان شمالی:
۲۲۲	ایوان قبله:
۲۲۲	درب های صحن شریف:
۲۲۲	اشاره
۲۲۲	۱. باب الحسن (علیه السلام):
۲۲۲	۲. باب الحسین (علیه السلام):
۲۲۲	۳. باب صاحب الزمان (علیه السلام):
۲۲۳	۴. باب موسی بن جعفر (علیه السلام):
۲۲۳	۵. باب امیر المومنین (علیه السلام):
۲۲۳	۶. باب علی الهادی (علیه السلام):
۲۲۳	۷. باب الجواد (علیه السلام):
۲۲۳	۸. باب الرسول (صلی الله علیه و اله) یا باب القبله:
۲۲۴	۹. باب العلقمی یا باب الرضا (علیه السلام):
۲۲۴	۱۰. باب الفرات:
۲۲۴	سقا خانه ها:
۲۲۴	گنبد مطهر:
۲۲۵	گلدسته ها:
۲۲۶	ج. موزه و گنجینه حرم مطهر:
۲۲۷	د کتابخانه حرم مطهر:
۲۲۷	ه بزرگان مدفون در حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام):
۲۲۸	سایر اماکن زیارتی در کربلا
۲۲۸	۱. مرقد سید ابراهیم مجاب

۲۲۸	۲. مرقد حبیب بن مظاهر اسدی
۲۲۹	۳. گودال قتلگاه
۲۲۹	۴. مرقد حر بن یزید ریاحی
۲۳۰	۵. مرقد عون بن عبدالله
۲۳۰	۶. خیمه گاه حسینی
۲۳۲	۷. تل زینبیه
۲۳۲	۸. مقام کف دست راست و کف دست چپ ابوالفضل (علیه السلام)
۲۳۳	۹. مقام امام الزمان (علیه السلام)
۲۳۳	۱۰. مقام أم البنین
۲۳۵	۱۱. مرقد آخرس ابن الکاظم
۲۳۵	۱۲. مرقد ابن حمزه
۲۳۵	۱۳. مرقد احمد بن هاشم
۲۳۵	۱۴. شیر فضه
۲۳۶	خلاصه درس فصل چهارم:
۲۴۳	فصل پنجم شهر مقدس کاظمین
۲۴۳	اشاره
۲۴۵	مقدمه
۲۴۵	هدف
۲۴۵	مدل های رفتاری
۲۴۶	شهر مقدس کاظمین
۲۵۱	اماکن زیارتی در شهر کاظمین
۲۵۱	اشاره
۲۵۱	۱ مرقد مطهر کاظمین:
۲۵۱	الف تاریخچه حرم مطهر کاظمین:
۲۵۷	ب. بزرگان مدفون در حرم مطهر کاظمین:
۲۵۷	۲. مسجد براتا:

- ۳ مسجد المنطقه: ۲۵۹
۴. آرامگاه شیخ مفید: ۲۶۰
۵. آرامگاه ابن قولویه: ۲۶۰
۶. آرامگاه خواجه نصیرالدین طوسی: ۲۶۰
۷. مرقد امامزاده موسی بن ابراهیم: ۲۶۰
۸. آرامگاه سید رضی و سید مرتضی: ۲۶۱
۹. آرامگاه ابو یوسف قاضی: ۲۶۱
- شهر بغداد ۲۶۱
- اماکن زیارتی و دیدنی بغداد ۲۶۲
۱. مرقد نواب اربعه امام زمان (علیه السلام): ۲۶۲
۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عمری اسدی ۲۶۲
۲. ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید معروف به شیخ خلانی ۲۶۲
۳. شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (متوفای ۳۲۶ ه ق) ۲۶۳
۴. شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمد سمری ۲۶۳
۲. مرقد شیخ کلینی: ۲۶۳
۳. مرقد ادریس حسنی: ۲۶۳
۴. آرامگاه بشر حافی: ۲۶۳
۵. آرامگاه بهلول: ۲۶۴
۶. قبر سید سلطان علی: ۲۶۴
۷. قبر قنبر علی: ۲۶۴
۸. مدرسه مستنصریه: ۲۶۴
۹. مسجد صفویه: ۲۶۵
۱۰. قصر عباسی: ۲۶۵
۱۱. مسجد خفافین: ۲۶۵
۱۲. مسجد الخلفا: ۲۶۵
۱۳. قبر ابوحنیفه: ۲۶۶

۱۴. قبر عبدالقادر گیلانی: ۲۶۶
۱۵. قبر شیخ عمر سهروردی: ۲۶۶
۱۶. قبر زبیده خاتون: ۲۶۷
۱۷. قبر شیخ معروف کرخی: ۲۶۷
۱۸. باب الطلسم: ۲۶۷
۱۹. آرامگاه احمد بن حنبل: ۲۶۷
۲۰. قبور برخی از بزرگان صوفیه: ۲۶۷
- خلاصه درس فصل پنجم: ۲۶۸
- فصل ششم شهر مقدس سامرا ۲۷۳
- اشاره ۲۷۳
- مقدمه ۲۷۵
- هدف ۲۷۵
- هدف های رفتاری ۲۷۵
- شهر مقدس سامرا ۲۷۶
- شهرستانهای استان صلاح الدین (سامرا): ۲۷۶
- تاریخچه شهر سامرا ۲۷۷
- محله های شهر سامرا: ۲۸۱
- خیابانهای شهر سامرا: ۲۸۱
- مساجد شهر سامرا: ۲۸۱
- آثار باستانی سامرا: ۲۸۲
- مدارس دینی سامرا: ۲۸۲
- کتابخانه های سامرا: ۲۸۲
- شخصیتهای مهم تاریخی سامرا: ۲۸۲
- اماکن زیارتی سامرا ۲۸۳
۱. مرقد مطهر عسکریین: ۲۸۳
۲. مرقد مطهر نرجس خاتون: ۲۸۵

۳. مرقد حکیمه خاتون: ۲۸۵
۴. قبر مطهر حسین بن علی الهادی (علیه السلام): ۲۸۵
۵. سرداب غیبت: ۲۸۶
۶. مرقد سید محمد (علیه السلام) ۲۸۷
۷. قبر امامزاده محمد دری ۲۸۹
- خلاصه درس فصل ششم: ۲۹۰
- فصل هفتم: شهر حله و بصره ۲۹۵
- اشاره ۲۹۵
- مقدمه ۲۹۷
- هدف ۲۹۷
- هدفهای رفتاری ۲۹۷
- شهر حله ۲۹۸
- اماکن زیارتی و تاریخی حله ۲۹۸
۱. مرقد امامزاده حمزه: ۲۹۸
۲. مرقد امامزاده قاسم: ۲۹۸
۳. مسجد رد الشمس: ۲۹۹
۴. تپه حراقه: ۲۹۹
۵. آرامگاه ابراهیم احمر العینین: ۲۹۹
۶. آرامگاه ابو دمیعه: ۳۰۰
۷. آرامگاه حسن الاسمر: ۳۰۰
۸. آرامگاه محمد الادرع: ۳۰۰
۹. آرامگاه اسماء بنت عمیس: ۳۰۰
۱۰. آرامگاه اسماعیل طباطبایا: ۳۰۱
۱۱. مرقد حضرت ایوب: ۳۰۱
۱۲. مرقد بکر بن علی: ۳۰۱
۱۳. قبر ابوالعباس سفاح: ۳۰۲

۱۴. آرامگاه عبدالله المحض: ۳۰۲
۱۵. آرامگاه عبدالله بن زید: ۳۰۳
۱۶. آرامگاه عمران بن علی (علیه السلام): ۳۰۳
۱۷. آرامگاه عون بن علی: ۳۰۳
۱۸. آرامگاه قاسم بن موسی الکاظم (علیه السلام): ۳۰۳
۱۹. آرامگاه محمد الدیباج: ۳۰۳
۲۰. آرامگاه ابن ادريس حلی: ۳۰۳
۲۱. آرامگاه ابن حماد واسطی: ۳۰۴
۲۲. آرامگاه ابن سعید حلی: ۳۰۴
۲۱. آرامگاه محقق حلی: ۳۰۴
- شهر بصره ۳۰۴
- اماکن دیدنی بصره ۳۰۴
۱. مسجد جامع بصره: ۳۰۴
۲. آرامگاه زید بن صوحان: ۳۰۵
۳. قبر حسن بصری: ۳۰۵
۴. آرامگاه ملاصدرا: ۳۰۵
۵. قبر زبیر بن عوام: ۳۰۵
- خلاصه درس فصل هفتم: ۳۰۶
- فصل هشتم دیگر اماکن زیارتی و سیاحتی عراق ۳۱۱
- اشاره ۳۱۱
- مقدمه ۳۱۳
- هدف ۳۱۳
- هدف های رفتاری ۳۱۳
۱. مرقد سلمان فارسی ۳۱۴
۲. مرقد حذیفه یمانی ۳۱۴
۳. مرقد ابراهیم اشتر ۳۱۴

- ۳۱۶ ۴. مرقد دو طفلان مسلم بن عقيل
- ۳۱۹ آثار باستانی مهم عراق
- ۳۱۹ اشاره
- ۳۲۰ ۱. مسجد جامع سامرا (المتوكل):
- ۳۲۱ ۲. قصر اخيضر:
- ۳۲۳ ۳. شهر اور:
- ۳۲۵ ۴. قلعه اربيل:
- ۳۲۷ ۵. طاق كسرى:
- ۳۲۸ ۶. شهر باستانی بابل:
- ۳۳۰ ۷. شهر باستانی متوكليه:
- ۳۳۱ ۸. قصر عاشق و معشوق
- ۳۳۲ ۹. شهر حيره:
- ۳۳۳ ۱۰. شهر آشور:
- ۳۳۳ ۱۱. شهر كالج:
- ۳۳۳ ۱۲. شهر نينوا:
- ۳۳۴ ۱۳. شهر حضر:
- ۳۳۴ ۱۴. شهر بورسيبا:
- ۳۳۵ خلاصه درس فصل هشتم:
- ۳۳۷ مجموعه سوالات كتاب:
- ۳۴۲ فهرست منابع و مآخذ
- ۳۴۶ درباره مركز

راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

مشخصات کتاب

سرشناسه: مقدس، احسان، 1341 -

عنوان و نام پدیدآور: راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق/تالیف احسان مقدس.

مشخصات نشر: تهران: مشعر، 1387.

مشخصات ظاهری: 361 ص.: مصور، نقشه.

شابک: 16000 ریال: 8-161-540-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتاب حاضر جهت دوره آموزش مدیران و پرسنل گروه های زیارتی تهیه و تدوین گردیده است.

یادداشت: عنوان دیگر: راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق ویژه کارگزاران حج و زیارت.

یادداشت: کتابنامه: ص. 358 - 361؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: زیارتگاه های اسلامی -- عراق -- کتاب های راهنما.

موضوع: عراق -- کتاب های راهنما.

رده بندی کنگره: 1387 2,7/DS70/65

رده بندی دیویی: 915/67

شماره کتابشناسی ملی: 4 6 2 9 4 5 1

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

(ویژه کارگزاران حج و زیارت)

تالیف: دکتر احسان مقدس

ص: 3

سرشناسه: مقدس، احسان، 1341 -

عنوان و نام پدیدآور: راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق/تالیف احسان مقدس.

مشخصات نشر: تهران: مشعر، 1387.

مشخصات ظاهری: 361 ص. : مصور، نقشه.

شابک: 16000 ریال: 8-161-540-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتاب حاضر جهت دوره آموزش مدیران و پرسنل گروه های زیارتی تهیه و تدوین گردیده است.

یادداشت: عنوان دیگر: راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق ویژه کارگزاران حج و زیارت.

یادداشت: کتابنامه: ص. 358 - 361؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: زیارتگاه های اسلامی -- عراق -- کتاب های راهنما.

موضوع: عراق -- کتاب های راهنما.

رده بندی کنگره: 1387 27م/DS70/65

رده بندی دیویی: 915/67

شماره کتابشناسی ملی: 4 6 2 9 4 5 1

راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

تألیف : احسان مقدس

تدوین : اداره آموزش کارگزاران

ناشو: موسسه فرهنگی هنری مشعر

چاپ و صحافی : چاپخانه مشعر

توبت چاپ: 7 (ویرایش جدید) - تابستان 1393

شمارمان : 3000 نسخه

بها: 10000 تومان

شابک : 8-978-540-560-964

ISBN:978-964-540-161-8

مراکز پخش و فروشگاه های مشعر :

تهران : تلفن: 021-64512003 قم :

تلفن : 025-37838400

ص: 4



فهرست مطالب

۱۵	هدف از تألیف این کتاب
۱۶	مقدمه چاپ سوم
۱۷	مقدمه

فصل اول عراق در یک نگاه

۲۱	هدف
۲۱	هدف‌های رفتاری
۲۲	پیشگفتار
۲۶	تاریخ عراق
۲۷	سومری‌ها (۴۵۰۰-۲۳۰۰ ق. م)
۲۷	اکدی‌ها (۲۳۵۰-۲۱۵۹ ق. م)
۲۸	عیلامی‌ها (۲۱۵۹-۱۸۹۴ ق. م)
۲۸	بابلی‌ها (۱۸۹۴-۱۵۹۴ ق. م)
۲۹	کشی‌ها (۱۶۸۰-۱۱۵۷ ق. م)
۳۰	آشوری‌ها (۱۳۰۰-۶۰۶ ق. م)
۳۰	کلدانی‌ها (۶۲۶-۵۳۹ ق. م)
۳۲	مادها و پارس‌ها (۵۳۹-۳۳۱ ق. م)
۳۲	یونانی‌ها (۳۳۱-۲۴۷ ق. م)
۳۳	پارتی‌ها (۲۴۷ ق. م - ۲۲۶ م)
۳۳	ساسانی‌ها (۲۲۶ م - ۶۵۲ م)
۳۳	دوران اسلامی
۳۴	اموی‌ها (۴۱ ه. ق - ۱۳۲ ه. ق)
۳۵	عباسی‌ها (۱۳۲ ه. ق - ۶۵۶ ه. ق)
۳۶	ایلخانی‌ها (۶۵۶-۷۳۸ ه. ق)
۳۶	جلایری‌ها (۷۳۸-۸۱۳ ه. ق)
۳۶	اق قویونلو و قراقویونلو (۸۱۳-۹۱۴ ه. ق)



۳۶	صفوی‌ها (۹۱۴-۹۴۱ ه. ق.)
۳۶	عثمانی‌ها (۱۰۴۹-۱۳۳۵ ه. ق.)
۳۷	استعمار انگلیس (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م.)
۳۸	دولت پادشاهی عراق (۱۹۲۱-۱۹۵۸ م.)
۳۸	دولت جمهوری عراق (۱۹۵۸-۲۰۰۳ م.)
۳۹	استانهای عراق
۳۹	۱- استان بغداد
۴۰	۲- استان نجف
۴۱	۳- استان کربلا
۴۲	۴- استان بصره
۴۳	۵- استان صلاح‌الدین
۴۳	۶- استان التأمیم
۴۴	۷- استان نینوا
۴۵	۸- استان واسط
۴۶	۹- استان دیاله
۴۷	۱۰- استان دهوک
۴۸	۱۱- استان اربیل
۴۹	۱۲- استان الانبار
۵۰	۱۳- استان المثنی
۵۰	۱۴- استان بابل
۵۱	۱۵- استان سلیمانیه
۵۱	۱۶- استان قادسیه
۵۲	۱۷- استان میسان
۵۲	۱۸- استان ذی‌قار
۵۳	خلاصه درس فصل اول

فصل دوم

شهر مقدس نجف و کوفه

۵۹	مقدمه
۵۹	هدف
۵۹	هدف‌های رفتاری
۶۰	شهر مقدس نجف
۶۱	نحوه ورود به نجف از مرز چگونه است؟
۶۲	تاریخچه نجف
۶۸	محلله‌های شهر نجف



۶۸	ب - محله‌های جدید.....
۶۹	خیابانهای نجف.....
۶۹	مساجد معروف نجف.....
۷۰	مدارس دینی نجف.....
۷۰	کتابخانه‌های نجف.....
۷۲	چاپخانه‌های معروف نجف.....
۷۲	شخصیت‌های مهم مدفون در شهر نجف.....
۷۴	مدفن یاران خاص حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۷۴	اماکن زیارتی شهر نجف.....
۷۴	۱- حرم مطهر حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۷۵	الف - توصیف حرم مطهر.....
۷۵	اعجاز هندسی حرم.....
۷۵	روضه شریف.....
۷۷	صحن شریف.....
۷۹	گلدسته‌ها.....
۷۹	رواق حرم مطهر.....
۸۰	ایوان طلای بزرگ.....
۸۰	ب - تاریخچه حرم مطهر حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۸۴	ج - موزه یا گنجینه حرم مطهر.....
۸۵	د - شخصیت‌های مهم مدفون در حرم مطهر حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۸۵	قبور موجود در روضه شریف.....
۸۵	قبور موجود در رواق زیر گنبد.....
۸۸	۲- مقام امام زین‌العابدین <small>علیه السلام</small>
۸۸	۳- مقام حضرت مهدی (عج).....
۸۹	۴- مرقد هود و صالح.....
۹۰	۵- مرقد آدم و نوح.....
۹۰	۶- مسجد خنانه.....
۹۱	۷- مرقد کمیل بن زیاد.....
۹۲	۸- مسجد عمران بن شاهین.....
۹۳	۹- مسجد الخضراء.....
۹۳	۱۰- مسجد الرأس (بالاسر).....
۹۴	۱۱- مسجد شیخ طوسی.....
۹۴	۱۲- تکیه بکتاشیه.....
۹۵	۱۳- وادی السلام.....
۹۶	شهر کوفه.....



۹۸	اماکن زیارتی در شهر کوفه
۹۸	۱- مسجد کوفه
۱۰۲	۲- حرم مسلم بن عقیل
۱۰۵	تاریخچه مرقد مسلم بن عقیل
۱۰۶	۳- مرقد هانی بن عروه
۱۰۸	۴- مرقد مختار ثقفی
۱۱۰	۵- مرقد میثم تمار
۱۱۱	۶- مسجد سهله
۱۱۳	۷- مسجد صعصعه بن صوحان
۱۱۶	۸- مسجد زید بن صوحان
۱۱۶	۹- خانه امام علی <small>علیه السلام</small>
۱۱۷	۱۰- مرقد خدیجه دختر حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۱۱۷	۱۱- مرقد اولاد الحسین <small>علیهم السلام</small>
۱۱۷	۱۲- مرقد سید ابراهیم غمر
۱۱۷	۱۳- قصر دارالاماره
۱۱۸	۱۴- مسجد و مقام یونس <small>علیه السلام</small>
۱۱۹	شهر کفل
۱۲۱	خلاصه درس فصل دوم

فصل سوم

مسیر حرکت امام حسین علیه السلام به کربلا

۱۳۱	مقدمه
۱۳۱	هدف
۱۳۱	هدف رفتاری
۱۳۱	مسیر حرکت کاروان امام حسین از مکه به کربلا
۱۳۲	۱- التنعیم
۱۳۲	۲- الصفاح
۱۳۲	۳- وادی عقیق
۱۳۳	۴- وادی صفرا
۱۳۳	۵- ذات العرق
۱۳۳	۶- حاجر بطن ارمه
۱۳۴	۷- قید
۱۳۴	۸- احقر
۱۳۴	۹- خزیمیه
۱۳۵	۱۰- شقوق



۱۱- زرود.....	۱۳۶
۱۲- تعلیه.....	۱۳۸
۱۳- زیاله.....	۱۳۹
۱۴- ذی القاع.....	۱۴۱
۱۵- بطن العقبه.....	۱۴۱
۱۶- شراف.....	۱۴۲
۱۷- ذوحسمی.....	۱۴۳
۱۸- البیضه.....	۱۴۴
۱۹- عذیب الیهجات.....	۱۴۵
۲۰- الققطانیه.....	۱۴۶
۲۱- قصر بنی مقاتل.....	۱۴۶
۲۲- ورود به کربلا.....	۱۴۸
خلاصه درس فصل سوم.....	۱۵۱

فصل چهارم

شهر مقدس کربلا

مقدمه.....	۱۵۷
هدف.....	۱۵۷
هدف‌های رفتاری.....	۱۵۷
شهر مقدس کربلا.....	۱۵۸
تاریخچه شهر کربلا.....	۱۵۹
شهرستانهای تابعه کربلا.....	۱۶۶
محلله‌های کربلا.....	۱۶۶
خیابانهای کربلا.....	۱۶۷
زیارتگاه‌های کربلا.....	۱۶۷
اماکن سیاحتی کربلا.....	۱۶۷
اماکن سیاحتی کربلا عبارتند از:.....	۱۶۷
مساجد کربلا.....	۱۶۷
حسینیه‌های کربلا.....	۱۶۸
مدارس دینی کربلا.....	۱۶۸
کتابخانه‌های کربلا.....	۱۶۹
۱- کتابخانه‌های عمومی.....	۱۶۹
۲- کتابخانه‌های خصوصی.....	۱۷۰
گورستان‌های کربلا.....	۱۷۰
بازارهای قدیمی و جدید کربلا.....	۱۷۰



۱۷۰	کاروانسراهای قدیمی و معروف کربلا
۱۷۱	ب - توصیف حرم مطهر امام حسین
۱۷۱	روضه الشریف
۱۷۲	رواقها
۱۷۵	صحن مطهر
۱۷۷	تکیه بکتاشیه
۱۷۸	سقاخانهها
۱۷۸	گنبد مطهر
۱۷۹	گلدستهها
۱۸۱	درهای صحن مطهر
۱۸۵	ج - موزه یا گنجینه حرم مطهر امام حسین
۱۸۸	د - کتابخانه حرم مطهر امام حسین
۱۹۰	هـ - شخصیت‌های مهم مدفون در حرم مطهر امام حسین
۱۹۳	حرم مطهر حضرت عباس
۱۹۳	الف - تاریخچه حرم مطهر ابوالفضل
۱۹۵	ب - توصیف حرم مطهر ابوالفضل
۱۹۵	روضه شریف
۱۹۵	رواقها
۱۹۷	صحن شریف
۱۹۸	درب‌های صحن شریف
۲۰۰	سقاخانهها
۲۰۰	گنبد مطهر
۲۰۱	گلدستهها
۲۰۲	ج - موزه و گنجینه حرم مطهر
۲۰۳	د - کتابخانه حرم مطهر
۲۰۳	هـ - بزرگان مدفون در حرم مطهر حضرت ابوالفضل
۲۰۴	سایر اماکن زیارتی در کربلا
۲۰۴	۱- مرقد سید ابراهیم مجاب
۲۰۴	۲- مرقد حبیب بن مظاهر اسدی
۲۰۵	۳- گودال قتلگاه
۲۰۵	۴- مرقد حربن یزید ریاحی
۲۰۶	۵- مرقد عون بن عبدالله
۲۰۶	۶- خیمه گاه حسینی
۲۰۸	۷- تل زینبیه
۲۰۸	۸- مقام کف دست راست و کف دست چپ حضرت ابوالفضل



۲۰۹	۹- مقام امام الزمان (عج)
۲۰۹	۱۰- مقام أم‌البنین
۲۱۱	۱۱- مرقد أخرج ابن الكاظم
۲۱۱	۱۲- مرقد ابن حمزه
۲۱۱	۱۳- مرقد احمدین هاشم
۲۱۱	۱۴- شیر فضه
۲۱۲	خلاصه درس فصل چهارم

فصل پنجم

شهر مقدس کاظمین (بغداد)

۲۳۱	مقدمه
۲۳۱	هدف
۲۳۱	هدف‌های رفتاری
۲۳۲	شهر مقدس کاظمین
۲۳۷	اماکن زیارتی در شهر کاظمین
۲۳۷	۱- مرقد مطهر کاظمین
۲۳۷	الف - تاریخچه حرم مطهر کاظمین
۲۳۳	ب - بزرگان مدفون در حرم مطهر کاظمین
۲۳۳	۲- مسجد برائا
۲۳۵	۳- مسجد المنطقه
۲۳۶	۴- آرامگاه شیخ مفید
۲۳۶	۵- آرامگاه ابن قولویه
۲۳۶	۶- آرامگاه خواجه نصیرالدین طوسی
۲۳۶	۷- مرقد امامزاده موسی بن ابراهیم
۲۳۷	۸- آرامگاه سید رضی و سید مرتضی
۲۳۷	۹- آرامگاه ابویوسف قاضی
۲۳۷	شهر بغداد
۲۳۸	اماکن زیارتی و دیدنی بغداد
۲۳۸	۱- مرقد نواب اربعه امام زمان (عج)
۲۳۸	۱- ابو عمرو عثمان بن سعید عمری اسدی
۲۳۸	۲- ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید معروف به شیخ خلانی
۲۳۹	۳- شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (متوفای ۳۲۶ هـ. ق)
۲۳۹	۴- شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمد سمری
۲۳۹	۲- مرقد شیخ کلینی
۲۳۹	۳- مرقد ادریس حسنی
۲۳۹	۴- آرامگاه بشر حافی



۲۴۰	۵- آرامگاه بهلول	۲۴۰
۲۴۰	۶- قبر سید سلطان علی	۲۴۰
۲۴۰	۷- قبر قنبر علی	۲۴۰
۲۴۰	۸- مدرسه مستنصریه	۲۴۰
۲۴۱	۹- مسجد صفویه	۲۴۱
۲۴۱	۱۰- قصر عباسی	۲۴۱
۲۴۱	۱۱- مسجد خفافین	۲۴۱
۲۴۱	۱۲- مسجد الخلفا	۲۴۱
۲۴۲	۱۳- قبر ابوحنیفه	۲۴۲
۲۴۲	۱۴- قبر عبدالقادر گیلانی	۲۴۲
۲۴۲	۱۵- قبر شیخ عمر سهروردی	۲۴۲
۲۴۳	۱۶- قبر زبیده خاتون	۲۴۳
۲۴۳	۱۷- قبر شیخ معروف کرخی	۲۴۳
۲۴۳	۱۸- باب الطلسم	۲۴۳
۲۴۳	۱۹- آرامگاه احمدبن حنبل	۲۴۳
۲۴۳	۲۰- قبور برخی از بزرگان صوفیه	۲۴۳
۲۴۴	خلاصه درس فصل پنجم	۲۴۴

فصل ششم

شهر مقدس سامرا

۲۵۱	مقدمه	۲۵۱
۲۵۱	هدف	۲۵۱
۲۵۱	هدف‌های رفتاری	۲۵۱
۲۵۲	شهر مقدس سامرا	۲۵۲
۲۵۲	شهرستانهای استان صلاح‌الدین (سامرا)	۲۵۲
۲۵۳	تاریخچه شهر سامرا	۲۵۳
۲۵۶	امام هادی <small>علیه السلام</small> و امام عسکری <small>علیه السلام</small> در سامرا	۲۵۶
۲۵۷	محل‌های شهر سامرا	۲۵۷
۲۵۷	خیابانهای شهر سامرا	۲۵۷
۲۵۷	مساجد شهر سامرا	۲۵۷
۲۵۸	آثار باستانی سامرا	۲۵۸
۲۵۸	مدارس دینی سامرا	۲۵۸
۲۵۸	کتابخانه‌های سامرا	۲۵۸
۲۵۸	شخصیت‌های مهم تاریخی سامرا	۲۵۸
۲۵۹	اماکن زیارتی سامرا	۲۵۹
۲۵۹	۱- مرقد مطهر عسکریین	۲۵۹
۲۶۱	۲- مرقد مطهر نرجس خاتون	۲۶۱



۳- مرقد حکیمه خاتون	۲۶۱
۴- قبر مطهر حسین بن علی الهادی <small>علیه السلام</small>	۲۶۱
۵- سرداب غیبت	۲۶۲
۶- مرقد سید محمد <small>علیه السلام</small>	۲۶۳
۷- قبر امامزاده محمد دری	۲۶۵
خلاصه درس فصل ششم	۲۶۶

فصل هفتم

شهر حله و بصره

مقدمه	۲۷۳
هدف	۲۷۳
هدف‌های رفتاری	۲۷۳
شهر حله	۲۷۴
اماکن زیارتی و تاریخی حله	۲۷۴
۱- مرقد امامزاده حمزه	۲۷۴
۲- مرقد امامزاده قاسم	۲۷۴
۳- مسجد ردالشمس	۲۷۵
۴- تپه حرقه	۲۷۵
۵- آرامگاه ابراهیم احمرالعینین	۲۷۵
۶- آرامگاه ابودمیعه	۲۷۶
۷- آرامگاه حسن الاسمر	۲۷۶
۸- آرامگاه محمد الادرع	۲۷۶
۹- آرامگاه اسماء بنت عمیس	۲۷۶
۱۰- آرامگاه اسماعیل طباطبای	۲۷۷
۱۱- مرقد حضرت ایوب	۲۷۷
۱۲- مرقد بکرین علی	۲۷۷
۱۳- قبر ابوالعباس سفاح	۲۷۸
۱۴- آرامگاه عبدالله المحض	۲۷۸
۱۵- آرامگاه عبدالله بن زید	۲۷۹
۱۶- آرامگاه عمران بن علی <small>علیه السلام</small>	۲۷۹
۱۷- آرامگاه عون بن علی	۲۷۹
۱۸- آرامگاه قاسم بن موسی کاظم <small>علیه السلام</small>	۲۷۹
۱۹- آرامگاه محمد الدیباج	۲۷۹
۲۰- آرامگاه ابن ادريس حلی	۲۷۹
۲۱- آرامگاه ابن حماد واسطی	۲۸۰
۲۲- آرامگاه ابن سعید حلی	۲۸۰
۲۳- آرامگاه محقق حلی	۲۸۰



۲۸۰	شهر بصره.....
۲۸۰	اماکن دیدنی بصره.....
۲۸۰	۱- مسجد جامع بصره.....
۲۸۱	۲- آرامگاه زیدین صوحان.....
۲۸۱	۳- قبر حسن بصری.....
۲۸۱	۴- آرامگاه ملاصدرا.....
۲۸۱	۵- قبر زبیر بن عوام.....
۲۸۲	خلاصه درس فصل هفتم.....

فصل هشتم

دیگر اماکن زیارتی و سیاحتی عراق

۲۸۹	مقدمه.....
۲۸۹	هدف.....
۲۸۹	هدف‌های رفتاری.....
۲۹۰	۱- مرقد سلمان فارسی.....
۲۹۰	۲- مرقد حذیفه یمانی.....
۲۹۰	۳- مرقد ابراهیم اشتر.....
۲۹۲	۴- مرقد دو طفلان مسلم‌بن عقیل.....
۲۹۵	آثار باستانی مهم عراق.....
۲۹۶	۱- مسجد جامع سامرا (المتوکل).....
۲۹۷	۲- قصر اخیضر.....
۲۹۹	۳- شهر اور.....
۳۰۱	۴- قلعه اربیل.....
۳۰۳	۵- طاق کسری.....
۳۰۴	۶- شهر باستانی بابل.....
۳۰۶	۷- شهر باستانی متوکلیه.....
۳۰۷	۸- قصر عاشق و معشوق.....
۳۰۸	۹- شهر حیره.....
۳۰۹	۱۰- شهر آشور.....
۳۰۹	۱۱- شهر کالج.....
۳۰۹	۱۲- شهر نینوا.....
۳۱۰	۱۳- شهر حضر.....
۳۱۰	۱۴- شهر بوریسیا.....
۳۱۱	خلاصه درس فصل هشتم.....
۳۱۳	مجموعه سؤالات کتاب.....
۳۱۷	فهرست منابع و مآخذ.....

هدف از تألیف این کتاب

یقیناً کمیت و کیفیت برگزاری سفرهای زیارتی در جوامع اسلامی به عنوان یکی از شاخص‌ها و محورهای توسعه اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و ... به شمار می‌آید که پیامدها و دستاوردهای آن چنانچه به درستی صیانت و ترویج شود، تأثیر ویژه‌ای در بخش‌های اجرایی کشور به جا خواهد گذاشت.

رشد فزاینده زائران و متقاضیان سفرهای زیارتی، سازمان حج و زیارت را برآن داشت تا نسبت به ارتقای سطح ارشاد و آموزش دست اندرکاران خدمت به زائران گام‌های مؤثر و مناسب بردارد تا از این رهگذر جمع کارآمد و کادر ورزیده و آگاه در کسوت خدمت‌گذاری به زائران گرامی وارد این عرصه مقدس شود. بنابراین با توجه به ضرورت تأمین و پرورش نیروی انسانی کارآمد و ماهر به عنوان خادمان امور زیارتی، تهیه و تدوین و تألیف متون آموزشی علمی و کاربردی متناسب با نیازهای فراگیران در سطوح مختلف را کاملاً ضروری می‌نماید. لذا تنظیم و ارایه سلسله انتشارات توسط اداره آموزش کارگزاران معطوف به همین امر می‌باشد که امیدواریم مورد توجه خوانندگان قرار گیرد.

اداره آموزش کارگزاران سازمان حج و زیارت

اکنون که با توفیقات الهی کتاب «راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق» در مدتی نسبتاً کوتاه به چاپ چهارم می‌رسد. لازم است عنایت خوانندگان گرامی را به برخی مطالب مهم جلب کرد و اظهار نمود که پس از انتشار چاپ اول کتاب اداره آموزش سازمان حج و زیارت در طی نامه ای به تمامی ادارات حج و زیارت استان‌ها اعلام نمود تا اگر نقطه نظراتی در خصوص محتویات متن کتاب دارند به آن اداره ارسال نمایند. ادارات حج و زیارت استان‌ها نیز در پی این نظرخواهی اقدام به ارسال نقطه نظرات کارشناسان محترم حج و زیارت در استانها و شهرستان‌های مختلف کشور نمودند و بدین گونه بود که مجموعه کاملی از نقدهای سازنده همکاران محترم واصل گردید. این اظهارات و نقدها در چند جلسه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و براساس مندرجات نامه‌ها تغییرات و اصلاحات فراوانی در متن کتاب داده شد تا متن کتاب بتواند نیازها و خواسته‌های کارگزاران شاغل در امر زیارت عتبات عالیات در عراق را تأمین نماید. بدیهی است که علی‌رغم تلاشهای گسترده در چاپ اول کتاب مواردی از سهو و خطا مشاهده گردید که نسبت به اصلاح آن اقدام شد. همچنین مواردی ذکر گردیده بود که از نظر جمع‌گیری از همکاران زائد و بی‌فایده بود. لذا قسمتهای زائد حذف و بخشهای جدیدی به متن افزوده شد.

برخی از انتقادات نیز وارد نبوده و تغییری در متن داده نشد و بدین گونه بود که متن چاپ چهارم تهیه گردید و شایسته است که از کلیه دوستان و همکاران که از اقصی نقاط کشور در خصوص محتویات کتاب اظهار نظر دلسوزانه نموده اند تشکر و قدردانی شود و همچنین جای دارد که از همکاری صمیمانه و دوستانه مسئول محترم اداره آموزش و کارشناسان و همکاران دلسوز آن اداره که در نهایت محبت و اخلاص در راه انتشار کتابهای مفید و مناسب زحمت میکشند تشکر و تقدیر نمود.

والله ولي التوفيق

مؤلف

ص: 16

آموزش کارگزاران یکی از ابزارهای اصلی ارتقای کیفی برنامه های مذهبی، فرهنگی و توریستی می باشد و بدیهی است در سازمانهای متولی امور فوق این امر می تواند نقشی سازنده و مؤثر ایفا نماید.

وظایف سازمان حج و زیارت علاوه بر تأمین شرایط مناسب برگزاری تورهای مذهبی، درحقیقت شامل آموزش، بسترسازی فرهنگی و ارتقای اطلاعات مذهبی زائران نیز می باشد و اصولاً- بدون آموزش زائران، اهداف فرهنگی و مذهبی این سازمان تحقق نمی یابد. از این رو بایسته بود که اداره آموزش کارگزاران سازمان حج و زیارت تحولی در امر آموزش ایجاد نموده و برنامه ای جامع، شامل و کامل در راستای اهداف آموزشی سازمان تهیه و تدوین نماید.

این برنامه در دو راستا تهیه و تدوین و به مرحله اجرا در می آید، این دو راستا عبارتند از:

1- آموزش کارگزاران: شامل آموزش رده های مختلف، نظیر مدیران کاروانها، راهنماها و سایر پرسنل شاغل در گروه های اعزامی می باشد که این آموزش به صورت مستقیم و از طرف اداره آموزش کارگزاران سازمان حج و زیارت صورت می گیرد.

2- آموزش زائران: این آموزش به صورت غیر مستقیم صورت گرفته و برنامه ریزی آموزش در طول سفر بر عهده بعثه مقام معظم رهبری در حج و زیارت بوده و دروس و مطالب آموزشی تهیه شده و به آموزش دهندگان تحویل داده می شود، از سوی دیگر جزوات و کتب آموزشی در همین راستا بوسیله انتشارات سازمان حج و زیارت (نشر

مشعر) تهیه و در اختیار زوار قرار داده می شود تا علاوه بر بهره گیری از جلسات آموزش سازمان در طول سفر چنانچه به اطلاعات بیشتری نیاز داشته باشند می توانند اطلاعات مورد نیاز خود را از طریق مطالعه شخصی ارتقا بخشند.

هدف اولیه از تهیه کتاب حاضر تأمین نیازهای آموزشی پرسنل شاغل در زیارت عتبات عالیات در عراق است و سعی شده است که تمامی اطلاعات مورد نیاز پرسنل تهیه و تدوین و در یک جلد گرد آوری گردد و مطالب آن در هشت فصل تهیه شود و طی یک دوره آموزشی 16 ساعته به مدیران و پرسنل گروه های زیارتی تدریس گردد و در پایان هر فصل خلاصه درس تعبیه شده و در آخر کتاب سؤالاتی درباره محتویات کتاب آمده است تا دانش آموختگان با خواندن نمونه سؤالات مذکور با نحوه طرح سؤالات امتحانی دوره آشنا شده و بتوانند به راحتی در امتحان آخر دوره شرکت نموده و مدرک گذراندن دوره را دریافت نمایند.

ص: 18

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده گذری سریع و جامع به موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، رودخانه ها، دریاچه ها، کوهها، زبانهای رایج، اقوام ساکن، ادیان و مذاهب و استانها و بالاخره تاریخ عراق و ساختار مجلس و قوای سه گانه آن داشته باشد.

هدفهای رفتاری

کارگزاران باید مطالب این فصل را به صورت اجمالی فرا گرفته و در برابر پرسش های زایران آمادگی کامل داشته باشند. پرسش های زایران معمولاً طیف وسیعی از پرسش ها را در بر گرفته و شامل مباحث فرهنگی، اقتصادی، تجاری، سیاسی، دینی و مذهبی، آداب و رسوم و تاریخ می شود. لذا شایسته است که راهنمایان، اطلاعات کافی در این خصوص داشته باشند. بدیهی است که هرچه اطلاعات کامل تر باشد، این امر می تواند زایران را راضی و خوشنود سازد و نداشتن اطلاعات کافی باعث می شود که اعتماد زایران از راهنمای کاروان به تدریج کم تر و کمتر شده و به جایی برسد که اعتماد خود را به راهنما از دست بدهند. از این رو داشتن اطلاعات کافی و وافی نقشی به سزا در جذب مخاطبان و ایجاد حس اعتماد در آنان دارد.

در نگاه اول شاید مطالب ذکر شده در فصل اول، خسته کننده به نظر برسد، اما به هر

حال گریزی از دانستن آن وجود ندارد. زیرا که عدم آشنایی اولیه با هر کشوری می تواند به برداشت های نامناسب و نامطلوب منجر شود.

پیشگفتار

بسیاری از کارشناسان معتقدند که واژه عراق عربی بوده و به معنی ساحل است، این واژه در لهجه اهالی حجاز به معنی دامنه کوه است. برخی نیز اصل این واژه را برگرفته از زبان فارسی می دانند و خواریزمی معتقد است که اصل کلمه عراق «ایراک» است و از همین ریشه دو اسم ایران و عراق مشتق شده است و معنی این واژه در زبان فارسی

سرزمین پایین دست» است. برخی نیز معتقدند که این واژه از دوران سومری ها و یا قبل از آن وجود داشته و در حقیقت تغییر شکل یافته «اوروک» یا «اونوک» است که به معنی زادگاه» است. تاریخ نویسی به نام «اومستد» معتقد است که کلمه «اریگا» در اسناد تاریخی برجای مانده از قرن دوازدهم قبل از میلاد دیده می شود و کلمه «عراق» در روزگار ساسانیان و در حوالی قرن ششم و پنجم قبل از میلاد به تدریج در شعر جاهلی عرب ظاهر شده است.

در ماده دوم قانون اساسی عراق که در سال 1959 در روزنامه «الوقائع العراقية» منتشر گردید گفته شده است که کلمه عراق از کلمه قدیمی «اراک» گرفته شده است که بمعنی سرزمین آفتاب است.

موقعیت جغرافیایی عراق: عراق بین نصف النهار 38 درجه و 45 دقیقه تا 48 درجه و 45 دقیقه طول شرقی و مدارهای 28 درجه و 50 دقیقه تا 37 درجه و 15 دقیقه عرض شمالی واقع شده است و این موقعیت جغرافیایی آن را در منطقه معتدله شمالی قرار می دهد. این کشور از شمال به ترکیه و از شرق به ایران و از غرب به سوریه و اردن و از جنوب به عربستان سعودی و کویت و خلیج فارس محدود می شود که در این میان طول مرز آن با سوریه 600 کیلومتر و با اردن 140 کیلومتر و با عربستان سعودی 812 کیلومتر و با کویت 195 کیلومتر و با ترکیه 377 کیلومتر و با ایران 1300 کیلومتر می باشد.

مساحت عراق بالغ بر 438317 کیلومتر مربع است و تعداد جمعیت آن برحسب آمارگیری سال 1997 در حدود 22017983 نفر است، پایتخت آن شهر بغداد است که در وسط کشور و در دو طرف رودخانه دجله قرار گرفته است.

آب و هوا، آب و هوای عراق به پیروی از وضع ناهمواری، عرض جغرافیایی و جریان های عمومی هوا، در مناطق مختلف متفاوت است، به طوری که در مناطق کوهستانی شمال و مشرق، از آب و هوای کوهستانی با زمستان های سرد و بارانی و تابستان های معتدل برخوردار است که مشابه آن را در مناطقی از ایران، که از این نوع آب و هوا برخوردارند، می توان مشاهده کرد. در نواحی جنوب و جنوب غربی کشور به علت وزش بادهای سوزان عربستان آب و هوای گرم و خشک حاکم است. آب و هوای نواحی مرکزی نسبت به ناحیه قبلی از اعتدال بیشتری برخوردار است. در این بخش هرچه از شمال و مشرق به سمت جنوب و مغرب پیش برویم از میزان بارش، کاسته شده و بر درجه حرارت هوا افزوده می گردد. در مورد میزان بارندگی آن به طور کلی هرچه به سمت شمال شرقی عراق برویم بیشتر می شود و میزان آن از 50 میلی متر در زاویه جنوب غربی عراق تا 100 میلی متر در مناطق شرقی آن متغیر است که البته مناطقی با بارش های بالاتر از 500 میلی متر در نواحی شمال و شمال شرقی فراوان هستند و میانگین دمای سالیانه آن 22/05 درجه سانتیگراد است.

عراق از لحاظ منابع زیرزمینی کشوری ثروتمند است و دارای منابع سرشاری از نفت، گاز، گوگرد، فسفات و سایر معادن با ارزش است.

منابع آب عراق: دو رودخانه مهم دجله و فرات برای این کشور ارزش حیاتی دارند و آب مورد نیاز شرب و کشاورزی این کشور را تأمین می کنند، رودخانه دجله از زمین های ترکیه سرچشمه می گیرد و پس از عبور از سوریه و عراق به خلیج فارس می ریزد. میزان میانگین آبدهی آن 1/25 میلیون لیتر در ثانیه است و منابع اصلی این رودخانه عبارتند از: رودخانه های «زاب بزرگ»، «زاب کوچک» و «دیاله» که رودخانه زاب بزرگ از ترکیه سرچشمه می گیرد و رودخانه های زاب کوچک و دیاله از ایران

سرچشمه می گیرند. رودخانه دجله در منطقه «القرنه» در جنوب عراق به رودخانه الفرات می پیوندد و اروندرود را تشکیل می دهد. در دهه پنجاه میلادی سدی به نام نثرار در نزدیک سامرا بر روی رودخانه دجله بسته شد که توانست تا حدودی جلوی سیلابهای فصلی این رودخانه را بگیرد. رودخانه دجله در گذشته های دور رسوباتی را با خود آورده و دلتای حاصلخیزی را در نزدیکی خلیج فارس به وجود آورده است.

رودخانه فرات دومین رودخانه مهم عراق است که از خاک ترکیه سرچشمه می گیرد و بعد از عبور از خاک سوریه و عراق به خلیج فارس می ریزد. طول این رودخانه 2735 کیلومتر است و میزان آبدهی آن 887 هزار لیتر در ثانیه است منابع اصلی این رودخانه عبارتند از رودخانه های «قره سو» و «مراد» و تعدادی دیگر از رودها که تمامی آنها در خاک ترکیه جریان دارند سپس این رودخانه وارد سوریه می شود و در فاصله 120 کیلومتری شمال شرق حلب به رودخانه خابور می پیوندد و سپس وارد عراق شده و سمت غربی عراق را آبیاری می کند.

دریاچه های عراق: عراق سه دریاچه دارد که عبارتند از: حبانیه، دوکان، دربندیخان، که در این میان دریاچه حبانیه در فاصله 84 کیلومتری بغداد قرارداد و از اماکن توریستی مهم عراق به شمار می رود، اما دریاچه دوکان در فاصله 71 کیلومتری سلیمانیه و 141 کیلومتری کرکوک واقع شده است و دریاچه دربندی خان در فاصله 65 کیلومتری سلیمانیه و 268 کیلومتری بغداد قرار دارد.

اقوام ساکن در عراق: کشور عراق اقوام و نژادهای مختلفی دارد، اکثریت ساکنان عراق را اعراب تشکیل میدهند که اینان خود را از نواده های اقوام سامی دوران باستان می دانند اما حقیقت امر این است که هرچند قبل از ظهور اسلام تمدنهای عربی مندریان و غسانیان در این منطقه ساکن بوده اند، اما پس از فتح اسلامی، بسیاری از قبایل شبه جزیره عربستان و برخی از قبایل یمن به این منطقه کوچک کردند و در کنار سواحل پر آب رودخانه های دجله و فرات سکنی گزیدند.

کردها از اقوام بسیار مهم عراق هستند که از جهت تعداد در رتبه دوم قرار دارند،

کردها از نژاد آریایی بوده و زبان آنان کردی است اکثریت کردهای عراق سنی مذهب بوده و در استان های شمالی عراق سکونت دارند و در دوران حکومت بعث ظلم و ستم فراوانی بر آنان رفت. قبایلی از کردها نیز شیعه هستند که این قبایل به کردهای فیلی معروف اند.

سومین نژاد مهم عراق ترکمان ها هستند که اصل و ریشه آنها به سرزمین ترکمنستان باز می گردد و در دوره های مختلف تاریخی در زمان امویها و عباسیها و سپس مغولها و تاتارها به این سرزمین مهاجرت کردند و در آن مستقر شدند تعداد آنان بین یک و نیم تا دو میلیون نفر تخمین زده می شود و از شهر تلعفر در شمال عراق تا شهر مندلی در

جنوب این کشور پراکنده شده اند و مرکز آنان شهر کرکوک به شمار می رود. زبان آنان ترکمنی است و تعداد حروف آنان 32 حرف است. تمامی ترکمانها مسلمان بوده و در حدود 50٪ آنها شیعه و 50٪ باقیمانده سنی حنفی و شافعی هستند.

از دیگر اقوام عراق سریانی ها و کلدانی ها هستند که از ساکنان قدیمی این سرزمین بوده و در قرن اول میلادی پس از این که آرامی ها به دین مسیحیت گرویدند، نام سریان را به جای نام آرامی بر خود نهادند و زبان آنها که زبان آرامی بود زبان رسمی کیسای سریان گردید و در قرون اولیه اسلامی کتاب های زیادی از این زبان به زبان عربی ترجمه شد و بسیاری از افراد این طایفه در روزگار عباسیها به کار طبابت و تعلیم و تدریس و کار دیوانی مشغول بودند اکثر سریانها در شهر موصل ساکن هستند و اکنون یکی از فرقه های ارتودکس به شمار می روند و اما کلدانی ها که از اقوام باستانی عراق هستند، مسیحی بوده و بیشتر در شهرهای موصل و بغداد و بصره و روستاهای متفرقه ای از استان موصل زندگی می کنند.

صابتیه یکی دیگر از اقوام ساکن در عراق هستند که در کنار تالاب های جنوبی عراق سکونت دارند، آنان پیروان حضرت یحیی سال هستند و تعدادی از آنها در خوزستان ایران نیز ساکن هستند. نام این طایفه در قرآن آمده است. کتاب مقدس آنان «کنز اربا» نام دارد. آنان معمولا در کنار رودخانه ها سکنی میگزینند، زیرا که بسیاری از آداب و رسوم

مذهبی آنان مرتبط با آب جاری است که از آن جمله می توان غسل تعمید در رودخانه را ذکر نمود.

تاریخ عراق

عراق یکی از قدیمی ترین و باستانی ترین کشورهای خاورمیانه است که تاریخ تمدن آن به هزاره پنجم قبل از میلاد باز می گردد. این سرزمین به علت عبور دورودخانه دجله فرات به سرزمین بین النهرین معروف است و تا کنون شاهد تمدن های کهن و درخشانی نظیر: سومری ها، آشوریها، بابلی ها، آکدیها، کلدانیها و غیره بوده است که ما در این جا به صورت بسیار مختصر و گذرا به بررسی تاریخ کهن این سرزمین می پردازیم.



نقشه کشور عراق

نقشه کشور عراق

سومری ها (500-2300 ق. م)

در آغاز هزاره پنجم قبل از میلاد منطقه بین النهرین شاهد جهشی بزرگ در تمدن بشری بود، و آن جهش انتقال آدمی از روستاهای کوچک زارعی به زندگی شهرنشینی بود و در همین هنگام بود که شهرهای اولیه مانند اریدو، اور و وورکاء به وجود آمدند و در همین شهرها بود که آدمی برای اولین بار برای جلوگیری از سیل و ساختن سد و کندن کانال های آبیاری تلاش های با ارزشی را آغاز نمود، به گونه ای که پس از مدتی با ساختن کانال های وسیع آبیاری توانستند یکی از معجزه های بشری در زمینه آب رسانی به مناطق کشاورزی را از خود به یادگار بگذارند. بسیاری از باستان شناسان جهان معتقدند که سومریها بنیانگذار قدیمی ترین تمدن بشری هستند و این تصور نتیجه مطالعات باستان شناسی متعددی بوده که در این منطقه صورت گرفته است.

در حوالی سال 3200 قبل از میلاد، سومری ها حروف الفبا را ابداع کردند و بدین وسیله اولین ملتی بودند که آثار مکتوب از خود برجای گذاشتند. آنان همچنین تلاش می کردند که این حروف را در بین سایر ملت های جهان منتشر سازند و بدین گونه بود که اولین مدارس در تاریخ بشریت به وجود آمد. سومری ها بر اثر حملات اکدی ها از بین رفتند.

اکدی ها (2300-2109 ق. م)

اکدی ها یکی از کهن ترین اقوام سامی بودند که در سرزمین بین النهرین سکونت گزیدند. آنان از دیرباز در کنار سومری ها ساکن بودند و عاقبت در سال 2350 قبل از میلاد موفق شدند که به وسیله سرگون اکدی قدرت را به دست آورده و امپراتوری وسیع خود را پایه گذاری کنند. سرگون اکدی در آغاز تمامی شهرهای عراق را تصرف کرد و سپس نفوذ خود را بر سرزمین های عیلام، سوریه و آناتولی گسترش داد و بدین گونه بود که اولین امپراتوری شناخته شده در جهان را به وجود آورد.

براساس داستان های تاریخی، مادر سرگون اکدی یکی از زنان معبد الهه عشتار بود و

پس از اینکه او را به دنیا آورد، او را در سبیدی گذاشت و به رودخانه فرات سپرد تا آنکه عاقبت کشاورزی او را از آب گرفته و پرورش داد و چون سرگون برومند شد مورد توجه الهه عشتار قرار گرفت و بدین گونه او توانست قدرت را در دست گرفته و امپراتوری نیرومند خود را به وجود آورد. در این دوره تاریخی سرزمین بین النهرین به علت توسعه روابط تجاری با همسایگان شاهد رشد اقتصادی چشمگیری بود. لذا مسیرهای کاروان روزیادی از شهر «کد» پایتخت امپراتوری به سوی سایر مناطق جهان کشیده شد و از جمله آنها جاده ای بود که به معادن مس در سرزمین آناتول کشیده شده بود و از تولیدات آن برای ساخت اسلحه استفاده می شد.

عیلامی ها (2159-1894 ق. م)

عیلامیها یکی از اقوام باستانی ساکن در کوهستان های شمال خوزستان بودند که پایتخت آنها شهر شوش دانیال بود.⁽¹⁾ آنان مردمی دلیر و جنگجو بودند و بر اثر شجاعت و دلاوری های خود توانستند بر اکدی ها پیروز شده و شهرهای بین النهرین را به تصرف خود در آورند. عیلامیها آثار باستانی متعددی در مناطقی از ایران و عراق از خود برجای نهادند.

بابلیها (1894-1594 ق. م)

تعداد پادشاهان بابلی که به سلسله «آموری ها» یا «عموری ها» معروفند یازده پادشاه بود که توانستند مدت سه قرن پادشاهی کنند. در این دوره سرزمین بین النهرین به اوج تمدن و شکوفایی خود رسید و زبان بابلی از دو جهت گفتاری و نوشتاری بر منطقه حاکم شد و علوم و معارف بشری به شدت توسعه یافت و تجارت به نحو چشمگیر و بی همانندی رشد نمود. حکومت مرکزی در این دوره براساس قوانینی که حمورایی

ص: 28

پایه گذاری کرده بود اداره می شد. حمورابی پادشاه بزرگ بابل در طی سال 1792 تا 1750 قبل از میلاد می زیست. وقتی که او به قدرت رسید کشور دچار ناآرامی و ملوک الطوائفی بود و او توانست باهوش و قدرت خود وحدت و یکپارچگی را برای سرزمینش به ارمغان آورد و امپراتوری بزرگی بنیان نهاد که علاوه بر تمامی شهرهای بین النهرین، شهرهایی از سرزمین شام تا سواحل دریای مدیترانه و سرزمین عیلام و مناطق دیگری از جهان را در بر گیرد. حمورابی علاوه بر دانش خوب نظامی، از لحاظ اداری نیز شخصیت برجسته و بزرگی بود و سنگ نوشته معروف او که بر سنگ دیوریت سیاه حک شده است و اکنون در موزه لوور فرانسه نگهداری می شود، یکی از بهترین و قدیمی ترین قوانین جهانی را شامل می گردد. این سنگ نوشته در 282 ماده قانونی تمام امور زندگی شهری و کشوری را مورد بررسی و دقت نظر قرار داده است و وظایف افراد را در قبال قانون مشخص و روشن می سازد.

پس از حمورابی پنج پادشاه بابل دیگر به قدرت رسیدند و آخرین آنها «سمسو دینانا» بود و در سال 1594 قبل از میلاد و در دوران سلطنت همین پادشاه بود که هیتی ها به سرزمین بابل یورش بردند و پایتخت آن را ویران کرده و گنج های آن را به غارت بردند.

کشیا (1680-1157 ق. م)

کشیا اقوامی کوهستانی بودند که درباره منشأ و ریشه آنها و زبانشان چیزی نمی دانیم و تنها چندین بار نام آنان در متون بابلی آمده است و به نظر می رسد که آنها یکی از اقوام هند و اروپایی باشند. آنان از کوه های شمال شرقی بین النهرین و از منطقه لرستان فعلی به سوی بابل یورش بردند و پس از عقب نشینی هیتی ها موفق به تصرف بابل شده و در آن سلسله ای از پادشاهان کشی را تأسیس کردند که در حقیقت وارث تمدن کهن بابلی گردید. پادشاهان این سلسله لقب «پادشاه بابل واکد» را بر خود نهادند. مشهورترین پادشاهان این سلسله «کور یکلزو» (1438-1412 قبل از میلاد) بود که همزمان با دوره سلطنت «امنوفیس دوم» فرعون مصر می زیست و پایتختی جدید به نام

«دور کوریکلزو» برای خود بنا کرد که بقایای تاریخی آن امروزه به نام «عقرقوف» نامیده می شود و در فاصله 25 کیلومتری شمال غربی بغداد قرار دارد و در آن زیگورات بسیار بلندی برای عبادت انلیل (1) وجود دارد که تا کنون باقی مانده است.

کشی ها در حقیقت چیزهای تازه ای به تمدن بین النهرین اضافه نکردند بلکه از تمدن های قدیمی منطقه مطالبی را اقتباس کردند و ارتباطات خوبی با سایر کشورهای شرق قدیم برقرار کردند و آثار برجای مانده از «تل العمارنه» به این مسأله اشاره دارد.

آشوری ها (1300-606 ق.م)

آشوری ها از جمله قبایل سامی بودند که در آغاز هزاره سوم قبل از میلاد به شمال عراق مهاجرت کردند. آنها به مدت طولانی در زیر چتر نفوذ سومری ها و بابلیها زندگی کردند تا آن که عاقبت در هزاره اول قبل از میلاد یکی از پادشاهان آنان به نام «داد نیراری دوم» توانست سایر سرزمین های مجاور را به زیر سلطه خود در آورده و با بابل هم پیمان شود و او بود که توانست با فتوحات پی در پی خود امپراتوری باشکوه آشور را پایه ریزی کند و در سرزمین بین النهرین امپراتوری بزرگی به وجود آورد. این امپراتوری علاوه بر سرتاسر عراق، سرزمین های شرق دریای مدیترانه و شمال آن را تا حدود ارمنستان فعلی در سیطره خود در آورد.

مشهورترین پادشاهان آشور عبارت بودند از: آشور ناصیر بال دوم (858-884 ق.م)، سنحاریب (705-681 ق.م) و آشوربانی پال (669-629 ق.م).

کلدانها (626-539 ق.م)

در سال 612 ق. م شهر نینوا که پایتخت آشوری ها بود توسط پادشاه کلدانی «نبو بلاسر» فتح شد و این پادشاه موفق شد که برج و باروی شهر را ویران کند و به همین علت

ص: 30

1- یکی از خدایان قدیمی بین النهرین است که به خدای آسمان نیز معروف است.

آخرین پادشاه آشوری که (سن شر آشوکن) نامیده می شد در قصر خود اقدام به خودکشی کرد و بدین گونه قدرت سیاسی و نظامی آشور رو به افول گذاشت و کلدانی ها قدرت را به دست گرفتند.

بزرگترین پادشاه کلدانی (بخت النصر) بود که مدت 43 سال سلطنت کرد و به آبادانی پایتخت خود (بابل) اهمیت فراوانی داد. او توانست به فلسطین حمله کرده و حکومت یهودیان بر این منطقه را ساقط نموده و قوم یهود را به اسارت کشیده و به بابل بیاورد.

از مهم ترین کارهای بخت النصر ساختن باغ های معلق بابل است که این باغ ها را بخت النصر به افتخار همسرش شاهدخت (آمانیس) دختر (استیاکیس) پادشاه ماد بنا کرد و چون همسرش به زندگی کوهستانی عادت داشت و از زندگی در دشت های بین النهرین خسته و دلگیر شده بود، بخت النصر دستور داد که قصر چندین طبقه ای برای او بنا کنند که هر طبقه آن پر از درخت و گل و گیاه باشد و با روش های مهندسی بسیار دقیقی توانست آب را به بالا انتقال دهد تا این گیاهان سیراب شوند. از دیگر کارهای بزرگ او ساخت دروازه بسیار زیبایی (عشتار) بود که اکنون در موزه برلین نگهداری می شود. بر روی این دروازه با شکوه نقش های دیواری زیبایی از شیر و گاو نر و حیوان افسانه ای (مشخشو) که سمبل خدای مردوک (1) بود نقش بسته است. ارتفاع دروازه عشتار با برج های آن بالغ بر پنجاه متر و عرض آن هشت متر بود.

این دروازه به خیابان (کاروان ها) منتهی می شد که طول آن بیش از یکصد متر بود و در دو طرف آن برج های متعددی قرار داشت. کارهای عمرانی بخت النصر همچنین شامل ساختن ترعه ها (2) و سدهای مختلف در بین النهرین بود.

پس از مرگ بخت النصر (سال 562 ق. م) جانشینان وی پادشاهانی ضعیف و بی اراده بودند که نتوانستند از امپراتوری بزرگی که او برپا کرده بود محافظت کنند و عاقبت در سال 539 ق. م کوروش کبیر پادشاه ایران توانست به کمک یهودیانی که در بابل

ص: 31

1- خدای یزرگ بابلیان (ویراستار)

2- قنات و آبگیر

زندگی می کردند به این کشور حمله کرده و پایتخت آن را متصرف شود و بدین گونه بود که به ترتیب پادشاهان هخامنشی و پس از آنها اسکندر مقدونی و سلوکی ها و فرتی ها و ساسانی ها بر این سرزمین حکومت کردند و حتی پایتخت ساسانیان در شهر تیسفون یا مدائن قرار داشت که در خاک بین النهرین واقع شده بود و فاصله چندانی تا بغداد نداشت و در سال 637 م در دوران پادشاهی یزدگرد سوم لشکر مسلمانان به رهبری سعد بن ابی وقاص به لشکر ساسانی حمله بردند و پس از نبرد قادسیه توانستند که امپراتوری ایران را ساقط نموده و در سال 642 م مجدداً در نبرد نهاوند آنان را شکست دهند و بدین گونه بود که نه تنها عراق بلکه تمامی سرزمین ایران نیز به تصرف اعراب درآمد. یزدگرد سوم فرار کرد و عاقبت در سال 651 م کشته شد.

مادها و پارس ها (331 539 ق. م):

سه قوم ماد، پارس و پارت از اقوام ایرانی بودند که در فلات قاره ایران می زیستند، مادها در غرب، پارس ها در جنوب و پارت ها در شرق سکونت داشتند. ابتدا مادها دولتی را در غرب ایران تشکیل دادند، اما چندی نگذشت که کوروش کبیر موفق شد با تصرف سرزمین مادها امپراتوری وسیع هخامنشی را تأسیس کند. این دولت با غلبه بر عراق، آسیای صغیر و مصر توانست دولتی مقتدر و ثروتمند را به وجود آورد. کوروش پس از تصرف بابل به یهودی های اسیر این شهر اجازه داد که به سرزمین فلسطین بازگردند.

پایتخت امپراتوری هخامنشی تخت جمشید بود و این امپراتوری عاقبت توسط اسکندر مقدونی از بین رفت (1).

یونانی ها (331-247 ق. م):

اسکندر مقدونی در راه تصرف تخت جمشید موفق شد که تمامی شهرهای

ص: 32

بین النهرین را تصرف کند. پس از درگذشت اسکندر جانشینان وی سلسله پادشاهی سلوکیان را به وجود آوردند که حکومت آنها تا سال 247 ق. م ادامه داشت.

پارتی ها (247 ق. م - 226 م.):

پارتی ها از اقوام آریایی ساکن در خراسان کنونی بودند که به تدریج توانستند متصرفات خود را توسعه داده و عاقبت سلوکیان را از ایران و عراق بیرون کنند و به مدت 473 سال حکومت کنند. پایتخت آنان شهر تیسفون بود و عاقبت آخرین پادشاه آنان (اردوان) در سال 226 م توسط ساسانی ها از بین رفت. (1)

ساسانی ها (226 م - 652 م.):

امپراتوری ساسانی مدت چهار قرن حکومت کرد، پایتخت آنها شهر تیسفون یا مدائن بود و علت تسمیه این شهر به مدائن این بود که شهر تیسفون از دوازده محله بسیار بزرگ و آباد تشکیل می شد و هنگامی که این شهر در سال 16 ه. ق به دست لشکریان اسلام افتاد عرب ها این شهر را مدائن نامیدند که به معنی (شهرها) است. آخرین پادشاه این سلسله یزدگرد سوم بود که پس از شکست در مقابل لشکریان مسلمان فرار کرد و در شهر مرو توسط آسیابانی کشته شد.

دوران اسلامی:

اعراب قبل از اسلام نیز موفق شده بودند که دولتهای محلی کوچکی در بین النهرین برپا کنند هرچند که این دولت ها مستقل نبودند و معمولاً دست نشانده یکی از دو قدرت آن روزگار یعنی امپراتوری ایران و یا امپراتوری رم شرقی بودند اما به هر حال ذکر و شرح این پادشاهان عرب در تاریخ قبل از اسلام به دقت ثبت شده است. آنان توانستند

ص: 33

شهرهایی را در بین النهرین و بر سرراه قافله های تجاری به وجود آوردند و در این شهرها تمدن فارسی و بیزانسی و هلنیستی با تمدن عربی درهم آمیخته بود. از جمله این تمدن ها و شهرها می توان از نبطی ها در البتراء، آل نصر و در حضر، اعراب تدمر، غسانی ها در وادی حوران جنوب دمشق و منذری ها و لخمی ها در حیره بابل نام برد که این دولت های محلی کوچک تا دوره فتح اسلامی پابرجا بودند.

لشکریان مسلمان در دوران خلافت عمر به فرماندهی سعد بن ابی وقاص به عراق حمله کردند و موفق به شکست لشکریان امپراتوری ساسانی شده و نه تنها عراق بلکه سرزمین ایران را نیز به تصرف خود درآوردند. ابتدا پایتخت این امپراتوری نوپدید شهر مدینه بود، اما سال 36 ه ق امیر المومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) شهر نوین کوفه را به عنوان پایتخت حکومت اسلامی انتخاب کرد. پس از شهادت حضرت علی (علیه السلام) در سال 41 ه ق حکومت به دست اموی ها افتاد و آنان شهر دمشق را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند.

اموی ها (41 ه ق تا 132 ه ق):

هرچند که در دوران اموی ها پایتخت از کوفه به دمشق منتقل گردید و این امر باعث شد که قدرت سیاسی به سرزمین شام منتقل شود اما با این وجود دو مرکز فرهنگی و تجاری بزرگ عراق یعنی کوفه و بصره از اهمیت زیادی برخوردار بوده و دانشمندان این دو شهر در تمامی زمینه های فکری و فرهنگی پیشتاز بوده و در جهان اسلام نامدار و معروف بودند و مدارس علمی موجود در این شهرها پذیرای طلاب و فرهیختگان زیادی بود که از اقطار مختلف و سرزمین های دور و نزدیک به منظور کسب علم راهی این منطقه می شدند، همچنین از جهت تحركات سیاسی نیز این منطقه پیشتاز بود و تقریباً تمامی شورش ها و انقلاب هایی که در دوران بنی امیه اتفاق افتاده بود، در این سرزمین رخ داد.

پس از سقوط بنی امیه و به قدرت رسیدن بنی عباس، سرزمین عراق مجدداً رونق یافت. در آغاز ابوالعباس سفاح اولین خلیفه عباسی شهر (هاشمیه) در نزدیکی حله را به پایتختی انتخاب کرد، چندی نگذشت که ابوجعفر منصور دوانقی دومین خلیفه عباسی شهر بغداد را به عنوان پایتخت برگزید و این شهر برای قرن ها پایتخت خلافت به شمار می رفت. در دوران عباسی بغداد شکوفا گردید و مدارس علمی، بیمارستانها و کتابخانه های متعددی در آن ساخته شد و سیل دانشجویان و طلاب علم از اقصی نقاط جهان به سوی آن سرازیر گردید. اوج عظمت بغداد در دوران هارون الرشید و پسرش مأمون بود. هارون الرشید علاوه بر ارتباط با پادشاهان کشورهای همسایه توانست با شارلمانی اول (1) روابط سیاسی برقرار کند و برای او اولین ساعت ساخته شده در آن روزگار را به عنوان هدیه بفرستد. مأمون نیز به مباحثات علمی علاقه فراوانی داشت و بسیاری از مناظره ها و مباحثه ها در حضور وی انجام می شد. مأمون همچنین با تأسیس دارالحکمه دستور داد تا تمامی آثار علمی یونانی، فارسی، سریانی، قبطی و رومی به زبان عربی ترجمه شود و این کار وی باعث شد که بعدها نهضت بزرگی در علوم مختلف نظیر فلسفه و طب و گیاه شناسی و منطق در جهان اسلام پدید آید. همچنین در این دوران عمران، تجارت و زراعت رونق خاصی داشت و کشتی های تجاری بازرگانان مسلمان دریاها و اقیانوس های بزرگ را در می نوردیدند و در بین کشورهای مختلف آن روزگار نظیر هندوستان و چین و زنگبار رفت و آمد می کردند.

در سال 656 ه. ق آخرین پادشاه عباسی که المستعصم نام داشت توسط هلاکوخان به قتل رسید و بدین گونه خلافت عباسی منقرض گردید. (2)

ص: 35

1- شارلمانی، کارل بزرگ (748 -) Carolus Magnus م 814 م) امپراتور فرانکها از نظر اروپائیها پدر کشورهای فرانسه و آلمان می باشد. (ویراستار)

2- عبدالرزاق الحسینی، العراق قدیما و حدیثا

ایلخانی‌ها (656-738 ه ق):

پس از درگذشت هلاکو، جانشینان وی که به نام ایلخانی معروف بودند مدت هشتاد سال بر عراق حکومت کردند. برخی از پادشاهان ایلخانی به دین مبین اسلام مشرف شده و برخی نیز بر دین نیاکان خود باقی ماندند. سلسله ایلخانی‌ها عاقبت توسط (شیخ حسن جلایری) منقرض شد.

جلایری‌ها (738-813 ه ق):

این خاندان مدت هفتاد و پنج سال بر عراق حکومت کردند و تعدادی از پادشاهان این سلسله در بازسازی و تعمیر اماکن مقدس عراق نقش مهمی را ایفا کردند.

آق قویونلو و قراقویونلو (813-914 ه ق):

دو ایل ترک تبار بودند که مدت یک قرن بر عراق حکومت کردند.

صفوی‌ها (914-941 ه ق):

در سال 914 ه ق شاه اسماعیل صفوی موفق به فتح بغداد شد و پس از او فرزندش شاه طهماسب نیز تا سال 941 ه ق عراق را جزو متصرفات خود داشت. در این سال سلطان سلیمان قانونی، پادشاه عثمانی موفق شد بغداد را تصرف کند. البته شاه عباس صفوی در سال 1033 ه ق موفق شد بار دیگر عراق را به تصرف خود درآورد و این سرزمین تا سال 1049 ه ق در تصرف ایران بود اما عاقبت در سال 1049 ه ق سلطان مراد چهارم بغداد را فتح کرد و عراق را مجدداً به تصرف عثمانی‌ها درآورد.

عثمانی‌ها (1049-1335 ه ق):

عثمانی‌ها مدت سه قرن بر عراق حکومت کردند و فقط در دوره سلطنت نادرشاه افشار، وی توانست در سال 1146 ه ق این سرزمین را برای مدت کوتاهی به تصرف

خود در آورد، اما چندی نپایید که عاقبت عثمانی ها مجدداً عراق را به تصرف در آوردند و بدین گونه بود که عراق بعنوان یکی از ولایات عثمانی توسط والی منصوب از طرف خلیفه عثمانی اداره می شد. سیطره عثمانی ها بر عراق تا جنگ جهانی اول ادامه یافت.

استعمار انگلیس (1914-1918 م):

ذخایر غنی نفت و موقعیت استراتژیک سرزمین عراق اهمیت زیادی برای انگلیسی ها داشت و با آغاز جنگ اول جهانی در سال 1914 م، انگلیس به بصره حمله کرد و آنجا را به تصرف خود در آورد و در سوم ژوئن 1915 میلادی شهر العماره را به تصرف در آورد و در 25 جولای 1915 شهر ناصریه را فتح نمود و به سوی بغداد حمله کرد اما لشکریان انگلیسی در شهر کوت شکست سختی خوردند و پس از پنج ماه محاصره در 29 آوریل 1916 میلادی مجبور به تسلیم شدند. در اوایل سال 1917 میلادی انگلیس دوباره به بغداد حمله کرد و در روز 11 مارس 1917 لشکریان انگلیسی به رهبری ژنرال مود بغداد را فتح کرده و به سوی شمال عراق حرکت کردند و در 8 نوامبر 1918 شهر موصل سقوط کرد و بدین گونه بود که عراق کاملاً به تصرف انگلیس در آمد.

در سال 1920 میلادی ملت عراق بر علیه انگلیسی ها قیام کردند و هسته مرکزی این قیام شهر نجف بود، زیرا اکثریت علما و مراجع شیعه در این شهر زندگی می کردند و بر اثر فتوای آنان و استجاب آن از طرف عشایر شیعه جنوب و سایر شهروندان، عاقبت در روز یکشنبه 15 شوال سال 1338 ه ق قیامی همه جانبه علیه انگلیس صورت گرفت و سربازان انگلیسی در جبهه های مختلف با عراقی ها درگیر شده و بالا جبار از شهر نجف به کوفه عقب نشینی کردند. عراقی ها موفق شدند که در بسیاری از جبهه ها اسرای زیادی را دستگیر نموده و به مقر فرماندهی انقلاب که در نجف مستقر بود اعزام نمایند، تنها از نبرد (رازنجه) 160 اسیر انگلیسی به شهر نجف اعزام شدند. در این انقلاب، ملت عراق موفق به شکست انگلیس شد و الگوی سایر ملل مسلمان جهان گردید. در تاریخ عراق این

جنبش به نام (توره العشرین) شهرت دارد. (1)

دولت پادشاهی عراق (1921-1958 م):

وقتی انگلیسی‌ها مشاهده کردند که در تصرف مستقیم عراق نمی‌توانند اهداف استعماری خود را پیاده کنند، با آوردن ملک فیصل اول دست نشانده معروف خود به عراق سلسله پادشاهی جدیدی را در این کشور پی‌ریزی کردند و بدین گونه عراق کشوری پادشاهی شد و در سوم اکتبر سال 1932 از طرف مجمع ملل متحد (2) به عنوان کشور پادشاهی مستقل اعلام گردید.

پس از ملک فیصل، پادشاهی به فرزندش ملک غازی و پس از او به ملک فیصل دوم رسید و با توجه به اینکه ملک فیصل دوم کودکی بیش نبود، دایی وی که (عبداله) نام داشت قیمومیت او را بر عهده گرفت و با کمک نخست وزیر عراق (نوری السعید) کشور را اداره کرد تا عاقبت در 14 جولای سال 1958 م یکی از افسران ارتش عراق به نام (عبدالکریم قاسم) علیه سیستم پادشاهی عراق قیام کرده و نظام حکومتی کشورش را جمهوری اعلام کرد.

دولت جمهوری عراق (1958-2003 م):

عبدالکریم قاسم سه سال حکومت کرد و عاقبت طی کودتایی توسط عبدالسلام عارف برکنار گردید و خود عبدالسلام نیز پس از مدتی بر اثر سقوط هلی کوپتر خود که عازم بصره بود درگذشت و برادر بی کفایت وی به نام (عبدالرحمن عارف) به قدرت رسید.

در 17 جولای 1968 م حزب بعث توانست با کودتایی حکومت را به دست گیرد. در

ص: 38

-
- 1- علمای بزرگ نجف در این پیروزی نقش مهمی داشتند از جمله شیخ الشریعه (حاج میرزا فتح ال .. نمازی) مرجع بزرگ آن وقت که ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را بر عهده گرفت (ویراستار)
 - 2- (2) مجمع ملل متحد نام سازمانی بود که بعدها منحل شد و جای خود را به سازمان ملل متحد داد.

2 سپتامبر 1968 م قانون اساسی موقت عراق طرح شد و تاریخ اجرای آن را 16 جولای 1970 اعلام کردند. بدین گونه بود که احمد حسن البکر رئیس جمهور عراق شد، اما چندی نپایید که قدرت تدریجاً به دست صدام حسین معاون قدرتمندش افتاد. در سال 1979 م صدام حسین با برکنار کردن محترمانه احمد حسن البکر قدرت را به دست گرفت و در طی حکومت ظالمانه اش جنگی هشت ساله بر ایران و جنگ یکساله ای را برکویت تحمیل نمود و کشور عراق را به مدت بیش از ده سال دچار تحریم اقتصادی نمود. وی در مدت حکومتش بیش از چهار میلیون نفر از مردم عراق را به قتل رساند.

در ماه مارس 2003 حمله نیروهای آمریکائی و انگلیسی به عراق آغاز شد و در 9 آوریل 2003 م پس از سقوط بغداد، صدام حسین توانست از دست نیروهای آمریکایی فرار کرده و در شهر نکریت مخفی شود.

در روز 13 جولای 2003 پل بریمر حاکم عراق اقدام به تشکیل مجلس حکومت انتقالی متشکل از بیست و پنج عضو نمود و به این مجلس اختیارات قانونگذاری و اجرایی را واگذار نمود که البته آمریکا می توانست این تصمیمات را در صورت لزوم وتو کند. عاقبت صدام حسین در شامگاه روز شنبه 22 آذر ماه 1382 در شهرک الدوره در نزدیکی نکریت توسط نیروهای آمریکایی دستگیر شد و حکومت ننگین حزب بعث بر عراق پایان یافت.

استانهای عراق:

اشاره

عراق 18 استان دارد که به ترتیب عبارتند از: بصره، المثنی، ذی قار، میسان، نجف، کربلا، انبار، قادسیه، بابل، واسط، دیالی، بغداد، صلاح الدین، سلیمانیه، التأمیم، نینوی، اربیل و دهوک.

1. استان بغداد:

مرکز این استان شهر بغداد است که پایتخت عراق به شمار می رود. این شهر توسط

ابوجعفر منصور خلیفه عباسی بنا شد و جز دوره ای کوتاه، در تمام دوران خلافت عباسی پایتخت این دولت به شمار می رفت. این شهر محل تولد و درگذشت بسیاری از شخصیت ها و علمای مذاهب مختلف بود و زمانی بزرگترین کتابخانه ها و مدارس اسلامی جهان در این شهر قرار داشتند. شهر کاظمین در غرب بغداد واقع است و دربرگیرنده مرقد مطهر حضرت امام کاظم (علیه السلام) و امام محمد تقی (علیه السلام) می باشد. شهر بغداد علاوه بر دربرگرفتن بسیاری از اماکن شیعه، به علت وجود قبر ابوحنیفه که به امام اعظم معروف است و همچنین قبر عبدالقادر گیلانی که به (حرم قادری) معروف است و شیخ عمر سهروردی و معروف کرخی و برخی دیگر از رهبران مذهبی اهل تسنن، برای برادران اهل تسنن نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. در بغداد همچنین کلیساهای قدیمی نظیر کلیسای لاتین، کلیسای ارمنی ارتودکس، کلیسای کلدانی و کلیسای سریان کاتولیک قرار دارند. آثار تاریخی بغداد نیز شامل: مدرسه مستنصریه، قصر عباسی، مدرسه مرجانیه، کاروانسرای مرجان، باروی بغداد و دروازه های قدیمی باب المعظم، باب الظفریه، باب الحلبه و باب البصلیه می باشد. از آثار باستانی مهم و نزدیک شهر بغداد، شهر مدائن یا تیسفون است که در حقیقت آثار طاق کسری و یا قصر خسرو پرویز است و در نزدیکی آن قبر صحابی جلیل القدر سلمان فارسی و همچنین قبر حدیفه یمانی قرار دارد. شهر بغداد چندین موزه مهم دارد که عبارتند از: موزه عراق، موزه بغداد، موزه لباس های محلی و فرهنگ ملی، موزه جنگ، موزه تاریخ طبیعی، موزه هنرمندان عراق و موزه هنرهای زیبا که متأسفانه این موزه ها در خلال جنگ اخیر آمریکا با عراق و پس از سقوط رژیم حاکم در عراق توسط افراد ناشناس به تاراج رفتند. استان بغداد سه شهرستان دارد که عبارتند از: بغداد، رصافه و کاظمین.

2. استان نجف:

مرکز این استان شهر نجف است که از شهرهای قدیمی عراق به شمار می رود و به علت وجود مرقد مطهر امام علی (علیه السلام) در این شهر، برای شیعیان جهان از اهمیت خاصی

برخوردار است. فاصله نجف تا بغداد 161 کیلومتر است. دیگر اماکن مقدس نجف عبارتند از: مرقد پیامبران خدا هود و صالح (علیه السلام)، مرقد صحابی جلیل القدر (صافی الصفا)، مرقد صحابی جلیل القدر (کمیل بن زیاد نخعی) و مرقد امامزاده ابراهیم بن حسن مثنی. در فاصله ده کیلومتری نجف، شهر قدیمی و معروف کوفه واقع است که زمانی پایتخت حکومت حضرت علی (علیه السلام) بود. در شهرکوفه مرقد مسلم بن عقیل، مرقد هانی بن عروه، مرقد مختار ثقفی، مرقد میثم تمار و مرقد خدیجه دختر امام علی (علیه السلام) قرار دارد. از مساجد معروف استان نجف می توان مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد صعصعه بن صوحان را نام برد. در قبرستان شهر نجف که به قبرستان وادی السلام معروف است بسیاری از بزرگان شیعه، شاهان و شاهزادگان و وزرا و علمای معروف به خاک سپرده شده اند.

3. استان کربلا:

مرکز این استان شهر کربلا است که از شهرهای زیارتی بسیار مهم شیعیان جهان به شمار می رود. فاصله کربلا تا بغداد 108 کیلومتر است. در این شهر علاوه بر مرقد مطهر امام حسین (علیه السلام) و مرقد مطهر ابوالفضل العباس (علیه السلام) اماکن مقدس دیگری نظیر: مرقد حر بن یزید ریاحی، مرقد عون بن عبدالله، مرقد شهدای کربلا، مرقد امامزاده سید ابراهیم مجاب، مرقد حبیب بن مظاهر اسدی، مرقد آخرس بن کاظم، مرقد ابن حمزه، مرقد احمد بن هاشم، خیمه گاه حسینی و تل زینبیه قرار دارد. استان کربلا دارای سه شهرستان به نام های کربلا، سده الهندیه و عین تمر می باشد از آثار باستانی استان کربلا می توان از دژ الاخیضر نام برد که در 48 کیلومتری جنوب شهر کربلا و در فاصله 150 کیلومتری بغداد و بر سر راه قدیم حلب بصره واقع شده است، غارهای (الطار) که در فاصله 30 کیلومتری جنوب شهر کربلا واقع شده و شامل 400 غار باستانی است، منطقه باستانی الاقیصر که در فاصله 10 کیلومتری شمال غربی دژ الاخیضر و بالاخره قصر شمعون که در شهرستان عین تمر قرار دارد. شهر کربلا به ساختن سنتی کاشی سرامیک ظروف فلزی مسی و نقره ای و

برخی از صنایع دستی دیگر معروف است. این شهر دارای 102 هتل است که 4 هتل آن درجه يك، 18 هتل درجه دو، 27 هتل درجه سه، 53 هتل درجه چهار می باشند.

4. استان بصره:

مرکز این استان شهر بصره است که در فاصله 549 کیلومتری بغداد قرار دارد. مساحت استان بصره در حدود 19070 کیلومتر مربع است. شهر بصره در سال 14 ه ق/ 635 م توسط شخصی به نام عتبه بن غزوان در کنار روستای کوچکی به نام (بصیره) ساخته شد و اولین شهری بود که توسط مسلمانان بنا شد. شهر بصره به علت نزدیکی به خلیج فارس اهمیت فوق العاده ای برای عراق دارد و دو بندر فاو و ام القصر در حقیقت تنها راه ارتباط دریایی عراق با جهان خارج را تشکیل می دهند. فرودگاه بصره بین المللی بوده و آن را به سایر شهرهای جهان مرتبط می سازد. آب و هوای بصره گرم و معتدل است. اکثریت اهالی آن را شیعیان تشکیل می دهند اما اماکن زیارتی چندانی در این شهر وجود ندارد. اماکن زیارتی برادران اهل تسنن در استان بصره عبارتند از: مرقد طلحه بن عبید الله، مرقد زبیر بن عوام، مرقد حسن بصری. در استان بصره 635 رودخانه وجود دارد که از دو طرف شرق و غرب بصره به اروند رود می ریزند و مهمترین این رودخانه ها عبارتند از: رودخانه الرباط که منسوب به رباط مالك بن دینار صوفی معروف بصری است، رودخانه الخندق که در سال 270 ه ق کنده شده است، رودخانه العشار که احتمالاً سال 700 ه ق توسط برخی از عشایر بصره حفر شده است، رودخانه الخوره که طول آن ده کیلومتر است و یکی از زیباترین رودخانه های بصره به شمار می رود، رودخانه السراجی و رودخانه های دیگری نظیر: الابله، الداکیر، ابوفلوس، سیحان، بویب، ابوسلال، باب الهوی، شتوی، شبطنیه فجه العرب و مقام است. شهر بصره دارای دانشگاه بزرگی است و یکی از مراکز مهم تولید خرما در عراق می باشد.

5. استان صلاح الدین:

مرکز این استان شهر تکریت است که در فاصله 175 کیلومتری بغداد قرار دارد. تکریت زادگاه صدام حسین می باشد که بر اثر تلاش های وی رونق بسیاری یافته و از شهرکی کوچک و دور افتاده به مرکز استان تبدیل شد. استان صلاح الدین دارای 8 شهرستان است که عبارتند از: شهرستان های تکریت، الدوره، سامرا، بلد، الطوز، الفارس، الشرقاط و بالاخره شهرستان بیجی. در این استان علاوه بر مرقد مطهر دو امام همام علی الهادی (علیه السلام) و حسن العسکری (علیه السلام) در سامرا، اماکن زیارتی دیگری نظیر: سرداب غیبت، مرقد نرگس خاتون مادر محترم امام زمان (علیه السلام)، مرقد حکیمه خاتون عمه پدری امام زمان (علیه السلام) نیز وجود دارند، مرقد ابراهیم بن مالک اشتر در شهرستان فارس و مرقد سید محمد در شهر بلد قرار دارد. از آثار باستانی استان صلاح الدین می توان از مسجد جامع و مناره ماریچ آن در فاصله ده کیلومتری شمال سامرا، شهر متوکلیه و مسجد ابودلف، قصر العاشق، تپه صوان و گنبد صلیبیه نام برد.

6. استان التأمیم:

مرکز این استان شهر کرکوک است که در فاصله 255 کیلومتری بغداد واقع است. نام کرکوک از کلمه (کرکر) گرفته شده که به معنی پاره آتش است و یاقوت حموی در کتاب خود از قلعه کرکوک به نام (کرخیتی) یاد کرده است. استان تأمیم دارای سه شهرستان است که عبارتند از: شهرستان های کرکوک، الحویجه و داقوق. همچنین این استان سه بخشداری به نام های الدبس، تازه و التون کوبری دارد. زیارتگاه های شیعیان در این استان شامل مرقد امامزاده زین العابدین و مرقد امامزاده قاسم است که هر دو از فرزندان امام کاظم (علیه السلام) می باشند. از اماکن زیارتی برادران اهل تسنن نیز می توان از امام الهوی از فرزندان شیخ عبد القادر گیلانی نام برد. از مساجد معروف کرکوک می توان مسجد العریان، مسجد الکبیر (مریمانه)، مسجد نبی دانیال را نام برد. قابل ذکر است که تعدادی از ساکنان شهر کرکوک را مسیحیان تشکیل می دهند و به همین علت در این استان دو

کلیسا قرار دارد که یکی از آن‌ها کلیسای الحمراء است که در جاده کرکوک سلیمانیه واقع شده است و علت این تسمیه واقع شدن آن بر تپه ای است که خاک سرخ رنگی دارد، کلیسای جامع بیت الاحزان که در سال 1862 م ساخته شده و در سال 1930 م تجدید بنا شده است. از آثار قدیمی کرکوک می توان از قلعه کرکوک و پل سنگی نام برد.

7. استان نینوا:

مرکز این استان شهر موصل است که فاصله آن تا بغداد 465 کیلومتر است. نینوا نام قدیمی شهر موصل است این شهر تاریخچه ای بسیار قدیمی و کهن دارد و آشوری ها در سال 1080 ق. م آن را به عنوان پایتخت سوم خود انتخاب کردند و با ساختن قلعه ها و دژهای متعدد آن را مستحکم و نفوذ ناپذیر ساختند. استان نینوا دارای پنج شهرستان است که عبارتند: از شهرستان موصل، الحضر، باعشيقا، جروانه و جهنه. مرکز شهرستان الحضر، شهر تاریخی (حضر) است که در گذشته های دور حکومتی مستقل داشته و یکی از حکام قدیمی آن (سنطروق) پسر کاهن بزرگ (نصر) بود که خود را (پادشاه اعراب) می نامید و دستور داد که معبدی برای خدای (شمس) در این شهر بسازند. دوره پر افتخار این شهر از سال 100 تا 300 م بود. از زیارتگاه های این شهر می توان از مرقد نبی یونس، مرقد نبی شیث، مرقد امامزاده عون الدین یکی از فرزندان امام حسن (علیه السلام) نام برد. مساجد معروف موصل عبارتند از: مسجد نوری کبیر، مسجد اموی، مسجد توبه (نبی یونس) و مسجد نبی شیث.

مسجد نوری کبیر: در وسط شهر موصل قرار دارد و در سال 566-568 ه ق بنا شده و مهمترین اثر باقیمانده مسجد مناره 54 متری آن است.

مسجد توبه (نبی یونس): در سمت شمال شرقی رودخانه دجله و بر بالای تپه نبی یونس قرار گرفته است. بنابر آثار موجود اهالی منطقه در سال 767 ه ق قبر نبی یونس را در آن یافتند و نام آنجا را به مسجد نبی یونس تغییر دادند.

مسجد اموی: در سمت شمال شرقی موصل قرار دارد و در سال 16 ه ق/637 م و

در دوران خلافت عمر ساخته شده و امروزه تنها بخشی از محراب آن برجای مانده است.

مسجد نبی شیت: در سال 1057 ه ق قبری متعلق به نبی شیت کشف شد و بر روی قبر مذکور مرقدی ساخته شد و در سال 1206 ه ق در کنار مرقد مذکور مسجدی به نام نبی شیت بنا گردید.

موصل دارای تعداد زیادی کلیسا و دیر است که برخی از مهمترین کلیساهای آن عبارتند از:

کلیسای مارتوما: در محله خزرچ قرار دارد و به عنوان کلیسای جامع طایفه ارتودکس به شمار می رود بنای آن به سال 1168 م باز می گردد، در سال 1965 م کلیسا باز شد و هنگام بازسازی استخوان های مارتوما (1) از زیر بنا ظاهر شد و در معرض دید پیروان طایفه ارتودکس قرار گرفت.

کلیسای قدیمی الطاهره: این کلیسا در محله (حوش الخان) قرار دارد. این کلیسا از کلیساهای قدیمی موصل است که در طی سالهای 744 ه ق و سال 1809 م تجدید بنا شد و متأسفانه در دهه سی میلادی ویران شد و تنها دو در از آن که به درهای ملوکی و خارجی معروف بودند برجا ماند. کلیسای مذکور در سال 1967 م مجدداً تجدید بنا شد.

کلیسای بانوی انتقال (کلیسای جدید الطاهره): این کلیسا در کنار کلیسای قبلی قرار دارد. در سال 1865 م ساخته شد و در سال 1969 م تجدید بنا شده است.

کلیسای ارمنی ها: این کلیسا در کنار دو کلیسای فوق الذکر در محله (حوش الخان) موصل قرار دارد.

کلیسای لاتین: در محله الاوس و یا منطقه الساعه قرار دارد و متعلق به طایفه دومنیکن است و در سال 1872 م ساخته شده است.

دیر شیخ متی: در شرق موصل و در فاصله 30 کیلومتری آن بر روی کوه مقلوب قرار دارد. بنای آن به قرن چهارم و پنجم میلادی باز می گردد. این کلیسا کتابخانه گرانبهایی دارد که برخی از کتاب های خطی آن به قرن یازدهم و دوازدهم میلادی باز می گردد.

دیر ماریه نام: به دیر الجب معروف است و در فاصله کوتاهی از موصل و در جنوب شرقی آن واقع شده است. این کلیسا متعلق به طایفه کاتولیک سریان است و کلیسای مذکور یکی از آثار باستانی دیدنی موصل به شمار می رود. تاریخ بنای این دیر به سال 1164 م باز می گردد.

آثار باستانی موصل عبارتند از:

تپه باستانی نبی یونس: در داخل شهر موصل قرار دارد و در آن قصر اسرحدون و قصر سنحاریب پادشاهان باستانی آشور قرار گرفته است.

تپه باستانی قوینجق: باستان شناسی به نام بوتتا در سالهای 1842 م 1851 م آن را کشف نمود و شامل قصر آشوربانی پال و کتابخانه معروف او می باشد.

تپه الرماح: در فاصله هشتاد کیلومتری غرب موصل قرار دارد و در آن معبدی منتظم الشكل است که تاریخ بنای آن به 1800 ق. م می رسد.

باروی موصل: محیط این بارو 12 کیلومتر است و به صورت مستطیل بنا شده و دارای تعدادی برج و دروازه است و دروازه های آن عبارتند از: العمادی، الجصاصین، الميدان، کنده، السر، العراق، لکش، القصابین، المشرعه، الجسر و القلعه.

قلعه باشطایا: تاریخ بنای آن به قرن ششم هجری باز می گردد و معنی باشطایا (قلعه بزرگ) است این قلعه در محاصره موصل (سال 1156 ه ق) نقش مهمی را ایفا کرد. قلعه دو دروازه دارد که یکی از آنها باب السر است که رو به رودخانه باز می شود و دیگری باب القلعه است که به طرف میدان باز می شود.

8. استان واسط:

مرکز این استان شهرکوت (واسط) است که در فاصله 172 کیلومتری جنوب شرقی بغداد قرار دارد و بدین علت واسط نامیده می شود که در وسط عراق قرار

گرفته است.

ص: 45

1- مارتوما: از قدیسان هم عصر حضرت عیسی (ع) ویراستار)

این شهر را حجاج بن یوسف ثقفی در سال 78 هـ ق بنا کرد و در سال 86 هـ ق بنای آن را تکمیل کرد تا پایگاه سربازان شامی وی باشد. این شهر به صورت شبه جزیره است و آب از سه طرف شرق و غرب و جنوب آن را در بر گرفته است. استان واسط دارای شش شهرستان است که عبارتند از: واسط، الکو، النعمانیه، الحی، الصویره و بدره است. اهالی این استان شیعه بوده و اماکن زیارتی آن عبارتند از: مرقد امامزاده علی الصاله در شهرستان بدره، مرقد امامزاده سید محمد ابوالحسن از نوادگان امام زین العابدین (علیه السلام) که در شهرستان کوه و در فاصله سه کیلومتری جنوب غربی شهر کوه قرار دارد، مرقد امامزاده سید تاج الدین ابومحمد که در بخشدارای الحفریه در فاصله یکصد کیلومتری شهر واسط قرار دارد و نسب وی به امام علی (علیه السلام) بر می گردد و مردم روزهای چهارشنبه هر هفته به زیارت وی مشرف می شوند، مرقد امامزاده سید نور الهلال که در مرکز استان قرار دارد و نسب وی به امام علی (علیه السلام) بر می گردد، مرقد صحابی جلیل القدر سعید بن جبیر که در شهرستان الحی قرار دارد. این صحابی به علت پافشاری بر محبت حضرت علی (علیه السلام) توسط حجاج بن یوسف ثقفی به شهادت رسید.

9. استان دیاله:

مرکز این استان شهر بعقوبه است. علت تسمیه این استان رودخانه دیاله است که مهمترین رودخانه استان است. نام قدیمی رودخانه مذکور در سنگ نوشته های دوران آشور ناصر بال در نیمه اول قرن نهم قبل از میلاد (دیالاس) بود و بعدها نام سریانی (تأمرا) جایگزین آن گردید. در دوران عباسی و عثمانی به این منطقه (راه خراسان) می گفتند زیرا که جاده خراسان از این منطقه می گذشت. شهر بعقوبه فعلی در حقیقت پس از انقلاب مردمی دهه بیست میلادی علیه انگلیسی ها به شکل امروزی ظاهر گردید. استان دیاله در منطقه میانی عراق و در شرق رودخانه دجله و در فاصله طول جغرافیایی 46 44 شرق و عرض جغرافیایی 35-33 شمال قرار دارد. مساحت این استان بالغ بر

120813 کیلومتر مربع است که حدود 4/4% مساحت کل کشور را در بر می گیرد. در شمال آن استان های سلیمانیه و صلاح الدین و در غرب آن کشور ایران و در جنوب آن استان واسط و در شرق آن استان های صلاح الدین و بغداد قرار گرفته اند. بخش شرقی استان دیاله را زمین های مرتفع و کوهستانی در بر می گیرد که در حقیقت ادامه سلسله جبال حمزین است. در این منطقه رودخانه هایی نظیر (قزانیه) و (آبی نطف) جریان دارند.

زمین این منطقه برای کشاورزی چندان مناسب نیست در حالی که زمین های غرب و شمال غربی این استان برای کشاورزی مناسبند. آب و هوای استان دیاله متغیر است گاهی مدیترانه ای و گاهی گرم و خشک است.

استان دیاله دارای تپه های باستانی فراوانی است که تاریخچه آنها از هزاره پنجم قبل از میلاد شروع می شود و مهمترین این تپه ها، تپه اُسمر است که در شهر باستانی اشنونا قرار دارد و در آن معابد، کاخ ها و تندیس های فراوانی وجود دارد، از این تپه ها همچنین می توان تپه (أجرب) و تپه (أشجالی) را نام برد. استان دیاله هفت شهرستان دارد که عبارتند از: بعقوبه، مقدادیه، خالص، خانقین، بلدزور، کفری و مدائن.

10. استان دهوك:

استان دهوك در منتهی الیه شمال غربی عراق واقع شده است. این استان نیز همانند سایر استان های عراق از اهمیت تاریخی بسیاری برخوردار است و آثار یافت شده در تپه ها و غارهای آن نمایانگر اهمیت تاریخی این منطقه می باشد. استان دهوك از لحاظ استراتژیک نیز حایز اهمیت است و خط لوله نفت كركوك به ترکیه از این استان می گذرد.

مساحت این استان بالغ بر 10715 کیلومتر مربع است و دارای پنج شهرستان به نام های دهوك، سمیل، زاخو، شیخان و عقره است. علت تسمیه دهوك از نظر تاریخ نویسان چنین است که این واژه از دو کلمه (دو) فارسی و (هوك) کردی به معنی پیمانانه غله می باشد و در کل به معنی (دو پیمانانه غله) است. به گفته مورخین امیر این منطقه که (آخ شنو) نام داشت در دوران حکومت (نوزی) بابت عبور کاروان ها از این منطقه، دو پیمانانه غله به عنوان مالیات دریافت می نمود. کوه ها از سه طرف شهر دهوك را فرا گرفته اند به

طوری که کوه (جبل الایض) در شمال شهر وکوه (شندوخا) در جنوب و کوه (مام سین) در شرق آن واقع شده اند. این شهر از سمت غرب به دشت کشاورزی سمیل راه دارد. دهوک آثار باستانی بسیاری دارد که مهمترین آنها قلعه دهوک است، ضمناً در شهر زاخوی این استان نیز بیش از پانزده مکان باستانی وجود دارد.

11. استان اربیل:

این استان در شمال عراق قرار دارد و مرکز آن شهر (اربیل) است. از شمال به ترکیه و از شرق به ایران محدود می گردد. مساحتی بالغ بر 13165 کیلومتر مربع دارد. آب و هوای آن نسبتاً سرد است، رطوبت نسبی آن پایین می باشد و میزان بارندگی سالیانه آن حدود 200 تا 600 میلی متر است. نام قدیمی شهر (آربیلو او) است که اسمی آشوری و به معنی (چهار خدا) است و علت این تسمیه وجود معابد مهم آشور در این شهر است. این شهر در دوره آشوری ها مرکز عبادت الهه باروری (عشتار) بود و آشوری ها قبل از هر حمله نظامی به زیارت معابد موجود در اربیل می رفتند.

این شهر در سال 32 ه ق در دوران خلافت عمر بن الخطاب به وسیله (عتبه بن فرقد) فتح شد و بعدها به عنوان یکی از شهرهای مهم عراق به شمار می آمد. در سال 1918 م انگلیسی ها آن را تصرف کردند و شخصی به نام (های) را به عنوان فرماندار آن منصوب کردند.

در اربیل بیش از یکصد و ده تپه باستانی از دوران پارینه سنگی تا دوره فتح اسلامی وجود دارد و از مهمترین آثار باستانی آن می توان قلعه اربیل، تپه سید احمد و مناره مظفریه را نام برد.

استان اربیل پنج شهرستان دارد که عبارتند از: مخمور، کوی سنجق، راوندوز، رانیه و زیبار.

اقتصاد این استان متکی بر کشاورزی و صنعت است و در آن محصولات نظیر: گندم و جو و گل آفتابگردان و ذرت و سبزیجات و پیاز و سیب زمینی و هویج و دانه های روغنی و

حبوبات کاشته می شود. همچنین این استان از لحاظ دامپروری غنی بوده و علاوه بر پرورش گاو وگوسفند و بز تعداد زیادی مرغداری و جوجه کشی دارد.

12. استان الانبار:

مرکز این استان شهر رمادی است. استان الانبار بزرگترین استان عراق است و مساحت آن بالغ بر 138579 کیلومتر مربع است که حدود 32% از مساحت عراق را در بر می گیرد.

برخی عقیده دارند که کلمه (انبار) واژه ای فارسی است و علت این تسمیه وجود انبارهای آذوقه لشکر ساسانی در این منطقه بوده است و برخی دیگر این کلمه را از مصدر عربی (نبر) می دانند که به معنی مکان مرتفع است اما به هر حال ناگفته نماند که این شهر در دوران امپراتوری ساسانی از شهرهای مهم و استراتژیک بود که کار آن حمایت از پایتخت ساسانی (شهر تیسفون) در برابر حملات رومیان بوده است.

در سال 134 ه ق ابوالعباس محمد بن عبد الله عباسی این شهر را به عنوان پایتخت خود برگزید و در آن قصرها و کاخ هایی بنا کرد و ابوجعفر منصور دوانیقی نیز مدتی را در این شهر گذراند تا آن که در سال 145 ه ق شهر بغداد را بنا کرده و آن را به عنوان پایتخت خود برگزید. شهر انبار یکی از مناطق مشهور در زمینه تولید قیر و کشتی سازی در عراق قدیم بوده است.

زمین استان انبار در حقیقت امتداد فلات جزیره العرب بوده و پوشیده از تپه های کوچک و کم ارتفاع و تعداد زیادی از دره ها نظیر دره حوران و غیره می باشد. زمین این منطقه از لحاظ پوشش گیاهی فقیر بوده و در معرض بیابان زایی شدید قرار دارد. مرتفع ترین نقطه این سرزمین نزدیک مرز اردن واقع است که ارتفاع آن حدود 800 متر از سطح دریا است و پست ترین نقطه آن در منطقه (الحبانیه) قرار دارد و ارتفاع آن حدود 75 متر از سطح دریا است. رودخانه فرات در سمت غربی این منطقه جریان دارد.

این منطقه آب و هوای نیمه بیابانی دارد و میزان بارندگی سالیانه آن پایین و حدود 115 میلی متر است. اختلاف دمای روز و شب آن زیاد بوده و درجه رطوبت آن بسیار

پایین است. دمای هوا در تابستان به 32 درجه سانتی گراد و در زمستان به 9 درجه سانتی گراد می رسد.

مهمترین محصولات کشاورزی آن سیب زمینی، گندم، جو، ذرت، سبزیجات، پیاز و علوفه دامی می باشد. در این استان حدود 5/2 میلیون درخت وجود دارد و کشاورزی آن متکی بر کشت آبی است و آب مورد نیاز کشاورزی از چاه ها و چشمه ها و آب باران تأمین می شود.

13. استان المثنی

استان المثنی در جنوب عراق واقع شده است و مساحت آن بالغ بر 51 هزار کیلومتر مربع است و از این لحاظ بعد از استان انبار قرار می گیرد و دومین استان پهناور عراق به شمار می رود. استان المثنی دارای چهار شهرستان به نام های السماوه، الرمیثه، الخضر و السلیمان و هفت ناحیه به نام های الوركاء، المجد، النجمی، الهلال، الدراجی، الصوبر و البصیه می باشد. جمعیت این استان در حدود 440 هزار نفر است. مرکز این استان شهر السماوه است که 282 کیلومتر تا بغداد فاصله دارد و در حدود 333 کیلومتری شمال بصره واقع است. جمعیت شهر سماوه حدود 150 هزار نفر است. تاریخ بنای سماوه به دوره سومری ها باز می گردد و یاقوت حموی علت تسمیه سماوه را زمین صاف و هموار این منطقه دانسته است. رودخانه فرات از وسط شهر سماوه می گذرد و آن را به دو بخش بزرگ و کوچک تقسیم می کند.

از آثار شهر سماوه دریاچه ساوه است که گفته می شود هنگام تولد پیامبر اکرم طغیان کرد. این شهر در جریان قیام مردمی عراق علیه انگلیس در سال 1920 م نقش فعالی را برعهده داشت.

14. استان بابل

مرکز این استان شهر (حله) است که در وسط عراق قرار گرفته و فاصله آن تا بغداد حدود یکصد کیلومتر است. مساحت آن 6793 کیلومتر مربع بوده و حدود 2% از مساحت

کل کشور را شامل می شود. این استان حدود 35 متر بالاتر از سطح دریا ارتفاع دارد. آب و هوای آن بیابانی بوده و میزان بارندگی سالیانه آن اندک و در حدود 50 تا 200 میلی متر می باشد. دما در تابستان به 50 درجه سانتی گراد می رسد و در زمستان آب و هوایی معتدل دارد. جمعیت این استان بنا به آمار سال 1998 م بالغ بر 1109574 نفر بوده است. از لحاظ کشاورزی و دامپروری غنی می باشد. کشاورزی در این استان به روش آبی بوده و به علت کاهش شدید بارندگی آن، کشاورزی به شکل دیم وجود ندارد. در این استان مرغداری های متعدد و کارخانجات تهیه غذای دام و طیور وجود دارد. علت تسمیه این استان به بابل، وجود آثار باستانی شهر بابل در این استان است که به مرکز استان بسیار نزدیک است و در دوران حکومت صدام حسین سالیانه در شهر حله جشنواره ای به نام (جشنواره بین المللی بابل) برگزار می شد.

15. استان سلیمانیه:

مرکز این استان شهر سلیمانیه است و این استان از شمال و غرب به استان های اربیل و التأمیم و صلاح الدین، از جنوب به استان دیاله، و از شرق به کشور جمهوری اسلامی ایران محدود می شود. این استان زمینی حاصلخیز و پر آب دارد، لذا متکی بر اقتصاد زراعی و دامپروری است. در این استان دو سد معروف دربندی خان و دوکان واقع شده اند که در پشت این دو سد دریاچه های مصنوعی دوکان و دربندی خان قرار گرفته اند.

16. استان قادسیه:

این استان از شمال با استان بابل و از شرق با استان های واسط و ذی قار و از جنوب با استان المثنی و از غرب با استان نجف همجوار است. ساکنین این استان را عشایر شیعه تشکیل می دهند.

مرکز این استان شهر العماره است. استان میسان از شمال و شرق با کشور ایران و از غرب با استان واسط و از جنوب و جنوب غربی با استان های بصره و ذی قار همجوار است. رودخانه دجله از وسط آن عبور می کند و آن را به دو بخش مساوی تقسیم می کند. تالاب های بزرگ جنوب عراق که به نام (هور) معروف است در این استان واقع است و یکی از صنایع معروف شهر العماره و مناطق همجوار آن نظیر قلعه صالح، کحلاء و مشرح قایق سازی و کشتی سازی است و بیشتر صُبی های (1) عراق در این استان ساکن بوده و به کار قایق سازی مشغول می باشند. در این استان همچنین کشاورزی، پرورش گاو میش، ماهیگیری و استفاده از نی در صنایع دستی رواج دارد.

ميسان نامی قدیمی است و قبلاً به (میسین) معروف بوده است که نام مملکتی باستانی است که از ناحیه غرب به دورودخانه دجله و فرات و از شرق به رودخانه کارون محدود بود. این مملکت بعد از سقوط سلسله پادشاهی سلوکیان به وجود آمد و مملکتی کوچک بود که در جنوب بابل قرار داشت و در دوران حکومت سلوکیان تابع حکومت سلوکی بود و پس از سقوط انتیوکوس سوم آخرین پادشاه سلوکی (سال 187 ق. م) تا حدودی استقلال خود را به دست آورد. این مملکت در دوران اشکانی تابع امپراتوری اشکانی بود.

18. استان ذی قار:

مرکز این استان شهر ناصریه است. این استان از شمال با استان های قادیسیه و واسط و از غرب با استان المثنی و از جنوب با استان بصره و از شرق با استان میسان همجوار است. رودخانه فرات از این استان عبور می کند، این استان نیز به داشتن تالاب ها (هور) مشهور است. تمامی ساکنین این استان را عشایر شیعه تشکیل می دهند.

ص: 52

عراق کشوری کهن و باستانی است که در سرزمین بین النهرین واقع شده است و برخی معتقدند که اصل کلمه عراق (ایراک) است و از همین ریشه دو نام ایران و عراق مشتق شده است و معنی این واژه در زبان فارسی (سرزمین پایین دست) بوده است. مساحت عراق 438317 کیلومتر مربع است و تعداد جمعیت آن برحسب آمارگیری سال 1997 م در حدود بیست و دو میلیون نفر بوده است. پایتخت آن بغداد است که در وسط کشور و در دو طرف رودخانه دجله قرار گرفته است. آب و هوای عراق خشک بوده و در تابستان ها گرم و در زمستان ها سرد و بارانی است. عراق از لحاظ منابع زیرزمینی کشوری ثروتمند است و دارای منابع سرشاری از نفت، گاز، گوگرد، فسفات و سایر معادن با ارزش است. عراق دو رودخانه مهم به نام های دجله و فرات دارد که برای این کشور ارزش حیاتی داشته و آب مورد نیاز شرب و کشاورزی این کشور را تأمین می کنند. عراق سه دریاچه دارد که عبارتند از: حبانیه، دوکان، دربندی خان، که در این میان دریاچه حبانیه در فاصله 84 کیلومتری بغداد قرار دارد و از اماکن توریستی مهم عراق به شمار می رود، اما دریاچه دوکان در فاصله 71 کیلومتری سلیمانیه و 141 کیلومتری کرکوک واقع شده است و دریاچه دربندی خان در فاصله 65 کیلومتری سلیمانیه و 268 کیلومتری بغداد قرار دارد. اقوام ساکن در عراق عبارتند از عرب ها، کردها، ترکمن ها، آشوری ها، کلدانی ها و سریانی ها از ساکنان قدیمی این سرزمین بوده و در قرن اول میلادی پس از اینکه آرامی به دین مسیحیت گرویدند، نام سریان را به جای نام آرامی بر خود نهادند و زبان آن ها که زبان آرامی بود زبان رسمی کلیسای سریان گردید و در قرون اولیه اسلامی کتاب های زیادی از این زبان به زبان عربی ترجمه شد.

صائبه یکی دیگر از اقوام ساکن در عراق هستند که در کنار تالاب های جنوبی عراق سکونت دارند، آنان پیروان حضرت یحیی (علیه السلام) هستند و تعدادی از آن ها در خوزستان ایران ساکن هستند.

عراق 18 استان دارد که به ترتیب عبارتند از: بصره، المثنی، ذی قار، میسان، نجف، کربلا، انبار، قادسیه، بابل، واسط، دیالی، بغداد، صلاح الدین، سلیمانیه، التأمیم، نینوی، اربیل، دهوک.

ص: 54

مقدمه

شهر نجف یکی از شهرهای مهم زیارتی در عراق است که تاریخ بنای آن به بیش از هزار و سیصد سال پیش باز می‌گردد. این شهر در گرداگرد حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام)، ساخته شده است و آثار باستانی، مساجد، مدارس دینی و زیارتگاه‌ها و مراقد بسیاری را در خود جای داده است لذا آشنایی کامل با شهر نجف از جهات فوق‌الذکر حائز اهمیت است.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده به طور سریع و گذرا با تاریخچه نجف، محله‌های نجف، مساجد نجف، بازارهای نجف، اماکن زیارتی نجف نظیر: حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام)، آرامگاه کمیل بن زیاد، مسجد حنانه و سایر اماکن زیارتی نجف آشنا شود. در انتهای فصل مطالب مهمی درباره مسجد کوفه، حرم مطهر مسلم بن عقیل (علیه السلام) و هانی بن عروه و همچنین مسجد سهله و مسجد صعصعه بن صوحان آمده است.

هدف‌های رفتاری

کارگزاران باید مطالب این فصل را به صورت اجمالی فرا گرفته و در برابر پرسش‌های

زایران آمادگی کامل داشته باشند. پرسش های زایران معمولاً از بدو ورود آنان به شهر نجف آغاز می شود و در مراحل اولیه این پرسش ها بیشتر به آن چه که در محیط اطراف می بینند باز می گردد و پس از گذشت یکی دو روز گسترش یافته و طیف وسیعی از سؤالات را در بر خواهد گرفت، این زایران مدت دو تا سه روز را در نجف خواهند گذراند و اطلاعات مندرج در این فصل برای آنان بسیار مهم و حیات می باشد، لذا باید به مندرجات این فصل توجه کافی گردد.

شهر مقدس نجف

شهر مقدس نجف در حاشیه فلات غربی عراق و در جنوب غربی بغداد واقع شده است و فاصله آن تا بغداد 160 کیلومتر است. ارتفاع این شهر از سطح دریا هفتاد متر است و در طول جغرافیایی 44 درجه و 19 دقیقه و عرض جغرافیایی 31 درجه و 59 دقیقه قرار دارد. در 80 کیلومتری سمت شمال و شمال شرقی آن شهر کربلا واقع است و در سمت جنوب و غرب آن سرزمین های پست جلگه دریاچه خشک شده نجف و شهر (ابی صخیر) قرار دارد و فاصله ابی صخیر تا نجف 18 کیلومتر است، در سمت شرق آن شهر کوفه است که فاصله آن تا نجف حدود 10 کیلومتر است. نجف در زبان عربی به معنی مکان مستطیل محصور و بلندی است که آب نمی تواند آن را فراگیرد و جمع آن (نجاف) است. برخی نیز معنی نجف را (تل) یا (تپه) ذکر کرده اند. یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان می گوید: (نجف نام شهری در پشت شهر کوفه است که همانند تپه ای جلوی سیل را گرفته و اجازه نمی دهد که سیل به سوی شهر کوفه سرازیر شود). نجف نام های دیگری دارد که در احادیث وارد از اهل بیت (علیهم السلام) نیز آمده است، از جمله نام های متعارف این شهر: بانقیاء، جودی، ربوه، ظهر الکوفه، غریان، وادی السلام، غربی، لسان، طور، غری و مشهد است که در این میان نام های نجف، غری و مشهد

متداول تر است. معنی لغوی (غری) جایی در جاهلیت بود که در آن قربانی می دادند و (غریان) نام دو بنای صومعه مانند بوده که در نزدیکی قبر حضرت علی (علیه السلام) قرار داشتند، اما (وادی السلام) به معنی دشت سلامتی است و این نام در برخی از احادیث اهل بیت (علیهم السلام) بر این منطقه اطلاق شده است که در حال حاضر این نام بر گورستان معروف شهر نجف اطلاق می گردد که آرامگاه بسیاری از بزرگان و علمای شیعه می باشد.

برخی را گمان بر این است که محل کنونی نجف در گذشته کوه بلندی بوده و فرزند حضرت نوح (علیه السلام) آنجا که می گوید: (سأوی إلی جبلٍ یُعصمینی مِنَ الْمَاءِ) (1) (به سوی کوهی پناه می برم که مرا از طوفان نجات خواهد داد) منظورش همین کوه نجف بوده است که بعدها به فرمان الهی کوه از بین رفته و به صورت تپه ای درآمد و دریای اطراف آن که (نی) نام داشت خشک شده و به همین علت نام آن (نی جف) شده است. البته نظریه اخیر نظریه منطقی و مستدلّی نیست، هرچند که نباید فراموش کرد براساس شواهد و قرائن تاریخی و باستان شناسی ظاهراً طوفان نوح در همین منطقه اتفاق افتاده است و این داستان در سنگ نوشته های سومری، آشوری و بابلی برجای مانده در بین النهرین، ذکر شده است.

مساحت شهر در حدود 1338 کیلومتر مربع است، خیابان های آن پهن و مستقیم و ساختمان های آن مرتفع و بازارهای آن پهن و مرتب است مخصوصاً بازار بزرگ آن (السوق الكبير) که از باروی شرقی شهر آغاز می شود و تا حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام) ادامه می یابد.

نحوه ورود به نجف از مرز چگونه است؟

کاروان ایران ایرانی از مرز مهران خارج شده و ابتدا از شهر بدره و سپس از شهرهای کوت - دیوانیه - شامیه - ابو صخیر گذشته و به نجف می رسند که فاصله از مرز مهران تا شهر نجف در حدود 350 کیلومتر است.

ص: 61

تاریخچه نجف (1)

این شهر تاریخی کهن دارد و در دوران حکومت (منذریان) یا (پادشاهان حیره) که کارگزاران امپراتوری ساسانی بودند، منطقه نجف به عنوان بیلاق مورد استفاده قرار می گرفت و به علت آب و هوای مناسب، برخی از پادشاهان حیره قصرها و منازلی در آن منطقه ساخته بودند.

شاپور برای جلوگیری از حمله اعراب بادیه نشین اقدام به حفر خندقی در ناحیه غربی شهر نجف نمود که بقایای این خندق بین نجف و کربلا همچنان پابرجا است و امروزه (بکری سعه) نامیده می شود. قبل از فتح مسلمانان تعدادی از دیرها و کلیساهای مسیحی در این منطقه بنا شده بود. پس از دفن حضرت علی (علیه السلام) در سال 40 ه ق تا مدت ها محل قبر آن حضرت ناشناخته و مخفی بود اما با این وجود اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان خاص آنان که از محل دقیق دفن آن حضرت آگاه بودند مخفیانه و گاهی اوقات شبانه به این منطقه آمده و قبر آن حضرت را زیارت می کردند. در سال 135 ه ق پس از بر ملا شدن محل دفن حضرت علی (علیه السلام) این منطقه به تدریج زیارتگاه عاشقان و شیفتگان آن حضرت گردید (2) و رفته رفته برخی از شیعیان در اطراف آن مستقر شدند و هسته اولیه شهر پی ریزی شد و بعدها با گذشت زمان توسعه یافت تا اینکه به شهر بزرگ و مشهوری مبدل شد. شهر نجف در طی مراحل توسعه شاهد سه مرحله بوده است که عبارتند از:

مرحله اول: مرحله آبادانی اولیه که از زمان (عضد الدوله آل بویه) در سال 338 ه ق آغاز گردید و تا قرن نهم هجری ادامه یافت. این مرحله در حقیقت مرحله نوباوگی شهر بوده است و در اوایل این مرحله باروی شهر ساخته شد که تمامی شهر را در بر می گرفت و در سال 400 ه ق (ابو محمد بن سهلان) وزیر آل بویه باروی دیگری اطراف شهر کشید.

ص: 62

1- در حال حاضر نخستین مکان زیارتی که کاروان های زیارتی ایران از مرز مهران به آنجا می رسند شهر مقدس نجف است

2- بنا به گفته شیخ مفید در کتاب الارشاد محل قبر حضرت علی برای اولین بار در دوران خلافت منصور عباسی در سال 135 ه ق نمایان شد (ویراستار).

مرحله دوم: مرحله آبادانی ثانویه شهر است و از قرن نهم هجری تا اواسط قرن سیزدهم هجری ادامه داشت، در این دوره از شکوفایی شهر کاسته شده و به علت بروز جنگ های طولانی بین ترك های عثمانی و پادشاهان صفوی آسیب هایی نیز به این شهر وارد گردید.

مرحله سوم: دوران اخیر است که از اواسط قرن سیزدهم هجری آغاز شده و تا امروز ادامه دارد. در این دوران شهر دوباره شکوفا شده و تغییرات فرهنگی و عمرانی فراوانی در آن روی داده و پس از آن که مدت ها به صورت شهرستان تابع استان کربلا بود، عاقبت به استان تبدیل شد.

در سال 12 ه. ق خالد بن ولید پس از فتح سرزمین یمامه هنگامی که عازم فتح سرزمین حیره بود در منطقه نجف اطراق کرد و اهالی منطقه از ترس خالد به قصر سفیدی که در آن منطقه قرار داشت پناه بردند، در این منطقه جنگ سختی درگرفت که بعدها به نام جنگ بویب معروف شد.

در سال 14 ه. ق منطقه نجف محل درگیری نیروهای نظامی ساسانیان و لشکر مسلمانان بود و در منطقه (باتقیا) مسلمانان موفق شدند که اولین جزیه را از ایرانیان بگیرند.

در سال 37 ه. ق صحابی جلیل القدر (خباب بن الارت) اولین کسی بود که در نجف دفن شد و حضرت علی (علیه السلام) بر سر جنازه او نماز خواند و برای او طلب آمرزش نمود.

در سال (40 ه. ق/ 661 م) حضرت علی (علیه السلام) در کوفه به شهادت رسید و جسد پاکش بنا به وصیت وی به وسیله دو فرزندش امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

در سال 250 ه. ق اولین رود به سوی نجف کشیده شد. این رود را شخصی به نام (سلیمان بن أعین) و در منطقه ای به نام (السنیق) احداث کرد، بعدها باغ های شهرکوفه و یران شدند و بسیاری از اهالی کوفه به شهر قم و برخی نیز به شهر واسط و منطقه ای به نام (خراب الکوفه) هجرت کردند.

در قرن چهارم هجری یکی از خوارج به نام (مره بن قیس) به نجف حمله کرد تا جسد مبارك حضرت علی (علیه السلام) را از قبر خارج کند. وی باروی شهر را منهدم ساخت و پس از جنگ و محاصره شش روزه عاقبت شهر را فتح نمود. اما از نیش قبر مطهر امام علی (علیه السلام) منصرف شد.

در سال 448 ه. ق/ 1056 م در دوران آل بویه شهر نجف از مراکز مهم تدریس امور دینی شد و این امر بویژه پس از هجرت شیخ ابو جعفر طوسی از بغداد به نجف فزونی گرفت، زیرا که شیخ طوسی در بغداد مورد بی مهری فراوان قرار گرفت و کتابخانه وی آتش زده شد. مهاجرت شیخ طوسی به نجف باعث روی آوردن طلاب علوم دینی به نجف شد.

در سال 508 ه. ق شخصی به نام (مشعشعی) که حاکم منطقه الجزایر و بصره در جنوب عراق بود به نجف و کربلا حمله کرد و اهالی نجف را کشته یا اسیر کرد و حرم های مطهر نجف و کربلا را به تاراج برد.

در بین سالهای (550 ه. ق و 656 ه. ق) خلیفه عباسی (الناصر لدین الله) توجه زیادی به بنا و توسعه شهر نجف نموده و حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام) را بازسازی نمود.

در پایان قرن هفتم و هشتم هجری و در دوران حکومت خاندان پادشاهان (ایلخانی و جلایری) شهر نجف از جهت آبادانی و جمعیت و ساختن مدارس علمیه پیشرفت چشمگیری نمود.

در سال 997 ه. ق (عبد المؤمن خان) پادشاه ازبک با لشکر بزرگی به نجف حمله کرد و مردم شهر را قتل عام نمود.

در آغاز قرن دهم هجری قمری شاه عباس صفوی بر بغداد و بسیاری از شهرهای دیگر عراق دست یافت و سپس به زیارت عتبات عالیات، از جمله شهر مقدس نجف مشرف شد و دستور داد شاخه ای از رودخانه فرات به سوی آن کشیده شود. پس از آن سلطان عثمانی (سلیمان قانونی) دوباره عراق را بازپس گرفت و وی نیز در سال 941 ه. ق قبل از بازگشت به قسطنطنیه عازم زیارت نجف و کربلا شد.

در سال 1032 ه. ق در دوران سلطنت سلطان سلیم عثمانی، ترك ها موفق به محاصره نجف شدند. اما به علت مقاومت دلیرانه اهالی شهر موفق به فتح شهر نشدند.

در دوران سلطنت (سلطان مراد) عثمانی ها به بغداد حمله کردند، نجف نیز در معرض حملات آنان قرار گرفت اما لشکریان شاه عباس اول که در شهر مستقر بودند به دفاع از شهر پرداختند.

در سال 1040 ه. ق فرمانده عثمانی (کنج عثمان) با موفقیت شهرهای نجف و کربلا را فتح کرد.

در سال 1041 ه. ق سردار عثمانی (خسرو پاشا) که موفق نشده بود شهر بغداد را از چنگ لشکریان صفوی خارج کند، مجدداً به شهر نجف حمله کرده و آن را دوباره فتح نمود.

در سال 1109 ه. ق رودخانه فرات طغیان کرد و شهر نجف و زمین های پیرامون آن غرق شد و در همین حین برخی از رؤسای قبایل دست به چپاول شهر زدند.

در قرن دهم و یازدهم هجری اهالی شهر به بیماری های واگیردار بسیاری مبتلا شدند که منجر به از بین رفتن اهالی و متوقف شدن رشد و توسعه شهر شد.

در سال 1216 ه. ق وهابی ها شهر کربلا را تصرف نموده و اهالی آن را کشته و حرمت حرم حسینی را هتک کردند و سپس رهسپار شهر نجف شدند و آن را برای مدتی محاصره کردند اما چون به نتیجه نرسیدند به سرزمین خود بازگشتند.

در سال 1217 ه. ق وهابی ها بار دیگر در روز عید غدیر به نجف حمله کردند و تعدادی از علما و مردم بی دفاع شهر را کشتند.

در سال 1221 ه. ق خبر حمله مجدد وهابی ها به شهر نجف سبب شد تا اهالی نجف خزانه امیر المؤمنین (علیه السلام) را به کاظمین منتقل کنند تا از دست غارتگران در امان باشد. این کار توسط شیخ جعفر کاشف الغطاء و تعداد دیگری از علمای بزرگ نجف صورت گرفت و تعداد زیادی از اهالی شهر نیز از ترس وهابی ها به عشایر منطقه پناهنده شدند و تنها دویست تن از مردان شهر به منظور مقاومت و مقابله با وهابی ها در شهر سنگر

گرفتند. ابن سعود به سرکردگی پانزده هزار نفر از وهابی ها به شهر رسید و يك شبانه روز شهر را محاصره کرد اما بدون نتیجه ای به سرزمین خود بازگشت، برخی از منابع ذکر می کنند که دلیران نجفی شبانه به لشکر ابن سعود حمله کرده و هفتصد نفر از لشکریان او را کشتند و این امر باعث هراس شدید در بین لشکریان وهابی گردید و آنان را ناچار کرد که دست خالی از آن منطقه کوچ کنند.

در سال 1226 ه. ق (1811 م) نظام الدوله محمد حسین خان علاء صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار به علت هجوم پی در پی وهابی ها جهت تخریب اماکن مقدسه شیعه دستور داد تا قوی ترین باروی ممکن برای شهر ساخته شود.

در سال 1228 ه. ق (1813 م) در دوره شیخ جعفر کاشف الغطاء حوادث تفرقه آمیزی در بین رهبری جامعه شیعیان پدید آمد که باعث تقسیم مردم به دو گروه رقیب (زکرت) و (شمرت) گردید و دشمنی و اختلاف و درگیری بین این دو گروه حدود یکصد سال طول کشید و آخرین جنگ آن ها در سال 1323 ه. ق رخ داد که منجر به پیروزی (گروه زکرت) گردید.

در خلال جنگ اول جهانی به موجب فتوای علمای شیعه، اهالی نجف با ترك های عثمانی متحد شده به دفاع از اسلام برخاستند و بسیاری از علمای بزرگ شیعه از جمله آیت الله سید محمد سعید حبوبی به فرماندهی لشکری از رزمندگان در جبهه شعبیه با انگلیسی ها به مقابله برخاستند، با این وجود ترك های عثمانی در جنگ مغلوب شده و پس از شکست، رفتار بسیار بد و زننده ای با عراقی ها و به خصوص اهالی نجف داشتند که این امر منجر به قیام نجفی ها بر علیه حکومت عثمانی و اخراج آنان از شهر گردید. در پی این امر نجفی ها حکومتی محلی ایجاد کردند و به مدت دو سال اداره شهر را برعهده گرفتند.

انگلیسی ها پس از تصرف بغداد سعی کردند شهر نجف را نیز به زیر سلطه خود در آورند، اما بار دیگر اهالی نجف به مقابله با آنان پرداختند و اولین برخورد نظامی اهالی با انگلیسی ها در بیرون شهر رخ داد و در اثر آن انگلیسی ها که چهل هزار سرباز را

به منطقه گسیل کرده بودند حدود هفتصد سرباز را از دست دادند و از عراقی ها فقط چهل نفر به شهادت رسیدند که اغلب آنان را زنان و بچه های بی دفاع شهر تشکیل می دادند. مقاومت دلیرانه مردم تا مدت ها ادامه داشت اما عاقبت شهر به تصرف انگلیسی ها درآمد.

در سال 1325 ه. ق (1908 م) يك شرکت خصوصی اقدام به ساختن راه آهن (تراموا) بین مدینه النبی و نجف و کوفه کرد.

در سال 1333 ه. ق (1915 م) نجف علیه ترك های عثمانی قیام کرد و آن ها را از منطقه راند.

در سال 1335 ه. ق (1917 م) انگلیسی ها شهر نجف را به تصرف خود درآوردند، اما دیری نپایید (سال 1336 ه ق/ 1918 م) مردم نجف قیام کردند و انگلیسی ها را از آنجا بیرون راندند.

قیام ملی عراق علیه انگلیسی ها در سال 1920 م اتفاق افتاد و هسته مرکزی این قیام شهر نجف بود، زیرا که اکثریت علما و مراجع شیعه در این شهر زندگی می کردند و بر اثر فتوای آنان و استتجاب آن از طرف عشایر شیعه جنوب و سایر شهروندان این کشور، عاقبت در روز یکشنبه 15 شوال سال 1338 ه ق قیامی همه جانبه علیه انگلیس صورت گرفت و سربازان انگلیسی در جبهه های مختلف با عراقی ها مشغول نبرد شدند و لشکر آنان ناچار شد که از شهر نجف به کوفه عقب نشینی کند و عراقی ها موفق شدند که در بسیاری از جهات اسرای زیادی را دستگیر نموده و به مقر فرماندهی انقلاب که در شهر نجف مستقر شده بود اعزام نمایند، که در این میان تنها از معرکه (رازنجیه) 160 اسیر انگلیسی به شهر نجف اعزام شدند. در این انقلاب، عاقبت عراقی ها موفق شدند که انگلیسی ها را شکست داده و الگویی مناسب برای سایر ملل مسلمان گردند.

در سال 1348 ه ق (1929 م) بین نجف و کوفه لوله کشی شد و آب شهر نجف که قبلاً از طریق چاه و قنات تأمین می شد از آن پس به وسیله لوله های مذکور از رودخانه فرات تأمین گردید.

در سال 1350 ه ق (1931 م) حکومت محلی دوره قائم مقام سید جعفر حمندی پنج دروازه در باروهای شهر بنا کرد و در جنوب شهر میدان بزرگی ساخت و اهالی شهر نیز در کنار میدان مذکور شروع به ساختن خانه ها و مغازه ها و قهوه خانه ها نمودند.

در دوران پادشاهی ملک غازی، دولت اقدام به ساختن مدارس، پارک ها و يك بیمارستان عمومی نمود که بعدها این محله به نام (غازیه) معروف شد.

در سال 1948 م پس از ساختن راه آسفالتی بین کوفه و نجف، استفاده از راه آهن از رونق افتاد.

محله های شهر نجف

الف محله های قدیمی:

اشاره

محله های قدیمی شهر عبارتند از:

محله العلاء:

این محله جنوب شرقی حرم مطهر قرار دارد و امروزه به آن (المشراق) می گویند.

محله العماره:

در شمال محله العلاء و در زاویه شمال شرقی حرم مطهر قرار دارد و یکی از بزرگترین محلات قدیمی نجف به شمار می رود.

محله الحویش:

در غرب محله العماره واقع شده و بر زاویه شمال غربی حرم مطهر مشرف است.

محله البراق:

جنوب محله الحویش قرار دارد و از بقیه محله های فوق تازه سازتر است.

ب محله های جدید:

محله های جدید شهر عبارتند از: حی الامیر، حی الغدیر، حی السعد، حی الحنانه، حی الجدیده، حی الصناعی، حی الاسکان، حی العلماء و حی المثنی.

خیابانهای نجف:

خیابان های معروف شهر عبارتند از: شارع المدینه، شارع الرسول (صلی الله علیه و اله)، شارع الامام زین العابدین (علیه السلام)، شارع الامام صادق (علیه السلام)، شارع الکوفه، شارع السور، شارع الخورنق، شارع السدیر، شارع الطوسی و شارع ابو صخیر.

مساجد معروف نجف:

اشاره

مساجد معروف نجف عبارتند از:

مسجد شیخ طوسی:

که در کنار مقبره ایشان واقع است و همچنان محل تدریس اساتید حوزه نجف می باشد.

مسجد شیخ انصاری:

مشهور به مسجد ترك ها که امام خمینی (قدس سره) در آن به اقامه نماز جماعت و تدریس می پرداختند.

مسجد هندی:

از مساجد بزرگ و مشهور نجف و یکی از مراکز تدریس حوزه علمیه نجف است و در کنار آن کتابخانه آیت الله حکیم و آرامگاه او قرار دارد.

مسجد خضراء:

از مساجد مشهور نجف است که سال ها محل تدریس حوزه علمیه نجف بود.

مسجد جواهری

: به علت دفن مرحوم صاحب جواهر (رحمه الله) در آن بدین نام مشهور است.

مسجد صافی الصفا:

گفته می شود امیر مومنان (علیه السلام) در آنجا نماز گزارده و در گوشه ای از آن مدفن یکی از یاران حضرت (علیه السلام) قرار دارد.

مسجد خنامه، مسجد عمران بن شاهین، مسجد الرأس یا بالاسر، مسجد شیخ جعفر شوشتری، مسجد صاغه (طلافروشان)، مسجد حیدری، مسجد مراد، مسجد آل کاشف الغطاء، مسجد حاج میرزا حسین خلیلی، مسجد شیخ مشکور، مسجد شیخ مرتضی، مسجد الشیخ الطریحی، مسجد آل المشهدی، مسجد علی رفیش، مسجد حاج حسین بهبهانی، مسجد شیخ آقا رضا همدانی و بالاخره مسجد علامه حسن شیرازی از دیگر مساجد مشهور نجف هستند.

مدارس دینی نجف:

شهر نجف بیش از ده قرن است که بزرگترین حوزه دینی شیعیان به شمار می رود لذا مدارس بسیاری در آن به هدف سکونت و تدریس طلاب ساخته شد که مهمترین آنها عبارتند از: (1)

1- مدرسه مقداد سیوری 2- مدرسه صدر 3- مدرسه معتمد 4- مدرس شیخ مهدی 5- مدرسه قوام - مدرسه سلیمیه 7- مدرسه ایروانی به مدرسه قزوینی 9- مدرسه بادکوبه‌های 10- مدرسه شریانی 11- مدرسه خلیلی 12- مدرسه آخوند 13- مدرسه هندی 14- مدرسه بخاری 15- مدرسه سید محمدکاظم رشتی 16- مدرسه مجدد شیرازی 17- مدرسه بروجردی 18- مدرسه عبدالعزیز بغدادی 19- مدرسه دارالحکمه 20- جامعه النجف الدینیه 21- مدرسه لبنانیه 22- مدرسه از ریه 23- مدرسه دارالعلم.

مدارس دیگر نجف عبارتند از: مدرسه شیخ ملا عبدالله (صاحب حاشیه در منطق)، مدرسه صدر اعظم، مدرسه جوهرچی، مدرسه امیر المؤمنین (علیه السلام). (2)

کتابخانه های نجف:

اشاره

نجف شهری فرهنگی است، علما و شعرای بسیاری از این شهر برخاسته اند و معمولاً در هر مدرسه ای از مدارس دینی نجف کتابخانه ای وجود دارد لیکن تعدادی از این کتابخانه ها مهمترین آنها عبارتند از:

1. کتابخانه حسینیه:

که این کتابخانه را حاج علی محمد نجف آبادی تأسیس کرد.

2. کتابخانه شیخ محمد رضا آل فرج

: که حدود چهار هزار جلد کتاب نفیس دارد.

3. کتابخانه عمومی آل حنوش:

حاج کاظم حسون آل حنوش در سال 1370 ه ق آن را تأسیس کرد.

ص: 70

1- جعفر الدجیلی، موسوعه النجف الاشرف،

2- جعفر الدجیلی، موسوعه النجف الاشرف،

4. کتابخانه عمومی نجف:

که در سال 1946 م تأسیس شد.

5. کتابخانه امیرالمؤمنین (علیه السلام):

علامه امینی مؤلف الغدیر در سال 1373 ه ق آن را تأسیس کرد و حاوی کتاب های بسیاری به زبان های مختلف بوده و آثار با ارزش فراوانی را در خود جای داده است. این کتابخانه در محله حویش قرار دارد و آرامگاه آن مرحوم نیز در جوار آن است.

6. کتابخانه عمومی حکیم:

آیت الله سید محسن حکیم در سال 1377 ه ق آن را در مجاورت مسجد هندی تأسیس کرد. آرامگاه آن مرحوم در گوشه ای از مسجد قرار دارد.

7. کتابخانه العلمین:

در مسجد طوسی قرار دارد و به نام دو دانشمند شیعه، بحرالعلوم و شیخ طوسی نامگذاری شده است.

8. کتابخانه حیدریه:

تأسیس آن به قرن چهارم هجری و به دوره آل بویه بر می گردد و دارای نسخ بسیار نفیسی بوده است که امروزه این کتاب ها در یکی از حجره های صحن نگهداری می شوند.

سایر کتابخانه های نجف عبارتند از: کتابخانه حسینییه شوشتری ها، کتابخانه مدرسه قوام، کتابخانه مدرسه بزرگ و مدرسه کوچک الخلیلی، کتابخانه شیخ جعفر کبیر، کتابخانه شیخ فخر الدین طریحی، کتابخانه الرابطة العلمیه، کتابخانه عبدالعزیز بغدادی، کتابخانه منتدی النشر (بعدها به دانشکده فقه در خیابان کوفه نقل مکان

کرد)، کتابخانه بروجردی، کتابخانه دانشکده نجف، کتابخانه شیخ محمد باقر اصفهانی، کتابخانه آخوند، کتابخانه الرحیم، کتابخانه سید جعفر بحر العلوم، کتابخانه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، کتابخانه یعقوبی، کتابخانه نوری، کتابخانه بلاغی، کتابخانه الخطباء کتابخانه ملالی (متعلق به خاندان آل مله)، کتابخانه شیخ آقا بزرگ طهرانی، کتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء متوفی سال 1151 ه ق، کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء(1).

ص: 71

چاپخانه های معروف نجف:

شهر نجف یکی از مراکز قدیمی چاپ و نشر کتاب های شیعه است و بسیاری از چاپ های اول کتابهای شیعه در این شهر انجام شده است. چاپخانه های نجف بسیارند و اولین چاپخانه ای که در این شهر تأسیس شد چاپخانه (حبل المتین) بود. چاپخانه های دیگر این شهر عبارتند از: مرتضوی، نعمان، الزهراء، الاداب و غیره.

شخصیت های مهم مدفون در شهر نجف:

اشاره

نجف مدفون بسیاری از انبیاء و صالحین و علماء بوده است و گفته می شود که قبر آدم و نوح و هود و صالح در این شهر قرار دارد. افراد سرشناس مدفون در این شهر عبارتند از: (1)

- 1 خباب بن الارت (متوفی سال 37 ه ق)
- 2 سهل بن حنیف (متوفی سال 38 ه ق)
- 3 خریم بن الاخرم (متوفی سال 41 ه ق)
- 4 ابو موسی الاشعری (متوفی سال 42 ه ق)
- 5 الأشعث بن قیس (متوفی سال 42 ه ق)
- 6 المغیره بن شعبه (متوفی سال 50 ه ق)
- 7 سمره بن جناده (متوفی سال 59 ه ق)
- 8 هانی بن عروه (متوفی سال 61 ه ق)
- 9 میثم التمار (متوفی سال 61 ه ق)
- 10 عبدالله بن یقطر (متوفی سال 61 ه ق)
- 11 زید بن الارقم (متوفی سال 68 ه ق)
- 12 عدی بن حاتم الطائی (متوفی سال 68 ه ق)

ص: 72

- 13 جابر بن سمره (متوفى سال 74 هـ ق)
- 14 كميل بن زياد (متوفى سال 82 هـ ق)
- 15 عبد الله بن اوفى (متوفى سال 81 هـ ق)
- 16 شيخ طوسى (متوفى سال 460 هـ ق)
- 17 سيد رضى الدين على بن طاووس (متوفى سال 664 هـ ق)
- 18 جمال الدين بن طاووس (متوفى سال 673 هـ ق)
- 19 علامه حلى (متوفى سال 726 هـ ق)
- 20 مقدس اردبيلى (متوفى سال 990 هـ ق)
- 21 شيخ فخر الدين طريحي (متوفى سال 1087 هـ ق)
- 22 شيخ احمد جزائرى (متوفى سال 1151 هـ ق)
- 23 سيد مهدي بحر العلوم (متوفى سال 1212 هـ ق)
- 24 سيد عبدالله شبر (متوفى سال 1242 هـ ق)
- 25 شيخ احمد نراقى (متوفى سال 1245 هـ ق)
- 26 شيخ مرتضى انصارى (متوفى سال 1281 هـ ق)
- 27 شيخ راضى بن شيخ محمد نجفى (متوفى سال 1290 هـ ق)
- 28 سيد مهدي قزوينى (متوفى سال 1300 هـ ق)
- 29 سيد محمد حسن شيرازى (متوفى سال 1312 هـ ق)
- 30 حاج حسين خليلى (متوفى سال 1326 هـ ق)
- 31 سيد محمد سعيد جبوبى (متوفى سال 1333 هـ ق)
- 32 علامه سيد على داماد (متوفى سال 1336 هـ ق)
- 33 سيد محمد رضا استرآبادى (متوفى سال 1346 هـ ق)
- 34 علامه محمد جواد بلاغى (متوفى سال 1354 هـ ق)
- 35 شيخ نائينى (متوفى سال 1355 هـ ق)

36 شيخ ضياء الدين عراقى (متوفى سال 1361 هـ ق)

ص: 73

37 سید ابوالحسن اصفهانی (متوفی سال 1365 ه ق)

38 سید محمد کاظم یزدی (متوفی سال 1370 ه ق)

39 شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (متوفی سال 1373 ه ق)

40 سید محسن حکیم (متوفی سال 1375 ه ق)

41 سید ابوالقاسم خوئی (متوفی سال 1413 ه ق)

42 سید عبد العلی سبزواری (متوفی سال 1414 ه ق)

43 سید عبدالمجید خوئی (متوفی سال 1424 ه ق)

44 سید محمد باقر حکیم (متوفی سال 1424 ه ق)

مدفن یاران خاص حضرت علی (علیه السلام):

در منطقه ای به نام (الثویه) که امروزه به صورت تپه ای در کنار مسجد حنانه قرار دارد بسیاری از اصحاب خاص امیر المومنین (علیه السلام) دفن شده اند که از جمله می توان افراد زیر را نام برد: خباب بن الارت، احنف بن قیس، جویریة بن مسهر عبیدی، سهل بن حنیف، کمیل بن زیاد نخعی، عبد الله بن أوفی و رشید هجری.

اماکن زیارتی شهر نجف

1- حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام)

اشاره

مهمترین مکان مقدس شهر نجف حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام) است که اصولاً شهر نجف به برکت این مکان مقدس ساخته شد و اماکن زیارتی بعدی در کنار آن قرار

گرفته اند هر چند که زیارتگاه های دیگری متعلق به حضرت آدم و نوح و هود و صالح قبلاً در این مکان وجود داشته است اما در حقیقت عزت شأن این محل به در بر گرفتن جسد مطهر حضرت علی (علیه السلام) است.

ص: 74

اشاره

ساختمان فعلی مرقد در حقیقت همان ساختمانی است که شاه صفی ساخته است، قبر مطهر در زیر گنبد بلندی است که سرتاسر آن طلاپوش است و در اطراف قبر مطهر روضه ای است که طول هر ضلع آن سیزده متر است و در چهار سوی روضه مطهر رواق های مسقفی وجود دارد. در سمت شرقی روضه، ایوان طلا قرار دارد که در دو سوی آن دو مناره طلاپوش قرار دارند.

اعجاز هندسی حرم:

شکل بنای مطهر حضرت علی (علیه السلام) به گونه ای ساخته شده است که:

1. چون آفتاب ظهر بر بنای حرم سایه افکند، بنا به گونه ای ساخته شده است که سایه آن چون بر نقطه معینی فرود آید، آن امر دلیل وقوع ظهر شرعی است و این مسأله در هنگام تابستان و زمستان تفاوتی نمی کند.

2. در هر سپیده دم اولین اشعه آفتاب بر ضریح مطهر می تابد و این مسأله در هنگام تابستان و زمستان تفاوتی نمی کند.

این امر احتیاج به دقت فراوان و آشنایی کافی با علم نجوم و هیئت دارد.

روضه شریف:

قبر مطهر حضرت علی (علیه السلام) در وسط روضه مربعی شکل شریف قرار گرفته و بر بالای قبر مطهر دو گنبد خارجی و داخلی وجود دارد، گنبد خارجی نوک تیز بوده و ضخامت دیواره های آن هشت سانتی متر و ارتفاع آن از سطح ضریح 42 متر و قطر آن 16 متر و محیط قاعده آن 50 متر است، گنبد داخلی دایره ای شکل بوده و ضخامت دیواره آن 60 سانتی متر و ارتفاع آن از سطح ضریح 35 متر و قطر آن 12 متر است.

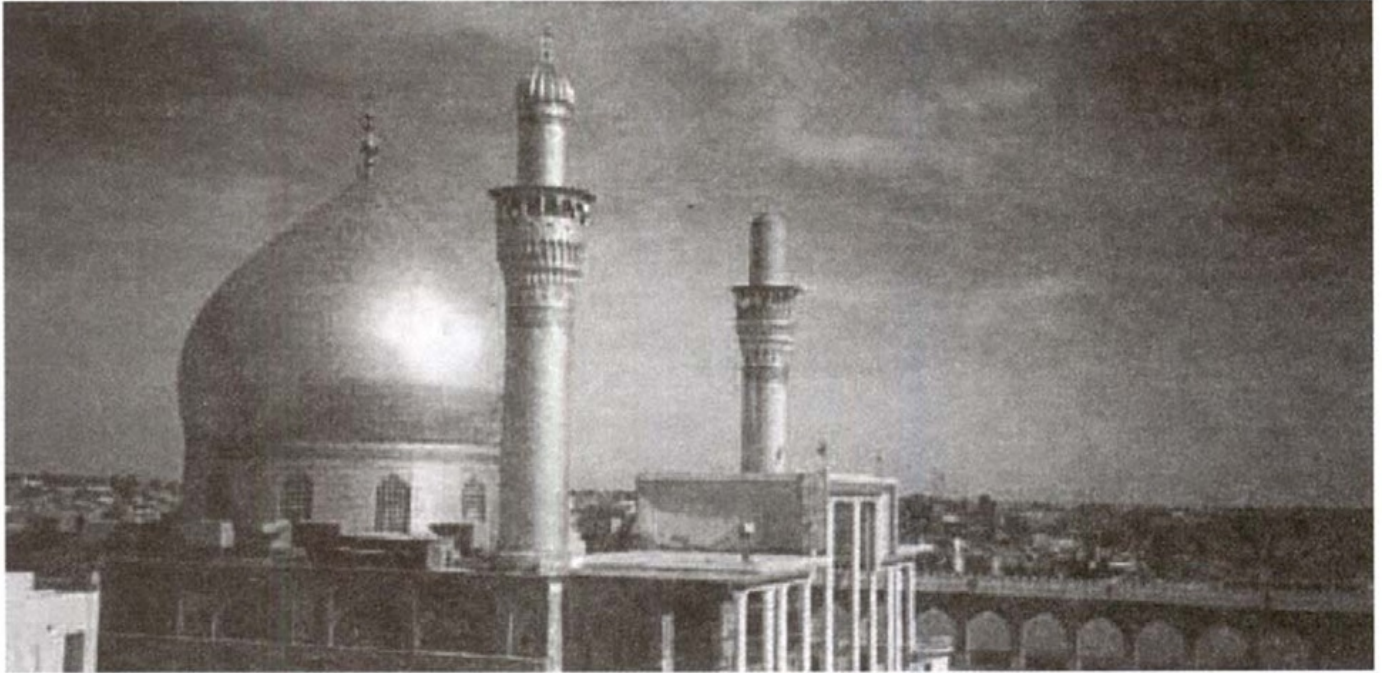
گنبد بر روی حاشیه ای بلند که ارتفاع آن 12 متر است قرار گرفته و این حاشیه 12 پنجره برای نورگیری و تهویه دارد. گنبد از درون و بیرون با نقش و نگارهای بسیار زیبای

اسلامی مزین شده است و مقرنس کاری آن از داخل با آئینه کاری زیبا و کاشیکاری و خطاطی و نقش های زیبا مزین شده است. سطح خارجی گنبد قبلاً کاشیکاری بود و پس از مشرف شدن نادرشاه به زیارت حرم مطهر، نامبرده دستور داد که کاشیکاری گنبد و ایوان و گلدسته را طلاکاری کنند و مبالغ هنگفتی را در این راه صرف نمود.

در زیر گنبد قبر شریف قرار دارد و صندوقی از چوب ساج هندی که یکی از شاهکارهای منبتکاری اسلامی است و در آن صدف، عاج، آبنوس و انواع دیگری از چوبهای گرانبه و زیبا کار شده است و بر روی آن نوشته هایی به زبان عربی کنده کاری شده است، تاریخ ساخت این صندوق 1202 ه ق است بر بالای صندوق مقصوره ای از آهن قرار دارد و بر بالای آن مقصوره دیگری وجود دارد که از نقره خالص ساخته شده و ظاهراً در دوره صفویان قرار داده شده بود. مقصوره اخیر در سال 1361 ه ق با مقصوره جدید دیگری تعویض شد که این مقصوره حاوی ده هزار و پانصد مثقال طلا و دو میلیون مثقال نقره بوده است و شاهکاری از هنر طلاکاری و نقره کاری به شمار می رود.

دیوارهای روضه که گنبد بروی آن قرار دارد هفده متر ارتفاع دارد و تا ارتفاع یک متر و نیم از زمین با مرمر پوشیده شده و بالای آن نیز کاشیکاری بوده و مزین به نقوش و نوشته هایی از آیات قرآن کریم است، سپس تا حاشیه گنبد از سنگهای گرانبها و نادر پوشانده شده است و پس از آن آئینه کاری قرار دارد که توسط هنرمندان اصفهانی در دهه چهل شمسی انجام شده است.

روضه شریف شش در دارد، دو در غربی به رواق منتهی نمی شود زیرا که در پشت آن پنجره ای از نقره قرار گرفته، دو در شرقی به سمت رواق مقابل در ایوان طلا منتهی می شوند، و دو در شمالی که در پشت سر امام قرار گرفته و به رواق منتهی می شوند. دو در شرقی عبارتند از در سمت راست که در سال 1376 ه ق نصب شده و توسط لطف علی خان ابروانی اهدا شده بود و در سمت چپ که در سال 1287 ه ق نصب شده است و ناصر الدین شاه قاجار آن را اهدا کرده بود هر دو در مذکور از نقره ساخته شده بود و در



تصویر حرم مطهر حضرت علی (ع)

سال 1376 ه ق با دو در طلایی زیبا که هزینه ساخت آنها را حاج محمد تقی اتفاق طهرانی پرداخته بود تعویض گردید. دو در شمالی که به پشت ضریح منتهی می شوند از نقره خالص ساخته شده و در گذشته يك در بوده است اما در سال 1366 ه ق از جای خود برداشته شد و بجای آن دو در گذاشته شد(1).

چهار در فوق الذکر راه های ورود و خروج مردم به روضه مطهر است.

صحن شریف:

اشاره

اطراف صحن شریف را دیواری مربع شکل فرا گرفته که طول هر يك از دو ضلع غربی و شرقی آن از خارج 84 متر و از داخل 77 متر است. ضلع شمالی آن از خارج 74 متر و از داخل 72 متر طول دارد و اما طول ضلع جنوبی دیوار از خارج 75 متر و از داخل 72 متر است. ارتفاع دیوار 17 متر بوده و از دو طبقه تشکیل شده است، طبقه اول از 54 ایوان سقف دار تشکیل شده که در مقدمه آنها حجره ای است که قبر یکی از مشاهیر در آن قرار دارد و معمولاً طلبه ها در آن سکونت می کنند و اکنون محل قرائت قرآن بر

ص: 77

اموات شده است. اما طبقه دوم حوالی 78 حجره دارد که این حجره ها نیز محل سکونت طلبه ها بوده و دیوارهای آن کاشیکاری شده و بر بالای آن کتیبه هایی از آیات قرآنی وجود دارد. دیوار مذکور تمامی صحن شریف را که مساحت آن بالغ بر هشت هزار متر مربع است در بر می گیرد. کف صحن پوشیده از مرمر است و قبلاً کف صحن پوشیده از قبرها و سنگ قبرهای مختلف بود که باعث دشواری رفت و آمد زوار می شد. در سال 1206 ه ق سرداب هایی ساخته شد و بسیاری از قبرها به آن منتقل شد و سپس کف صحن هموار شده و با مرمر پوشانده شد. (1) دیوار صحن شریف پنج در دارد که عبارتند از:

1. باب الکبیر یا دربزرگ:

که رو به بازار (سوق الکبیر) یا بازار بزرگ باز می شود و بر بالای این در ساعتی نصب شده که آن را وزیر ایرانی (امین السلطان) در سال 1305 ه ق به حرم مطهر اهدا نمود و در سال 1323 ه ق چهار سوی این ساعت و همچنین گنبدی که بر بالای در قرار گرفته با آجرهای طلایی تزئین گردید.

2. باب مسلم بن عقیل:

در سمت راست باب الکبیر واقع شده و در اصلی محسوب نمی شود.

3. باب الطوسی:

این در رو به قبر شیخ طوسی متوفی سال 460 ه ق باز می شود.

4. باب القبله

: در قبله کوچکترین در صحن به شمار می رود و بارها بازسازی شده است.

5. باب السلطانی:

یا در سلطانی که در سمت غربی صحن قرار گرفته و علت تسمیه آن این است که در سال 1279 ه ق و در دوران سلطنت عبدالعزیز عثمانی افتتاح شد. نام دیگر این در باب الفرغ است زیرا که منتهی به مقام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می شود. (2)

ص: 78

1- یعنی اوائل دوره قاجاریه و باتلاش علامه سید مهدی بحر العلوم (ویراستار) آل محبویه، ماضی النجف و حاضرها، (87)

2- محمد علی جعفر التمیمی مشهد الامام اؤ مدینه النجف ص 265-266

گلدسته های حرم در دو گوشه ایوان و در سمت شرقی روضه شریف قرار گرفته اند و قطر هرکدام از آنها 5/2 متر و محیط آنها هشت متر و ارتفاع هرکدام 35 متر است. گفته می شود که هر گلدسته چهار هزار آجر از طلای خالص دارد و در ارتفاع 25 متری گلدسته ها نواری به پهنای یک متر وجود دارد که با خط زیبای عربی آیاتی از سوره جمعه نقش بسته و بر بالای نوشته ها مقرنس کاری هایی وجود دارد که به جایگاه مؤذن منتهی می گردد که قطر آن یک متر و نیم و ارتفاع آن سه متر است و بر بالای آن استوانه ای باریک قرار گرفته که قطر آن یک متر و نیم و ارتفاع آن شش متر است و در انتهای این استوانه کلاهکی وجود دارد که بر بالای آن نقش هلال قرار گرفته است.

در سال 1156 ه ق نادر شاه افشار دستور داد که کاشیکاری گلدسته ها و گنبد و ایوان را جمع نموده و بجای آنها آجرهای طلا استفاده شود. در سال 1281 ه ق گلدسته جنوبی را کاملاً تخریب کرده و بازسازی نمودند. در سال 1352 ه ق مجدداً گلدسته مذکور تخریب و بازسازی شد. اما گلدسته شمالی که در مجاورت قبر علامه حلی قرار دارد دوبار، یکی سال 1315 ه ق و بار دیگر در سال 1367 ه ق تخریب و مجدداً بازسازی گردید.

رواق حرم مطهر:

رواق ها چهار سوی روضه مطهر را فرا گرفته اند و همگی آنها مفروش بوده و دیوارهای آن به دیوار روضه شریف متصل است. سقف این رواق و قسمتی از دیوارها آینه کاری شده است. بخش پایینی دیوارها مرمکاری شده است. ارتفاع دیوار رواق مساوی ارتفاع دیوار روضه و دیوار صحن می باشد و مساحت رواق از شرق به غرب در حدود 30 متر و از شمال به جنوب در حدود 31 متر است.

رواق سه در دارد: دو در از آنها روی روی یکدیگرند و عبارتند از در شمالی و در جنوبی، در شمالی مقابل در صحن است که به نام باب الطوسی معروف است، و در

جنوبی مقابل باب القبله است. این در از نقره ساخته شده و آب طلا- داده شده است و در سال 1341 ه ق نصب شده است و هزینه آن را مادر حاج عبدالواحد شیخ قبیله آل فتله پرداخت کرده است و این در به نام باب المراد معروف است، اما در سوم، دری است که در ایوان طلا- قرار دارد و یکی از درهای گرانبهای حرم مطهر است که در سال 1373 ه ق نصب شده و علاوه بر میناکاری، سنگهای گرانبها در آن جاسازی شده و آیات قرآن و اشعار زیبا روی آن خطاطی شده است.

سال 1373 ه ق در جدید دیگری باز شد که به رواق راه دارد و از کنار مرقد علامه حلی می گذرد. دیوارهای روضه و ایوان های خارجی همه کاشیکاری شده و در بالای آن نواری پهن مزین به خط زیبای ثلث وجود دارد. این آثار بیشتر متعلق به دوره عثمانی ها است.

ایوان طلای بزرگ:

ایوان طلا در سمت شرقی حرم قرار دارد که دیوارها و سقف آن با آجر طلا پوشانده شده است. در دو گوشه ایوان طلا دو گلدسته طلا قرار دارند و دوسوی در قصیده ای با خط طلای برجسته به زبان فارسی نوشته شده است و بالای آن تاریخ تذهیب گنبد، گلدسته ها و ایوان به دستور نادر شاه افشار ذکر شده است. در ایوان طلا بسیاری از علما و بزرگان شیعه دفن شده اند، بطوری که در سمت راست ایوان حجره ای است که قبر علامه حلی در آن واقع شده است و در سمت چپ حجره دیگری است که قبر مقدس اردبیلی در آن قرار دارد و امروزه این مکان محل نگهداری بعضی از اشیاء نفیس حرم مطهر است. جلوی ایوان فضایی باز وجود دارد که یک متر از سطح صحن مطهر بالاتر است و طول آن 33 متر و عرض آن 20 متر است.

ب تاریخچه حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام):

مرقد مطهر حضرت علی (علیه السلام) در طول دوران حکومت بنی امیه مخفی و پنهان بود و

بجز فرزندان آن حضرت و برخی از خواص شیعیان کسی از محل آن اطلاعی نداشت. پس از سقوط حکومت اموی و سرکار آمدن عباسی ها، با برملا شدن راز محل دفن آن حضرت به تدریج شیعیان بسوی آن رو آوردند.

هنگامی که داود بن علی عباسی اقبال مردم بسوی آن مرقد شریف را مشاهده کرد، تعدادی کارگر را به سر قبر فرستاد تا آن را نبش کنند و محتویات آن را برایش بیاورند، کارگران چون قبر را به اندازه پنج ذراع نبش کردند به زمین سختی رسیدند که نتوانستند آن را بشکافند، پس از غلام نیرومندی خواستند که به کمک آنها بشتابد، غلام چون سه بار کلنگ زد ناگهان فریادی کشید و در جای خود مرد، چون این خبر را به داود رساندند، از کار خود توبه کرد و به علی بن مصعب بن جابر دستور داد که صندوقی ساخته و بر روی قبر بگذارند.

چندی نگذشت که شیعیان دوباره تحت آزار و فشار حکومت عباسی ها قرار گرفتند و بدین علت زیارت مرقد آن حضرت متروک شد.

هنگامیکه ابوجعفر منصور به خلافت رسید، سعی کرد مرقد مطهر را دوباره نبش کند و به غلام خود دستور داد که آن را بشکافد، و چون به قبر مطهر رسید، از آن کار پشیمان شد و دستور داد دوباره آن را بپوشانند.

در سال 170 ه ق بنا به گفته ابن طحال در کتاب فرحه الغری هارون الرشید خلیفه عباسی دستور داد که ساختمانی با آجر سفید رنگ و به طول و عرض يك ذراع بر روی قبر مطهر حضرت علی (علیه السلام) ساخته شود. همچنین وی دستور داد که گنبدی از گل سرخ نیز برای مرقد آن حضرت ساخته شود. علت این امر این بود که روزی هارون الرشید به منظور شکار بیرون رفت و سگهای شکار و بازهای او دنبال آهوئی کردند و آهو به زمینی پناهنده شد که سگهای شکاری و بازها بدان زمین وارد نشدند، پس هارون الرشید در شگفت شد و از یکی از کهن سالان کوفه علت امر را جویا شد و او پاسخ داد که آهو به قبر حضرت علی (علیه السلام) پناه آورده است و از این رو حیوانات شکاری از دنبال کردن آن روی برگردانده اند. هارون الرشید چون این را شنید دستور داد که ساختمانی فوق الذکر را

بر روی قبر آن حضرت بنا کنند(1).

هنگامی که متوکل عباسی به خلافت رسید دستور داد قبر مطهر حضرت علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) را ویران کنند.

در سال 250 ه ق عمر بن یحیی فرماندار کوفه دستور داد که قبر مطهر حضرت علی (علیه السلام) را بازسازی کنند.

در قرن سوم ه ق والی طبرستان محمد بن زید داعی (متوفی سال 287 ه ق) ساختمان مرقد را تجدید بنا کرد و گنبدی برای مرقد ساخت و دورتادور آن را دیوار کشی کرد.

در اواخر قرن سوم شاهزاده ابو الهیجاء عبدالله بن حمدان (متوفی سال 317 ه ق) که یکی از شاهزادگان خاندان شیعی مذهب بنی حمدان بود مرقد مطهر را بازسازی کرد و آن را با پرده های نفیس و حصیر گران قیمت فرش کرد.

در سال 372 ه ق عضدالدوله بویه (متوفی سال 372 ه ق) مرقد مطهر را دوباره بازسازی کرد و اموال بسیاری در این راه خرج نمود و کارگران و نجاران بسیاری از سایر مناطق به آنجا برد و مردم را به رفتن به آنجا تشویق نمود.

ابن جبیر جهانگرد معروف (متوفی سال 580 ه ق) در این باره می گوید:

(در غرب شهر کوفه و در فاصله یک فرسخی مرقد معروفی است که به حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) نسبت داده می شود که متأسفانه بعلت کمبود وقت موفق به زیارت آن نشدیم).

ساختمان عضدالدوله در آتش سوزی سال 755 ه ق در آتش سوخت زیرا که دیوارهای مرقد از جنس چوب ساج نقش دار بود. البته این آتش سوزی همه آثار عضدالدوله را از بین نبرد بلکه قسمتی از آثار بنا برجای ماند به طوریکه محمد حسین کتابدار می گوید بخشی از بنای عضدالدوله تا سال 1041 ه ق هنوز پابرجا بوده است.

ص: 82

در سال 760 ه ق سلطان اویس بن حسن جلایری آن را بازسازی کرد.

شاه عباس کبیر در دوران پادشاهی خود و تحت نظر شیخ بهائی اقدام به بازسازی روضه، گنبد و صحن شریف نمود.

در سال 1047 ه ق شاه صفی صفوی، نواده شاه عباس، مرقد مطهر را مجدداً بازسازی کرده و آن را توسعه داد و پس از درگذشت او در سال 1052 ه ق، پسرش شاه عباس دوم کار پدر را ادامه داده و آن را به اتمام رساند.

در سال 1155 ه ق نادر شاه افشار در سفری به عتبات عالیات دستور تعمیر و بازسازی خرابی‌ها را داده و او اولین کسی است که دستور داد گنبد حرم مطهر طلا آذین شود.

در سال 1204 ه ق، محمد خان پسر حسن خان قاجار مؤسس سلسله قاجار ضریحی از نقره ساخت و فرستاد که بر روی قبر مطهر نهاده شد.

در سال 1217 ه ق بعثت حملات مکرر وهابی‌ها به شهرهای نجف و کربلا، دورتادور شهر نجف بارویی کشیده شد که آثار برجای مانده آن تا سال 1385 ه ق همچنان پابرجا بود.

در سال 1220 وهابی‌ها به رهبری خاندان آل سعود به شهرهای نجف و کربلا حمله کردند و طلاها و نقره‌های موجود در حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام) را غارت کردند.

در سال 1361 ه ق طایفه شیعیان اسماعیلی بهره، دوباره ضریح نقره حرم مطهر را بازسازی کردند که این ضریح تا روزگار ما باقی مانده است.

در سال 1376 ه ق تاجری ایرانی به نام حاج محمد تقی اتفاق در طلا را به حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام) هدیه نمود و با تلاشهای سید محمد کلاتر این در نصب گردید(1).

ص: 83

در حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام) موزه ای قرار دارد که هدایای بسیاری را در برمی گیرد، این هدایا در طی قرون متمادی توسط پادشاهان، سلاطین، وزرا، بزرگان حکومتی، سران لشکری، تجار و اشراف به مرقد مطهر هدیه شده اند. کهن ترین این اشیاء متعلق به قرن چهارم هجری و دوران حکومت آل بویه است. این اثر عبارت است از پارچه گرانبهایی که عضد الدوله بویه در سال 372 ه ق بعنوان روپوش قبر هدیه کرده است و یکی از شاهکارهای فن نساجی و گلدوزی و گلابتون کاری است که حتی ساختن آن در قرن بیستم نیز دشوار به نظر می آید.

علاوه بر این هدایای گرانبهای دیگری نیز در این موزه وجود دارد که تعداد آنها بالغ بر 2020 قطعه بوده و در خزانه ای که در جوار روضه مطهر در رواق جنوبی حرم واقع شده است نگهداری می گردد. این قطعات به شرح زیر می باشند:

1. تعداد زیادی قرآن خطی گرانبها که بالغ بر 550 نسخه است که قدیمی ترین آنها متعلق به قرن اول هجری است و آخرین آنها متعلق به قرن چهاردهم است.
2. آثار گرانبهای فلزی که 420 قطعه می باشند و از زیورآلات زرینی تشکیل شده اند که با جواهراتی نظیر زمرد، الماس، مروارید، فیروزه و غیره آراسته شده اند. همچنین قندیل های طلایی که با سنگهای گرانبها مرصع شده و نیز بخور دان ها، کاسه ها، آفتابه ها، زیارتنامه های فلزی، گلدانها، کشکول و مجموعه مختلفی از سلاح نیز از جمله این آثارند.
3. منسوجات که شامل 448 قطعه بوده و عبارتند از پوشش قبر، پرده ها، خیمه ها، لباس ها و غیره که برخی از آنها با سنگهای گرانبها تزئین شده اند.
4. فرشهای نفیس که شامل 325 قطعه فرش بوده و از نفیس ترین فرشهای جهان به شمار می روند، در این مجموعه فرشی وجود دارد با دور که نقشه هر روی آن با دیگری متفاوت است.
5. آثار شیشه ای که 121 قطعه بوده و شامل بلور و ظرفهای شیشه ای نادر و

قنديل هاست.

6. آثار چوبي كه شامل 156 قطعه بوده و بيشتر آنها را كشكولهاي ساخته شده از چوب ساج هندي با كننده كاريهاي زيبا، همچنين رحلهاي قرآن و زيارتنامه هاي چوبي تشكيل مي دهند.

د. شخصيت هاي مهم مدفون در حرم مطهر حضرت علي (عليه السلام):

اشاره

در روضه و حرم مطهر حضرت علي (عليه السلام) بسياري از شخصيات مختلف تاريخي مدفون شده اند كه بعنوان مثال مي توان افراد زير را نام برد:

قبور موجود در روضه شريف:

1. عضد الدوله بويه متوفي سال 373 ه ق كه در زيرپاي حضرت به خاك سپرده شده است.

2. شرف الدوله پسر عضد الدوله متوفي سال 379 ه ق.

3. بدر بن حسنويه از شاهزادگان آل بويه كه به شجاعت و عدالت و سياستمداري مشهور بود.

بسياري از شاهزادگان و وزراي آل بويه در اين محل دفن شده اند و از جمله مي توان بهاء الدين بن عضد الدوله و فيروز ابي النصر ملقب به بهاء الدوله را نام برد.

قبور موجود در رواق زير گنبد:

1. شاه عباس اول

2. سلطان محمد قاجار متوفي سال 1211 ه ق كه در رواق و در سمت شمال آن نزديك منبر خاتم و در حجره مخصوصي دفن شده است كه به حجره سلاطين معروف است.

3. شاهزاده ملك كيومرث ملقب به ملك آرا پسر فتحعلي شاه قاجار متوفي سال

ص: 85

1288 ه ق که در ایران درگذشت و جنازه او به نجف منتقل شد.

4. سلطان محمد حسن خان که جنازه اش به نجف منتقل شد.

5. ملك حسين قلی خان که جنازه اش به نجف منتقل شد.

6. فخر الملك ابو غالب وزیر سلطان الدوله متوفی سال 406 ه ق

7. ابوالقاسم حسین بن علی بن حسین بن علی، وزیر شرف الدوله متوفی سال 418 ه ق

8. یعقوب بن داود بن ظمء متوفی سال 418 ه ق

9. وزیر شرف الدین انوشیروان بن خالد متوفی سال 533 ه ق

10. حکمرانی به نام طاشکین متوفی سال 602 ه ق

11. امیر عماد الدین ابو المظفر حربدار.

12. وزیر معز الدین معروف به ابن الحديد.

13. مظفر الدین بن زین الدین.

14. بدر الدین لؤلؤ.

15. عماد الدین ابو الخیر فرزند وزیر نصر الدین.

16. ملك عز الدین بن عبد العزيز متوفی سال 672 ه ق.

17. ملك عز الدین بن زید الاصفه، پادشاه سواکن.

18. تیمور لنگ (متوفی سال 807 ه ق) در سردابی نزدیک قبر شیخ طوسی دفن شده است.

19. سید علاء الدین حسین وزیر شاه عباس اول متوفی سال 1064 ه ق

20. مظفر الدین شاه که ابتدا جنازه اش در شاه عبدالعظیم حسنی به امانت گذاشته شد و بعداً به نجف منتقل شد.

علاوه بر افراد فوق الذکر بسیاری از امیران، شاهزادگان خاندان آل حمدان، پادشاهان ایلخانی، ملوک مهاباد، پادشاهان مصر، وزرای دولت فاطمیین، امرا و شاهزادگان هند و پادشاهان ایران در حرم مطهر دفن شده اند. اما آرامگاه های علما و فقهای نامدار شیعه

علامه حلی (1): در اتاقی واقع در راهروی جنب گلدسته شمالی مدفون است. در این مقبره حاج آقا مصطفی خمینی هم دفن شده است.

مقدس اردبیلی: (2) در اتاقی در ایوان طلا و جنب گلدسته جنوبی مدفون است.

سید محمد کاظم یزدی (3): در مقبره بزرگی که در سمت شمال صحن قرار دارد دفن است.

شیخ مرتضی انصاری (4): در سمت غرب راهرو و دالان باب القبله و درون اتاقی دفن است.

میرزای نائینی (5): که مدفون در دومین مقبره پیش از زاویه جنوبی است.

آخوند خراسانی (6): در مقبره جنوبی واقع در دالان باب الذهب قرار دارد. نزدیک او مدفن فقیه مشهور میرزا حبیب الله رشتی و سید ابوالحسن اصفهانی واقع است.

آیت الله بهبهانی: وی از رهبران مشروطیت بود که به دست مخالفان و عوامل بیگانه ترور شد. قبر او در دومین مقبره پس از دروازه باب السوق، به سمت شمال قرار گرفته است.

علاوه بر بزرگان فوق الذکر که دارای مقابر مشهوری هستند، در صحن و حجره های اطراف آن نیز گروه زیادی از شخصیت‌های دینی مدفونند که برخی از آنان عبارتند از: آیات عظام سید محمد سعید حبویی، شریانی، شیخ محمد حسن آشتیانی، سید ابوالقاسم خوبی، سید محمود شاهرودی، حاج آقا حسین قمی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید عبدالحسین شرف الدین، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، حاج محمد حسین امین الضرب و دیگر علما.

ص: 87

1- علامه حلی (647 ه ق 726 ه ق)

2- (2) مقدس اردبیلی (1249 ه ق 1350 ه ق)

3- (3) سید محمد کاظم یزدی (1247 ه ق 1328 ه ق)

4- شیخ مرتضی انصاری (1214 ه ق 1281 ه ق)

5- (2) میرزای نائینی (متوفی 1355 ه ق)

6- (3) آخوند خراسانی (1255 ه ق 1329 ه ق)

2. مقام امام زین العابدین (علیه السلام):

این مقام در کنار حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام) و در سمت قبله قرار دارد. گفته اند که امام زین العابدین (علیه السلام) هنگامیکه به زیارت جدش مشرف می شده، در این مکان شتر خود را می بست و با پای برهنه به زیارت قبر مطهر می شتافت و سپس بر می گشته و در همین مکان شب را به صبح می رسانده و باز می گشت. صفوی ها این مکان را ساختند که بعدها تجدید بنا شد، در محراب آن صخره ای زیبا و خوش تراش وجود دارد که بر روی آن حروف مقطعه ای حک شده است و گفته می شود که این نوشته از کارهای شیخ بهائی است و عبارتست از طلسمی که برای نیش مار مفید است. برخی از مردم کرامات زیادی را به این محل نسبت می دهند.

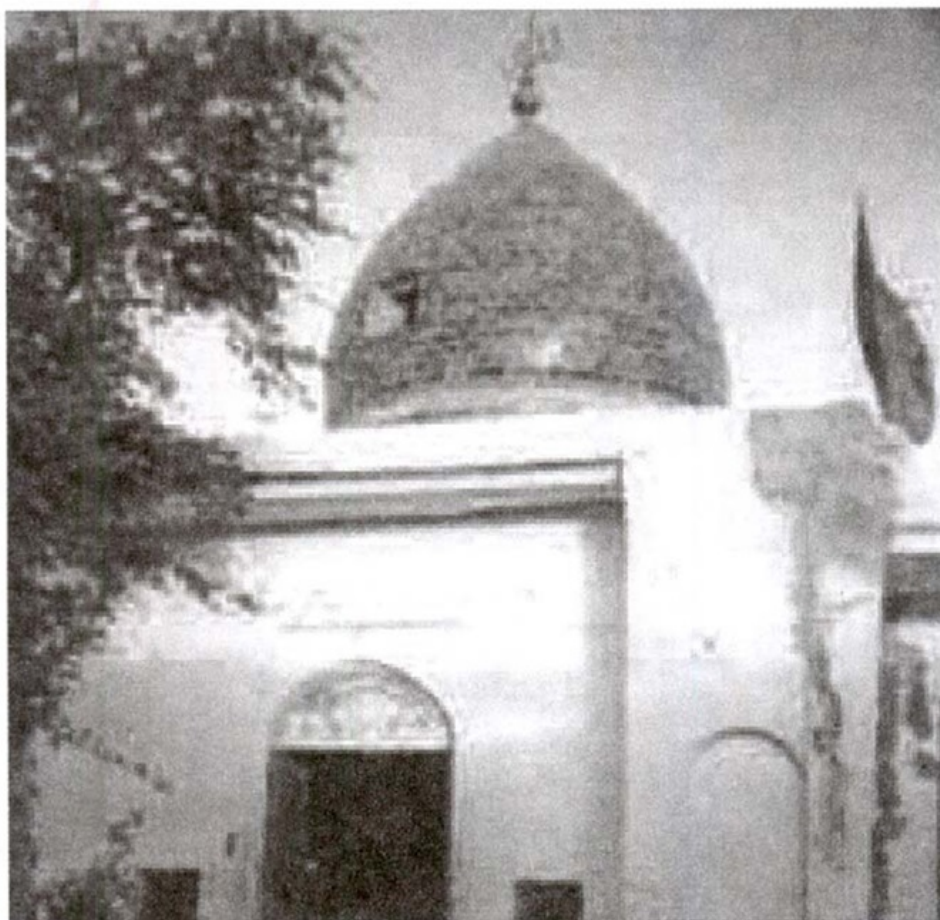
3. مقام حضرت مهدی (عج):

این مقام در سمت غربی شهر و در قسمت آغازین قبرستان وادی السلام قرار دارد و اولین کسی که این مقام را بنا کرد (سید محمد مهدی بحر العلوم) بود اما این بنا در سال 1310 ه ق ویران شد و بعدها دوباره به شکل سابق بازسازی گردید و گنبدی با کاشیکاری فیروزه ای بر روی آن بنا گردید (1)، در حالیکه قبلاً گنبد آن از گچ و سنگ ساخته شده بود. در داخل این مقام جائی وجود دارد که مقام (امام صادق (علیه السلام)) خوانده می شود، و ظاهراً علت تسمیه این مقام حدیثی است که از امام صادق در هنگام زیارت مرقد مطهر جدش روایت شده است که چون آن حضرت به نجف رسید از شترش پیاده شد و دو رکعت نماز خواند، سپس کمی آن طرف تر رفت و دو رکعت دیگر خواند، سپس کمی آن طرف تر دو رکعت دیگر خواند و هنگامیکه از آن حضرت درباره اماکن مذکور پرسیدند، فرمود: اولین جا موضع قبر امیرالمؤمنین و دومین جا موضع رأس الحسین و سومی موضع منبر حضرت قائم (علیه السلام) است. و ظاهراً منظور آن

ص: 88

1- در داخل ساختمان چاهی قرار دارد که به (بئر امام مهدی (عج)) معروف است.

حضرت از موضع رأس الحسین (علیه السلام) جانی است که سر مطهر امام حسین پس از آوردن به کوفه در این محل قرار داده شده است و گرنه صحیح آنست که سر مطهر امام حسین همراه با جسد مطهر وی در حرم شریفش در کربلا مدفون شده است.



مرقد هود و صالح عليهما السلام

4. مرقد هود و صالح:

در قبرستان وادی السلام، در شمال شهر نجف، قبر پیامبران خدا هود و صالح (علیه السلام) قرار دارد و آرامگاه آنان بسیار معروف بوده و در میان خاص و عام مشهور است.

اولین کسی که بر سر قبر این دو پیامبر بزرگوار گنبدی از سنگ گچ بنا کرد، سید محمد مهدی بحر العلوم بود که متأسفانه این بنا بعد از مدتی ویران شد و مجدداً گنبد دیگری با کاشیکاری های فیروزه ای بر آن بنا شد و در سال 1337 ه ق مرقد آنان دوباره بازسازی گردید.

5. مرقد آدم و نوح:

در زیارتنامه حضرت علی (علیه السلام) می خوانیم که (وسلام بر تو، وسلام بر آدم و نوح که در کنار تو دفن شده اند...) و این موضوع دلالت دارد بر اینکه آدم و نوح در داخل روضه مطهر و در کنار قبر حضرت علی (علیه السلام) مدفون شده اند. ابن بطوطه در سفرنامه اش نیز می گوید که در هنگام دخول به روضه مطهر شاهد سه قبر بوده است که یکی متعلق به حضرت علی (علیه السلام) و دو قبر دیگر متعلق به آدم و نوح بوده است. جهانگرد دیگری به نام (سید علی ترکی) در کتاب خویش (مرآة الممالیک) می گوید که: در سال 961 ه ق پس از زیارت حضرت علی (علیه السلام) در نجف به زیارت آدم و نوح و شمعون رفته است و این در حالی است که هیچ منبعی از دفن شمعون در نجف سخن نگفته است و هیچ کسی چنین مرقدی را سراغ ندارد.

6. مسجد حنانه:

گویند که قبل از اسلام در این منطقه بنایی ایستاده قرار داشت که به آن (قائم) می گفتند و هنگامیکه جنازه مطهر حضرت علی (علیه السلام) را برای دفن به نجف می بردند، از جلوی این بنا عبور کردند و این بنا کمی انحنای پیدا کرد، از اینرو منطقه مذکور بعدها به نام حنانه معروف شد. برخی دیگر می گویند که این زیاد در محرم سال 61 ه ق قافله اسرای اهل بیت را به همراهی سر مطهر امام حسین و سرهای سایر شهدا در این منطقه جای داد تا شهر کوفه را برای ورود آنان آماده کند و زمین از این مصیبت بزرگ سر به نوحه و زاری برداشت و برخی گویند اهل بیت (علیهم السلام) با دیدن سرهای شهدا سر به نوحه و زاری برداشتند و این منطقه به حنانه (نال و نوحه کننده) معروف شد و بعدها در این محل مسجدی بنا شد که به مسجد حنانه معروف گردید.

مسجد حنانه از مساجد متبرکه شهر نجف است و یکی از سه جائی است که امام صادق در آنها نماز خوانده است. این مسجد در جاده نجف به کوفه و در شمال شهر نجف واقع شده است و نزدیک منطقه ای به نام الثویه است که مدفن بسیاری از خواص امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که قبرهای آنان ویران شده است.

این مرقد در بین راه نجف کوفه قرار دارد و بصورت حرم بزرگی با گنبد با شکوهی است. کمیل بن زیاد نخعی یکی از اصحاب نزدیک حضرت علی (علیه السلام) بود که حضرت علی (علیه السلام) دعای معروف به دعای کمیل را به او یاد داد. او در جنگ نهروان همراه آن حضرت بود و مردی مورد اعتماد و قلیل الحدیث بود و از عابدان کوفه به شمار می رفت و حضرت علی (علیه السلام) او را به فرمانداری شهر هیت اعزام کرد. در دوران حجاج و بنا به دستور او کمیل دستگیر و کشته شد.

شیخ مفید در کتاب ارشاد گوید که چون حجاج به حکومت رسید، کسانی را به دنیال کمیل فرستاد و کمیل از دست آنها فرار کرد، حجاج نیز برای انتقام گرفتن از او، مقرری قوم او را از بیت المال قطع کرد و چون این خبر به کمیل رسید گفت: من پیرمردی بیش نیستم که عمرم به سر رسیده است و اکنون شایسته نیست که قوم من به خاطر من از مقرری خود محروم شوند، پس به نزد حجاج رفت و خود را تسلیم کرد. حجاج چون او را دید گفت: دلم می خواست که به هر وسیله ای تو را دستگیر کنم. کمیل گفت: دندان هایت را برای من تیز نکن و سپس در ادامه به او گفت بدان که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به من خبر داد که تو قاتل من هستی، حجاج گفت: حجت بر تو تمام است. کمیل گفت: آری، این قضا و قدر است. سپس حجاج دستور داد که گردن او را زدند.

شیخ حرز الدین در کتاب المراقد می گوید: بر مرقد او در (الثویه) گنبدی سفید است و قبر او بر روی تپه ای قرار دارد که در حدود یک میل تا باروی شهر نجف فاصله دارد و امروزه مرقد او در جاده کوفه به نجف مشهور و معروف است و اطراف آن را مسجد بزرگی فرا گرفته که آن را سید محمد کلانتر تجدید بنا کرده است (1).

در حیاط حرم کمیل بن زیاد مرقد شیخ احمد وائلی قرار دارد، شیخ احمد وائلی در 17 ربیع الاول سال 1347 ه ق در شهر مقدس نجف بدنیا آمد. خانواده او از طایفه بنی لیث

ص: 91

بودند که از خاندان های بزرگ ناحیه فرات وسطی از قرن ششم هجری به بعد به شمار می رفته اند. در خانواده وائلی دهها شخصیت و چهره فرهنگی و مذهبی به ظهور رسیده است پدرش شیخ احمد حسون وائلی نام داشت که خطیبی مشهور و در عین حال کاسبی مغازه دار بود. شیخ احمد وائلی تحصیل در حوزه را از نوجوانی آغاز کرد و همزمان به تحصیلات دانشگاهی در رشته های فقه و ادب عرب در دانشگاه بغداد و سپس در دانشگاه قاهره پرداخت.

اشعار وائلی از محبوبیت و اعتبار ادبی واجتماعی ویژه ای برخوردار بود. در میان اشعار او علاوه بر مضامین مذهبی، توجه جدی به مسائل اجتماعی و همچنین مسأله فلسطین دیده می شود. با این حال مهمترین مشخصه وائلی منبرهای پر شور و جذاب او بود.

شیخ احمد وائلی پس از به قدرت رسیدن صدام و افزایش فشار بر شیعیان، 25 سال گذشته را دور از وطن گذراند و تنها پس از سقوط صدام حسین در اردیبهشت 1382، توانست به میهن خود باز گردد. با اینحال حضور او در عراق چندان نپایید و روز 14 جمادی الاول سال 1424 ه ق (مصادف با دوم مردادماه 1382) در شهر کاظمین به رحمت ایزدی پیوست. جنازه او با حضور میلیونی شیعیان عراق تشییع شد و پیکر او در حیاط حرم کمیل بن زیاد در منطقه خانه نجف اشرف به خاک سپرده شد.

8. مسجد عمران بن شاهین:

از قدیمی ترین مساجد نجف است که در اواسط قرن چهارم هجری توسط عمران بن شاهین ساخته شد. عمران یکی از شورشیان علیه حکومت عضد الدوله بویه بود که شکست خورد و با خود عهد کرد که چنانچه سلطان از وی درگذرد دو رواق یکی در نجف و دیگری در کربلا بنا کند. رواقی که در نجف ساخت در سمت شمالی حرم مطهر قرار داشت و در آن هنگام حرم مطهر کوچک بوده و عبارت بود از روضه مطهر و رواق آن همان صحن بود و در کنار صحن ایوان شرقی آن قرار داشت و مسجد عمران چندگامی تا آن فاصله داشت ... در دوران شاه عباس

صفوی صحن را از جهت شمال توسعه دادند و این امر باعث شد که قسمتی از مسجد عمران بن شاهین به صحن افزوده شود. در دوران شاه صفی باز خانه های اطراف حرم خریداری شد و بدینوسیله صحن بزرگی ساخته شد که تا امروز برجها مانده است. در سال 1368 ه ق دولت قسمت دیگری را تخریب نموده، خیابان کشی کرد و تنها قسمتی از مسجد باقی ماند که این قسمت تا روزگار ما باقی مانده است که در مسجد اکنون در راهروی حرم که به باب الطوسی منتهی می شود قرار دارد.

9. مسجد الخضراء:

این مسجد در جهت شمال شرقی دیوار خارجی صحن شریف واقع شده و مدخل آن از ایوان دوم دیوار شرقی است، این مسجد بسیار قدیمی است و تاریخ ساختن آن معلوم نیست و گمان می رود که آن را علی بن مظفر ساخته باشد. مسجد مذکور در سال 1388 ه. ق به طرز زیبایی بازسازی شد و برای دهها سال از مراکز اصلی تدریس در حوزه علمیه نجف به شمار می رفت. (1)

10. مسجد الرأس (بالاسر):

مسجدی بسیار قدیمی است که در آن رو به صحن شریف و در سمت ایوان بزرگ مقابل رواق باز می شود و چون در سمت بالاسر مطهر حضرت قرار دارد به آن مسجد رأس می گویند. تاریخ بنای آن به دوره پادشاهان ایلخانی باز می گردد که بارها تجدید بنا شده است و آخرین بار در سال 1306 ه ق از طرف نادر شاه افشار تجدید بنا شده است. در محراب این مسجد قطعاتی از کاشی های خشتی متعلق به قرن ششم هجری به چشم می خورد. این مسجد به شکل مستطیل بوده و در وسط آن صحن بزرگی قرار دارد و در دو سمت شمالی و جنوبی صحن دو ایوان بزرگ وجود دارد که تعداد زیادی ایوان

ص: 93

1- علاوه بر این، این مسجد حوزه درس و بحث مرحوم آیت الله خوبی بوده است و توسط شیخ احمد انصاری قمی بازسازی شده است (قائدان، عتبات عالیات عراق ص 48) (ویراستار)

مرمری در آنها قرار دارند. در سال 1368 ه ق در حدود پنج متر از مسجد گرفته و به خیابان مجاور آن افزوده شد.

11. مسجد شیخ طوسی:

این مسجد در اصل خانه شیخ طوسی بود و وی قبل از وفات وصیت کرده بود که در آن به خاک سپرده شود و محل مذکور بصورت مسجدی درآید. این مسجد روبروی در طوسی حرم مطهر و در سمت شمالی آن قرار گرفته است و در کنار آن مقبره سید محمد مهدی بحر العلوم واقع شده است. مسجد طوسی بارها تجدید بنا شده است، این مسجد در سالهای 1198 ه ق، 1305 ه ق و 1380 ه ق تجدید بنا شده است. شیخ طوسی یکی از مشاهیر فقهای امامیه و مؤسس حوزه علمیه نجف است که در سال 460 ه ق وفات یافت. مسجد شیخ طوسی در ده قرن گذشته یکی از مراکز تدریس حوزه نجف شمرده می شود(1).

12. تکیه بکتاشیه:

این تکیه در کنار مسجد بالاسر قرار دارد و ساختاری بسیار محکم داشته و از سنگهای بزرگ ساخته شده است که شبیه بنای صحن شریف است. برخی اعتقاد دارند که این محل قبلاً کتابخانه حرم مطهر بوده است و به نظر می رسد که در دوران حاج بکتاش در قرن هشتم هجری ساخته شده باشد و از دو بخش تشکیل شده که بخش اول آن مخصوص نماز جماعت و برپایی دروس دینی بوده و از چهار ایوان تشکیل می شود. و اما بخش دوم مربعی شکل و دو طبقه بوده و تعدادی اتاق دارد که در آن برخی از عابدان و زاهدان به کار عبادت مشغولند. این تکیه محل تجمع و برگزاری مراسم (صوفیان بکتاشی) بوده است. ساختمان این تکیه امروزه به انبار آستانه تبدیل شده است.

ص: 94

نام گورستان عمومی و معروف شهر نجف است و یکی از کهن ترین گورستان های جهان به شمار می رود. این گورستان تنها متعلق به اهالی نجف نبوده بلکه مدفن بسیاری از شیعیان جهان و از کشورهای مختلف نظیر: هندوستان، ایران، پاکستان، کویت، جبل عامل لبنان و غیره می باشد. در این گورستان پادشاهان، وزرا، امرا و شاهزادگان، علما و دانشمندان و عامه مردم به خاک سپرده شده اند. برخی از قبرها منهدم شده و برخی رو به ویرانی است در این میان تعدادی از قبرها نیز تازه احداث شده است. قبرها بزرگ و کوچک بوده، برخی دارای دکه های بلند و برخی دارای دکه های کم ارتفاع، برخی قبرها دیوار کشی شده است و برخی دیگر دارای اتاقی است که قاری قرآن در آن می نشیند و روزها پی در پی برای مرده قرآن می خواند و دستمزد خود را از بستگان مرده دریافت می کند. برخی از قبرها نیز دارای باغچه هستند. بر روی برخی از قبرها نیز گنبدهایی دیده می شود که رنگ و نوع آن بسته به اهمیت متوفی با یکدیگر تفاوت دارد. بر روی هر قبری سنگ قبری وجود دارد که بر روی آن نام متوفی و تاریخ درگذشت او نقش بسته است و نوع این سنگ قبرها بسیار متفاوت است و معمولاً بر روی برخی از آنها ابیات شعری به زبان عربی فصیح و عامیانه نقش بسته است.

از جمله مراقد موجود در قبرستان وادی السلام مرقد پیامبران خدا (هود و صالح)



تصویر وادی السلام

است که در سمت غربی وادی السلام و در پشت باروی قدیمی شهر نجف و شمال شرقی حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام) قرار دارد. این دو پیامبر در يك حرم مدفونند و بر روی این حرم گنبدی متوسط بنا شده است. قبلاً بر روی این مرقد صخره سرخ قدیمی و کهنی قرار داشت که طول آن به اندازه يك ذرع و چند انگشت و عرض آن به اندازه يك وجب بود و بر روی آن با خط کوفی مطالبی نوشته شده بود که نشان می داد، این محل قبر حضرت هود و صالح است. اولین کسی که بر روی این قبرها صندوقی چوبین گذاشت عالم جلیل القدر سید محمد مهدی بحر العلوم بود و پس از آن بانویی به نام (ملاحفیره) همسر ملایوسف نقیب و خزانه دار حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام)، متوفی سال 1270 ه ق که نذر کرده بود در صورت بچه دار شدن، گنبدی بر بالای قبر آنها بسازد گنبد آجری کوچکی بر روی قبر آنان ساخت.

در سال 1333 ه ق که انگلیسی ها شهر نجف را به مدت چهل روز محاصره کرده بودند، بسیاری از اماکن مقدسه و از جمله آنها مرقد هود و صالح را ویران کردند(1) و پس از برطرف شدن حصار، اهالی متوجه شدند که انگلیسی ها نه تنها گنبد و مرقد مطهر آنان را ویران کرده اند بلکه سنگ نوشته کوفی را نیز به سرقت برده اند.

شهر کوفه

کوفه یکی از شهرهای مهمی است که مسلمانان صدر اسلام آن را پایه گذاری کردند و حضرت علی (علیه السلام) آن را بعنوان پایتخت خود انتخاب کردند. گویند محل بنای این شهر را دو صحابی جلیل القدر یعنی سلمان فارسی و حذیفه یمانی در سال 17 ه ق و در دوره خلافت عمر انتخاب کردند و در آغاز به این شهر (کوفه الجند) می گفتند که به معنی (محل تجمع لشکریان) بود و بعدها این واژه خلاصه شده و به آن کوفه می گفتند. در سال 22 ه ق و در زمان حکمرانی مغیره بن شعبه، تعداد هفت محله به تعداد قبایل ساکن در

ص: 96

1- این مرقد بعدها در سال 1337 توسط یکی از نیکوکاران ایرانی تجدید بنا و مرمت شده است (ویراستار)

شهر، که هفت قبیله بودند پایه گذاری شد و در سال 36 ه ق حضرت علی (علیه السلام) پس از جنگ جمل این شهر را بعنوان پایتخت انتخاب فرمودند و به تدریج این شهر رونق علمی و تجاری فراوانی پیدا کرد و یکی از مراکز مهم علمی و سیاسی جهان اسلام گردید و جمعیت آن را که بیشتر ایرانیان تشکیل می دادند بالغ بر یک میلیون نفر شد.

در دوران اموی ها علی رغم انتقال پایتخت به شهر دمشق، این رونق ادامه داشت اما با به قدرت رسیدن عباسی ها پایتخت در سال 132 ه ق به شهر هاشمیه و سپس به بغداد منتقل شد و روز به روز از اهمیت کوفه کاسته شد و بنا به گفته جهانگرد معروف ابن جبیر که در سال 580 ه ق از آن دیدن کرده است، شهر روبه ویرانی رفته است.

ابن بطوطه در سفرنامه خود این شهر را چنین توصیف می کند: (1) (کوفه یکی از مهمترین شهرهای عراق می باشد و امتیاز آن بر دیگر شهرها این است که مسکن صحابه و تابعین و جایگاه علما و صلحا و مرکز خلافت امیرالمومنین علی (علیه السلام) بوده است لیکن در حال حاضر بسبب حمله های متمادی وضع آن شهر روبه ویرانی کشیده است. مایه تباهی شهر کوفه اعراب خفاجه هستند که در اطراف آن سکونت دارند. این اعراب کارشان راهزنی است. کوفه بارو ندارد و بنای آن از آجر و دارای بازارهای نیک می باشد. غالب متاعی که در بازار کوفه معامله می شود خرما و ماهی است. جامع اعظم کوفه، مسجد بزرگی است با هفت شبستان که بر روی ستونهای سنگی قطور و بلند بنا شده است این ستونها از قطعه سنگهای تراش شده تشکیل یافته که روی هم قرار داده شده و وسط آنها را فلز قلع ریخته اند (2).

مسجد کوفه دارای آثار متبرکه ای است، از جمله مقابل محراب از طرف راست اطاقی است که می گویند (مصلاهی حضرت ابراهیم خلیل) بود و نزدیک آن محرابی وجود دارد که چوبهای ساج بلند گرداگرد آن را گرفته اند و آن، (محراب علی بن ابی طالب (علیه السلام)) بود که ابن ملجم شقی در همین جا بر سر آن حضرت زخم زد و مردم برای نماز به آن محراب می روند. در زاویه دیگر این شبستان مسجد کوچکی است که

ص: 97

1- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه

2- همان منبع

دورتادور آن نیز با چوبهای ساج احاطه شده است و می گویند (تنوری که در طوفان نوح) آب از آن جوشیده در اینجا بوده است. در قسمت عقبی شبستان مزبور در خارج مسجد اطاقی وجود دارد که می گویند منزل (نوح پیامبر) بوده و رو بروی آن اطاق دیگری هست که به اعتقاد مردم محل عبادت (ادریس) بوده است. محوطه متصل به همین قسمت که با دیوار جنوبی مسجد مربوط است محلی بوده که نوح کشتی خود را در آنجا ساخته و در منتهی الیه این محوطه خانه علی ابن ابی طالب (علیه السلام) و اطاقی که جنازه او را در آن غسل داده اند واقع شده و اطاق دیگری در مجاورت خانه آن حضرت است که آن هم به نوح پیامبر منسوب می باشد و خدا بهتر می داند از این نسبت ها کدام درست و کدام نادرست است.

شرق مسجد و داخل بالاخانه ای، مقبره (مسلم بن عقیل (علیه السلام)) واقع شده و در نزدیکی آن خارج مسجد، قبر (عاتکه و سکینه) دختران امام حسین (علیه السلام) قرار دارد. اما از قصر الاماره کوفه که سعد بن وقاص بنا کرد اکنون جز پایه های آن چیزی برجا نمانده است.

امروزه شهر کوفه موقعیت پیشین خود را از دست داده و بعنوان یکی از بخشهای تابع شهر نجف شمرده می شود، فاصله این دو شهر هشت کیلومتر است و تقریباً به یکدیگر متصل شده اند. شهر کوفه بعلت موقعیت جغرافیایی اش از آب و هوای ملایم تری نسبت به نجف برخوردار است.

اماکن زیارتی در شهر کوفه

1. مسجد کوفه:

مسجد کوفه یکی از مساجد بسیار قدیمی اسلامی است و گفته می شود در سال 17 ه ق که شهرکوفه تأسیس شد اولین بناهایی که در شهر ساخته شدند مسجد و دارالاماره (1) بودند. مسجد مذکور مربعی شکل بوده و برای چهل هزار نمازگزار گنجایش دارد.

ص: 98

1- سعد ابن ابی وقاص این منطقه را برای استقرار دائم سپاهیان و غازیان در نظر گرفت و نخستین کاری که انجام داد ساخت مسجد بود. (ویراستار)

در وسط حیاط مسجد جایی پایین تر از سایر جاها وجود دارد که به آن (سفینه) می گویند و عامه مردم معتقدند که جای مذکور محل فرود آمدن و یا ساخته شدن سفینه نوح است، که امری باطل است و در حقیقت جای مذکور فقط نشان دهنده عمق قبلی کف مسجد است زیرا که بعلت بالا آمدن مجرای آب فرات، آب به داخل مسجد که در گودی قرار گرفته بود نفوذ نمود و بنا به دستور و همت سید مهدی بحر العلوم کف مسجد را با ریختن خاک کافی بالا آوردند و برای نشان دادن میزان خاک ریخته شده این محل را به همان صورت سابق نگاه داشتند.



تصویر مسجد کوفه

در فضل مسجد کوفه احادیث فراوانی روایت شده است که برخی از آنها عبارتند از:

امام باقر (علیه السلام) فرمود: (صلاه فی مسجد الکوفه، الفریضه تعدل حجه مقبوله والتطوع فیه تعدل عمره مقبوله) یعنی نماز خواندن در مسجد کوفه، چنانچه فریضه یومیه باشد معادل حج مقبولی است و چنانچه فریضه مستحبی باشد معادل عمره مقبولی است.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: (مسجد کوفان روضه من ریاض الجنه، صلی فیه الف نبی

وسبعون(1) یعنی مسجد کوفه باغی از باغهای بهشت است، و در آن یکهزار و هفتاد پیامبر نماز خوانده است.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: (النافله فی هذا المسجد تعدل عمره مع النبی (صلی الله علیه و اله)، والفریضه تعدل حجه مع النبی (صلی الله علیه و اله) وقد صلی فیہ ألف نبی و وصی(2) یعنی نماز نافله در این مسجد مساوی حج عمره گذاردن همراه با پیامبر خداست و نماز فریضه خواندن در آن مساوی حج تمتع گذاردن همراه با پیامبر خداست. در این مسجد هزار نبی و وصی نماز خوانده است.

از رسول خدا (صلی الله علیه و اله) روایت شده است که: در شب اسراء که به آسمان رفت، جبرئیل به ایشان عرض کرد: ای محمد (صلی الله علیه و اله) آیا می دانی که اکنون کجا هستی؟ تو اکنون مقابل مسجد کوفه هستی. پیامبر فرمود: از خداوند برایم اجازه بگیر که دو رکعت در آن نماز بخوانم، سپس پیامبر در آنجا فرود آمد و در آن نماز خواند، به درستی که مقدمه مسجد همانند باغی از باغهای بهشت است و سمت چپ و سمت راست و وسط آن همانند باغی از باغهای بهشت است و نماز فریضه خواندن در آن مساوی خواندن هزار رکعت نماز است و نماز نافله خواندن در آن مساوی پانصد رکعت نماز است.(3)

از جاهای زیارتی و متبرک مسجد می توان از مقام امیرالمومنین (علیه السلام) نام برد که در سمت قبله قرار دارد، البته قابل ذکر است که دورتادور مسجد را حجره های زیادی فراگرفته که بزرگترین آنها همین مقام است که در سمت قبله قرار دارد و در آن محرابی هست که گویند حضرت علی (علیه السلام) در آنجا نماز می خوانده است و در همان جا به شهادت رسیده است و در کنار محراب دری وجود داشت که به قصر دار الاماره منتهی می شد که خرابه های آن همچنان در کنار مسجد قرار گرفته است و در فاصله هشتاد و پنج متری دارالاماره خانه امام علی (علیه السلام) قرار دارد که همچنان پابرجاست و بر روی آن گنبد سبزی

ص: 100

1- فروع کافی، ج 1، ص 138؛ التهذیب، ج 1، ص 325.

2- التهذیب، ج 2، ص 11، کامل الزیارات، ص 28

3- فروع کافی، ج 1، ص 138؛ التهذیب، ج 2، ص 11 و ج 1، ص 324؛ المجالس ص 232؛ کامل الزیارات ص 38؛ المحاسن برقی ص 56؛ من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 76.

دیده می شود. شیعیان در هنگام ورود به مسجد نخست به نزد محراب علی (علیه السلام) می روند و در کنار آن دو رکعت نماز به جا می آورند. در سال 1974 م، رهبر اسماعیلیان (1) بهره اقدام به نصب پنجره ای از طلا و نقره در مقام امیر المومنین (علیه السلام) نمود.

از اعمال مسجد، خواندن دو رکعت نماز در وسط مسجد است که به مقام رسول خدا (صلی الله علیه و اله) معروف است و مردم معمولاً این نماز را برای قضای حاجت می خوانند و در رکعت اول پس از حمد سوره اخلاص و در رکعت دوم پس از حمد سوره الکافرون را می خوانند و پس از نماز تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) را می خوانند و سپس این دعا را می خوانند:

(اللهم أنت السلام ومنك السلام واليك يعود السلام ودارك دار السلام حينا ربنا منك بالسلام، اللهم اني صليت هذه الصلاة ابتغاء رحمتك ورضوانك ومغفرتك وتعظيماً لمسجدك، اللهم فصلّ على محمد وآل محمد، وارفعها في عليين وتقبلها منّي يا أرحم الراحمين)

همچنین در این مسجد ستونها و محرابهای هفت گانه ای وجود دارد که این محرابها محل نماز گزاردن برخی از معصومان و پیامبران (علیهم السلام) بوده است.

از دیگر جاها دکه القضاء است که بنا به روایاتی جایگاه قضاوت حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) بوده و در شمال شرقی مسجد قرار دارد و در مجاورت آن جایی به نام (بیت الطشت) قرار دارد که محل ظهور یکی از معجزات حضرت علی (علیه السلام) است و تفصیل آن در مفاتیح الجنان آمده است.

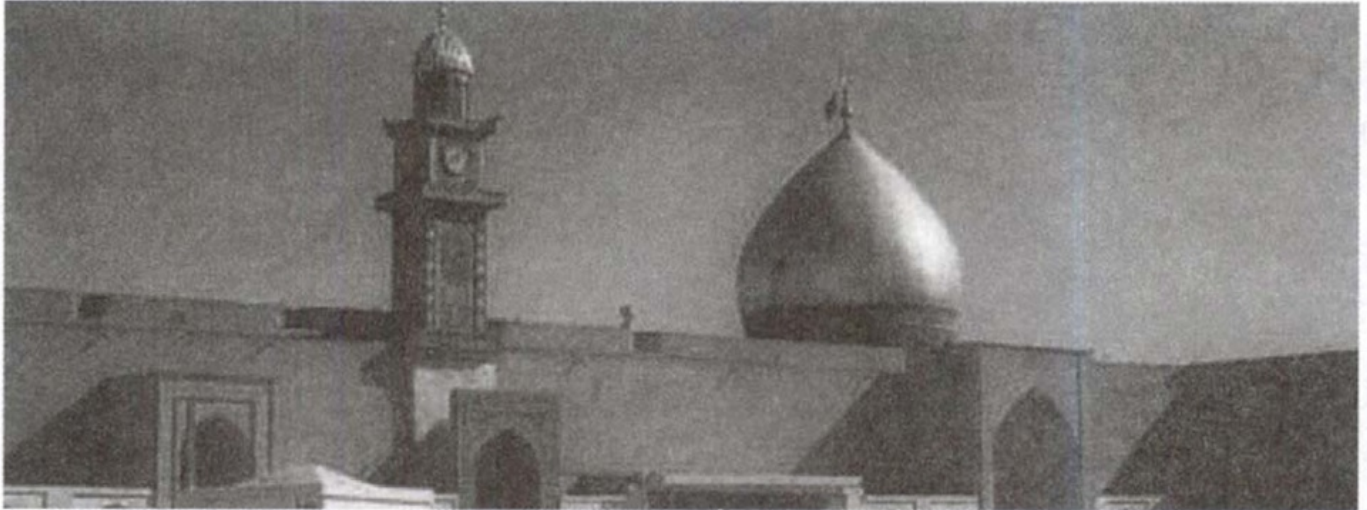
باب الثعبان یا دروازه اژدها یکی از دروازه های نخستین و کهن مسجد کوفه است که در میانه دیوار شمالی قرار دارد و در اینجا یکی دیگر از معجزات امیر المومنین علی (علیه السلام) ظاهر شده است. (2)

ص: 101

1- اسماعیلیان بهره طایفه ای از اسماعیلیان ساکن در هند و پاکستان هستند که رهبر آن آقاخان نام دارد.

2- جهت اعمال مسجد کوفه به مفاتیح نوین مراجعه شود.

مسلم بن عقیل اولین شهید از شهدای حماسه کربلا بود و امام حسین (علیه السلام) او را بعنوان سفیر خود به کوفه فرستاده بود تا به بررسی وضع پرداخته و درباره نامه هایی که اهل کوفه برای امام حسین فرستاده بودند اطمینان حاصل کند و برای امام حسین (علیه السلام) بیعت بگیرد، اما اهل کوفه چندی پس از بیعت با وی از حمایت او خودداری کردند و مسلم به همراهی یار وفادارش هانی بن عروه در روز عرفه به شهادت رسیدند.



تصویر مرقد حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام

هنگامیکه امام حسین (علیه السلام) او را به نزد اهل کوفه گسیل می کرد نامه زیر را به او داد تا برای اهل کوفه بخواند:

(بسم الله الرحمن الرحيم از حسين بن علي به گروه مؤمنان، اما بعد به درستی که هانی و سعید نامه های شما را به من رساندند و آخرین کسانی بودند که نامه های شما را به من رساندند و آنچه را که در نامه حکایت کرده و یادآور شده بودید دانستم، و آن این که ما رهبری نداریم به نزد ما بیا، چه بسا که خداوند بوسیله شما ما را بر سر جاده حق و هدایت گردآورد، پس اکنون من برادر و پسر عمویم، و شخص مورد اطمینان از بین اهل بیتم یعنی مسلم بن عقیل را به نزد شما می فرستم و او برگزیده اهل بیت من است، و به او گفتم که از وضعیت شما و نظر شما برایم بنویسد، و چنانچه او برایم بنویسد که فاضلان و عامه

شما بر این نظر که در نامه هایتان نوشته اید متفق القول هستید، به زودی إن شاء الله به نزد شما خواهیم آمد ... (هنگامیکه مسلم به شهر کوفه رسید، در خانه مختار بن ابی عبیده ثقفی فرود آمد و شیعیان گروه گروه به نزدش آمدند و مسلم نیز نامه امام حسین را برای آنان خواند و آنان نیز با او بیعت کردند تا آن که تعداد بیعت کنندگان به بیست و پنج هزار نفر رسید، پس مسلم در آن شب نامه ای برای امام حسین فرستاد که مضمون آن بشرح زیر بود:

(اما بعد، پیشرو قبیله هیچگاه به قوم خود دروغ نمی گوید، و بدان که هیچده هزار نفر از اهالی کوفه با من بیعت کردند، پس چون نامه من به شما رسید به سرعت حرکت کن، به راستی که همه مردم با شما هستند، و آنان را علاقه ای به خاندان معاویه نیست والسلام).

از سوی دیگر عبید الله بن زیاد با چهره ای مبدل و با لباس علوی وارد کوفه شد و مردم گمان کردند که او امام حسین (علیه السلام) است، اما هنگامیکه وارد دارالاماره شد او را شناختند. عبید الله چون چنین دید به بالای قصر رفت و مردم کوفه را به فراخواندن لشکر شام تهدید کرد شایعات فراوانی پراکنده کرد تا در مردم تفرقه بیندازد، سپس گروهی را مأمور یافتن مسلم بن عقیل نمود. مسلم نیز ناچار شد که از خانه ای به خانه دیگر پناه برد و عاقبت به خانه هانی بن عروه پناه برد و ابن زیاد هانی را فراخوانده و مسلم را از او خواستار شد، اما هانی از دادن مسلم امتناع کرد و ابن زیاد با تازیانه بر بینی او زد و دستور داد که او را در قصر دارالاماره زندانی کنند. مسلم چون چنین دید از خانه هانی بیرون آمد و سرگردان کوچه و برزن شد تا اینکه به خانه زنی به نام (طوعه) رسید و دید که او کنار در منتظر بازگشت فرزند خود است، پس مسلم بر او سلام کرد و از او آب خواست، (طوعه) برایش آب آورد، مسلم پس از آنکه آب نوشید در گوشه ای نشست. (طوعه) گفت: آی بنده خدا مگر آب نوشیدی؟

مسلم گفت: آری

(طوعه) گفت: پس اکنون به خانه خود برو.

(طوعه) سه بار این سخن را تکرار کرد، اما مسلم از جای خود تکان نخورد.

(طوعه) گفت: سبحان الله! من نشستن تو را در اینجا شایسته نمی بینم.

مسلم گفت: من در این شهر خانه و عشیره ای ندارم، آیا می توانی در حق من نیکی کنی و باشد که من این کار تو را جبران کنم.

(طوعه) گفت: مگر تو کیستی؟

مسلم گفت: من مسلم بن عقیل هستم و این قوم مرا به اینجا دعوت کرده و فریب دادند.

(طوعه) چون این سخن را شنید به او گفت: به خانه من بیا.

سپس او را به درون خانه برد و در اتاقی جای داد و برایش شام آورد، اما مسلم از خوردن امتناع کرد و چون پسران زن آمد، ملاحظه کرد که مادرش رفت و آمد زیادی به آن اتاق می کند، علتش را پرسید و مادر از گفتن امتناع کرد و چون بر او زیاده اصرار ورزید، از او قول گرفت که چیزی به کسی نگوید و سپس به او خبر داد که مسلم در خانه آنهاست، و چون صبح فرا رسید، پسرش به نزد محمد بن الاشعث رفت و او را از جای مسلم باخبر کرد، سپس دو نفری به نزد این زیاد رفتند و او را از موضوع مطلع ساختند. ابن زیاد پنجاه نفر را برای دستگیری مسلم فرستاد. هنگامیکه مسلم صدای پای اسب ها را شنید از خانه بیرون آمد و نبرد سختی با آنان آغاز کرد و ابن زیاد چون نبرد سرسختانه او را دید گروهی دیگر را نیز به یاری آنها فرستاد. هنگامیکه لشکریان ابن زیاد مشاهده کردند که مسلم بسیاری از آنان را کشته و یا از میدان به در برده است از این رو با تیراندازی و پرتاب سنگ و آتش به مقابله با او پرداختند، تا آنکه عاقبت مسلم زخمی شد و از ادامه نبرد عاجز شده به دیواری تکیه داد. در همین هنگام محمد بن اشعث جلو آمده و به او گفت:

ای جوان خود را به کشتن نده و بدان که ما به تو امان می دهیم و به تو دروغ نمی گوییم و به تو نیرنگ نمی زنیم، و بدان که این قوم عموزادگان تو هستند و هیچگاه تو را نخواهند کشت.

مسلم به سخنان آنان توجهی نکرد و به جنگ خود دلیرانه ادامه داد و لشکریان ابن

زیاد چون چنین دیدند بر سر راه او گودالی کنده و سر آن را پوشاندند، سپس او را به سمت آن هدایت کرده درون گودال انداخته و دستگیر کردند و بالاخره به شهادت رساندند.

تاریخچه مرقد مسلم بن عقیل:

مرقد مسلم بن عقیل در جوار مسجد کوفه و در سمت شرق آن قرار دارد. بر بالای مرقد گبنندی طلائی قرار دارد و وزارت اوقاف عراق در سال 1960 م اقدام به توسعه صحن شریف واقع بین قبر مطهر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه نمود و رواق هایی در آنجا ساخت. در سال 1965 م مجدداً رواق اطراف ضریح توسعه یافت و دیوارهای داخلی حرم کاشیکاری و آینه کاری شد. در سفرنامه (ثیبور) آمده است که او از خلال سنگ نوشته ای که بر روی قبر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه بوده،

دریافته است که محمد بن محمود رازی و ابوالمحاسن بن احمد شیرازی در سال 681 ه ق این مرقد را بنا کرده اند. همچنین او اضافه می کند که بانوی نیکوکار (عادل) دختر احمد پاشا و همسر والی سلمان پاشا دستور داد که دیوار شمال غربی مسجد کوفه را با هزینه شخصی خود بازسازی کنند(1).

شیخ حرز الدین در کتاب المراقد جلد دوم صفحه 309 می گوید: (تولیت مرقد مسلم بن عقیل جناب آقای شیخ طعمه کوفی پنجره دیگری را به ما نشان داد که تاریخ ساختن آن به سال 1055 ه ق باز می گردد و در یکی از گوشه های آن نوشته شده است که این پنجره به نفقه بانوی نیکوکار (مادر آغاخان) ساخته شده است.

در ماه ربیع الاول سال 1232 ه ق شخصی به نام حافظ محمد عبدالحی خان اقدام به بازسازی حرم نمود.

سید محسن حکیم نیز دستور داد که پنجره هایی برای مرقد های مطهر حضرت

ص: 105

ابوالفضل (علیه السلام)، مسلم بن عقیل، قاسم بن موسی بن جعفر و مقام امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسجد کوفه ساخته و نصب شود.

در سال 1384 ه ق حاج محمد رشاد میرزا اقدام به تجدید بنای صحن و مرقد شریف نمود.

در سال 1387 ه ق حاج محمد حسین رفیعی بهبهانی کویتی بنا به دستور سید محسن حکیم اقدام به تذهیب گنبد مرقد مسلم بن عقیل نمود.

3. مرقد هانی بن عروه:

هانی بن عروه شیخ و رهبر قبیله (مراد) بود که چون در هنگام جنگ بر اسب می نشست چهار هزار سوار زره پوش و هشت هزار سرباز پیاده و نیز قبایل هم پیمان او از کنده و غیره گرداگردش را فرا می گرفتند که تعداد کل آنها بالغ بر سی هزار سرباز زره پوش می شد (1). در تاریخ طبری آمده است که چون ابن زیاد از وجود مسلم بن عقیل در خانه هانی مطلع شد به دنبال او فرستاد و مسلم را از او مطالبه کرد. هانی گفت: مسلم میهمان من است و من هیچگاه او را از خانه خود بیرون نخواهم کرد. زیاد گفت: آیا فکر نمی کنی که پدرم بر پدرت حقی دارد، زیرا که معاویه را از کشتن او باز داشت، و حال تو چنین می گویی؟ هانی گفت: حال نیز من از تو می خواهم که حقی بر گردن من داشته باشی و جان کسی را که میهمان من است حفظ کنی و من قول می دهم که او را از کوفه بیرون برم. ابن زیاد چون این سخن شنید خشمگین شد و با تازیانه بر صورت هانی نواخت و بینی او را شکست. سپس دستور داد تا هانی را به زندان اندازند.

در روایتی دیگر گویند: ابن زیاد به هانی گفت: تو خوب می دانی که پدرم تمامی شیعیان، بجز پدرت را کشت، و تو را گرامی می داشت و حتی در طی نامه ای به امیر کوفه رعایت حال تو را توصیه کرد، حال پاداش این کارها را چنین می دهی و مردی را در خانه

ص: 106

خود پناه داده ای که قصد دارد مرا بکشد.

هانی گفت: من چنین کاری نکرده ام!

پس ابن زیاد غلام هانی را که معقل نام داشت فراخواند، و چون هانی غلام خود را دید در بهت و حیرت فرو رفت. آنگاه به ابن زیاد گفت: تو نسبت به من نیکوکار بوده ای و من اکنون می خواهم که نیکی های تو را جبران کنم.

ابن زیاد گفت: چگونه؟

هانی گفت: اجازه می دهیم که تو و خانواده ات به همراه اموال سالم به شام بروی، چرا که شخصی عازم این دیار است که از تو و صاحب تو به خلافت سزاوارتر است.

ابن زیاد گفت: هانی را به نزد من آورید.

سپس با قضیبی آهنین (تازیانه) که در دست داشت ضربه ای محکم بر صورت هانی نواخت. هانی نیز بسوی نگهبانی که شمشیر به دست در کنارش ایستاده بود یورش برد تا شمشیر را از دست او بیرون آورد اما نگهبان مقاومت کرد و شمشیر را به او نداد. برخی گفته اند که هانی با شمشیر بسوی ابن زیاد یورش برد و زخمی کاری بر او زد و نگهبانان به یکباره بر او یورش برده و او را دستگیر کردند (1) چون خبر به آل مذحج رسید، همگی بسوی قصر ابن زیاد یورش بردند و چون ابن زیاد این حالت را دید از خشم جمعیت ترسیده و دستور داد که هانی را در اتاق مجاور مجلس خویش زندانی کنند و سپس به شریح قاضی دستور داد که به بالای قصر برود و از همان جا با مردم سخن گوید تا آرام شوند، شریح نیز به بالای قصر رفته و چنین گفت: (ای مردم پراکنده شوید! و بدانید که شایعه کشته شدن سرورتان شایعه ای باطل و نادرست است، و او هم اکنون در کمال احترام در محضر امیر عبدالله بن زیاد است و امیر را نسبت به او نیت سوئی نبوده و به زودی در کمال عزت و احترام به شما ملحق خواهد شد).

مردم چون این سخنان را شنیدند متفرق شدند.

ص: 107

عبید الله بن زیاد در روز 9 ذی حجه سال 60 ه ق پس از کشته شدن مسلم بن عقیل، دستور داد که هانی بن عروه را از زندان بیرون آورده و در بازار گوسفند فروشان کوفه گردن بزنند و سپس جسد مطهر او را همراه با جسد مسلم بن عقیل در بازارهای کوفه بگردانند.

ابن زیاد سرهای مسلم بن عقیل و هانی را به نزد یزید فرستاد و آل مذحج جنازه ها را از او گرفته و هر دو را در نزدیکی مسجد کوفه به خاک سپردند.

شیخ حرز الدین در کتاب المراقد در باره قبر هانی می گوید: (مرقد او در پشت مسجد کوفه و در جوار زاویه شمال شرقی مسجد قرار دارد و حرم و رواقهای متعددی دارد که تمامی زیارت کنندگان مسلم به زیارت او نیز می شتابند و بر بالای حرم او گنبد بزرگی با کاشیکاری فیروزه ای ساخته شده است (1)).

4. مرقد مختار ثقفی:

مختار ثقفی یکی از خون خواهان امام حسین (علیه السلام) و یاران او بود که بر علیه بنی امیه قیام کرد و توانست افراد بسیاری را که در قتل آن حضرت دخیل بودند دستگیر نموده و به مجازات برساند. علامه امینی در کتاب خود الغدیر مطالب با ارزشی درباره مختار نوشته و او را یکی از بزرگان دین و مخلص و وفادار دانسته و اینکه نهضت مبارک وی تنها برای اقامه عدل و ریشه کنی ملحدان و مقاومت در برابر ظلم اموی ها بوده است، و اینکه او را متهم به مذهب کیسانی (2) کرده اند و یا سایر تهمت های وارد، به هیچ وجه صحت نداشته و ائمه اطهار (علیهم السلام) و از جمله امام سجاد (علیه السلام)، امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) بر او ترحم نموده اند و بویژه امام باقر (علیه السلام) او را مدح کرده است. (3) گویند پس از حماسه کربلا، ابن زیاد بسیاری از شیعیان و از آن جمله مختار ثقفی و میثم تمار را به زندان افکند و قصد داشت که آنان را به شهادت برساند، اما چندی

ص: 108

1- حرزالدین، مراقد المعارف، ج 2 ص 359

2- کیسانیه یکی از فرقه های شیعه است که پس از امام حسین (علیه السلام) به امامت محمد بن الحنفیه فرزند رشید حضرت علی (علیه السلام) معتقد شدند.

3- (2) علامه امینی، الغدیر ج 2 ص 343

نگذشت که پیکی از جانب یزید بن معاویه رسید و به ابن زیاد دستور داد که مختار را بعلت شفاعت قومش آزاد سازد و میثم در زندان به مختار می گفت: (به زودی آزاد خواهی شد و به خون خواهی امام حسین (علیه السلام) قیام خواهی کرد و ابن زیاد را که در سر هوای کشتن تو را دارد، خواهی کشت).

سپس علامه امینی ادامه می دهد:

بزرگان شیعه و از جمله شهید اول او را گرامی داشتند و شهید اول در کتاب (مزارات) زیارتی مخصوص به او را ذکر می کند که نشان دهنده محبت مختار نسبت به امام زین العابدین (علیه السلام) است و اینکه وی جان خود را بر سر راه رضایت ائمه اطهار و یاری این خاندان پاک داده است.

ظاهراً قبر مختار در دوره های پیشین از مزارهای مشهور شیعه در کوفه بوده و بر بالای آن گنبدی قرار داشته و ابن بطوطه، در سفرنامه معروف خود، در این باره چنین می گوید:

(در طرف مغرب قبرستان کوفه جانی را دیدم که در آن چیزی به رنگ سیاه تند در میان زمینه سفیدی جلب نظر می کرد گفتند قبر ابن ملجم شقی است که مردم کوفه همه ساله هیزم فراوان بدانجا می برند و هفت روز آتش بر گور او می افروزند. در نزدیکی قبر ابن ملجم گنبدی است که می گویند مدفن مختار بن ابی عبیده است) شیخ حرز الدین در کتاب المراقده می گوید: (قبر مختار در زاویه محل اتصال قصر دارالاماره و مسجد کوفه واقع شده است و قبر او به مرور زمان مخروبه و از دیده ها مخفی شده بود تا اینکه عاقبت عالم ربانی بزرگوار سید محمد مهدی بحر العلوم در هنگام تتبع آثار باقیمانده مسجد کوفه در اطراف، به سنگ قبری برخورد کرد که نام و نسب مختار بر آن نقش بسته بود. در اوایل روزگار ما مدخل قبر مختار از حجره ای بود که در زاویه جنوب شرقی مسجد کوفه واقع شده بود، اما در این اواخر تاجری به نام حاج محسن بن عبود شلاش خفاجی نجفی با کمک تنی چند از علمای نجف اشرف، حرمی برای مختار ساخته و آن را به جنوب رواق و حرم مسلم بن عقیل ملحق ساخت و برای قبر او پنجره ای جدید ساخت.

میثم تمار یکی از اصحاب خاص حضرت علی (علیه السلام) بود که در روز بیستم ذی حجه سال 60 ه ق، توسط ابن زیاد به شهادت رسید. مرقد او در فاصله سیصد متری مسجد کوفه و در مسیر جاده کوفه به نجف قرار دارد. ساختمان فعلی مرقد به تازگی بازسازی شده است و بر روی قبر صندوقی چوبی و پنجره ای نصب شده است. بر بالای حرم گنبدی بلند قرار دارد که کاشیکاری شده است و در اطراف آن رواق وسیعی وجود دارد و در سمت ضریح ایوان بزرگی است که سیمانکاری شده و در وسط صحن وسیعی قرار گرفته است.

عبید الله بن زیاد پس از به شهادت رساندن مسلم و هانی بن عروه، میثم تمار و مختار را دستگیر نموده و به زندان انداخت، اما چندی نگذشت که بستگان همسر مختار شفاعت او را در نزد یزید کردند و یزید پیکری را به نزد ابن زیاد فرستاد تا مختار را آزاد کنند و در همان نامه از ابن زیاد خواسته شده بود که میثم را به دار آویزند. ابن زیاد نیز دستور داد او را بر چوبه داری که نزد خانه عمرو بن حریش برپا شده بودند، اما با این همه حال میثم همچنان به ذکر فضایل علی (علیه السلام) گویا بود و مردم گرداگرد او جمع می شدند. چون این خبر را به ابن زیاد دادند، دستور داد که بر دهان او لجام ببندند و او اولین کس در اسلام است که بر دهانش لجام بسته شد، و چون سه روز از این واقعه گذشت، به او نیزه ای زدند و او تکبیری گفت و به شهادت رسید.

روزی حضرت علی (علیه السلام) به میثم فرمود: ای میثم تو را دستگیر خواهند کرد و به صلابه خواهند کشید و در روز سوم با نیزه ای به تو ضربه خواهند زد و ریش و محاسن خون آلود خواهد شد. محل دار زدن تو در نزدیکی خانه (عمرو بن حریش) خواهد بود و در کنار توده نفر دیگر نیز به دار آویخته خواهند شد و چوبه دار تو از همه آنها کوتاهتر خواهد بود و به ساحل رودخانه نزدیکتر خواهد بود.

میثم در بازار کوفه مغازه خرما فروشی داشت و هر بار که عمرو بن حریش را می دید به

او می گفت: به زودی همسایه ات خواهم شد، پس حق همجواری را درباره من مراعات کن.

عمرو بن حرث منظورش را متوجه نمی شد و می پرسید: آیا می خواهی خانه ابن مسعود را بخری یا ابراهیم حکیم را؟

در سال 1388 ه ق، 1968 م حاج محمد رشاد میرزای نجفی اقدام به بازسازی مرقد میثم تمار نموده و حرم و گنبد بلند آن را ساخته و با کاشیکاری مزین نمود و در کنار مرقد او رواقهایی برای زائرین ساخته و در گرداگرد مرقد صحن بزرگی متناسب با گنبد بلند آن ساخت.

6. مسجد سهله:

مسجدی قدیمی است که در سمت شمال غربی کوفه قرار گرفته و فاصله آن تا مسجد کوفه دو کیلومتر است و تا کنون بارها بازسازی شده است و از صحنی وسیع به ابعاد 140 متر در 125 متر و با دیواری مرتفع تشکیل گردیده و در آن محرابهای متعددی قرار دارد که منسوب به معصومین (علیهم السلام) است و در میانه سمت جنوب مسجد جایگاه بزرگی است که بر روی گنبدی قرار دارد و به مقام حضرت حجت (علیه السلام) مشهور است.

این مسجد مورد اهتمام و توجه ائمه اطهار (علیهم السلام) قرار داشته و احادیث فراوانی درباره آن رسیده است. امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: (من صلی فی مسجد السهله رکعتین، زاد الله فی عمره سنتین) یعنی هر که در مسجد سهله دو رکعت نماز گذارد، خداوند دو سال به عمر او بیافزاید.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: (مسجد سهیل الذی لم یبعث الله نبیاً إلا وقد صلی فیهِ، و فیها یظهر عدل الله، و فیها یكون قائمه و القوام من بعده و هی منازل النبیین والأوصیاء والصالحین) (1)

یعنی مسجد سهیل مسجدی است که خداوند پیامبری را مبعوث نکرده

ص: 111

است مگر آنکه در آن نماز خوانده باشد. از همین مسجد عدل الهی ظاهر خواهد شد و قائم در آن خواهد بود و قائمان بعد از وی نیز در آن خواهند بود. این مسجد منزل پیامبران و صالحین است.

و در جای دیگر امام صادق (علیه السلام) فرمود: (إذا دخلت الكوفه، فأنت مسجد السهله فصلّ فيه وأسأل الله حاجتك لدينك و دنياك فإنّ مسجد السهله بيت إدریس النبی الذی کان یخیط فیہ ویصلی فیہ، و من دعا الله فیہ بما أحب، قضی له حوائجه و رفعه یوم القیامه مکاناً علیاً إلی درجه إدریس و اجاره من مکروه الدنيا و مکاید أعدائه (1) یعنی چون به کوفه در آمدی، به مسجد سهله برو و در آن نماز بخوان و از خدا بخواه تا حاجت دین و دنیای تو را بر آورده سازد، به درستی که مسجد سهله خانه حضرت ادریس است و آن حضرت در این محل به کار خیاطی مشغول بود و در همان جا نیز نماز می خواند، و هر که در آن چیزی را از خداوند بخواهد، حاجتش را بر آورده سازد و در روز قیامت جایگاه او را همانند جایگاه ادریس نبی قرار دهد و از حوادث ناگوار و توطئه دشمنانش باز دارد.

از اعمال این مسجد است که آدمی باید بعد از نماز مغرب شبهای چهارشنبه به این مسجد برود و دو رکعت نماز برای قضای حاجت خود بجای آورد و سپس این دعا را بخواند:

(أنت الله لا إله إلا أنت مبدئ الخلق و معيدهم، و أنت الله لا إله إلا أنت خالق الخلق و رازقهم، و أنت الله لا إله إلا أنت القابض الباسط، و أنت الله لا إله إلا أنت مُدبّر الأمور و باعث من فی القبور، أنت وارث الأرض و من علیها، أسألك بأسمك المخزون المكنون الحی القیوم، و أنت الله لا إله إلا أنت عالم السر و الخفی، أسألك بأسمك الذی إذا دُعیت به أُجبت و إذا سئلت به أعطیت، و أسألك بحقك علی محمد و أهل بیته، و بحقهم الذی أوجبته علی نفسك أن تُصلی علی محمد و أهل بیته، و أن تقضی لی حاجتی الساعه الساعه یا سامع الدعاء، یا سیداه، یا مولاه، یا غیاثاه، أسألك بكل اسم سمیت به نفسك، أو

ص: 112

1- مستدرک الوسائل، باب استحباب الصلاه فی مسجد السهله، ج 3، ص 413، شماره 39 و نیز بحار الانوار ج 52 ص 376 حدیث 177 و ص 381 حدیث 191 به نقل از الغیبه شیخ طوسی ج 97 ص 440 حدیث 17 به نقل از کامل الزیارات

استأثرت به في علم الغيب عندك أن تصلي على محمد وآل محمد، وأن تعجل فرجنا الساعة يا مقلب القلوب والأبصار يا سمیع الدعاء(1).

7. مسجد صعصعه بن صوحان:

یکی از مساجد متبرکه و بسیار قدیمی است که در کنار مسجد سهله و مسجد زید بن صوحان قرار دارد. صعصعه بن صوحان یکی از یاران وفادار و مخلص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود. این مسجد (پس از این رو به ویرانی نهاده بود) و اخیراً تعمیرات زیادی در آن انجام شده است. نماز خواندن و دعا کردن در این مسجد بسیار مستحب است و بویژه بر خواندن دعائی که صعصعه بن صوحان در نماز شب می خوانده تأکید شده است.

برخی را گمان بر اینست که صعصعه در کوفه مدفون باشد اما در حقیقت صعصعه را با معاویه تشش ها و درگیری های فراوانی بود که باعث شد مغیره بن شعبه به دستور معاویه او را از کوفه به (جزیره) و یا (بحرین) و یا جزیره (ابن کافان) تبعید کند و او در همان جا درگذشت (2).

در کتاب الاستیعاب آمده است که صعصعه بن صوحان در زمان پیامبر کودکی بیش نبود و موفق به زیارت پیامبر نگردید. او مردی فاضل، دیندار و سخنوری بلیغ و از اصحاب نزدیک حضرت علی (علیه السلام) بود.

در کتاب رجال کشی آمده است که: چون معاویه به کوفه درآمد تعدادی از اصحاب نزدیک حضرت علی (علیه السلام) که امام حسن (علیه السلام) برای ایشان امان نامه دریافت کرده بود بر معاویه وارد شدند و چون صعصعه بر معاویه وارد شد، معاویه گفت: به خدا سوگند که خوش نداشتم روزی را ببینم که تو با امان نامه بر من وارد شوی.

صعصعه گفت: به خدا سوگند که من نیز خوش نداشتم که روزی بعنوان امیرالمومنین

ص: 113

1- ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج 3، ص 200

2- جهت اعمال مسجد سهله به مفاتیح نوین مراجعه شود.

بر تو سلام کنم. سپس بر او سلام کرد.

معاویه گفت: اگر راست می‌گویی بر بالای منبر برو و علی (علیه السلام) را لعن کن.

پس صعصعه بر بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی چنین گفت: (ای مردم من اکنون از نزد مردی می‌آیم که شر خود را پیشاپیش فرستاده و کار خیر خود را به تأخیر انداخته است و او به من دستور داده که علی (علیه السلام) را لعن کنم، پس او را لعن کنید که خدا او را لعن کند). پس همه اهل مسجد آمین گفتند.

معاویه گفت: به خدا سوگند که منظور تو لعنت کردن من بود، پس باید دوباره بر بالای منبر بروی و او را نام برده و سپس لعنت نمایی. پس صعصعه دوباره بالای منبر رفت و گفت: ای مردم امیرالمومنین معاویه مرا فرمان داده که علی بن ابی طالب (علیه السلام) را لعن کنم، پس او را لعن کنید.

این بار نیز مردم آمین گفتند و باز معاویه گفت: به خدا سوگند که این بار هم منظور او من بودم، او را از اینجا بیرون کنید و اجازه ندهید که در شهری که من در آن هستم سکونت اختیار کند، پس او را از شهر کوفه بیرون کردند.

صعصعه در پایداری برحق استوار و در مبارزه با ستمکاران پابرجا و محکم بود و در روایات آمده است که روزی صعصعه بن صوحان بیمار شد و حضرت علی (علیه السلام) به عیادت او رفت و به او گفت: ای صعصعه مبادا که عیادت من از تو باعث فخر کردند بر قوم و خویشان گردد.

صعصعه گفت: ای امیر مؤمنان هرگز چنین نیست، بلکه عیادت تو ذخیره و اجر آخرت من است.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: به خدا قسم که تو دوستی کم خرج هستی ولی در عوض یاری دهنده بزرگی هستی.

صعصعه جواب داد: ای امیر مؤمنان به خدا سوگند که به خداوند عالم تری، و خداوند در چشمت بزرگ و عظیم است و تو در کتاب خداوند حکیم هستی و تو نسبت به مؤمنین رؤوف و رحیم هستی.

در کتاب تهذیب الکمال آمده است که: (صعصعه در جنگ صفین در کنار

امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود و یکی از فرماندهان حضرت به شمار می رفت، و اما در جنگ جمل او و دو برادرش زید و سبحان حضور داشتند و در بین این سه برادر سبحان خطیب بود و پرچم نیز در دست او بود و چون به شهادت رسید زید برادر دیگرش پرچم را به دست گرفت و چون او نیز به شهادت رسید، صعصعه پرچم را به دست گرفت. او در روزگار معاویه در کوفه درگذشت.

در شبی که حضرت علی (علیه السلام) از دنیا رحلت فرمود فرزندان آن حضرت جنازه مطهرش را از کوفه به نجف حمل نمودند و صعصعه از جمله مشیعیان بود و چون از کار دفن آن حضرت فارغ شدند صعصعه نزد قبر مقدس ایستاد و مثنی از خاک برگرفت و بر سر خود ریخت و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد ای امیرالمؤمنین گوارا باد تو را کرامتهای خدا، ای ابوالحسن! به راستی که مولد تو پاکیزه بود و صبر توقوی و جهاد تو عظیم و تو به آنچه آرزو داشتی رسیدی و تجارتی سودمند کردی و به نزد پرورگار خود رفتی و از این نوع کلمات بسیار گفت و گریه سختی کرد و سایرین را نیز به گریه در آورد و او در حقیقت سر قبر آن حضرت و در آن شب مجلس روضه منعقد کرد و در آن صعصعه روضه خوان بود و مستمعین امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) و ابوالفضل العباس (علیه السلام) و محمد بن الحنفیه و سایر فرزندان و بستگان آن حضرت بودند و چون این کلمات به پایان رسید روی به جانب امام حسن و امام حسین (علیه السلام) و سایر آقا زادگان کردند و ایشان را تعزیت و تسلیت گفتند و سپس جملگی به کوفه مراجعت نمودند.

شیخ حرز الدین در کتاب المراقد می گوید: قبر صعصعه بن صوحان در منطقه (الثویه) در نجف واقع شده است و برخی از بحرینی ها به من گفتند که در سرزمین ما قبر مشهور و معروفی است که می گویند قبر صعصعه بن صوحان است.

این قبر در جزیره عسکر قرار دارد و در نزد عامه مسلمانان چه شیعه و چه سنی مورد احترام و تقدیر است. (1)

ص: 115

8. مسجد زید بن صوحان:

مسجد زید (1) بن صوحان یکی دیگر از مساجد شریف کوفه است و منسوب به زید بن صوحان است که از بزرگان اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده و یکی از ابدال روزگار به شمار می رفته است که در جنگ جمل در رکاب امیرالمؤمنین به فیض شهادت نائل شده است و شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان دعائی را نقل می کند و اظهار می دارد که این دعا دعای زید بن صوحان بوده است که در نماز شب می خوانده است و شایسته است که این دعا پس از خواندن دو رکعت نماز تحیت در مسجد زید خوانده شود:

(إِلَهِي قَدْ مَدَّ إِلَيْكَ الْخَاطِئُ الْمَذْنُوبُ يَدَيْهِ بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ إِلَهِي قَدْ جَلَسَ الْمَسِيئُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُقَرًّا لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ وَرَاجِيًّا مِنْكَ الصَّفْحَ عَنْ زَلَّتِهِ إِلَهِي قَدْ رَفَعَ إِلَيْكَ الظَّالِمُ كَفِّيهِ رَاجِيًّا لِمَا لَدَيْكَ فَلَا تُخَيِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ إِلَهِي قَدْ جِئْنَا الْعَائِدُ إِلَى الْمَعَاصِي بَيْنَ يَدَيْكَ خَائِفًا مِنْ يَوْمٍ تَجْتُو فِيهِ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ إِلَهِي جَاءَكَ الْعَبْدُ الْخَاطِئُ فِرْعَاءً مُشْفِقًا وَرَفَعَ إِلَيْكَ طَرْفَهُ حَذِرًا رَاجِيًّا وَفَاضَتْ عِبْرَتُهُ مُسْتَغْفِرًا نَادِمًا وَعَزَّتْكَ وَجَلَالُكَ مَا أزدتْ بِمَعْصِيَتِي مُخَالَفَتَكَ وَ مَا عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا بِكَ جَاهِلٌ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لِنَظْرِكَ مُسْتَخِفٌّ وَلَكِنْ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَأَعَانَتْنِي عَلَى ذَلِكَ شَقَوْتِي وَعَرَّنِي سِتْرَكَ الْمُرْحَى عَلَى فَمِنَ الْآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسَّ تَنْقِذَنِي وَيَجِبَلِ مَنْ اعْتَصِمَ إِنْ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَيَاسُواتَاهُ عَدَاً مِنَ الْوَقْفِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِذَا قِيلَ لِلْمُخْفَيْنِ جُورُوا وَ لِلْمُثْقَلِينَ حُطُوا افْمَعَ الْمُخْفَيْنِ اجُورُوا مَعَ الْمُثْقَلِينَ احْطُوا وَيَلِي كَلِّمَا كَبُرَ سِيئَتِي كَثُرَتْ ذُنُوبِي وَيَلِي كَلِّمَا طَالَ عُمُرِي كَثُرَتْ مَعَاصِي فَكَمْ ائْتُوبُ وَكَمْ اَعُودُ اَمَا أَنْ لِي أَنْ اسْتَحْيِيَ مِنْ رَبِّي اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ لِي وَ اَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ وَ خَيْرِ الْغَافِرِينَ)

9. خانه امام علی (علیه السلام):

این خانه در زمین مرتفعی قرار دارد و در مجاورت باروی غربی دارالاماره قرار دارد

ص: 116

و بسیاری از شیعیان به زیارت آن می روند. خانه مذکور در اصل منزل مسکونی (ام هانی) خواهر حضرت علی (علیه السلام) بود که حضرت پس از انتقال به کوفه آن را منزل خود قرار داد. این خانه در بیرون مسجد کوفه و در زاویه جنوب غربی آن قرار دارد. ساختمان کنونی آن گرچه قدیمی نیست لیکن در محل همان خانه حضرت ساخته شده است (1).

10. مرقد خدیجه دختر حضرت علی (علیه السلام):

این مرقد در مقابل مسجد کوفه قرار دارد و گویند که مغازه خرما فروشی میثم تمار که از خواص یاران حضرت علی (علیه السلام) بود در این مکان قرار داشته است.

11. مرقد اولاد الحسن (علیه السلام):

شامل قبور تعدادی از فرزندان امام حسن مجتبی (علیه السلام) است و این مرقد در جاده قدیمی کوفه به مسجد سهله قرار دارد.

12. مرقد سید ابراهیم عمر:

سید ابراهیم فرزند حسن المثنی پسر امام حسن مجتبی (علیه السلام) است و مرقد وی در محله (حی کنده) و در سمت مغرب قبر میثم تمار و نزدیک جاده اصلی کوفه به نجف قرار دارد. او جد سادات طباطبایی است.

13. قصر دار الاماره:

این بنا قدیمی ترین بنای اسلامی عراق است که در سال 17 ه ق بوسیله سعد بن ابی وقاص و پس از ساختمان مسجد کوفه ساخته شد. دارالاماره ساختمانی مربع شکل به ابعاد 36/110 متر و 110/24 متر است که امروزه تنها پایه ها و برخی دیوارهای فروریخته

ص: 117

1- از خانه تا مسجد 20 متر فاصله است و چندین اتاق برای هر یک از اولاد امام علی (علیه السلام) وجود دارد.

آن باقی مانده است. این قصر یکی از ساختمانهای عبرت انگیز روزگار است. در این قصر مسلم به شهادت رسید و سر مبارک امام حسین (علیه السلام) و شهدای کربلا به نمایش گذاشته شد و چندی نگذشت که سرهای قاتلان آن بزرگواران از سوی مختار ثقفی و یارانش به نمایش در آمد و باز چندی نگذشت که سر مختار ثقفی را نیز بریدند و در آن به نمایش درآوردند(1).

14. مسجد و مقام یونس (علیه السلام):

اشاره

این جایگاه که امروزه شکل و هیئت مسجد دارد، در میان عامه مردم به غلط به آرامگاه حضرت یونس بن متی (علیه السلام) شهرت یافته است. این مقام در کنار رودخانه فرات و در فاصله يك كيلومترى مسجد كوفه واقع است. نام قدیمی این مسجد الحمراء است و شیعیان را به این مسجد اعتقادی نیست. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار(2) به نقل از شیخ طوسی در کتاب الامالی (3) از حضرت علی (علیه السلام) روایت می کند که فرمود: در کوفه مساجد مبارک و مساجد ملعون وجود دارند و از مساجد ملعون مسجد الحمراء است که بر روی قبر ستمکاری از ستمکاران ساخته شده است. مجلسی گوید: ظاهراً منظور از مسجد الحمراء همان مسجدی است که امروزه به نام مسجد یونس (علیه السلام) معروف است و گفته می شود قبر حضرت یونس (علیه السلام) در آن قرار گرفته است ولی هیچگونه سندی ندیده ایم که قبر آن حضرت در آنجا باشد، از سوی دیگر گفته می شود که آرامگاه حضرت یونس (علیه السلام) در شهر موصل بر بلندای تپه ای قرار دارد و دارای گنبد و صحن و سرا است.

ص: 118

1- این قصر توسط نخستین حاکم کوفه سعد بن ابی وقاص ساخته شده و پس از آن حاکمان این مکان بجز علی (علیه السلام) برای حکومت در آن استقرار یافتند (ویراستار)

2- (2) علامه مجلسی، بحار الانوار (ج 100 ص 439)

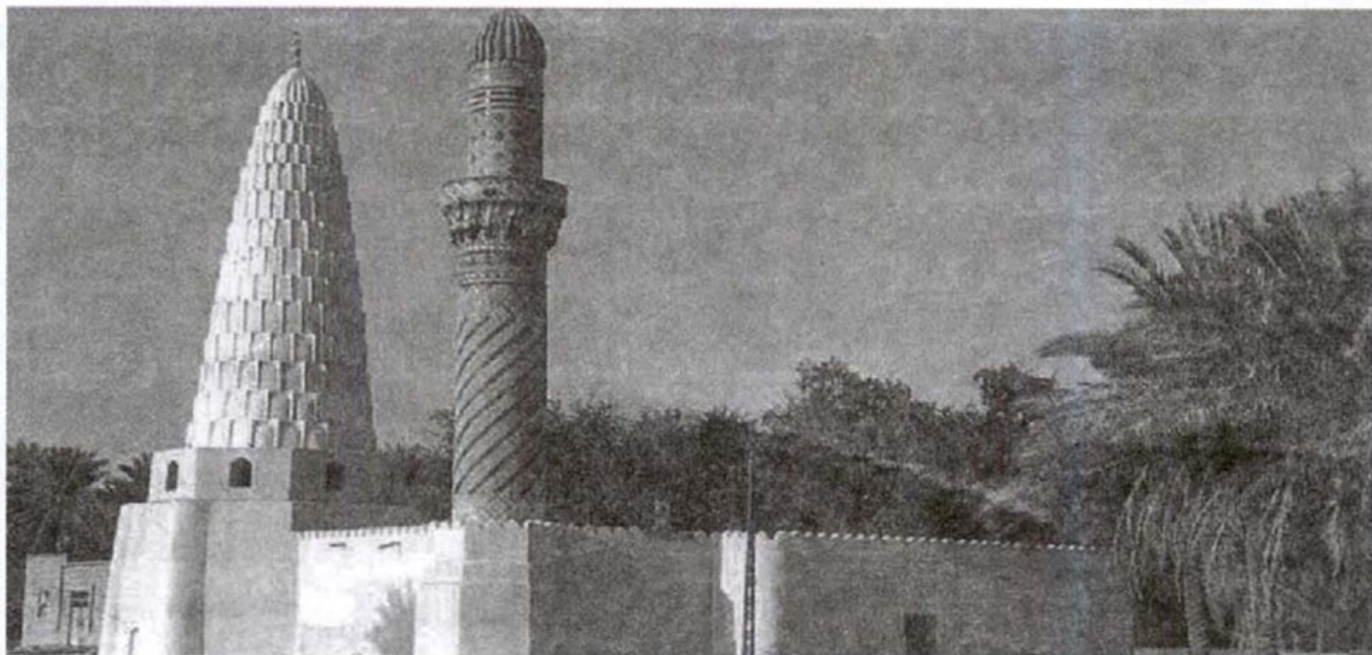
3- (3) شیخ طوسی، الامالی، ص 171

این شهر در فاصله سی و پنج کیلومتری شمال شرق کوفه و در مسیر بزرگراه نجف بغداد قرار دارد، شهر کوچکی است و نام خود را از قبر حضرت ذی الکفل (علیه السلام) که یکی از بزرگان پیامبران بنی اسرائیل است و در این شهر مدفون است گرفته است.

برخی از منابع اسلامی نام عبری وی را (عویدایا بن ادریم) و برخی دیگر او را (بشر بن ایوب) و برخی (یهودا بن یعقوب بن اسحاق نبی) دانسته اند. قرآن کریم در دو جا از وی نام برده است که عبارتند از آیه 85 سوره انبیاء که می فرماید: (وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ) و آیه 48 سوره ص که می فرماید: (وَإِذْ كَرَّمَ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ). برخی نیز معتقدند که نام این پیامبر حزقیل یا حزقیال است و بعلت آنکه کفالت قوم یهود را در دوران اسارت در بابل به عهده داشت، به نام ذو الکفل معروف شده است. این پیامبر نزد قوم یهود از مقام والایی برخوردار است، زیرا توانست تورات حضرت موسی (علیه السلام) را پس از آتش گرفتن هیکل حضرت سلیمان در اورشلیم از سوی بخت نصر، مجدداً بازنویسی کند. تا سالهای پیش از دهه پنجاه میلادی، هر ساله در ماه ژوئن، هزاران یهودی برای زیارت آرامگاه او به این شهر کوچک می آمدند و به مدت یک هفته مراسم مذهبی انجام می دادند. ساختمان آرامگاه از دوران مغول است و دارای گنبدی است مخروطی و کنگره دار. در قسمتی از آرامگاه، مسجدی کهن با گلدسته ای برافراشته از همان دوران وجود دارد. در گوشه و کنار این آرامگاه، قبور بسیاری از بزرگان یهود دیده می شود. بر روی دیوار آرامگاه سنگ نوشته ای به خط عبری و بسیار قدیمی وجود داشت که پس از اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی، مفقود گردید.

امروزه شهر کفل مرکز بخشداری الکفل در استان بابل عراق بوده و در وسط راه حله به کوفه قرار دارد. نام این شهرک در معجم البلدان حموی (برملاحه) است.

در مدخل جنوبی شهر کفل و در میان نخلستانها، آرامگاه رشید هجری یکی از یاران و شاگردان باوفای امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) قرار دارد. وی در دوران معاویه به جرم



تصویر مرقد ذوالکفل علیه السلام

پایداری در دوستی و محبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) و به دستور معاویه به شهادت رسید.

همچنین در شرق شهر کفل جایگاه شهادت زید بن علی (علیه السلام) قرار دارد، که در سال 120 ه ق و پیرو قیام فراگیرش علیه خلفای ظالم و ستمکار بنی امیه، در حین جنگ به شهادت رسید و توسط یارانش به خاک سپرده شد، اما دشمنانش گور او را شکافته و جسد مطهر وی را بیرون آوردند و سرش را بردند و جسد مبارکش را آتش زدند. امروزه در جایگاه دفن نخستین او آرامگاهی با شکوه ساخته شده و زیارتگاه مردم است.

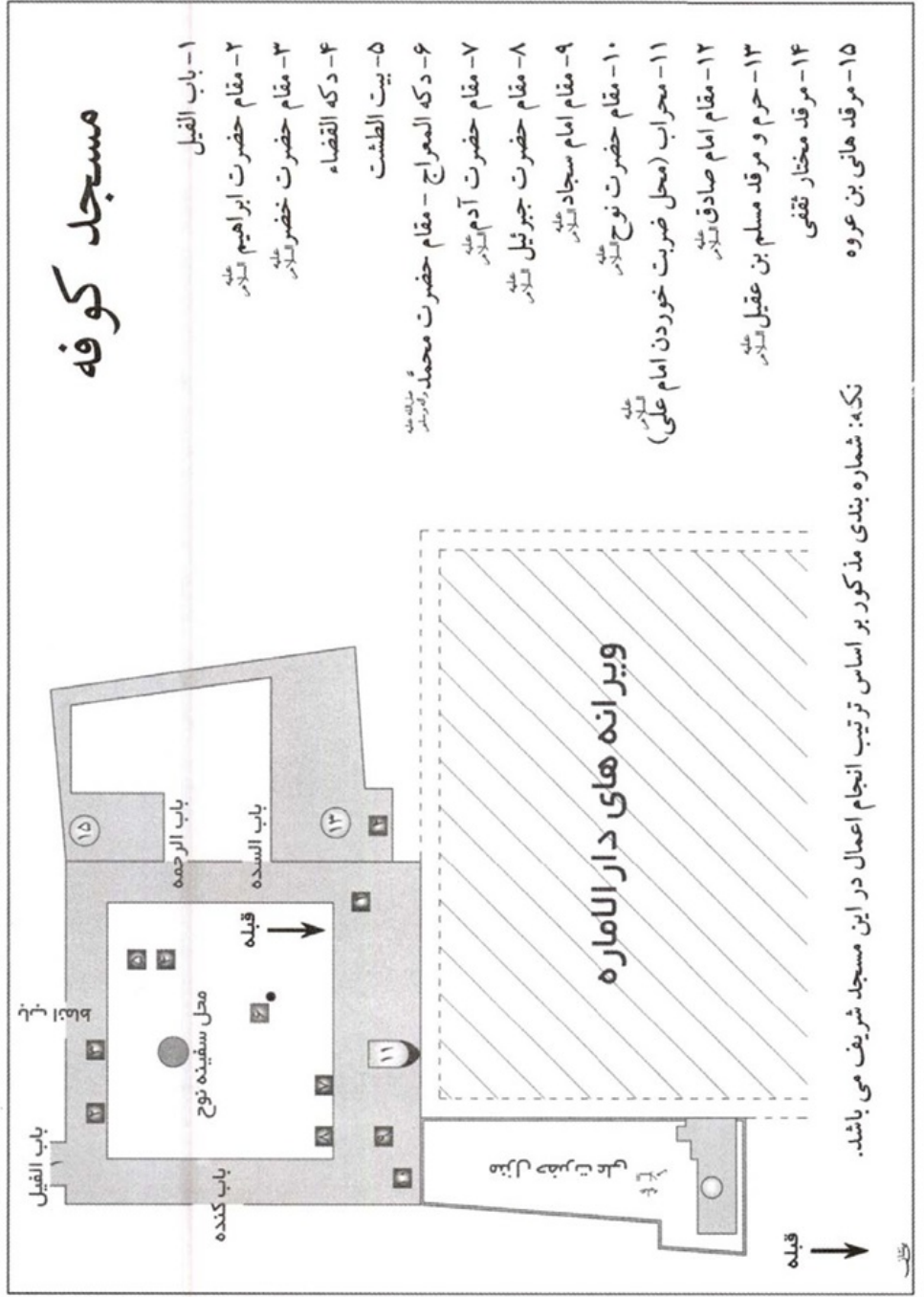
شهر مقدس نجف در حاشیه فلات غربی عراق و در جنوب غربی بغداد واقع شده است و فاصله آن تا بغداد 160 کیلومتر است. نجف در زبان عربی به معنی مکان مستطیل محصور و بلندی است که آب نمی تواند آن را فراگیرد و جمع آن (نجاف) است. برخی نیز معنی نجف را (تل) یا (تپه) ذکر کرده اند. اما (وادی السلام) به معنی دشت سلامتی است و این نام در برخی از احادیث اهل بیت (علیهم السلام) بر این منطقه اطلاق شده است که در حال حاضر این نام به گورستان معروف شهر نجف اطلاق می گردد که آرامگاه بسیاری از بزرگان و علمای شیعه می باشد. مساحت شهر در حدود 1338 کیلومتر مربع است، خیابان های آن پهن و مستقیم و ساختمان های آن مرتفع و بازارهای آن پهن و مرتب است مخصوصاً بازار بزرگ آن (السوق الکبیر) که از باروی شرقی شهر آغاز می شود و تا حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام) ادامه می یابد. این شهر تاریخی کهن دارد و در دوران حکومت (منذریان) یا (پادشاهان حیره) که کارگزاران امپراتوری ساسانی بودند، منطقه نجف به عنوان بیلاق مورد استفاده قرار می گرفت و به علت آب و هوای مناسب، برخی از پادشاهان حیره قصرها و منازلی در آن منطقه ساخته بودند. شاپور برای جلوگیری از حمله اعراب بادیه نشین اقدام به حفر خندقی در ناحیه غربی شهر نجف نمود که بقایای این خندق بین نجف و کربلا- همچنان پابرجا است و امروزه (بکری سعده) نامیده می شود. قبل از فتح مسلمانان تعدادی از دیرها و کلیساهای مسیحی در این منطقه بنا شده بود. پس از دفن حضرت علی (علیه السلام) در سال 40 ه. ق تا مدت ها محل قبر آن حضرت ناشناخته و مخفی بود اما با این وجود اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان خاص آنان که از محل دقیق دفن آن حضرت آگاه بودند مخفیانه و گاهی اوقات شبانه به این منطقه آمده و قبر آن حضرت را زیارت می کردند. در سال 135 ه. ق پس از برملا شدن محل دفن حضرت علی (علیه السلام) این منطقه به تدریج زیارتگاه عاشقان و شیفتگان آن حضرت گردید و رفته رفته برخی از شیعیان در اطراف آن مستقر شدند و هسته اولیه شهر پی ریزی

شد و بعدها با گذشت زمان توسعه یافت تا اینکه به شهر بزرگ و مشهوری مبدل شد.

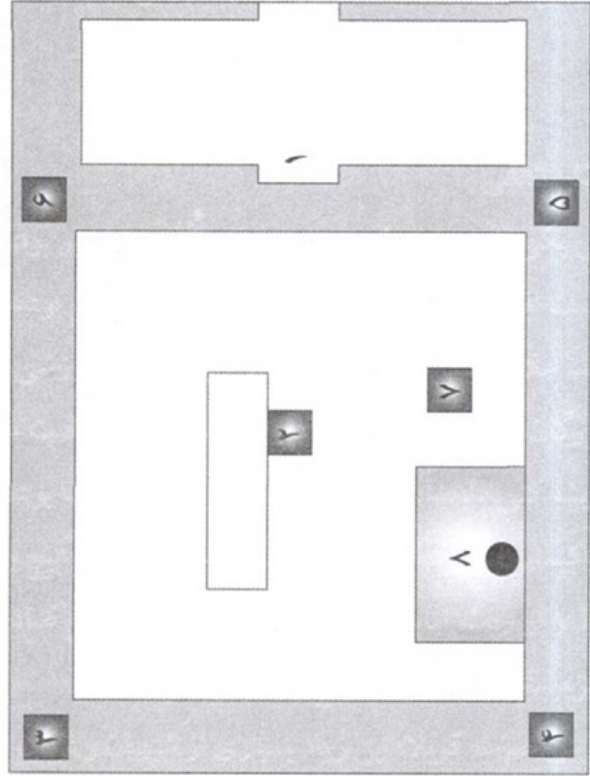
نجف شهری فرهنگی است، علما و شعرا بسیاری از این شهر برخاسته اند و معمولاً در هر مدرسه ای از مدارس دینی نجف کتابخانه ای وجود دارد و قبل از به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق، شهر نجف یکی از مراکز مهم نشر کتاب های تشیع به شمار می رفته است.

در نجف اماکن زیارتی متعددی وجود دارد که از جمله آنان می توان از حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام)، مرقد کمیل، مسجد حنانه، مقام هود و صالح و غیره نام برد. شهر کوفه در فاصله ده کیلومتری شهر نجف واقع شده است و در آن زیارت گاه هایی نظیر مسجد کوفه، حرم مسلم بن عقیل، مرقد هانی بن عروه، مرقد مختار ثقفی، مرقد میثم تمار و غیره وجود دارد.

ص: 122

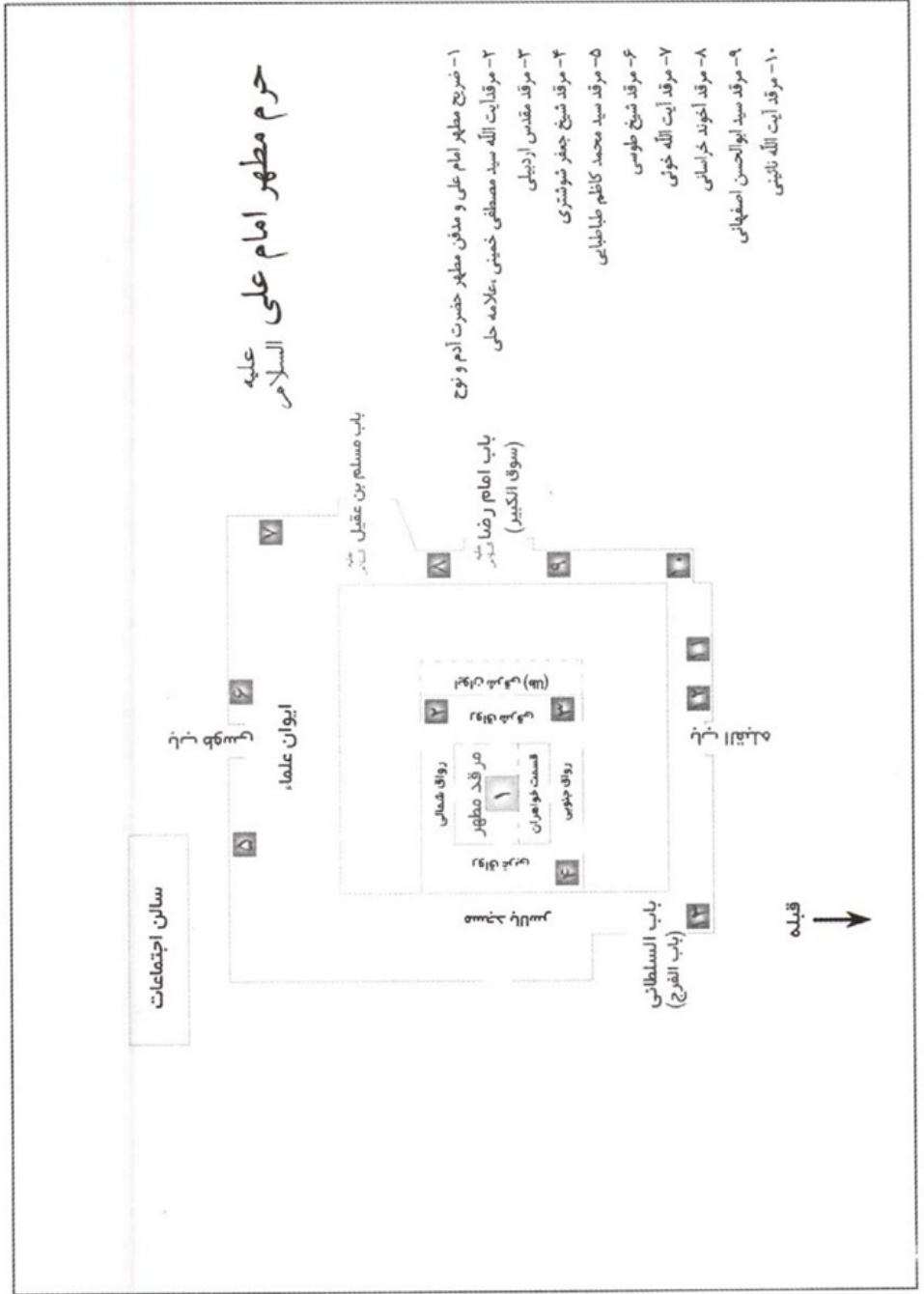


مسجد سهله (نشانگاه عاشقان مولای بی نشان)



- ۱- ورودی مسجد مطهر سهله
- ۲- مقام امام صادق (ع)
- ۳- مقام حضرت ابراهیم
- ۴- مقام حضرت ادريس
- ۵- مقام حضرت خضر
- ۶- مقام انبیا و صالحین
- ۷- مقام امام زین العابدین
- ۸- مقام و مسجد امام زمان (عج)

نکته: شماره بندی مذکور بر اساس ترتیب انجام اعمال در این مسجد شریف می باشد.



مقدمه

امام حسین علیه السلام در طول مسیر خود از مکه به کربلا از منزلگاه های متعددی گذر نمود و دانستن مسیر کاروان امام حسین علیه السلام برای بسیاری از زائران علاقه مند حائز اهمیت است لذا فصلی جداگانه به این موضوع اختصاص داده شد.

هدف

هدف این فصل آشنایی هرچه بیشتر زائران با حماسه کربلا و جزییات آن و اماکن و منزلگاه هایی است که امام حسین علیه السلام و اصحابش در آن فرود آمده اند.

هدف رفتاری

زائران در این خصوص سؤال هایی نخواهند داشت و فقط ممکن است که علل سفر امام حسین علیه السلام و نحوه سفر آن حضرت به سرزمین کربلا را جویا شوند.

مسیر حرکت کاروان امام حسین از مکه به کربلا

اشاره

امام حسین (علیه السلام) پس از دریافت نام مسلم بن عقیل و احساس خطر از دژخیمان یزید، حج خود را به عمره تبدیل کرد و پس از انجام مراسم عمره از احرام بیرون آمد و در روز

جمعه روز ترویه (هشتم ذی الحجه سال 60 ه. ق) پس از شصت و پنج روز اقامت در مکه به اتفاق حدود هشتاد و شش نفر مرد از اهل بیت، یاران و دوستان خود از مکه بیرون آمده و به سوی عراق رهسپار شد. در این مسیر امام حسین در بیست و یک منزل توقف نمود که به ترتیب نام منازل مذکور را به همراه تاریخ وصول آن حضرت بدان جا و مدت توقف حضرت در آن ها را به همراه حوادث واقع شده در آن منازل می آوریم:

1. التنعیم:

این دشت بین سرف و مکه و در فاصله 13 کیلومتری آن است و در آن درختانی وجود دارد که به نام درختان تنعیم معروف اند و در آن مساجد و مخازن آب وجود دارد و اهالی مکه که تصمیم به حج عمره بگیرند بدین جا رفته و احرام می بندند. امام در روز شنبه 9 ذی حجه سال 60 وارد منزلگاه التنعیم شد.

2. الصفاح:

این کلمه جمع واژه (صفحه) است و نام زمینی بین وادی حنین و نخل الشرائع است و در حدود 28 کیلومتر با مسجدالحرام فاصله دارد و در این منزلگاه حضرت امام حسین (علیه السلام) فرزدق شاعر را ملاقات کرد که از سوی عراق می آمد و از وی درباره اهل عراق پرسید و ایشان جواب داد: دل های آنان با شما و شمشیرهای آنان با بنی امیه است.

3. وادی عقیق:

حضرت امام حسین (علیه السلام) در روز سه شنبه 12 ذی حجه سال 60 ه. ق وارد وادی عقیق شد. این منزلگاه در غرب مدینه منوره و در فاصله 28 کیلومتری مدینه قرار دارد و در این محل برخی برای حج احرام می بندند و به مکه نزدیکتر از ذوالحلیفه بوده است. (1)

ص: 132

در این منزل عون و محمد، فرزندان عبدالله بن جعفر طیار و زینب کبری (علیها السلام)، به او ملحق شدند و نامه پدرشان عبدالله بن جعفر را به امام حسین (علیه السلام) رساندند که در آن نامه از امام حسین (علیه السلام) درخواست کرده که از سفر به کوفه خودداری کند.

4. وادی صفرا:

حضرت امام حسین (علیه السلام) در روز چهارشنبه 13 ذی حجه وارد وادی صفرا شد وادی صفراء از اعمال مدینه است و در آن جا چشمه بزرگی وجود دارد که از درون شنزاره می جوشد. این چشمه را نُجَّیر گویند و علت تسمیه این وادی به (صفرا)، کوه های زرد رنگی است که در این منطقه دیده می شوند و در این مکان دو تن از یارانش به نام های مجّع و عبّاد به ایشان پیوستند(1).

5. ذات العرق:

امام در روز پنجشنبه 14 ذی حجه وارد ذات العرق شد و در آن جا با بشرین غالب ملاقات کرد. و ذات العرق نام دشتی است که کنار کوهی به نام عرق قرار دارد. محل توقف اهالی فارس و خراسان قبل از رسیدن به مکه بوده است.

6. حاجر بطن ارمه:

امام در روز جمعه 15 ذی حجه وارد حاجر بطن ارمه شد و این منزلگاه وادی معروفی در مسیر راه مکه بود که اهالی بصره در هنگام عزیمت به مدینه در آن توقف می کردند و معمولاً محل تجمع اهل کوفه و اهل بصره بود و امروزه این منزلگاه در جنوب ریاض و شمال مستوره واقع شده است و در این منزل قیس بن مسهر صیداوی را به عنوان سفیر خود، همراه با نامه ای، به نزد اهل کوفه فرستاد، اما قیس پس از رسیدن به کوفه توسط لشکریان ابن زیاد دستگیر شده و به شهادت رسید.

ص: 133

7. فَيْد:

امام در روز شنبه 16 ذی حجه وارد فَيْد شد. فَيْد نام منزلگاهی در بین راه مکه و بغداد بوده است که بعدها توسعه زیادی یافته و به شهر تبدیل شد و هنگامیکه که خلیفه دوم، سعد بن ابی وقاص را به فتح عراق گسیل نمود، وی به مدت یک ماه به همراه لشکریان خود در این منزلگاه اقامت گزید. این رسته در کتاب خود الاعلاق النفسیه ذکر می کند که این شهر در سال 310 ه. ق شهری آباد بود و در آن مسجد جامع وجود داشته است و مردم آن از قبیله طی بوده اند.

8. احْفَر:

امام در روز یکشنبه 17 ذی حجه وارد احْفَر شد و در آن جا عبدالله بن مطیع عدوی را ملاقات کرد.

9. خَزِيمِه:

امام در روز دوشنبه 18 ذی حجه به خزیمیه رسید و خزیمیه یکی از منزلگاهان معروف حاجیان است که به نام (خزیمه بن خازم التمیمی) نامیده شده است و بر اساس آنچه در تاریخ ذکر گردیده است، نخستین باری که زینب (علیها السلام) با خبر اندوهبار شهادت برادر رویه رو گردید، در منزل خزیمیه بود.

امام حسین (علیه السلام) در مسیر حرکت خود از مکه به عراق یک شبانه روز در این منزل رحل اقامت افکند. هنگام صبح عقیده بنی هاشم، خدمت برادر رسید، عرض کرد: (ای برادر! آیا تو را از آنچه دیشب شنیدم با خبر نسازم؟) امام (علیه السلام) فرمود: (آن چیست؟) زینب گفت: (دیشب هنگامی که برای انجام کاری از خیمه خود خارج شدم، شنیدم هاتقی ندا می دهد: (ای چشم بسیار گریه کن و کیست که در آینده بر شهیدان بگرید بر گروهی که مرگ آنان را به سوی وعده ای معین به پیش می راند!)

10. شقوق:

امام در روز چهارشنبه 20 ذی حجه به شقوق وارد شد و در این منزل حضرت با مردی که از سوی کوفه می آمد مواجه شد و از وی اوضاع کوفه را جویا شد.

آن مرد عرض کرد: (یابن رسول الله! مردم عراق در مخالفت با شما متحد و هماهنگ گردیده و بر جنگ با شما هم پیمان شده اند. امام علیه السلام در پاسخ وی فرمود: (إِنَّ الْأَمْرَ لِلَّهِ يُفَعَلُ مَا يَشَاءُ) یعنی پیشامدها از سوی پروردگار است و آنچه خود صلاح بداند انجام می دهد. امام علیه السلام سپس اشعاری را به شرح زیر فرمودند:

فَإِنْ تَكُنُ الدُّنْيَا تَعُدُّ نَفْسَهُ

فَإِنَّ نَوَابِ اللَّهِ أَعْلَىٰ وَأَنْبَلُ

وَإِنْ تَكُنُ الْأَمْوَالُ لِلتَّرَكِ جَمْعُهَا

فَمَا بَالُ مَتْرُوكٍ بِهِ الْمَرْءُ يَبْحَلُ

وَإِنْ تَكُنُ الْأَرْزَاقُ قِسْمًا مُّقْسَمًا

فَقِلَّةُ حِرْصِ الْمَرْءِ فِي الْكَسْبِ أَجْمَلُ

وَإِنْ تَكُنُ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشَاءت

فَقَتْلُ امْرِئٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ

عَلَيْكُمْ سَلَامًا لِلَّهِ يَا آلَ أَحْمَدَ

فَأَنِّي أَرَانِي عَنْكُمْ سَوْفَ أَرْحَلُ

زندگی این جهان گرچه از نظر عده ای نفیس و پر بهاست ولی خانه پاداش و جزا بالاتر و پربهاتر است.

و اگر جمع آوری مال و ثروت برای این است که باید يك روز از آن دست برداشت پس مرد نباید برای چنین ثروتی بخل ورزد.

و اگر روزیها مقدر و تقسیم شده است پس مرد در کسب ثروت هرچه کم آزرتر باشد بهتر

ص: 135

است.

و اگر این بدن‌ها برای مرگ آفریده شده است پس کشته شدن مرد در راه خدا چه بهتر.

درو بر شما ای خاندان پیامبر! که من به این زودی از میان شما خواهم رفت. (1)

11. زرود:

امام در روز پنجشنبه 21 ذی حجه وارد منطقه زرود شد. زرود نام شنزاری بین ثعلبیه و خزیمیه و در حقیقت امتداد طبیعی صحرای (نفود) به شمار می‌رود. این منزلگاه در مسیر راه حجاج کوفه به مکه می‌باشد زرود در لغت عرب به معنی مکنده است و علت این تسمیه بدین خاطر بوده است که شنزارهای آن آب باران را به سرعت جذب می‌کرده است و در آن چاه‌های زیادی وجود دارد که آب آن ناگوار است. فاصله آن تا مدینه 585 کیلومتر است. زهیرین قین در این منطقه به جمع یاران امام پیوست.

زهیر از لحاظ عقیده، عثمانی بود و علاقه‌ای به اهل بیت نداشت وی از بزرگان طایفه خود بود در کوفه زندگی می‌کرد و در میدان‌های جنگ، رشادت‌هایی از خود نشان داده است. در سال شصت همراه خانواده اش به حج رفت و در مراجعت مسیر حرکت او با قافله امام حسین (علیه السلام) یکی گردید، منتها از این که با حضرت برخورد کند پرهیز می‌کرد به این نحو که اگر حضرت راه می‌رفت، او می‌ایستاد و اگر امام (علیه السلام) توقف می‌کرد او حرکت می‌نمود تا بالاخره در منزلی به ناچار هردو رحل اقامت افکندند، منتها با فاصله از همدیگر، زهیر با خانواده اش مشغول غذا خوردن بود که قاصد امام حسین (علیه السلام) آمد و چنین گفت: (ان ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) بعثنی الیک لتاتیه) یعنی: (ابا عبدالله (علیه السلام) مرا نزد تو فرستاده و از تو می‌خواهد که به دیدن ایشان بروی). با شنیدن این پیغام، لقمه غذا از دست همه افتاد و حالت تحیر و سکون به همه آنان دست داد زوجه زهیر گفت: چرا نشسته‌ای؟

زهیر حرکت کرد و شرفیاب حضور امام (علیه السلام) گشت، در این تشریف چه گفته و شنیده شد، تاریخ مطلبی را ضبط نکرده است، همین قدر آمده که زهیر با حالت خوشحالی و

ص: 136

بشارت برگشت و اثاثیه خود را از سایر اثاثیه ها جدا کرد و حسینی شد. در شب عاشورا هم آن وقتی که امام (علیه السلام) بیعت خود را از اصحاب برداشت زهیر برخاست و گفت: (به خدا قسم! دوست دارم کشته شوم، بعد زنده شوم، باز کشته شوم و بعد زنده شوم تا هزار مرتبه، تا بدینوسیله خداوند متعال، مرگ را از شما و از جوانان این خاندان دفع کند.) صبح عاشورا امام حسین (علیه السلام) زهیر را در میمنه و حیب را در میسره لشکر قرار داد. بعد از شهادت حیب، صحنه جنگ داغ شد، موقع ظهر، حضرت، نماز را خواند، زهیر جلو آمد و حمله را آغاز کرد و این رجز را خواند:

انا زهیر و انا بن القین

اذودکم بالسیف عن حسین

(من زهیر بن القین هستم و با شمشیر از امام حسین (علیه السلام) حمایت می کنم)

دوباره خدمت حضرت رسید و با این اشعار با امام (علیه السلام) وداع کرد:

فدتک نفسی هدیا مهديا

اليوم القى جدك نبيا

و حسنا و المرتضى عليا

و ذاالجناحين الشهيد الحيا

(ای هدایت گر هدایت شده جانم فدایت باد، امروز من به دیدار جد شما پیامبر خدا می روم و امام حسن (علیه السلام) و مرتضی علی (علیه السلام) و جعفر طیار (علیه السلام) یعنی آن شهید زنده را زیارت خواهم کرد.)

مدتی جنگید تا بر زمین افتاد، ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) خودش را بر بالین زهیر رساند و فرمود: (لا یبعدنک الله یا زهیر! و لعن الله قاتلیک لعن الذین مسخوا قرده و خنازیر) (ای زهیر خداوند تو را از ما دور نگرداند و خداوند قاتلان تو را لعنت کند و به لعنتی گرفتار کند که مسخ شدگان و خوک و میمون به آن دچار شدند.)

در زیارت ناحیه، خطاب به زهیر چنین می خوانیم: (السلام علی زهیر بن القین البجلی القائل للحسین و قد اذن له فی الانصراف، لا والله لا یكون ذلك ابدا اترك ابن رسول الله اسیرا فی ید الاعداء و انجوا انا لا ارانی الله ذلك اليوم) یعنی: (و سام بر زهیر بن القین بجلی که در هنگام رفتن به میدان جنگ به امام حسین (علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند هرگز

چنین نخواهد شد که من فرزند رسول خدا را به صورت اسیر در دست دشمنان رها کنم و خود را نجات دهم، خداوند چنین روزی را به من نشان ندهد.

12. ثعلبیه:

امام در روز جمعه 22 ذی حجه وارد ثعلبیه شد و این نام از نام شخصی به نام (ثعلبه بن مزینا) از بنی اسد گرفته شده است و امام حسین (علیه السلام) شب را در این منزل ماند. مردی نصرانی به نام وهب با مادرش مسلمان شد و همراه او رهسپار کربلا شدند. در ثعلبیه بود که خبر شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را به امام دادند. امام حسین علیه السلام در بین راه شخصی را دیدند که از طرف کوفه می آمد. (در زمین عربستان جاده و راه شوسه نبوده که از کنار یکدیگر رد بشوند. بیابان بوده است و افرادی که در جهت خلاف هم حرکت می کردند، با فواصلی از یکدیگر رد می شدند.) لحظه ای توقف کردند به علامت این که من با تو کار دارم و می گویند این شخص امام حسین علیه السلام را می شناخت و از طرف دیگر حامل خبر تاسف باری بود. فهمید که اگر نزد امام حسین برود، از او خواهد پرسید که از کوفه چه خبر و باید خبر بدی را به ایشان بدهد و لذا راهش را کج کرد و رفت طرف دیگر. دو نفر دیگر از قبیله بنی اسد که در مکه بودند، بعد از آنکه کار حجشان به پایان رسید، چون قصد نصرت امام حسین را داشتند، به سرعت از پشت سر ایشان حرکت کردند تا خودشان را به قافله اباعبدالله برسانند. اینها تقریباً یک منزل عقب بودند. برخورد کردند با همان شخصی که از کوفه می آمد. به یکدیگر که رسیدند به رسم عرب انتساب کردند، یعنی بعد از سلام و علیک، این دو نفر از او پرسیدند: نسبت را بگو، از کدام قبیله هستی؟ گفت: من از قبیله بنی اسد هستم. اینها گفتند: عجب! (نحن اسدیان) ما هم که از بنی اسد هستیم. پس بگو پدرت کیست، پدر بزرگت کیست؟ او پاسخ گفت، اینها هم گفتند تا همدیگر را شناختند. بعد، این دو نفر که از مدینه می آمدند گفتند: از کوفه چه خبر؟ گفت: حقیقت این است که از کوفه خبر بسیار ناگواری است و ابا عبدالله که از مکه به کوفه می رفتند وقتی مرا دیدند توفقی کردند و من چون فهمیدم برای استخبار از کوفه است نخواستم خبر شوم را به حضرت بدهم. تمام قضایای

این دو نفر آمدند تا به حضرت رسیدند. به منزل اولی که رسیدند حرفی نزدند. صبر کردند تا آنگاه که اباعبدالله در منزلی فرود آمدند که تقریباً يك شبانه روز از آن وقت که با آن شخص ملاقات کرده بودند فاصله زمانی داشت. حضرت در خیمه نشسته و عده ای از اصحاب همراه ایشان بودند که آن دو نفر آمدند و عرض کردند: یا ابا عبدالله! ما خبری داریم، اجازه می دهید آن را در همین مجلس به عرض شما برسانیم یا می خواهید در خلوت به شما عرض کنیم؟ فرمود: من از اصحاب خودم چیزی را مخفی نمی کنم، هر چه هست در حضور اصحاب من بگوئید. یکی از آن دو نفر عرض کرد: یا ابن رسول الله! ما با آن مردی که دیروز با شما برخورد کرد ولی توقف نکرد، ملاقات کردیم، او مرد قابل اعتمادی بود، ما او را می شناسیم، هم قبیله ماست، از بنی اسد است، ما از او پرسیدیم در کوفه چه خبر است؟ خبر بدی داشت، گفت من از کوفه خارج نشدم مگر این که به چشم خود دیدم که مسلم و هانی را شهید کرده بودند و بدن مقدس آنها را در حالی که ریسمان به پاهایشان بسته بودند در میان کوچه ها و بازارهای کوفه می کشیدند. اباعبدالله خبر مرگ مسلم را که شنید، چشمهایش پر از اشک شد ولی فوراً این آیه را تلاوت کرد: (من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا

تبدیل(1))

13-زباله:

امام حسین (علیه السلام) همراه کاروان خود شنبه 23 ذی حجه به زباله رسیدند. این منزلگاه روستای آبادی بود که بازار آن در جاهلیت معروف بوده و در آن دژی و مسجدی متعلق به بنی اسد وجود داشته است و برخی گویند که علت تسمیه آن به زباله این بوده است که زمین آن آب را حفظ می کرده است و برخی دیگر معتقدند که تسمیه آن به علت وجود

ص: 139

شخصی به عنوان (زباله بنت مسعر) بوده است و آورده اند که در این منزل خبر شهادت عبدالله بن یقطر الحمیری، مسلم بن عقیل و هانی بن عروه رسید و آن حضرت آن خبر را برای اصحاب بیان کردند و فرمودند: خبر ناگوار و جانسوزی به ما رسیده و آن اینکه مسلم بن عقیل، هانی بن عروه و عبدالله یقطر حمیری به شهادت رسیده اند و شیعیان کوفه ما را بی یار و بی یاور گذاشته اند، هرکس از شما خواهد، می تواند بازگردد و بر او ملامتی نیست چرا که تعهدی نداشته است.

همراهان بی وفای امام (علیه السلام) از گرد او پراکنده شدند و از راست و چپ راه بیابان را پیش گرفتند و تنها همان کسانی که از مدینه همراه امام (علیه السلام) بودند با تعداد کمی از مردان دیگر که در راه به امام ملحق شده بودند، باقی ماندند.

امام (علیه السلام) این کار را برای آن کرد که گروهی از اعراب می پنداشتند که عازم شهری می شوند که مردم آن شهر تحت فرمان امامند و امام (علیه السلام) می خواست که همراهانش آگاهانه در این مسیر گام بردارند و بدانند که با چه مشکلاتی مواجه می شوند.

چون امام (علیه السلام) به زباله رسید، وصیت نامه مسلم بن عقیل به دست آن حضرت رسید، امام نامه را خواند و صحت خبر شهادت مسلم و هانی را تایید شده دید، سخت آزرده خاطر شد و این رنجش وقتی شدت پیدا کرد که قاصد خبر قتل قیس بن مسهر را نیز به اطلاع امام (علیه السلام) رساند.

امام حسین (علیه السلام) برادر رضایی خود عبدالله بن یقطر را قبل از شهادت مسلم به سوی او فرستاد که به دست حصین بن تمیم گرفتار و به نزد عبیدالله بن زیاد برده شد و او فرمان داد که عبدالله بن یقطر را به بالای قصر دارالاماره برده تا در منظر عام، حسین و پدرش را لعنت کند! هنگامی که ابن یقطر، بالای قصر رفت خطاب به مردم گفت: ای مردم! من فرستاده حسین فرزند دختر رسول خدای شما هستم، به یاری او بشتابید و بر پسر مرجانه لعنت الله علیه بشورید.

عبیدالله چون چنین دید فرمان داد تا او را از بالای قصر به زیر انداختند و در حال جان دادن بود که فردی آمد و او را به قتل رساند، به او گفتند: وای بر تو! چرا چنین کردی؟

گفت: می خواستم او را راحت کنم.

اکثر نویسندگان خبر شهادت عبدالله بن یقطر و قیس بن مسهر صیداوی، فرستاده امام به کوفه را در منزل زباله ذکر کرده اند و بعضی در منازل دیگر یا بعد از ملاقات با حربن یزید ریاحی نقل کرده اند. ولی قول صحیح همان منزل زباله می باشد، البته ممکن است که خبر شهادت آنها در منازل دیگر نیز به امام داده شده باشد.

14. ذی القاع:

روز یکشنبه 24 ذی حجه بود که امام حسین (علیه السلام) همراه با یارانشان وارد منزل ذی القاع شدند. طبری از ابو محنف نقل کرده که شخصی به نام عمرو بن نوران به حضور امام رسیده و از آن حضرت سؤال کرد. عزم کجا دارید؟ امام فرمود: عازم کوفه هستم. آن مرد به امام گفت: تو را به خدا سوگند که از این راه برگرد زیرا تو به استقبال نیزه ها و شمشیرها می روی، اگر کسانی که نامه و پیک نزد شما فرستاده اند، هزینه این جنگ را برعهده می گیرند و مقدمات کار را از هر جهت برای شما فراهم می آوردند، به نزد آنها برو که این عزم پسندیده ای است ولی آنگونه که شما بیان کردید من مصلحت شما را در رفتن بسوی مردم کوفه نمی بینم. امام (علیه السلام) فرمود: ای بنده خدا! آنچه را که تو گفتی بر من پوشیده نیست و رای همان است که تو دیده ای ولی بر مقدرات الهی کسی غالب نخواهد شد.

15. بطن العقبه:

روز دوشنبه 25 ذی حجه سال 60 هجری قمری امام حسین (علیه السلام) همراه با کاروان خود به بطن العقبه رسیدند و بطن العقبه نام دشتی است که در آن منبع آبی برای بنی عکرمه بن بنی وائل وجود دارد. ابن عبدربه از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمود: چون حسین بن علی (علیه السلام) از بطن العقبه بالا رفت و به یاران خود فرمود: نمی بینم خود را جز اینکه کشته خواهم شد. اصحاب گفتند: یا ابا عبدالله! علت چیست؟ فرمود: به سبب آنچه که در خواب دیدم. اصحاب از خواب امام پرسش کردند.

فرمود: در خواب دیدم سگانی به من یورش می‌برند که در میان آنها سگی دورنگ بود که از همه درنده تر به نظر می‌رسید. طلحه بن زید از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که امام حسین (علیه السلام) فرمود: سوگند به خدایی که جانم به دست اوست حکومت بنی امیه برای آنها گوارا نخواهد شد مگر اینکه مرا بکشند و اینها قاتل من خواهند بود.

16. شراف:

نام منزلگاهی در جنوب کوفه و در فاصله 5/5 کیلومتری آن است و به نام شخصی به نام شراف نامگذاری شده که در آن چشمه ای بنا کرد و در آن چاه های متعددی وجود داشت و امام حسین (علیه السلام) روز سه شنبه 26 ذی حجه سال 60 هجری قمری وارد منزل شراف شدند، کسی که از مکه به طرف کوفه می‌آید بعد از عقبه به منزل دیگری می‌رسد بنام واقعه ولی چون در شراف امکانات و خصوصاً آب بیشتر بوده لذا امام حسین (علیه السلام) در واقعه که آن را واقعه الحزون نیز گویند توقف نکردند و در شراف منزل گزیدند. ابو مخنف از عبدالله بن مسلم و مردی از بنی اسد نقل کرده که امام حسین (علیه السلام) در منزل شراف فرود آمدند و سحرگاهان به جوانان دستور دادند که آب زیادی بردارند و از این منزل حرکت کرده و صبح را تا هنگام غروب آفتاب طی طریق نمودند. گویا امام تصمیم داشتند در قرعاء که منزل دیگری است از منازل حجاج منزل کنند و بعد از آن جا تا مغیثه که آخرین منزل حجاز است و از مغیثه تا قادسیه که ابتدای عراق است کوچ کنند. عبدالله بن زیاد چون از حرکت امام حسین (علیه السلام) بسوی کوفه آگاه شد، حصین بن تمیم را که رئیس شرطه او بود به قادسیه فرستاد و او لشکرش را در فاصله قادسیه تا خفان و قطیطانیه تا لعلع و نیز از واقعه تا راه شام و راه بصره مستقر کرد تا راه ها را دقیقاً زیر نظر بگیرند به طوری که اگر کسی از آن محدوده خارج و یا وارد می‌شد، اطلاع یابند.

امام (علیه السلام) بسوی عراق می‌آمد تا این که گروهی از اعراب را در راه ملاقات کرد و از آنها سؤال فرمود گفتند: ما چیزی جز این نمی‌دانیم که ما نمی‌توانیم وارد و یا خارج شویم امام (علیه السلام) در همان مسیر ادامه راه دادند. گفته اند که حصین بن تمیم با چهار هزار نفر مرد

نظامی به منطقه اعزام شده بود که از جمله آنها حربین یزید ریاحی بود که نزدیک به هزار نفر همراهش بودند و در روایت دیگری آمده است که حربین یزید ریاحی به همراه هزار سواره از کوفه جداگانه به منطقه اعزام شده بود.

ابو مخنف از آن دو نفر مرد اسدی نقل کرده است در میانه راه هنگام ظهر ناگهان مردی فریاد زد الله اکبر! امام حسین (علیه السلام) نیز تکبیر گفت و فرمود: برای چه تکبیر گفتی؟ آن مرد گفت: درخت خرما در این مکان مشاهده می کنم! آن دو مرد اسدی گفتند: در این مکان درخت خرمایی وجود ندارد. امام (علیه السلام) به آنها فرمود: شما چه می پندارید؟ گفتند: اینها طلایه داران لشکر دشمن و گردن های اسبان آنهاست. امام (علیه السلام) فرمود: من نیز آنها را می بینم.

پس امام (علیه السلام) فرمود: آیا در این منطقه پناهگاهی وجود دارد که ما بدان جا برویم و این پناهگاه در پشت سر ما قرار گیرد و دشمن در رویه روی ما قرار گیرد؟ گفتند: آری در ناحیه چپ منزلی به نام ذوحسمی است که این مشخصات را دارد. پس امام (علیه السلام) به قسمت چپ جاده به طرف ذوحسمی روی آورد. سپاه دشمن نیز به طرف این منزل می تاخت. ولی امام (علیه السلام) و همراهان زودتر به این منزل رسیدند.

17. ذوحسمی:

روز چهارشنبه 27 ذی حجه سال 60 هجری قمری امام حسین (علیه السلام) وارد ذوحسمی شدند و دستور دادند که خیمه ها را در این مکان برپا کردند. و ذوحسمی نام کوهی است که نخجیرگاه نعمان بن منذر پادشاه حیر بوده و نابغه ذبیانی درباره این کوه اییاتی را سروده است. حربین یزید با هزار سوار هنگام ظهر از راه فرا رسید و برابر امام (علیه السلام) با لشکریانش قرار گرفت. امام رو به اصحاب خود کرده و فرمود: این گروه را سیراب کنید و اسب های آنان را نیز آب بدهید. یاران امام (علیه السلام) فرمان بردند و لشکریان دشمن حتی اسب های آنان را نیز سیراب کردند.

عتبه بن ابی العیزار گوید امام حسین (علیه السلام) در ذوحسمی ایستاد و پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر (صلی الله علیه و اله) فرمود: (آنچه را که روی داد و پیش آمده است می بینید و

دنیا دگرگون شد آنچه نیکو بود از آن روی گردانده و از آن نمانده است مگر ته مانده ای همانند آن آب که در ته ظرفی بماند و آن را دور ریزند و زندگی پست و ناچیز است مثل چراگاه ناگوار، مگر نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل پرهیز نمی کنند. مومن باید حق طلب و مایل به لقای پروردگار باشد، مرگ را من جز شهادت نمی یابم و زندگانی با ستمگران را غیر از ننگ و خفت نمی دانم.)

حربن یزید ریاحی پیوسته همراه امام حسین (علیه السلام) رکاب می زد و هنگامی که مجال می یافت به امام عرض می کرد از برای خدا حرمت جان خویش را پاس بدار که من بر این باورم که اگر ستیز شود، کشته گردی. امام (علیه السلام) فرمود: مرا از مرگ می ترسانی؟ آیا اگر مرا بکشید، دیگر مرگ گریبان شما را نمی گیرد؟ من همان را می گویم که آن مرد از قبیله اوس با پسر عم خود گفت هنگامی که می خواست رسول خدا (صلی الله علیه و اله) را یاری کند.

سامضی و مابالموت عار علی الفتی

إذا مانوی حقاً و جاهد مسلماً

و واسی الرجال الصالحین بنفسه

و فارق مشوراً و خالف مجرمماً

فان عشت لم اندم و ان مت لم الم

کفی بك ذلاً أن تعیش و تزعماً

(من می روم و مرگ برای جوانمرد ننگ نیست اگر برای خدا باشد و مخلصانه بکوشد و با مردان نیکوکار به جان مواسات نماید، چون بمیرد مردم بر مرگ او اندوه خورند و نابکاران از سر عناد برخیزند. پس اگر زنده ماندم پشیمان نیستم و اگر بمیرم ملامت نشوم، ذلت تو را بس که زنده باشی، خوار گردی و ناکام بمانی.)

چون حر این اشعار را از امام شنید کناره گرفت و با همراهان خود با فاصله کمی از امام، مسیر دیگری را انتخاب کرد.

18. البیضه:

نام دشت وسیعی بین واقصه و عذیب الهجانات است که متعلق به بنی یربوع بن حنظله بوده و در همین محل بوده است که امام حسین (علیه السلام) سومین خطبه خود را برای سربازان حربن یزید ریاحی قرائت نمود.

روز پنجشنبه 28 ذی حجه سال 60 هجری قمری امام حسین (علیه السلام) به منزل عذیب الهجانات رسیدند. علت تسمیه این محل به عذیب این بوده است که در آن آب گوارا وجود داشته است و متعلق به بنی تمیم بوده و بین قادیه و مغیثه قرار دارد و در دوران حکومت ساسانی محل تجمع لشکریان ایرانی بوده است. در این منزل چهار سوار به نام های نافع بن هلال، مجمع بن عبدالله، عمرو بن خالد و طرماع در حالی که اسب نافع بن هلال که کامل نام داشت را یدک کرده بودند از راه رسیدند و راهنمای آنها طرماع بن عدی بود، هنگامی که بر امام حسین (علیه السلام) وارد شدند حر رو بدان ها کرد و گفت: این چندتن از مردم کوفه اند، من آنها را بازداشت کرده و یا به کوفه برمی گردانم. امام (علیه السلام) فرمود: من اجازه چنین کاری را به تو نمی دهم. و همان طوری که خود را از گزند تو حفظ می کنم از آنان نیز محافظت خواهم کرد زیرا اینها یاران منند همانند اصحابی که با من از مدینه آمدند، پس اگر بر آن پیمان که با من بستی، استواری، آنها را رها کن و گرنه با تو می جنگم، حر از بازداشت آنها صرف نظر کرد.

طرماع به امام (علیه السلام) عرض کرد: با شما یاران اندکی را می بینم و همین لشکریان حر در مبارزه بر شما غالب آیند و من يك روز پیش از آمدن از کوفه، مردم انبوهی را در بیرون شهر دیدم پرسیدم که اینان کیانند؟ گفتند: لشکری است که سرگرم سان هستند که آماده جنگ با حسین (علیه السلام) گردند و من تاکنون چنین لشکر عظیمی را ندیده بودم تو را به خدا سوگند تا توانی به آنان نزدیک مشو و اگر خواهی که در مأمنی فرود آیی که سنگر تو باشد تا تدبیر کار خویش کنی و تو را چاره کار معلوم گردد، با من بیا تا تو را در کوه اجا فرود آورم، بخدا سوگند که این کوه سنگر ما بوده و هست و ما را از پادشاهان حمیر و نعمان بن منذر حفظ کرد و به خدا سوگند هیچگاه تسلیم نشدیم و این خواری را به خود نخردیم قاصدی نزد قبیله طی در کوه اجا و سلمی بفرست ده روز نگذرد که قبیله طی سواره و پیاده نزد تو آیند و تا هر زمان خواهی نزد ما باش و اگر خدای ناکرده اتفاقی رخ دهد من با تو پیمان می بندم که ده هزار مرد طایی پیش روی تو شمشیر زنند و تا زنده اند

نگذارند دست هیچکس به تو رسد.

امام (علیه السلام) فرمود: خداوند تو را و قبیله ات را جزای خیر دهد و این گروه (یعنی اصحاب حر) پیمانی بسته ایم که نمی توانم از آن بازگردم و معلوم نیست عاقبت کار ما و آنها به کجا می انجامد. اگر قصد یاری داری شتاب کن، خدا تو را ببخشد.

طرمح می گوید: دانستم به یاری مردان محتاج است پس به نزد قوم خویش رفته و وصیت کردم و سعی کردم در بازگشت شتاب کنم و از راه بنی ثعلب روانه گردیدم تا به عذیب الهجانات رسیدم و سماعه بن بدر را ملاقات کردم و همو بود که خبر کشته شدن امام حسین (علیه السلام) را به من داد سپس بازگشتم.

20. الققطانیه:

روز جمعه 29 ذی حجه سال 60 هجری قمری امام حسین (علیه السلام) همراه کاروانش به الققطانیه رسیدند. امام حسین (علیه السلام) از عذیب الهجانات حرکت کرد و حربن یزید ریاحی هم با او بود تا روز جمعه 29 ذی حجه به ققطانیه رسیدند. و ققطانیه از واژه ققط گرفته شده است که در زبان عرب به قطره باران اطلاق می گردد و این منزلگاه در نزدیکی کوفه واقع شده و قبلاً زندان نعمان بن منذر در آن قرار داشته است.

در امالی شیخ صدوق آمده است که امام حسین (علیه السلام) در این مکان با عبیدالله بن حر جیفی ملاقات کرد ولی به قول مشهور این ملاقات در قصر بنی مقاتل صورت گرفته است.

21. قصر بنی مقاتل:

این منزل منسوب به مقاتل بن حسان بن ثعلبه و در نزدیکی کتفه و جنوب اخیضر قرار دارد و عیسی بن علی عباسی عموی منصور عباسی آن را ویران و دوباره بازسازی نمود. این محل امروزه جزو شهرستان عین تمر از توابع استان کربلا می باشد و فاصله آن تا کربلا 70 کیلومتر است و در قرن سوم میلادی از شهرهای بارودار بوده که توسط شاپور پسر

اردشیر ساسانی ساخته شده بود. امام علیه السلام روز یکشنبه اول ماه محرم الحرام سال شصت و یک هجری بر این منزل وارد شدند.

عمرو بن مشرقی گفت: با پسر عمویم بر امام حسین علیه السلام وارد شدم و آن حضرت در (قصر بنی مقاتل) بود و بر او سلام کردیم، امام پرسید: آیا به یاری من می آیی؟!

من گفتم: مردی هستم که عائله زیادی دارم و مال بسیاری از مردم نزد من است و نمی دانم کار به کجا می انجامد و خوش ندارم امانت مردم از بین برود؛ و پسر عمویم نیز همانند من پاسخ داد.

امام علیه السلام فرمود: پس از این جا بروید که هرکس فریاد ما را بشنود و یا ما را ببیند و لبیک نگوید و به فریاد برنخیزد، بر خداوند است که او را ببینی در آتش اندازد.

عقبه بن عثمان می گوید: در اواخر شب، امام حسین (علیه السلام) دستور داد از (قصر بنی مقاتل) آب برداشته و کوچ کنیم، چون حرکت کردیم و ساعتی رکاب زدیم امام علیه السلام همانگونه که سوار بود مختصری به خواب رفت، سپس بیدار شد در حالی که می فرمود: (انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین) و دو یا سه مرتبه به این جمله را تکرار کرد.

علی بن الحسین علیه السلام روی به پدر نمود و گفت: ای پدر! جانم به فدای تو باد و خدا را حمد کردی و آیه استرجاع خواندی، علت چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: پسر! در اثنای راه مختصری بخواب رفتم شخصی را دیدم که سوار بر اسب بود و گفت: این قوم سیر می کنند و اجل هم بسوی آنان در حرکت است، دانستم که خبر مرگ ماست که به ما داده شده است.

امام علیه السلام فرمود: سوگند بآن کسی که بازگشت بندگان بسوی اوست ما بر حقیم. علی بن الحسین علیه السلام گفت: پس ما را باکی از مرگ نیست که بمیریم و بر حق باشیم.

امام علیه السلام فرمود: خداوند تو را جزای خیر دهد آنگونه که پدری را به فرزندش جزای خیر دهد.

چون سپیده صبح دمید، امام پیاده شد و نماز صبح گزارد و با شتاب سوار شد و با یاران خود حرکت کردند؛ حر می خواست آن حضرت را به سمت کوفه حرکت دهد ولی امام به شدت امتناع می کرد تا چاشتگاه که به نینوا رسیدند، ناگاه سواری از دور پدیدار شد که مسلح بود و از کوفه می آمد، همه ایستادند و او را تماشا می کردند. همین که رسید به حر و همراهانش سلام کرد بی آنکه به امام حسین (علیه السلام) و اصحابش سلام کند، و بعد مکتوبی را به دست حر داد که از عبیدالله بن زیاد بود و به این مضمون: چون نامه من به تو رسید و فرستاده من نزد تو آید، حسین (علیه السلام) را نگاه دار و کار را بر او تنگ گیر، و او را فرود میاور مگر در بیابان بی سنگر و بدون آب! و من به قاصد گفته ام از تو جدا نگردد تا خبر انجام دادن فرمان مرا بیاورد، والسلام.

حر خدمت امام آمد و نامه را برای آن حضرت قرائت کرد، امام به او فرمود: بگذار در (نینوا) و یا (غاضریات) و یا (شفیه) فرود آییم. حر گفت: ممکن نیست زیرا عبیدالله این آورنده نامه را بر من جاسوس گمارده است!

زهیر گفت: بخدا سوگند چنان می بینم که پس از این کار سخت تر گردد، ای پسر رسول خدا! قتال با این گروه در این ساعت برای ما آسانتر است از جنگ با آنها که بعد از این می آیند، بجان خودم قسم که بعد از ایشان کسانی آیند که ما طاقت مبارزه، با آنها را نداریم. امام علیه السلام فرمود: من جنگ با این جماعت را آغاز نمی کنم. پس از آن حضرت به حر التفات کرد و فرمود: کمی جلوتر برویم! پس مقداری از مسافت را امام علیه السلام با حر و همراهانش پیمودند تا به زمین (کربلا) رسیدند.

22. ورود به کربلا:

امام در روز دوشنبه دوم محرم سال 61 ه. ق وارد کربلا شد. وقتی به آن جا رسیدند، حضرت فرمود: نام این زمین چیست؟ عرض شد: کربلا. حضرت فرمود: (پروردگارا! از اندوه وبلا به تو پناه می برم. سپس حضرت فرمود: توقف کنید و رحل اقامت بیفکنید. به خدا این جا محل خوابیدن شتران ما و جای ریخته شدن خون ما و قتلگاه و مدفن ماست و

به خدا در این جا حریم حرمت ما شکسته می شود و جدم همین را به من خبر داده است.)

سپس اصحاب امام پیاده شدند و حر و لشکرش هم در ناحیه مقابل امام پیاده شدند. حضرت در گوشه ای نشست و به اصلاح شمشیر خود پرداخت در حالی که این اشعار را می خواند:

یا دهر اف لك من خلیل

كم لك بالاشراق و الاصلیل

(ای روزگار! چه بسیار صبح و شام که صاحب و طالب حق کشته گشته و روزگار بدل نمی پذیرد و امور به خدای بزرگ باز می گردد و هر موجود زنده ای این راه را که من رفتم خواهد رفت.)

زنان حرم ناله سر دادند ... ام کلثوم داد زد ای وای یا محمد، ای وای یا علی، ای وای یا فاطمه، ای وای یا حسن، ای وای یا حسین، ای وای از بیچارگی بعد از تو یا اباعبدلله!

هنگامی که قافله کربلا به منزل رسید و لشکر حر جلوی امام حسین (علیه السلام) و اصحابش را گرفت و خبر می رسید که از کوفه لشکر آماده آمدن به کربلاست، جریان واضح گشت و معلوم شد که حسین (علیه السلام) و یاران همراهش کشته می شوند. ابی عبدالله (علیه السلام) یارانش را جمع کرد و خطبه ای خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: اما بعد ای اصحاب من، می بینید که چه پیش آمده ست. یعنی صحبت از کشته شدن است.

خیلی مختصر می فرماید: از عمر ما به همین اندازه باقی مانده است. از آن جمله فرمایشات امام حسین (علیه السلام) است که می فرماید: (آیا نمی بینید که کار به جایی رسیده که حق پایمال شده و به آن عمل نمی شود و باطل رواج یافته است و به معروف عمل نمی شود و از منکر نهی نمی گردد جا دارد که مومن آرزوی مرگ کند اما من مرگ را جز سعادت نمی بینم و زندگی با این ظلم ها جز ذلت نیست.)

مقصود آن حضرت را اصحاب فهمیدند و اعلام جان نثاری کردند. خورشید خود را به مکه رسانده و گرمای طاقت فرسایش امان همه را ربوده بود و تشنگی بر هر دو سپاه غلبه کرده بود امام (علیه السلام) دستور داد که به همه سپاه حر و اسب های آنان آب بدهند و

آنان را سیراب کنند و امام (علیه السلام) و یاران هم آب نوشیدند.

همچنین در این روز امام حسین (علیه السلام) اولین خطبه خود را برای سپاه حر را خواندند. آفتاب به وسط آسمان رسیده بود هنگام نماز ظهر بود. امام به حجاج بن مسروق جعفر امر کرد اذان بگوید: سپس امام (علیه السلام) با عبا، ردا، و نعلین بعد از حمد و سپاس خداوند چنین فرمود: ای مردم! من از خدای شما و شما پوزش می طلبم من پیش شما نیامدم مگر وقتی که نامه هایتان رسید قبل از این که من شما را بیابم، نامه های شما به من رسید که ما را امامی نیست، شاید خداوند ما را بر ما هدایت مجتمع کند اگر بر همان گفتار هستید، من به سوی شما آمدم اگر شما به عهدها و پیمانهای خود، آنگونه که من اطمینان یابم، به من قول می دهید به سرزمین شما وارد می شوم آنها ساکت بودند به مؤذن گفته شد اذان را بگوید امام علیه السلام به حر گفت: تو با یارانت نماز بگذار حر گفت: نه شما بخوان ما نیز به همراه تو نماز می خوانیم سپس امام با آنها نماز خواند. (1)

ص: 150

1- برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به الامام الحسین و اصحابه، قزوینی شیخ فضل علی

امام حسین (علیه السلام) در روز هشتم ذی حجه سال 60 هجری قمری شهر مکه را به سوی کوفه ترک نمود. در این مسیر علاوه بر اهل بیت و نزدیکان آن حضرت، یاران وی که بالغ بر هشتاد نفر بودند وی را همراهی می کردند. امام حسین (علیه السلام) در مسیر حرکت به سوی کوفه در بیست و یک منزل توقف داشتند و در هر یک از منازل افرادی به دیدن حضرت می شتافتند. در منزل دوم فرزدق شاعر که از سوی کوفه عازم مکه بود به آن حضرت رسید و وضعیت سیاسی شهر کوفه را برای آن حضرت تشریح نمود در منزل سوم عون و عبدالله فرزندان عبدالله بن جعفر طیار به آن حضرت پیوستند. در منزل ششم حضرت (علیه السلام)، قیس بن مسهر صیداوی را به عنوان سفیر خود رهسپار کوفه نمودند. در منزل یازدهم امام حسین (علیه السلام) کسی را به دنبال زهیر بن القین فرستاد و وی به همراه خانواده خود به قافله امام حسین ملحق شد. در منزل دوازدهم وهب نصرانی به همراه مادرش مسلمان شده و به قافله امام حسین (علیه السلام) پیوست.

در منزل سیزدهم خبر شهادت مسلم بن عقیل به همراه وصیت نامه وی به دست حضرت (علیه السلام) رسید.

در منزل هفدهم حر بن یزید ریاحی با هزار سوار به قافله امام حسین (علیه السلام) رسید و امام دستور داد تا او و لشگریانش و اسب های آنان را سیراب نمایند.

و عاقبت امام حسین (علیه السلام) در روز دوشنبه دوم محرم سال 61 هجری قمری وارد کربلا شد و وقتی به آن جا رسیدند، حضرت فرمودند: نام این زمین چیست؟ عرض شد: کربلا. حضرت فرمود: پروردگار! ازا ندوه و بلا به تو پناه می برم، سپس حضرت فرمود: توقف کنید و رحل اقامت بیفکنید. به خدا این جا محل خوابیدن شتران ما و جای ریخته شدن خون ما و قتلگاه و مدفن ماست و به خدا در این جا حریم حرمت ما شکسته می شود و جدم همین را به من خبر داده است.



مسیر حرکت امام حسین علیه السلام به کربلا

شهر مقدس کربلا دومین شهر مهم زیارتی در عراق است که محل دفن امام حسین علیه السلام و باران وی می باشد. زائران ایرانی علاقه فراوانی به این شهر داشته و به مدت سه روز در آن می مانند. در این شهر علاوه بر حرم مطهر امام حسین علیه السلام و حرم مطهر حضرت عباس علیه السلام، و قبور شهدای کربلا، اماکن زیارتی دیگری نظیر خیمه گاه حسینی، تل زینبیه، گودال قتلگاه، مقام کف دست راست، مقام کف دست چپ حضرت عباس، مقام امام جعفر صادق علیه السلام و مقام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز وجود دارد.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده با دومین شهر مهم زیارتی عراق آشنا شود و اطلاعات موجزی در خصوص تاریخچه کربلا، بازارهای کربلا، اماکن زیارتی کربلا آورده شده است.

هدف های رفتاری

زائران ایرانی به شدت تحت تأثیر زیارت امام حسین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام قرار داشته و علاقه زیادی دارند تا اطلاعات وسیع و همه جانبه ای از این شهر و زیارتگاههای

مختلف آن داشته باشند. لذا ممکن است که سؤال های متعددی از راهنمای کاروان در این خصوص به عمل آید و به همین علت مطالب مندرج در این فصل حایز اهمیت فراوانی است.

شهر مقدس کربلا

دومین شهر مقدس عراق است که در فاصله 105 کیلومتری جنوب غربی بغداد و در حاشیه صحرا و در غرب رودخانه فرات و در سمت چپ آبراه (حسینیه) که از فرات منشعب شده قرار دارد شهر کربلا بر روی طول جغرافیایی 44 درجه و عرض جغرافیایی 33 درجه و 31 دقیقه قرار دارد در شمال آن استان (انبار) و در جنوب آن استان نجف و در شرق آن استان حله و بخشی از استان بغداد و در غرب آن صحرای شام و کشور عربستان سعودی قرار گرفته است.

بنا به گفته مورخان، تاریخ این شهر به دوران بابلی ها می رسد و قبل از فتح اسلامی این منطقه گورستان مسیحیان بود. برخی از صاحب نظران معتقدند که معنی کلمه (کربلا) که يك واژه قدیمی بابلی است، (نزدیکی به خدا) است و برخی دیگر معتقدند که این کلمه تحریف شده واژه عربی (کور بابل) به معنی روستاهای بابل است، برخی نام این منطقه را نینوی می دانند که در حال حاضر نام منطقه ای در شهرستان (سده الهندیه) در استان کربلا است. از نامهای دیگر منطقه: غاضریه، عقر بابل، نواویس، الطف، الروضه، الحائر والحیر است علت تسمیه این منطقه به الحائر این بوده است که در دوران المتوکل خلیفه عباسی، خلیفه دستور داد که قبر شریف امام حسین (علیه السلام) را به آب ببندند تا ویران گردد و هنگامیکه آب رودخانه را بدین سو سرازیر کردند آب تا نزدیک قبر رسید و تنها گرداگرد آن را فرا گرفت و از همان زمان به نام الحائر (آب سرگردان) نامیده شد. برخی نیز اعتقاد دارند که واژه کربلا از کلمه آشوری (کرب) به معنی معبد (أیل) به معنی خدا مشتق شده است و معنی آن (معبد الهی) است. گروهی دیگر براین گمان هستند که این واژه فارسی بوده و ریشه آن دو کلمه (کار) و (بالا) به معنی (کاری برجسته و با ارزش)

است. با این همه به نظر می‌رسد که ریشه کلمه کربلا از واژه عربی (الکربه) گرفته شده باشد که به معنی زمین نرم و سست است و همچنین این واژه معنی غربال شده را نیز می‌دهد و عرب‌ها وقتیکه گندم را غربال نموده و تمیز می‌کنند از این واژه استفاده می‌کنند و شاید علت این تسمیه این باشد که گویی خاک این منطقه از سنگ و کلوخ غربال شده است و باید افزود که (کربله) نام دیگر گیاه (ترشک) است و این گیاهان در منطقه مذکور به وفور دیده می‌شود.

مساحت کربلا در حدود 52856 کیلومتر مربع است و خاک این شهر نرم و بدون سنگ و شن می‌باشد. گردآگرد شهر را باغهایی فرا گرفته که آب آنها از رودخانه فرات تأمین می‌گردد. شهر کربلا دارای دو راه ارتباطی است یکی از این راه‌ها، راه کربلا بغداد است که از شهر (مسیب) می‌گذرد و طول آن بالغ بر 97 کیلومتر است و راه دوم راه نجف کربلا است و در هر دو مسیر باغها و نخلستان‌های متعدد گردآگرد کربلا و راه‌های ارتباطی را فرا گرفته است. شهر کربلا به دو بخش (قدیمی) و (جدید) تقسیم می‌شود، قسمت قدیمی شامل هسته اولیه شهر است که تا حدودی همچنان بافت سنتی خود را حفظ کرده است و قسمت جدید شهر بعدها به آن اضافه شده و شامل خیابانهای پهن، ادارات دولتی، مدارس دینی و ساختمانهای جدید می‌باشد. شهر کربلا در مسیر راه آهن بصره بغداد قرار دارد و شاخه‌ای از این راه آهن به کربلا رسیده و سپس به شهرستان (سده هندیه) که از توابع استان کربلا است منتهی می‌گردد و طول آن 36 کیلومتر است.

تاریخچه شهر کربلا

هنگامیکه حضرت علی (علیه السلام) در دوران خلافت عازم جنگ صفین بود چون به سرزمین کربلا رسید چهره اش افسرده شد، پس اطرافیان از آن حضرت (علیه السلام) در این باره پرسیدند حضرت فرمود: این سرزمین در نزد خدا ارج و قرب زیادی دارد، آری اینجا محل خیمه گاه آنان است و این محل قتلگاه آنان است. هنگامیکه اصحاب بیشتر جو یا شدند حضرت فرمود: آنان گروهی گرانقدر از آل محمد (صلی الله علیه و اله) خواهند بود که در اینجا

کشته می شوند.

هنگامیکه در سال 61 ه ق امام حسین (علیه السلام) به این منطقه رسید و لشکریان عبید الله قافله آن حضرت را محاصره کردند، حضرت به روستای (عقر) اشاره کرد و فرمود: نام این روستا چیست؟ جواب دادند: نامش (عقر) است. حضرت فرمود: از (عقر) به خدا پناه می بریم. سپس فرمود: نام این سرزمین چیست؟ گفتند: کربلا. فرمود: سرزمین درد و رنج و بلا.

دو روز پس از واقعه عاشورا یعنی در روز دوازدهم محرم سال 61 ه ق قبیله (بنی اسد) اقدام به دفن اجساد مطهر امام حسین (علیه السلام) و ابوالفضل العباس (علیه السلام) و سایر یاران آن حضرت (علیه السلام) نمودند و با این کار خود پایه گذار تأسیس شهری بزرگ در سالهای بعد شدند.

گفته می شود که قبیله بنی اسد بر بالای قبر شریف آن حضرت سایبانی ساختند و بر روی قبرهای مطهر شهدا نشانه هایی گذاشتند تا بتوان قبور مطهر را از یکدیگر باز شناخت.

در ماه ربیع الاول سال 65 ه ق گروه (توایین) که تعدادشان در حدود چهار هزار نفر بود و رهبری آنان به عهده سلیمان بن صرد خزاعی بود قبل از رفتن به جنگ با لشکر امویان، به زیارت مرقد مطهر امام حسین (علیه السلام) رفتند و در گرداگرد قبر شریف تجمع کردند و با صدای بلند به گریه و زاری پرداخته و همگی تمنای شهادت در راه خدا را کردند و سپس سلیمان بن صرد خزاعی از جای برخاسته و گفت: (بارخدا، سرور شهیدمان حسین را بیامر، آن شهید فرزند شهید، و آن مهدی فرزند مهدی و آن راستگوی فرزند راستگو، بار خدایا گواه باش که بر دین و راه او می رویم و دشمن دشمنان او و دوست یاران او هستیم) آنگاه يك شب را در کنار مرقد مطهر ماندند و روز بعد عازم جنگ در منطقه (عین الورد) شدند.

در دوران یزید بن معاویه تعدادی از شورشیان به رهبری یزید بن مهلب قیام کردند و در منطقه عقر نزدیک کربلا و در حاشیه رودخانه فرات جنگ سختی بین آنان و

لشکریان یزید به رهبری مسلمة بن عبدالملک درگرفت که در این جنگ شورشیان به شدت سرکوب شدند.

در سال 66 هـ ق هنگامیکه مختار ثقفی بر شهر کوفه مستولی شد، بر بالای قبر شریف گنبدی از آجر و گچ ساخت و محمد بن ابراهیم بن مالک اشتر متولی این کار شد و مرقد مذکور دارای دو در شرقی و غربی بود و این گنبد تا دوران خلافت هارون الرشید پابرجا بود.

ظاهراً گنبد مذکور تا سال 132 هـ ق که امام صادق (علیه السلام) به زیارت جدشان مشرف شده بودند پابرجا بوده است و صفوان جمال از امام صادق روایت می کند که فرمود: چون خواستی که به زیارت حسین (علیه السلام) در کربلا مشرف شوی، بیرون از مقام ایستاده و نگاهی به قبر شریف بینداز و سپس وارد حرم شو و بالاسر امام بایست و هنگامیکه خواستی بیرون روی از دری خارج شو که در جهت پای علی بن الحسین (علیه السلام) قرار دارد، سپس رو بسوی قبور شهدا کن تا به قبر ابوالفضل (علیه السلام) برسی، و چون بدان جا رسیدی در زیر سایبان بایست و سلام کن. از سخنان امام صادق در می یابیم که مرقد امام حسین (علیه السلام) در روزگار آن حضرت دارای گنبد و سایبان و چندین در بوده که يك در آن در سمت شرق و در دیگری شاید در سمت غرب بوده است و مرقد امام حسین (علیه السلام) و فرزندش علی اکبر در این حرم بوده است در حالیکه قبور سایر شهدا بیرون از حرم بوده است. مساحت حرم مذکور 25*25 ذراع و یا در حدود 50*45/22/83/91 متر بوده است. برخی دیگر از مصادر تأکید می کنند که در دوران اموی در کنار حرم آن حضرت درخت کنار یا سدري بوده است که بعنوان نشانه بازشناسی حرم به شمار می آمده است و به همین علت است که در شمال غربی صحن را بعدها (باب السدره) نامیده بودند. (1) هارون الرشید بوسیله حکمران خود در کوفه که موسی بن عیسی نام داشت، عرصه را بر زائران امام حسین (علیه السلام) تنگ نموده و دستور داد که درخت سدر را از ریشه در آورند

ص: 161

1- سلمان هادی آل طعمه، تاریخ مرقد الحسین (ع) و العباس (ع)

و بنای حرم مطهر را خراب کرده و زمین آن را شخم زده و بکارند.

در سال 198 ه ق گروهی از شیعیان مجدداً حرمی بر سر قبر مطهر ساختند و در سال 193 ه ق مأمون عباسی دستور داد که حرم و گنبدی بهتر از قبل بر سر قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) ساخته شود. (1) در سال 236 ه ق متوکل عباسی به خلافت رسید و تلاشهای بسیاری را برای خراب کردن آثار باقیمانده اهل بیت و از بین بردن قبور مطهر آن نمود و در طی سالهای 232 و 236 و 237 ه ق اقدام به تخریب حرم مطهر و شخم زدن زمینهای آن نمود تا بتواند آثار آن را از بین ببرد ولی تمامی تلاشهای وی با شکست مواجه شد.

در سال 247 ه ق منتصر عباسی پس از کشته شدن پدرش المتوکل دوباره آثار متبرکه اهل بیت (علیهم السلام) را تجدید بنا کرد و دستور داد که در اطراف مشهد حسینی خانه‌هایی ساخته شود و بدین گونه اولین شخصی که در کربلا سکونت اختیار کرد یکی از نوادگان امام حسین (علیه السلام) به نام (سید ابراهیم مجاب فرزند محمد عابد فرزند امام کاظم (علیه السلام)) بود.

در سال 271 ه ق (حسن علوی) حاکم طبرستان و دیلم به زیارت حرم مطهر رفته و دستور داد که مسجدی در جوار آن ساخته شود.

در سال 283 ه ق در اثر ازدحام زائران حرم مطهر، سقف حرم فروریخت و تعدادی از زائران کشته و زخمی شدند و گفته می شود که این کار بر اثر توطئه الموفق بالله ولیعهد بوده است. (2) در سال 280 ه ق محمد بن زید حاکم گرگان به زیارت مرقد مطهر آمد و دستور داد که گنبد مجلل و باشکوهی برای حرم ساخته شود و در کنار آن بارویی کشیده و خانه‌هایی برای زائرین و مجاورین حرم ساخت.

در سال 313 ه ق رهبر قرمطیان (ابو طاهر جنابی) به زیارت حرم مطهر مشرف شد و

ص: 162

1- تاریخ طبری، 7/365

2- محمد صادق الکراسی، تاریخ المراقده (الحسین (ع) و اهل بیته و انصاره)

خود و پیروانش گرد حرم طواف کردند و سپس بدون آنکه به کسی آزاری برسانند بازگشتند.

در سال 366 ه ق امیر عز الدوله آل بویه به زیارت حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) مشرف شد و این امر باعث افزایش مهاجرت شیعیان به کربلا و ساخت و ساز آنان گردید.

در سال 367 ه ق عضدالدوله آل بویه بر بغداد مستولی شد و از آنجا عازم زیارت امام حسین (علیه السلام) گردید و از آن پس سالی يك بار به زیارت مرقد مطهر می رفت.

در سال 369 ه ق (ضبه بن محمد اسدی) حکمران شهر (عین تمر) با کمک برخی از عشایر عرب، به شهر کربلا یورش برد و آن را متصرف شد و اهالی آن را کشته و اموال آنان و اموال موجود در خزانه حرم مطهر را به تاراج برده و به بیابان بازگشت. هنگامیکه عضد الدوله از این موضوع آگاه شد لشکری را به جنگ افرستاد و چون (ضبه اسدی) تاب مقاومت در برابر لشکر عضد الدوله را در خود ندید، زن و بچه و اموال خود را رها کرده و از معرکه گریخت.

در سال 372 ه ق اولین باروی شهر در دوران حکومت عضد الدوله آل بویه گرداگرد آن کشیده شد و مساحت آن 2400 متر مربع بود. وی برای شهر رودخانه ای کشید و زمینهای آن را وقف حرم مطهر کرد تا از پول وقف هزینه روشن کردن چراغهای حرم تأمین شود و همچنین خانه ها و بازارهایی ساخت و به ساکنان شهر هدایا و عطایا داد و دستور ساختن مدرسه اولیه عضدیه را داد و مسجدی به نام (رأس الحسین) ساخت. (1)

از سال 407 تا 412 ه ق وزیر معروف آل بویه (حسن بن فضل بن سهلان رامهرمزی) باروی دوم شهر را بنا کرد و در چهار سوی آن دروازه آهنی نصب کرد. (2) در سال 489 ه ق در دوران حکمرانی سیف الدوله اهالی شهر (خفاجه) به کربلا یورش بردند. سپس سیف الدوله که فرمانروای حلب بود با لشکریانی عازم کربلا شد و شورش را سرکوب کرده و خفاجه را به قتل رسانیده و امنیت را برقرار ساخت و زیانهای

ص: 163

1- در سال 283 ه. ق محمدبن زید بن علوی داعی صغیر بقعه را مرمت کرده (دایره المعارف تشیع 1/75)

2- (2) ابن جوزی، المنتظم، 7/283

در سال 795 ه ق تیمور لنگ به کربلا حمله کرد و آن را متصرف شد.

در سال 858 ه ق حکمران خودمختار بصره (علی مشعشی) به کربلا حمله کرد و حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) را غارت کرد و تعداد زیادی از اهالی کربلا را کشته و تعدادی را نیز بعنوان اسیر به پایتخت خود بصره منتقل کرد.

در سال 914 ه ق شاه اسماعیل صفوی به کربلا رفت و رودخانه ای در آنجا حفر کرد و مرقد مطهر امام حسین (علیه السلام) را تجدید بنا کرد(2).

در سال 953 ه ق سلطان عثمانی (سلیمان قانونی) دو حرم امام حسین (علیه السلام) و ابوالفضل (علیه السلام) را تجدید بنا کرد و باغهای اطراف کربلا را که زیر شن رفته بودند دوباره احیا کرد.

در سال 1013 ه ق قبیله (آل مهنا) به رهبری شیخ قبیله که (ناصر بن مهنا) نامیده می شد به کربلا حمله کرد و آن را به تصرف خود درآورده و تا سال 1053 ه ق شهر کربلا در تصرف آنان بود.

در سال 1216 ه ق وهابی ها به رهبری (سعود بن عبدالعزیز) به شهر کربلا حمله کردند و بسیاری از اهالی کربلا را در بازارها و خانه ها از دم شمشیر گذراندند و گنبد حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) را ویران کردند و تمامی اموال و طلا و نقره و اسلحه موجود در حرم را به تاراج بردند، طوریکه مردم این حادثه تلخ را (کربلای دوم) نامیدند.

در اوایل قرن نوزدهم میلادی و بعد از حمله وهابی ها در سال 1216 ه ق یکی از پادشاهان هند به زیارت کربلا آمد و در آن بازارهای زیبا و خانه های متعدد ساخت و تعدادی از شیعیان را در آنها اسکان داد و باروی مرتفعی برای شهر بنا کرد.

در سال 1217 ه ق پس از حمله مجدد وهابی ها، سید علی طباطبائی (صاحب الرياض) اقدام به بنای باروی سوم شهر کرد و برای این بارو شش دروازه

ص: 164

1- (3) ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، 10/177،

2- دایره المعارف تشیع 1/7577

ساخت که هر يك از دروازه ها به نام معینی خوانده می شد.

در سال 1534 م ترکهای عثمانی عراق را تصرف نمودند و سلطان سلیمان قانونی دستور حفر نهري از رودخانه فرات را صادر کرد که به نام (نهر سلیمانی) معروف شد و امروزه آن را به نام نهر حسینی می نامند.

در سال 1623 م لشکر ایران به فرماندهی شاه عباس صفوی کربلا را به تصرف خود درآورد.

در سال 1638 م سلطان عثمانی (مراد چهارم) شهر کربلا را محاصره و دوباره به تصرف عثمانی در آورد.

در سال 1241 ه ق (1825 م) نبرد میرآخور اتفاق افتاد و جریان از این قرار بود که در دوره حکمرانی داود پاشا بر عراق، نیروهای نظامی داود پاشا به فرماندهی سلیمان میرآخور به کربلا حمله کردند و پس از محاصره، شهر را تصرف کرده و در عرض هشت ماه آن را تاراج نمودند.

در سال 1258 ه ق (1842 م) محمد نجیب پاشا به کربلا حمله و با فشارهای نظامی آن را به زیر یوغ عثمانی ها درآورد.

در سال 1860 م سیم کشی تلگراف به کربلا رسید و این شهر قادر شد که با جهان خارج در ارتباط باشد.

در سال 1285 ه ق (1868 م) و در دوران حکومت مدحت پاشا، ادارات دولتی بنا شد و تعدادی از بازارها و ساختمانهای جدید ساخته شد و قسمتی از باروی شهر که رو به شهر نجف بود ویران شد و محله جدیدی به شهر اضافه شد که بعدها محله (عباسیه) نامیده شد.

در سال 1914 م پس از پایان جنگ اول جهانی ساختمانهای جدید و خیابان پهن در شهر ساخته شد و با تهیه سیستم فاضلاب جدید آبهای زیر زمینی به بیرون شهر هدایت شد و زمین کربلا خشک گردید.

در سال 1920 م انقلاب عراق از شهر کربلا آغاز شد و این شهر بعنوان پایگاه انقلاب

نقش خود را ایفا کرد و در این میان مرجع شیعیان آقای شیخ محمد تقی حائری شیرازی فتوای معروف خود درباره تحریم انتخاب غیر مسلمان به حکمرانی عراق را صادر کرد.

در سال 1980 م حکومت بعث عراق اقدام به قتل عام زائران حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) در مراسم اربعین نمود.

در سال 1991 م در جریان قیام مقدس شیعیان و پس از جنگ دوم خلیج فارس حکومت صدام اقدام به قتل عام مردم کربلا نموده و بخشی از گنبد حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) را تخریب نمود.

شهرستانهای تابعه کربلا:

استان کربلا سه شهرستان دارد که عبارتند از:

1 شهرستان کربلا: دو بخش دارد به نام های بخش (حر) و بخش (حسینیه)

2 شهرستان (سده هندیه): دو بخش دارد به نام های بخش (الخیرات) و بخش (الجدول الغربی)

3 شهرستان (عین تمر)

محله های کربلا:

محله های کربلا عبارتند از: حی (1) الحسین، حی المعلمین، حی العباس، حی النقیب، حی الثوره، حی الحر، حی رمضان، حی الصحه، حی الاسکان، حی القزوینیه، حی العداله، حی البنوک، حی الانصار، حی الموظفين، حی البلدیه، حی السعیدیه، حی العلماء، حی الملحق، حی التعلیب، حی الاصلاح الزراعی، حی العامل.

ص: 166

1- حی در زبان عربی به معنی محله است

خیابانهای کربلا:

خیابانهای مهم کربلا عبارتند از:

شارع الرسول الاعظم (علیه السلام)، شارع الامام علی (علیه السلام)، شارع الحسین (علیه السلام)، شارع العباس (علیه السلام)، شارع علی الاکبر (علیه السلام).

زیارتگاه های کربلا:

علاوه بر حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) و حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام) زیارتگاه های دیگری در شهر کربلا وجود دارد که شیعیان به زیارت آن اماکن متبرکه مشرف می شوند. این زیارتگاه ها عبارتند از:

مرقد سید ابراهیم مجاب (علیه السلام)، مرقد حبیب بن مظاهر اسدی، مرقد سایر شهدای کربلا، مرقد قاسم بن الحسن، نخل مریم، مقام حر بن یزید ریاحی (علیه السلام)، خیمه گاه امام حسین (علیه السلام)، مقام حضرت مهدی (علیه السلام)، تل زینبیه، مقام کف دست راست حضرت ابوالفضل (علیه السلام)، مقام کف دست چپ حضرت ابوالفضل (علیه السلام)، مقام امام جعفر الصادق (علیه السلام)، مقام عون بن عبدالله، مقام ابن فهد حلّی، مقام فضه، مقام امام علی (علیه السلام)، مقام موسی بن جعفر (علیه السلام)، مقام علی اکبر (علیه السلام)، مقام رأس الحسین (علیه السلام)، مقام ام البنین (علیه السلام)، مقام آخرس بن الکاظم (علیه السلام)، مقام ابن حمزه.

اماکن سیاحتی کربلا:

اماکن سیاحتی کربلا عبارتند از:

دژ الاخیضر، قلعه الهندی و خان العطشان.

مساجد کربلا:

شهر کربلا بیش از یکصد مسجد دارد که معروفترین آنها عبارتند از: مسجد رأس الحسین (علیه السلام)، مسجد عمران بن شاهین، مسجد شهید ثانی، مسجد سردار

حسن خان، مسجد ناصری، مسجد شهرستانی، مسجد حمیدیه، مسجد سید علی نقی طباطبائی، مسجد کیس، مسجد شیخ یوسف بحرانی، مسجد شیخ خلف، مسجد اردبیلی ها، مسجد حاج نصر الله، مسجد خیمه گاه.

حسینیه های کربلا:

با توجه به اینکه کربلا شهری زیارتی است و سالیانه صدها هزار مسلمان از سرتاسر کشورهای شیعه نشین برای زیارت به این شهر مقدس مشرف می شوند، از این رو بسیاری از مردم شهرهای گوناگون به ساختن حسینیه و زائرسرا پرداخته اند و تعداد حسینیه ها در این شهر به بیش از یکصد حسینیه می رسد که مهمترین آنها متعلق به ایرانیان است مانند: حسینیه تهرانی ها، اصفهانی ها، مازندرانی ها، قمی ها و آذربایجانی ها و دهها حسینیه دیگر که قسمت عمده این مراکز در سالهای اخیر منهدم و ویران شده است.

مدارس دینی کربلا:

با توجه به اینکه حوزه علمیه کربلا از حوزه های علمیه کهن و قدیمی شیعه است و از لحاظ اهمیت بعد از حوزه نجف اشرف می آید از این رو مدارس دینی بسیاری در کربلا وجود دارند که برخی از آنها عبارتند از:

1 مدرسه محسنیه 1327 ه ق

2 مدرسه جعفریه 1333 ه ق

3 مدرسه احمدیه 1921 م

4 مدرسه فیصلیه 1921 م

5 مدرسه رضویه 1345 ه ق

6 مدرسه امام باقر (علیه السلام) 1381 ه ق

7 مدرسه مجاهد 1270 ه ق

8 مدرسه بادکوبه 1270 ه ق

ص: 168

9 مدرسه صدر اعظم 1276 ه ق (ویرانه شده)

10 مدرسه حاج عبدالکریم 1287 ه ق

11 مدرسه بقعه 1250 ه ق

12 مدرسه سلیمیه 1250 ه ق

13 مدرسه هندیه کبری 1920 م

14 مدرسه هندیه صغری 1300 ه ق

15 مدرسه ابن فهد حلی 1276 ه ق (به تازگی تجدید بنا شده است)

16 مدرسه زینبیه 1276 ه ق (ویرانه شده)

17 مدرسه مهدیه 1287 ه ق

18 مدرسه بروجردی 1381 ه ق

19 مدرسه شریف العلماء مازندرانی 1384 ه ق

20 مدرسه الخطیب 1355 ه ق

21 مدرسه امام صادق (علیه السلام) 1376 ه ق

22 مدرسه حسینیّه 1388 ه ق

23 مدرسه سردار حسن خان 1180 ه ق (این مدرسه قبلاً 70 حجره داشت که در حال حاضر تنها 16 حجره آن باقی مانده است).

کتابخانه های کربلا:

1 کتابخانه های عمومی:

کتابخانه عمومی کربلا- عبارتند از: کتابخانه جعفریه، کتابخانه سید الشهداء (علیه السلام)، کتابخانه عمومی مرکزی، کتابخانه ابوالفضل العباس (علیه السلام)، کتابخانه روضه حسینیّه، کتابخانه سید علی اکبر حائری، کتابخانه مولی عبدالحمید فراهانی، کتابخانه رسول اعظم (صلی الله علیه و اله)، کتابخانه نهضت اسلامی، کتابخانه حضرت زینب کبری (علیها السلام)، کتابخانه قرآن کریم.

2 کتابخانه های خصوصی:

کتابخانه های خصوصی کربلا عبارتند از: کتابخانه حرم مطهر امام حسین (علیه السلام)، کتابخانه سید نصر الله حائری، کتابخانه شیخ عبدالحسین تهرانی، کتابخانه سید عبدالحسین کلیدار آل طعمه، کتابخانه سید حسین قزوینی، کتابخانه سید محمد باقر حجه طباطبائی، کتابخانه شیخ احمد بن زین الدین حائری، کتابخانه شیخ محسن ابوالحب، کتابخانه شیخ محمد بن داود خطیب، کتابخانه سید مهدی حکیم شهرستانی، کتابخانه سید محسن جلالی کشمیری.

گورستان های کربلا:

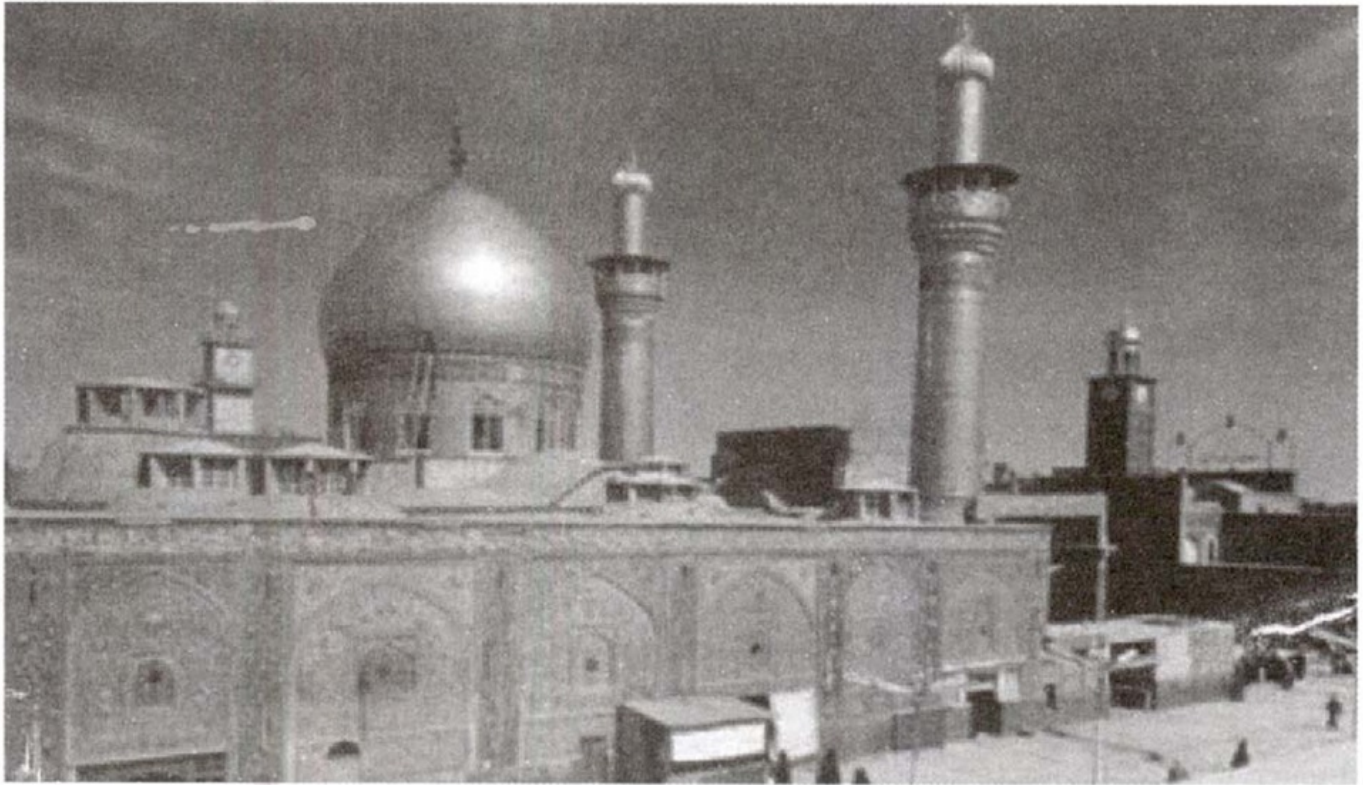
کربلا پنج گورستان دارد که عبارتند از: گورستان (ساحه المخیم)، گورستان وادی العتیق که امروزه به آن مدرسه غره می گویند و در مقابل مقام امام صادق (علیه السلام) واقع شده است، گورستان وادی الجدید که مقابل ایستگاه راه آهن قرار دارد و گورستان هندی ها که در بستان (ابن ذرب) مقابل مرقد ابن حمزه واقع است.

بازارهای قدیمی و جدید کربلا:

بازارهای کربلا عبارتند از: بازار (مخضر)، بازار نجارین یا درودگرها، بازار هرج، بازار صفارین یا مسگرها، بازار صاغه یا طلافروشان، بازار بزازین یا پارچه فروشان، بازار علاوی، بازار حسین (علیه السلام)، بازار زینبیه، بازار باب الخان.

کاروانسراهای قدیمی و معروف کربلا:

کاروانسراهای کربلا عبارتند از: کاروانسرای (الکهیة)، کاروانسرای (زاد)، کاروانسرای (پیر) کاروانسرای مزراقچی، کاروانسرای (اخیر).



تصویر حرم مطهر امام حسین علیه السلام

ب توصیف حرم مطهر امام حسین:

روضه الشریف:

در وسط صحن روضه شریف قرار دارد که بر روی آن صندوقی از چوب منبت کاری شده با عاج قرار دارد و بر روی آن پنجره فولادی گرانبهائی قرار گرفته و سپس ضریح شش گوشه مقدس قرار دارد، درون آن قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) و دو فرزندش علی اکبر (علیه السلام) و علی اصغر (علیه السلام) جای دارد و ضریح در سمت قبر علی اکبر (علیه السلام) یک متر عقب تر نشسته است این ضریح از جنس نقره خالص و سفید رنگ است طول ضریح امام حسین (علیه السلام) 5/5 متر و عرض آن 5/4 متر و ارتفاع آن 5/3 متر است و طول ضریح علی اکبر (علیه السلام) که به ضریح پدر بزرگوارش چسبیده 6/2 متر و عرض آن 40/1 متر است و بر روی قسمت جلویی ضریح این جملات نقش بسته است: (إن الداعی إلى حب آل محمد الطاهر ابن أبي محمد الطاهر سيف الدين نجل سيدنا محمد برهان الدين من بلاد الهند سنة خمس و خمسين و ثلثمائة بعد الألف 1355 هـ ق).

در زاویه جنوبی ضریح، شهدای کربلا قرار دارند که در حدود یک متر و نیم با ضریح علی اکبر (علیه السلام) فاصله دارند و بسیاری از زائران در این منطقه پا نمی‌گذارند زیرا که معتقدند در زیر این قسمت قبور شهدای کربلا قرار گرفته است. ضریح شهدای کربلا پنجره ای نقره است که طول آن چهار متر و هشتاد سانتی متر است. روضه شریف بصورت مستطیلی است که طول آن از شمال به جنوب 125 متر و عرض آن از شرق به غرب 95 متر است و عبارتست از ضریح مطهر و ضریح شهدا و صحن وسیعی که پیرامون آنها را فراگرفته است. مساحت کل حرم شریف 3850 متر مربع است که قبر امام حسین (علیه السلام) در قلب آن قرار گرفته و بر بالای آن گنبدی بزرگ است که بر چهار ستون بزرگ مستطیل شکل $3/50 * 2/50$ متر قرار گرفته است. دیوارهای روضه شریف تماماً طلاکاری، کاشیکاری و آئینه کاری شده است.

رواق ها:

اشاره

اطراف حرم مطهر را چهار رواق فرا گرفته که هرکدام از آنها در یکی از جهات اربعه قرار گرفته و عرض هر یک از این رواق ها پنج متر و طول هرکدام از رواق های شمالی و جنوبی در حدود چهار متر و طول هرکدام از رواق های شرقی و غربی در حدود چهار و پنج متر است. زمین این رواق ها با سنگ مرمر سفید اعلا سنگ فرش شده است و وسط دیوارهای آن آئینه های بزرگی تعبیه شده است. ارتفاع سقف هرکدام از رواق ها 12 متر است. رواق غربی به نام رواق سید ابراهیم مجاب معروف است زیرا قبر سید ابراهیم مجاب یکی از نوادگان امام موسی بن جعفر (علیه السلام) در آن قرار دارد، قبلاً به این رواق رواق (عمران بن شاهین) می گفتند.

رواق جنوبی به نام رواق حبیب بن مظاهر معروف است و رواق شرقی به نام رواق فقها و رواق شمالی به نام رواق سلاطین معروف است و تمامی این رواق ها با کاشیکاری زیبا و نوشته هایی از آیات قرآن تزئین شده است. این رواق ها چندین در دارند که برخی از درها از نقره خالص ساخته شده و برخی نیز از چوب گرانبها ساخته شده است، تمامی این درها به داخل حرم شریف راه دارند و دو در نیز طلایی

بوده و در وسط رواق جنوبی قرار دارند و شیشه ای شفاف آنها را می پوشاند و بر بالای هرکدام از درها آیاتی از قرآن کریم نوشته شده و زوار معمولاً در کنار این درها ایستاده و زیارتنامه می خوانند.

رواق شرقی

در گذشته به نام رواق آغا باقر معروف بود و امروزه به آن رواق فقها می گویند زیرا که سه تن از فقها در یکجا به خاک سپرده شده اند و بر روی قبر آنان صندوق زیبایی قرار داده اند که در سمت راست در حرم قرار گرفته است و این فقها عبارتند از:

1. شیخ محمد باقر وحید بهبهانی مؤسس مدرسه اصولیه.

2. سید علی طباطبائی صاحب کتاب ریاض العلماء.

3. شیخ یوسف آل عصفور بحرانی صاحب کتاب الحدائق الناضره.

البته در کنار فقهای فوق الذکر فقهای دیگری نیز در این رواق به خاک سپرده شده اند که عبارتند از:

1. سید کاظم رشتی (متوفی سال 1259 ه ق)

2. سید احمد بن سید کاظم رشتی (مقتول سال 1295 ه ق)

3. شاعر بزرگ حاج جواد بدقت (متوفی 1281 ه ق).

4. عالم و شاعر بزرگ شیخ جعفر بن صادق الهمر.

در رواق شرقی دو در وجود دارد که به صحن شریف باز می شوند و در کنار اولی کفشداری سید محمود آل طعمه قرار دارد و مقابل مسجد سید کاظم رشتی واقع شده است و در کنار در دومی کفشداری آل وهاب است که در مقابل در (علی اکبر) واقع شده است.

رواق غربی

یا رواق سید ابراهیم مجاب، رواقی است که مرقد سید ابراهیم مجاب در آن قرار دارد و بر روی قبر او صندوقی از چوب ساج قرار داده شده است البته در این رواق قبرهای دیگری نیز وجود دارد که مربوط به علمای بزرگ شیعه است و عبارتند از:

1. سید عبدالله بحرانی صاحب مولفات گرانبهایی نظیر: (الافاضات الحسینیة) و کتاب

2. سید محسن بن سید عبدالله بحرانی.

3. سید محمد بن سید محسن بحرانی صاحب مؤلفاتی نظیر: (الفصول البهیه فی بعض أخبار الحجج المرضیه) و (کتاب هدایه العباد).

4. سید محمد زینی حسینی، عالم و شاعر شیعی.

در این رواق دو اتاق وجود دارند که یکی از آنها قبرستان خانوادگی سادات آل نصر الله و دیگری قبرستان خانوادگی سادات آل جلوخان است

این رواق دو در دارد که به صحن حرم باز می شوند در اولی به در حبیب بن مظاهر معروف است و در کنار آن کفشداری آل شویخ است و در دومی به در سید ابراهیم مجاب معروف است و در کنار آن کفشداری سید جعفر آل طعمه قرار دارد و اخیراً کلیدار حرم مطهر در این رواق در دیگری نیز ساخت که به نام در سلطانیه معروف است و در کنار آن کفشداری سید هادی آل طعمه قرار دارد.

رواق جنوبی

به نام رواق حبیب بن مظاهر معروف است که در سمت چپ آن قبر حبیب بن مظاهر یار با وفا و بزرگوار امام حسین (علیه السلام) قرار دارد و بر بالای قبر او ضریحی نقره ای قرار دارد در مقابل ضریح حبیب بن مظاهر (کشکخانه [1](#)) قرار دارد که قبرستان تعدادی از افراد خاندان آل طعمه است، همچنین در این رواق قبر تعدادی از علمای بزرگ شیعه قرار دارد که عبارتند از:

1. سید محمد مهدی موسوی شهرستانی (متوفی سال 1216 ه ق)

2. سید محمد حسین بن محمد مهدی شهرستانی.

3. سید محمد حسین مرعشی حسینی معروف به شهرستانی متوفی سال 1315 ه ق و صاحب کتاب (غایه المسئول فی علم الاصول).

4. میرزا محمد علی بن محمد حسن مرعشی، متوفی سال 1344 ه ق و صاحب کتاب

ص: 174

این علما همگی در يك قبر به خاک سپرده شده اند که پشت قبور شهدا قرار دارد.

محل قتلگاه نیز در رواق جنوبی و در سمت جنوب غربی رواق قرار دارد که بصورت اتاقی است با دری نقره ای و سنگفرشی مرمری و سفید و نیز شامل سردابی با در نقره ای می باشد.

رواق شمالی:

به نام رواق سلاطین معروف است و علت این تسمیه، وجود قبور تعدادی از پادشاهان و شاهزادگان قاجار نظیر محمدعلی و نواده اش احمد در این رواق می باشد، همچنین در این رواق قبر عالم فاضل سید عبدالحسین حجت طباطبائی و خطیب مشهور سید حسن استرآبادی قرار دارد.

صحن مطهر:

صحن بزرگی اطراف مرقد مطهر را فرا می گیرد که برخی بدلیل اقامه نماز جماعت در آن، (جامع) می نامند. در گذشته صحن مذکور از داخل به شکل مستطیل بود، توسعه صحن در سال 1947 م از سمت شرقی آن آغاز شد و دو رکن داخلی صحن در سمت جنوب شرقی و شمال شرقی برداشته شد و صحن از داخل به شکل چهار ضلعی درآمد و از خارج نیز بصورت بیضی شکل شد. دیوار صحن به ارتفاع 12 متر است که دو متر آن سنگ کاری شده و باقیمانده آن تا بالا با آیاتی از قرآن کریم بصورت کاشیکاری تزیین شده است در گذشته اطراف صحن امام حسین (علیه السلام) را مدارس دینی فرا گرفته بود که هرکدام دری به صحن شریف داشتند و طلاب علوم دینی از داخل صحن به مدرسه خود می رفتند، اما شهرداری کربلا اقدام به ویران کردن این مدارس و مساجد پیرامون صحن نمود و بجای آنها خیابانی ساخت که اطراف حرم را فراگرفت، از جمله بناهای ویران شده (مدرسه حسن خان) بود که بزرگترین مدرسه دینی کربلا به شمار می رفت و در آن بزرگانی نظیر سید جمال الدین اسدآبادی پرورش یافته بودند و نیز مسجد حسن خان که یکی از شاهکارهای هنر معماری به شمار می رفت، در این بازسازی ها مسجد به طور

کامل و بخش وسیعی از مدرسه ویران شد. مدرسه مذکور در زاویه شمال شرقی صحن قرار داشت، در جهت غربی صحن مدرسه صدر اعظم، مدرسه زینبیه و مسجد بزرگ ناصری قرار داشت و در سمت شمال صحن مسجد قدیمی و تاریخی (رأس الحسین) قرار داشت که گفته می‌شد سر مطهر امام حسین (علیه السلام) را قبل از بردن به کوفه در این محل گذاشته بودند و شیعیان را به این مسجد عنایت خاصی بود، اما این مسجد نیز در بازسازی حرم کاملاً ویران شد.

صحن شریف تا قبل از دوران شاه طهماسب صفوی دارای سه جهت شرق، غرب و جنوب بود و شاه طهماسب کسی است که جهت شمالی را به صحن افزود و صحن مطهر دارای چهار جهت گردید. مساحت کلی صحن 1500 متر مربع است لذا در بین عتبات عالیات حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) بزرگترین صحن را دارد. دورتادور حرم مطهر 65 ایوان، هرکدام با یک حجره قرار دارد که از بیرون و داخل کاشیکاری شده اند، این حجره ها برای طلبه های علوم دینی ساخته شده است و برخی از آنها برای سلاطین و شاهزادگان و علمای بزرگ و اشراف بنا شده است.

در سرتاسر صحن، حجره های پیرامون و رواق های آن، بسیاری از بزرگان در طول تاریخ دفن شده اند، برخی از این حجره ها به نام شخصیت دفن شده در آن معروف شده است.

در ضلع جنوبی صحن کتابخانه فعلی روضه مطهر قرار دارد و در ضلع شرقی صحن ایوان بزرگی قرار داشت که مقبره رهبر بزرگ شیعیان آیت الله میرزا محمد تقی شیرزای (رهبر قیام سال 1920 م عراق علیه انگلیسی ها) در آن واقع شده است و در هنگام توسعه حرم مطهر زاویه جنوب شرقی از بین رفت و قبر شیخ محمد تقی شیرزای داخل صحن شد، ابتدا بر روی آن پنجره ای نصب شد و بعدها این پنجره نیز برداشته شد.

از دیگر مشاهیر مدفون در این بقعه مطهر، میرزا تقی خان امیر کبیر است که پس از به قتل رسیدنش در کاشان، به کربلا منتقل و در مقبره ای در رواق شرقی حرم مطهر دفن گردید، همچنین قاجاریه نیز در رواق شمالی، دارای مقبره ای هستند که جمعی از آنان در

صحن شریف دو ایوان به نام های ایوان وزیر و ایوان ناصری دارد(1):

ایوان وزیر: در جهت شمالی صحن ایوان بزرگی با پنجره ای آهنی و مشرف بر صحن قرار دارد، این ایوان منسوب به یکی از وزرای دولت قاجاری است که در پشت این ایوان دفن شده است. این ایوان قبلاً ایوان (لولو) نام داشت که درویشان در آن گرد هم می آمدند و در دهه اول محرم آن را سیاه پوش نموده، کشکول های خود را در آن می آویختند و مجلس سوگواری برای امام حسین (علیه السلام) برگزار می کردند. رهبری این گروه از دراویش را درویشی به نام سید مطهر برعهده داشت که شخصیت بسیار محبوبی بود و در مجلس او بسیاری از بزرگان شهر کربلا حضور می یافتند. در این ایوان بسیاری از علما مدفون شده اند که نام های ایشان بر روی سنگ نوشته های دیوار آن نقش بسته است. امروزه این ایوان تغییر شکل یافته و بعنوان در ورودی صحن به شمار می رود و به نام باب السلام معروف است.

ایوان ناصری:

در سمت غربی صحن قرار دارد و قبلاً به نام ایوان حمیدی معروف بود چون توسط سلطان عبدالحمید ثانی (از سلاطین عثمانی) ساخته شده بود. مقدمه ایوان قوس دار و به ارتفاع 15 متر بوده که طول قاعده آن 8 متر و عرض آن 5 متر است و ساعتی بزرگ بر سر ایوان قرار داشت. تاریخ بنای این ایوان به سال 1275 ه ق باز می گردد. امروزه این ایوان نیز محل تردد زوار به صحن شریف شده است.

تکیه بکتاشیه:

از جاهای مهم و معروف صحن شریف است و سمت راست وارد شونده ای که از در

ص: 177

1- منظور دو ایوان بزرگ و اصلی صحن است ولی افزون بر اینها صحن 65 ایوان کوچک هم دارد که در داخل آنها قبور پادشاهان، عالمان و حجره هایی برای نشستن طلبه ها به چشم می خورد(ویراستار)

باب القبله وارد صحن شود واقع است. این تکیه را (عبدالؤمن دده) بنا کرد و بنای آن شبیه بنای صحن شریف است و در دوران حکومت عثمانی ها صوفیان ترك در آنجا گرد می آمدند و از مهمترین صوفیانی که به اینجا می آمدند فضولی شاعر بغدادی (متوفی سال 963 ه ق) همچنین فرزندش فضلای شاعر و تعداد دیگری از شاعران ترك استانبولی بودند. سید احمد دده جد خاندان (دده) بعنوان متولی این تکیه بود اما در زمان سلطنت سلطان عبدالحمید ثانی که دولت عثمانی به شدت با پیروان فرقه بکتاشیه از در مخالف درآمد، سید احمد مذکور نام تکیه را از بکتاشیه به نقشبندیه تغییر داد تا از مخالفت دولت در امان باشد. این تکیه مدفن سید احمد دده و فرزندانش می باشد.

این تکیه دو پنجره دارد که به صحن مشرف است ولی متأسفانه امروزه بعلت بازسازی های مکرر صحن شریف تمامی مشخصات تکیه مذکور از بین رفته است.

سقاخانه ها:

در گذشته صحن شریف چندین سقاخانه داشت و اولین سقاخانه در سال 1261 ه ق توسط احمد شکری یکی از نوادگان محمد نجیب پاشای عثمانی در سمت شرقی صحن شریف ساخته شد وی علاوه بر آب آشامیدنی، مقدار زیادی شکر نیز جهت مصرف زوار در سقاخانه خود می ریخت. در سال 1282 ه ق مادر سلطان عبدالمجید عثمانی دستور داد تا سقاخانه دیگری در سمت جنوب شرقی صحن شریف ساخته شود، همچنین بعدها مرحوم حاج حبیب حافظ (جد خاندان آل حافظ) نیز سقاخانه دیگری مقابل سقاخانه فوق الذکر ساخت. در سال 1322 ه ق نیز سقاخانه ای در مدخل باب القبله ساخته شد، اما در سال 1363 ه ق در اثر توسعه و بازسازی حرم مطهر تمامی سقاخانه های مذکور ویران شدند.

گنبد مطهر:

گنبد مطهر بر روی روضه شریف قرار دارد و سرتاسر آن با طلا پوشیده شده است، در

قاعده گنبد ده پنجره قرار دارد که عرض هر کدام 131 سانتی متر است و فاصله هر پنجره تا پنجره بعدی 155 سانتی متر است. ارتفاع گنبد از قاعده تا نوک آن حدود 37 متر است و بر بالای آن چراغ پرنوری گذاشته شده است که شب ها روشن می شود، در سمت راست گنبد کتیبه ای قرار دارد که بر روی آن نوشته شده است: (تذهیب القبه الحسينیه علی عهد السلطان ناصرالدین شاه القاجاری، کتبه محمد حسین الشهیر بالمشهدی 1273 ه ق) و سمت دیگر گنبد نوشته دیگری قرار دارد که در آن چنین نوشته شده است: (لقد تشرف بتعمیر هذه القبه المبارکه الشریفه المنوره بعون الله تعالی السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل السلطان ابن السلطان ناصرالدین شاه القاجاری خلد الله ملکه). بنا بر گزارش اداره اوقاف کربلا گنبد مطهر از 7526 آجر طلا تشکیل شده است و مساحت گنبد 301 متر مربع می باشد.

گلدسته ها

در فاصله ده متری جنوب گنبد مطهر دو گلدسته بلند و طلایی قرار دارند که ارتفاع هر کدام حدود 25 متر و قطر آنها 4 متر است. این گلدسته ها در سال 786 ه ق در دوران سلطنت سلطان اویس جلایری ساخته شدند و پسرش احمد جلایری اقدام به کاشیکاری



تصویر گنبد و گلدسته‌های حرم مطهر امام حسین علیه السلام

این گلدسته ها با کاشی طلایی رنگ نمود، در سال 1356 ه ق گلدسته غربی کمی منحرف شد و یکی از سلاطین هند به نام سلطان طاهر سیف الدین دستور تخریب و بازسازی مجدد آن را صادر کرد. این گلدسته ها در سال 1373 طلاکاری شدند و قابل ذکر است که تعداد کل آجرهای طلایی دو گلدسته حدود 8024 آجر طلایی است.

گفتنی است که علاوه بر گلدسته های مذکور در گذشته گلدسته سومی وجود داشت که به آن گلدسته (عبد) می گفتند که در کنار سقاخانه (الحافظ) قرار داشت و توسط والی بغداد مرجان امین الدین بن عبدالله در روزگار سلطنت ایلخانیان در سال 767 ه ق بنا شد. (مرجان) از طرف سلطان اویس جلایری حکمران عراق بود و اندیشه استقلال در سر داشت و عاقبت نیز سر به طغیان برداشته و بر علیه سلطان شورید، سلطان نیز چون چنین دید با لشکری بزرگ بسوی بغداد پیشروی کرد و بغداد را محاصره کرد و مرجان چون شکست خود را حتمی دید به شهر کربلا رفت و در حرم مطهر پناه گرفت و اقدام به ساختن گلدسته بزرگی در حرم کرد و مسجد بزرگی نیز در کنار حرم ساخت و درآمد خود از املاک بغداد و کربلا و عین تمر و رحالیه را وقف آن نمود و اموال زیادی را خرج بازسازی و تعمیر حرم مطهر کرد، چون سلطان جلایری این موضوع را دانست او را پذیرفت و از سرگناش درگذشت و دوباره او را بعنوان والی عراق برگزید.

این گلدسته در فاصله بیست متری زاویه شرقی حرم قرار داشت و بزرگترین گلدسته در بین گلدسته های عتبات مقدس به شمار می رفت بطوری که قطر آن بیست متر و ارتفاع آن چهل متر بود و با کاشیکاری بسیار زیبایی مزین شده بود، در سال 982 ه ق شاه طهماسب صفوی آن را بازسازی کرد و صحن شمالی را به حرم مطهر اضافه کرد و این کار او سبب شد حرم مطهر در وسط قرارگیرد و چهار سمت آن باز بماند. مورخین تاریخ این بازسازی (982) را به حروف أبجد برگرداندند که ماحصل آن (انگشت یار) بود.

در دوران حکومت عثمانی بر اثر ویرانی بالای گلدسته، دربار عثمانی (سال 1308 ه ق) دستور بازسازی مناره را صادر نمود، اما متأسفانه در دوران حکومت پادشاهی ملک فیصل اول و در سال 1354 ه ق (1935 م) بنا به دستور نخست وزیر یاسین الهاشمی

گلدسته مذکور ویران شد و هدف پشت پرده دولت از این کار تصرف املاک و زمین های موقوفه ای بود که (مرجان) وقف حرم مطهر کرده بود، هنگام ویران کردن این گلدسته به سکه های قدیمی متعلق به دوران حکومت جلایری برخورد کردند که تمامی این سکه ها به موزه بغداد منتقل گردید. این کار باعث خشم و ناراحتی علما و اهالی شهر کربلا شد و بسیاری از شعرا در رثای این گلدسته اشعاری سرودند وگفتنی است که یاسین هاشمی تنها به ویران کردن گلدسته حرم مطهر اکتفا نکرده و دستور داد تا برگزاری مراسم عزاداری حسینی و مراسم دهه اول محرم برچیده شود.

درهای صحن مطهر:

اشاره

صحن شریف درهای متعددی دارد که هرکدام به یکی از محلات شهرکربلا منتهی می شود. تعداد درها قبلاً هفت در بود و عبارت بودند از: باب القبله، باب الزینیه، باب السلطانیه، باب السدره، باب الصحن الصغیر و باب الصافی و باب قاضی الحاجات، اما بعدها بر اثر توسعه صحن شریف دو در باب الصغیر و باب الصافی درهم ادغام شدند و یک درب به نام باب الشهداء جایگزین آنها شد، همچنین چهار در دیگر اضافه شد که عبارت بودند از: باب الرجاء، باب الکرامه، باب السلام و باب الرأس الشریف و درحال حاضر تعداد درهای صحن ده در می باشد و علت ساختن درب های اخیر ازدحام بیش از حد حرم مطهر در مراسم مختلف بود. همه درب ها از چوب مرغوب و اعلا ساخته شده اند، در اینجا به بررسی مختصری درباره درهای حرم مطهر می پردازیم:

1. باب القبله:

قدیمی ترین در حرم مطهر است که بعنوان درب اصلی به شمار می رود و در وسط جهت جنوبی صحن شریف قرار دارد و بعلت واقع شدن آن در سمت قبله بدین نام خوانده می شود. این در از چوب مرغوب ساج و چوب نارنج و به ارتفاع 6 متر ساخته شده است، عرض آن 4 متر است و بر روی در این آیه کریمه نقش بسته است بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّمَا یُرِیْدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیْرًا صدق الله العلی العظیم و در سمت چپ در نیز نام هدیه کننده در (خالق زادگان) نقش بسته

و در پایین این عبارت نوشته شده است: (این در در دوره کلیداری سید عبدالصالح در روز پنجشنبه هشتم شعبان 1385 ه ق (1965 م) ساخته شده است) بر بالای این در ساعت بزرگی نصب است که پایین آن نوشته شده:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

2. باب الرجاء:

این درب بین باب القبله و باب قاضی الحاجات قرار دارد و در بیرون صحن کتیبه ای بالای آن قرار دارد که روی آن آیه کریمه زیر نوشته شده است:

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمِ) بالای در کاشیکاری زیبایی است و دقیقاً بالای درب کتیبه دیگری با این آیات نصب شده است: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِثَّةِ كَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجِهِ الزُّجَاجُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمِ) 1396 ه ق. ارتفاع این در 5 متر و عرض آن 5/3 متر است.

3. باب قاضی الحاجات:

این در مقابل (سوق العرب) قرار دارد و وجه تسمیه آن به امام زمان (علیه السلام) است. ارتفاع در 5 متر و عرض آن 5/3 متر است. تاریخ بنای این درب به سال 1286 ه ق باز می گردد که این تاریخ بر روی مدخل خارجی در نگاشته شده است و از بیرون در بالاترین جای در این آیه کریمه نقش بسته است: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمِ) به خط داعی الحق، اما بر سر در چوبی این آیه کریمه نوشته شده است: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَمَنْ حَمَلَكُ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَتَّلْ فَيَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمِ) به خط داعی الحق. ارتفاع در چوبی چهار متر و عرض آن سه متر است.

4. باب الشهداء:

این در، وسط سمت شرقی حرم قرار دارد و از اینجا زوار بسوی حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام) می روند و این در به تبرک شهدای کربلا به نام باب الشهداء نامگذاری شده است و در بالاترین جای آن از بیرون این آیه نقش بسته است: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَرِّقُونَ)

ص: 182

به خط داعی الحق، اما بر بالای خود در این آیه کریمه نقش بسته است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللّٰهُ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضٰی نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِیْلًا ارتفاع این در 4 متر و عرض آن 3 متر است.

5. باب الكرامه:

در مذکور در منتهی الیه شمال شرقی صحن شریف و در کنار در باب الشهداء قرار دارد و علت این تسمیه کرامت امام حسین (علیه السلام) است در بالاترین نقطه در از بیرون این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّ الَّذِیْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا تَتَرَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ اَلَّا تَخَافُوْا وَلَا تَحْزَنُوْا وَاَبْشِرُوْا بِالْحَنَّةِ الَّتِیْ كُنْتُمْ تُوعَدُوْنَ به خط جواد عبد نصیف، اما در بالای خود در این آیه نقش بسته است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَالَّذِیْنَ جَاهَدُوْا فِیْنَا لَنَهْدِیْهُمْ سُبُلَنَا وَاِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِیْنَ به خط جواد عبد نصیف، ارتفاع این در 4 متر و عرض آن 3 متر است.

6. باب السلام:

این در، وسط سمت شمال صحن شریف قرار دارد و علت تسمیه آن به باب السلام اینست که مردم از این سمت به حضرت سلام می کردند و این در به کوچه ای به همین نام منتهی می گردد و در بالاترین نقطه در از بیرون این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِیْدِ بَلْ عَجِبُوْا اَنْ جَاءَهُمْ مُّنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكٰفِرُوْنَ هٰذَا شَیْءٌ عَجِیْبٌ اِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذٰلِكَ رَجْعٌ بَعِیْدٌ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْاَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِیْظٌ (1) و بر بالای خود در کتیبه ای به خط کوفی قرار دارد که این آیه بر آن نقش بسته است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ فِیْ یُّوْبِ اِذْنِ اللّٰهِ اَنْ تُرْفَعَ وَیُذْكَرَ فِیْهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهٗ فِیْهَا بِالْغُدُوِّ وَالْاَصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَیْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَاِقَامِ الصَّلَاةِ وَاِیْتَاءِ الزَّكَاةِ یَخَافُوْنَ یَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِیْهِ الْقُلُوْبُ وَالْاَبْصَارُ (2) مورخ 1392 ه ق (1973 م) به خط جلیل النقاش، ارتفاع این در 4 متر و عرض آن 3 متر است.

7. باب السدره:

در مذکور در منتهی الیه شمال غربی صحن شریف قرار دارد و علت تسمیه آن درخت سدر کهنسالی است که در قرن اول هجری در کنار قبر مطهر امام

ص: 183

1- سوره ق/ 14

2- (2) سوره نور/ 736

حسین (علیه السلام) روئیده بود و زوار با دیدن آن قبر امام حسین (علیه السلام) را در بین صحرا می یافتند و بسوی آن می شتافتند. بر بالاترین نقطه در از بیرون این آیه شریفه نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَسِیْقَ الَّذِیْنَ اَتَقَوْا رَبَّهُمْ اِلٰی الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتّٰی اِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتْ اَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَیْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِیْنَ (1) مورخ 1392 ه ق به خط جلیل النقاش، اما بالای در چوبی کتیبه به خط کوفی وجود دارد که روی آن این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَالتَّیْنِ وَ الزَّیْتُوْنَ وَطُوْرٍ سِیْنِیْنَ وَهَذَا الْبَلَدُ الْاَمِیْنُ لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِیْ اَحْسَنِ تَقْوِیْمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ اَسْفَلَ سَافِلِیْنَ اِلَّا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَلَهُمْ اَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُوْنٍ فَمَا یَكْذِبُكَ بَعْدُ بِالَّذِیْنَ بِه خط جلیل النقاش 1392 ه ق. این قبلاً در باب القبله نصب شده بود و اکنون در باب السدره قرار دارد. ارتفاعش 4 متر و عرض آن 3 متر است.

8. باب السلطانیه:

این غرب صحن شریف قرار دارد و علت تسمیه، ساخته شدن آن توسط یکی از پادشاهان عثمانی است. در بالاترین نقطه در از بیرون صحن این آیه شریفه نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَاِنَّهٗ لَتَنْزِیْلٌ رَّبِّ الْعَالَمِیْنَ (2) و اما بر بالای خود در و در سمت راست آن این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ نَزَلَ بِه الرُّوحُ الْاَمِیْنُ عَلٰی قَلْبِكَ لِتَكُوْنَ مِنَ الْمُنْذِرِیْنَ بِلِسَانٍ عَرَبِیٍّ مُّبِیْنٍ (3) و در سمت چپ آن این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ كَانُوْا قَلِیْلًا مِّنَ اللَّیْلِ مَا یَهْجَعُوْنَ وَاِلَّا سَحَارٍ هُمْ یَسْتَغْفِرُوْنَ وَفِیْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّآئِلِ وَالْمَحْرُوْمِ (4) به خط داعی الحق، ارتفاع این در 4 متر و عرض آن 3 متر است.

9. باب الرأسی الشریف:

این وسط سمت غربی صحن شریف قرار دارد و علت تسمیه آن مقابل جایگاه سر مطهر امام حسین (علیه السلام) واقع شدن آن است. بر بالاترین نقطه در از

ص: 184

1- سوره زمر/ 37

2- (2) سوره شعراء/ 192

3- سوره شعراء/ 4193

4- (2) سوره ذاریات/ 191817

بیرون صحن این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللّٰهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَصَدَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِیْلًا لِّیَجْزِیَ اللّٰهُ الصّٰدِقِیْنَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنٰفِقِیْنَ اِنْ شَاءَ اَوْ یَتُوبَ عَلَیْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِیْمًا(1) مورخ 1372 ه ق، و اما روی خود این آیه کریمه نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِیْنًا لِّیَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَیُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْكَ وَیَهْدِیْكَ صِرٰطًا مُّسْتَقِیْمًا وَیَنْصُرَكَ اللّٰهُ نَصْرًا عَزِیْزًا هُوَ الَّذِیْ اَنْزَلَ السَّكِیْنَةَ فِیْ قُلُوْبِ الْمُؤْمِنِیْنَ لِیُزَادُوْا اِیْمٰنًا. این در 4 متر ارتفاع و 3 متر عرض دارد و یک ساعت بزرگ بالای آن نصب شده است.

10. باب الزینیه:

در سمت جنوب غربی صحن قرار دارد و علت تسمیه آن تبرک به نام حضرت زینب (علیها السلام) است و مقام معروف به زینب (علیها السلام) در همان نزدیکی قرار دارد و بر بالاترین نقطه آن از بیرون صحن این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِیْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِیْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِّیْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِیْرًا(2) به خط صلاح شیرزاد، اما بالای در این آیه کریمه نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ فِیْ یُّیُوْبِ اَذِنَ اللّٰهُ اَنْ تَرْفَعَ وَیُذَكِّرَ فِیْهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیْهَا بِالْغُدُوِّ وَالْاَصْحٰلِ رِجَالٌ لَا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ وَّلَا بَیْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ(3) ارتفاع در 4 متر و عرض آن 3 متر است.

ج موزه یا گنجینه حرم مطهر امام حسین (علیه السلام)

گنجینه حرم مطهر در بخش شمالی روضه شریف قرار گرفته و عبارت است از اتاق بسیار کوچکی که در محکمی از چوب ساج دارد، این اتاق هیچگونه پنجره ای به بیرون ندارد و مهمترین آثاری که در این گنجینه نگهداری می شود عبارتند از:

ص: 185

1- (3) سوره احزاب/ 2423

2- سوره اسراء/ 80

3- (2) سوره نور/ 3736

1. (حمایل شمشیر) هدیه از طرف امیر تامپور حسن علی خان که نقش شش گل طلایی روی آن است و در وسط هرگل يك قطعه بزرگ زمرد سبز تعبیه شده است. سه بازوبند طلا نیز هست که یکی از آنها مستطیل شکل با سنگهای گرانبهایی از زمرد و یاقوت و دیگری مربع شکل با سه سنگ یاقوت گرانها و سه سنگ زمرد و سومی کوچک بوده و سنگ هایی از یاقوت و زمرد دارد.
2. (شمشیری قدیمی) با قبضه ای طلایی که آن را نیز حسن علی خان امیر تامپور هدیه کرده است غلافی گرانها دارد که دوزاده قطعه بزرگ زمرد و سیزده قطعه یاقوت سرخ اعلا در آن تعبیه شده است همچنین در دسته کنده کاری شده آن زمرد و سنگهای گرانها تعبیه شده است.
3. (زین طلاکاری شده) همراه با قلاده و افسار و سینه پوش طلایی، آستر زین از پارچه گرانهای سبز رنگ بوده و مهمیزهایی از نقره دارد.
4. (آینه بلند) با قاب طلاکاری شده که بر روی آن هفتاد و هفت قطعه یاقوت سرخ تعبیه شده و بالای آن تاجی مزین به یاقوت و زمرد و الماس معمولی وجود دارد.
5. بازوبند گرانبهایی که در وسط آن دایره ای مزین به الماس و دو طرف آن دو سنگ زمرد دارد.
6. دوگوشواره بزرگ طلایی که اطراف آن با مروارید مزین شده و در وسط آن یاقوت و زمرد تعبیه شده است.
7. گل سینه طلایی که اطراف آن با الماس و یاقوت مزین شده و در وسط آن سنگ زمرد بزرگ و گرانبهایی قرار دارد و دارای سه شاخه است که بر سر هر شاخه سنگ زمردی قرار دارد که در وسط آن فیروزه تعبیه شده است.
8. گل سینه طلایی به شکل سر خروس که با یاقوت تزیین شده و بر روی آن نوشته شده (وقف روضه شهداء کربلا سنه 1276)
9. پیشانی بندی که از نود و سه قطعه طلای متصل بهم تشکیل شده و با سنگهای گرانهای فیروزه و یاقوت مزین شده است.

10. گردنبند مرواریدی که وزن آن پانزده مثقال است و در آن زمرد و یاقوت بکار رفته است.

11. جامه ای گرانبها که در آن 24 مروارید با ارزش تعبیه شده است.

12. تاجی از پارچه سبز گرانبها، پر از مروارید و یاقوت سرخ گرانبها که حدود 600 مروارید و 31 قطعه لعل سرخ در آن بکار رفته است این تاج در صندوقی گرانبها و نقره ای نگهداری می شود.

13. زیارتنامه ای مزین به یاقوت و زمرد و فیروزه.

14. روپوش اسب که بر روی آن یازده قطعه طلا قرار دارد که در هر قطعه تعداد زیادی سنگ یاقوت و زمرد کار شده است.

15. پرده ای مخملی که اطراف و وسط آن مروارید دوزی شده است.

16. پرده ای مخملی که مروارید دوزی شده و بر روی آن نوشته شده (تقدیم انیس الدوله)

17. دو شمعدان بزرگ که پایه آن نقره ای و بالای آن طلایی است که وزن طلای هر یک از آنها کمتر 1500 مثقال نیست و ایندو شمعدان هدیه مادر سلطان (عبد العزیز بن محمود عثمانی) است.

18. قندیلی از طلا که وزن آن حدود 400 مثقال است.

19. گلابدان طلایی میناکاری شده که وزن آن 127 مثقال بوده و با مرواریدهای ریزی ترین شده است و بنظر می رسد که خیلی قدیمی باشد.

20. جعبه ای طلایی برای نگهداری قرآن که وزن آن 131 مثقال است.

21. شمشیر طلایی بسیار ارزشمندی که از طرف (میرزا محمد خان) اهدا شده و در داخل پنجره روضه شریف قرار داده شده است.

22. دو سجاده مروارید دوزی شده که روی آنها نوشته شده (سبحان ربی الاعلی و بحمده).

23. سجاده ای سفید که روی آن نام های دوازده امام نوشته شده است.

24. مجموعه ای از سپر، شمشیر، تبر، خنجر و قمه های قدیمی که همگی ارزش تاریخی دارند.

25. زرهی بسیار قدیمی که میخ هایی از طلا دارد و با سنگهای گرانبها و یاقوت مزین شده است و در داخل پنجره قبر شریف قرار دارد.

26. فرشهای کوچک و بزرگ قدیمی و بسیار ارزشمند.

27. یکصد پرده بسیارگرانبها که همگی ساخت هندوستان، ایران و سایر سرزمین های اسلامی است که از نظر اندازه متفاوت بوده و معمولاً طول آنها چهار متر و عرض آنها سه متر است. برخی از این پرده ها مروارید دوزی شده و برخی مزین به سنگهای گرانبها هستند و روی آنها نوشته هایی نظیر (بسم الله الرحمن الرحيم) و (لا اله الا الله) نوشته شده است.

28. هشت بسته بزرگ حاوی پرده ها و پرچم های زربفت مختلف هندی و ایرانی که بسیاری از آنها بعلت رطوبت دیگر قابل استفاده نیستند.

29. گل طلایی که روی آن تصویر پرنده ای کشیده شده و الماس کاری شده که پنج الماس آن بزرگ و شش الماس آن کوچک است.

30. چهار بازوبند مروارید دوزی شده.

31. ده گل سینه (جقه) طلایی و مزین به مروارید و الماس.

32. گردنبندها و دستبندهای طلایی که همگی مزین به سنگهای گرانبها است.

33. مقدار زیادی طلا و نقره بصورت کف دست که برخی از آن مزین به سنگهای گرانبها است.

د کتابخانه حرم مطهر امام حسین (علیه السلام):

این کتابخانه در سمت شرقی روضه شریف قرار دارد و حاوی بیش از 72 جلد قرآن خطی با ارزش و طلاکاری شده است، برای مثال می توان از قرآن خطی متعلق به سال 693 ه ق نام برد که به خط یاقوت المستعصی خطاط معروف اسلامی می باشد. در اینجا به

توصیف برخی از مهمترین قرآن‌های خطی موجود در این کتابخانه می‌پردازیم:

1. قرآن خطی که در سال 1225 هـ ق توسط (محمد جعفر) وقف شد و خط آن، کوفی و بسیار قدیمی است. بر روی پوست نوشته شده و منسوب به (امام سجاد (علیه السلام)) است.
2. قرآن خطی که در سال 1252 هـ ق توسط أفق الدوله هندی وقف شد، قرآنی با ارزش که در حاشیه آن تفسیر آمده است و گفته می‌شود برای نوشتن و تزیین آن هفتاد هزار روپیه خرج شده است و خطاط آن (میرزا حسین) است.
3. قرآن خطی که در سال 1252 هـ ق توسط (نواب تاج الدوله) وقف شد و دو صفحه اول آن با نقش و نگارهای زیبایی مزین شده است.
4. قرآن خطی که در سال 1243 هـ ق توسط (فتحعلی شاه قاجار) وقف شد، قرآنی زیبا که لابلای سطور آن ترجمه فارسی آیات و در چهار طرف صفحات آن تفسیر فارسی نوشته شده است.
5. قرآن خطی که در سال 1304 هـ ق توسط (فرح سلطان خانم) وقف شد، این قرآن مزین بوده و در لابلای سطور آن ترجمه فارسی آیات با خطی سرخ نوشته شده است.
6. قرآن خطی که در سال 1243 هـ ق توسط (فتحعلی شاه قاجار) وقف شده است و به خط غلام حسین بن محمد جعفر است و در لابلای سطور آن ترجمه فارسی با خط سرخ نوشته شده است.
7. قرآن خطی که در سال 1247 هـ ق توسط (نواب رمضان علی خان) وقف شده است. سوره فاتحه، صفحه اول سوره بقره و صفحه آخر این قرآن طلاکاری شده است و لابلای سطور آن ترجمه فارسی آیات برنگ سرخ و ریز نوشته شده و خطاط آن محمد نظام کازرونی است.
8. قرآن خطی که در سال 1304 هـ ق که توسط (خفراء السلطان) وقف شد، ترجمه فارسی آیات لابلای سطور آن برنگ سرخ و در حاشیه آن خواص تلاوت قرآن ذکر شده است. خط آن ثلث و خطاط آن محمد نظام کازرونی است.

9. قرآن خطی که در سال 1294 ه ق که توسط (ابوالحسن مشیر الملک) وقف شد، صفحه اول و دوم آن مذهب است و لابلائی سطور آن ترجمه فارسی آیات نوشته شده است.

10. قرآن خطی که توسط حسن علی میزرای فرمانفرما وقف شده و تاریخ وقف آن مجهول می باشد. چهار صفحه اول قرآن مذهب بوده و به خط (عبدالصمد) است.

11. قرآن خطی که در سال 1259 ه ق توسط (محمد حسن) وقف شده و در صفحه ای از آن سه سطر آن با آب طلا، سه سطر با مداد سرخ و سه سطر با مداد مشکی نوشته شده است. این قرآن را سلطان محمد بن محمد حسین گنابادی در سال 1008 ه ق نوشته است.

12. قرآن خطی که در سال 1212 ه ق توسط (سید محمد تقی بن میرزا محمد حسین) وقف شده و در اول آن دایره ای همراه با علامتهای استخاره گرفتن نوشته شده است و صفحه اول مزین است و لابلائی سطور آن ترجمه آیات به زبان فارسی و با خط مشکی نوشته شده است.

13. قرآن خطی که در سال 1236 ه ق توسط (جهان بیگم) وقف شده و خط آن کوفی است و صفحه اول و آخر آن افتادگی دارد و روی کاغذ سفید نوشته شده و بر جلد آن نوشته شده که به خط (علی بن ابیطالب (علیه السلام)) است و صحیح به نظر نمی رسد.

14. قرآن خطی که در سال 1242 ه ق توسط (خیرالنساء خانم) وقف شده است و دو صفحه اول آن مذهب بوده و لفظ جلاله در تمام قرآن با آب طلا نوشته شده است.

ه شخصیت های مهم مدفون در حرم مطهر امام حسین (علیه السلام):

در طی سالیان متمادی بسیاری از بزرگان، شاهزادگان، امرا، شعرا و علما در حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) به خاک سپرده شده اند که ما در اینجا برخی از این بزرگان را نام می بریم:

1. زائده بن قدامه (متوفی سال 161 ه ق)

2. سلیمان بن مهران اعمشی (قرن اول هجری)

ص: 190

3. حسن بن محبوب بجلی (قرن اول هجری)
4. أبو حمزه ثمالی (متوفی سال 128 ه ق)
5. معاویه بن عماد دهنی (متوفی سال 157 ه ق)
6. جعفر بن الوشاء (متوفی سال 208 ه ق)
7. مهیار دیلمی (متوفی سال 226 ه ق)
8. عبدالله بن طاهر (متوفی سال 300 ه ق)
9. شیخ علی بن بسام بغدادی (متوفی سال 302 ه ق)
10. شیخ ابوالحسن محمد المزین (متوفی سال 327 ه ق)
11. شیخ ابوعلی أسکافی (متوفی سال 336 ه ق)
12. شیخ ابوبکر محمد بن عمر بن یسار تمیمی (متوفی سال 344 ه ق)
13. شیخ ابو عبدالله غضائری کوفی
14. شیخ علی بروغندی از بزرگان صوفیه (متوفی سال 359 ه ق)
15. شیخ ابوعلی مغربی (متوفی سال 364 ه ق)
16. وزیر، احمد بن ابراهیم ضبی الکافی وزیر مؤید الدوله بویه (متوفی سال 398 ه ق)
17. شیخ ابوسهل صلحوکی (متوفی سال 369 ه ق)
18. ابو محمد حسن مرعشی طبری (متوفی سال 308 ه ق)
19. ظافر بن قاسم اسکندری شاعر (متوفی 529 ه ق)
20. امیر قطب الدین سنجر مملوک ناصر لدین الله عباسی (متوفی سال 607 ه ق)
21. جمال الدین قشمر الناصری (متوفی سال 637 ه ق)
22. جمال الدین علی بن یحی مخرمی (متوفی سال 646 ه ق)
23. امیر امین الدین کافور (متوفی سال 653 ه ق)
24. ابوالفتوح نصر بن علی نحوی ابن المنخازن (متوفی سال 600 ه ق)
25. وزیر، افسنقر بن عبدالله ترکی (متوفی سال 604 ه ق)

در سال 1216 ه. ق (2) پس از غارت حرم مطهر بوسیله وهابی ها، فتحعلی شاه قاجار دستور بازسازی حرم و کاشیکاری گنبد آن را صادر کرد و پس از او محمدشاه قاجار پنجره ای نقره ای بر روی ضریح آن حضرت قرار داد.

در سال 1259 ه. ق سلطان اود هندوستان که نامش محمدعلی شاه بن سلطان ماجد علی شاه بود اقدام به تعمیر و بازسازی حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام)

نمود. در سال 1293 ه. ق سلطان عبدالمجید خان عثمانی دو شمعدان بزرگی که با ورق هایی از طلا مزین شده بود به حرم مطهر هدیه کرد و این دو شمعدان تا کنون باقی مانده است.

در سال 1299 ه. ق سلطان عبدالمجید عثمانی اقدام به بازسازی و تعمیر حرم مطهر نمود و در همان سال مادر سلطان عبدالمجید مذکور پرده های بسیار گرانبهایی هدیه حرم مطهر نمود و همچنین نواب بهراء از حکمرانان هندوستان اقدام به تجدیدنای سقف ضریح با چوبهای گران قیمت نمود و شخصی به نام میرزا محمدباقر راجه مسؤول این کار گردید.

در قرن سیزدهم هجری محمدشاه قاجار اقدام به نصب ضریح نقره‌ای در حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام) کرد و حاج عبدالهادی استرآبادی را مسؤول این کار نمود.

در سال 1355 ه. ق سید مرتضی تولیت آستانه حرم ابوالفضل (علیه السلام) اقدام به نصب در نقره ای در ایوان طلا نمود و در دو سوی لنگه های در دو بیت از شیخ یعقوبی را نوشت. در سال 1375 ه. ق گنبد مرقد مطهر طلاکاری شد و در آن هنگام سید محسن حکیم دستور ساخت ضریحی طلایی را داد تا در اصفهان ساخته شود، ضریح مذکور پس از ساخته شدن، طی مراسم باشکوهی از شهرهای مرزی ایران و عراق عبور کرده وارد شهر کربلا شد و روی قبر مطهر نصب شد.

ص: 194

1- سلمان هادی آل طعمه، تاریخ مرقدالحسین (علیه السلام) و العباس (علیه السلام)، الطبعة الأولى، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان-

2- سلمان هادی آل طعمه، کربلا و حرمهای مطهر، ترجمه حسین طبری، ص 276.

روضه شریف

مساحت روضه مطهر بطور کلی بالغ بر 4370 متر مربع است و زمین آن سنگ کاری شده و دیوارهای آن آئینه کاری شده است و بر روی قبر مطهر پنج‌های نصب شده که از طلا و نقره ساخته شده است و بر روی گنبد طلایی آیات قرآن نقش بسته و در کنار آن دو گلدسته و یک ساعت بزرگ نصب شده است.

رواقها

اطراف روضه مطهر چهار رواق بزرگ کاشیکاری و آئینه کاری شده قرار دارند که عبارتند از:

رواق شمالی: این رواق قبلا با دیواری از دو رواق شرقی و غربی جدا می شد که در حال حاضر این دیوار برداشته شده است. در گوشه شمالی این رواق اتاقی قرار دارد که در آن نقره ای است و منتهی به راهروی زیرزمینی می گردد که به قبر مطهر ابوالفضل (علیه السلام) می رسد و گویند که این مکان بر رودخانه علقمی مشرف بوده است. اتاق دیگری کنار این اتاق قرار دارد که مقبره خاندان «آل النواب» است و در کنار آن کتابخانه حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام) واقع شده است و همچنین در این رواق قبور بسیاری از بزرگان و علما قرار دارد که از آنجمله است مقبره علامه سید کاظم بهبهانی که در زاویه شمال شرقی روضه قرار دارد در گوشه غربی این رواق در گذشته چاهی قرار داشت که از آن آب کشیده و مخازن موجود را پر می کرده اند و با همت شخصی به نام «حاج رئیس» که وزیر شیخ خزعل حکمران خوزستان بود، موتوری با قدرت پنج اسب بخار خریداری و بر روی رودخانه حسینیه نصب شد و با لوله کشی توانست آب را به دو حرم مطهر برساند و بدینگونه بود که چاه مذکور و حوض آن پر شد و اکنون اثری از آنها بر جای نمانده است. در سال 1397 ه. ق دیوار حد فاصل رواق شمالی و حرم برداشته شد.

رواق غربی: دو در دارد که یکی از درها «باب الرواق» نام دارد و به صحن شریف

باز می شود و در کنار آن کفشداری شیخ محمود کشوان قرار دارد و در دوم معروف به باب المراد» است که در گوشه شمال غربی قرار دارد و در سال 1942 م. افتتاح شد.

رواق شرقی: در این رواق قبر تعدادی از خادمان حرم از خاندان آل طعمه و آل ضیاء الدین قرار دارد.

رواق جنوبی: این رواق از طریق سه در به ایوان طلا متصل می گردد، در اول از جهت شرق به کشیک خانه مشرف است و در دوم که در ایوان طلا است و در سوم نیز مشرف بر کشیک خانه است و در سال 1367 ه. ق حاج حسین حجارباشی تقبل کرد از سنگهای که از تعمیر کاخ گلستان در ایران باقیمانده بود زمین روضه حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام) را سنگ فرش نماید و هزینه این کار در آن روزگار بیش از پانزده هزار تومان و در حدود 1100 دینار عراقی بود. (1)



تصویر حرم مطهر حضرت ابوالفضل علیهما السلام

ایوان طلا: ایوانی است که در مقدمه حرم مطهر قرار دارد و بر صحن مشرف است و مساحت آن حدود 320 متر است و با آجرهای مسی آبکاری و با طلا مزین شده است.

ص: 196

ایوان مذکور در دوران پادشاهی سلطان عبدالحمید عثمانی تا ارتفاع دو متر طلاکاری شد و سپس در سال 1309 ه. ق «احترام الدوله» همسر ناصرالدین شاه قاجار دو طرف در موجود در ایوان طلا- را طلا- کاری کرد و سپس یکی از پادشاهان هندی به نام اکمل آصف محمدعلی شاه لکنه‌پوری بخشهای باقیمانده را طلا- کاری کرد. در وسط این ایوان دری نقره ای به طول 3 متر و عرض 2 متر قرار گرفته است که آن را رجب علی طلافروش فرزند فتح الله شوشتری در سال 1355 ه. ق ساخته است. ایوان طلا شش کفشداری دارد.

صحن شریف

مساحت کلی صحن شریف 9300 متر مربع است و چهار ایوان وسیع دارد که از همه طرف حرم مطهر را در بر گرفته است و در آنها مقرنس کاریها و طاقهای هندسی زیبایی وجود دارد و ایوانهای مذکور عبارتند از:

ایوان بالاسر: در غرب صحن شریف قرار دارد و بر بالای آن کتیبه ای وجود دارد که این آیه بر آن نقش بسته است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُوْنَ فِیْ دِیْنِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ اِنَّهٗ كَانَ تَوَّابًا و در وسط ایوان کتیبه ای است که مطالبی به فارسی بر روی آن نوشته شده است و قابل ذکر است که در اویش صوفیه در دهه اول محرم هر سال این ایوان را سیاه پوش کرده و شمشیرها و کشکول های خود را در داخل آن آویزان کرده به عزاداری می پرداختند به این در اویش، در اویش صحن عباس (علیه السلام) می گفتند تا بتوانند آنها را از در اویش صحن امام حسین (علیه السلام) متمایز کنند.

ایوان شرقی:

این ایوان در سمت شرقی صحن شریف قرار دارد و باب الرضا (العَلَمِی) در آن قرار دارد و در بالای آن کتیبه ای قرار دارد که در سال 1304 ه. ق نصب شده و روی آن سوره الحمد نوشته شده است و کتیبه ای نیز در زیر آن قرار دارد که در آن سوره القدر نوشته شده است کاشیکاری این ایوان را حاج محمد جعفر نادر توکلی در همان سال بازسازی نموده است.

که در بالای آن کتیبه ای است که تاریخ 1304 ه ق را بر خود دارد(1).

ایوان قبله:

این ایوان در مدخل باب القبله قرار دارد و کتیبه ای که بر روی آن نصب شده تاریخ 1304 ه ق را نشان می دهد و بر بالای ایوان ساعت بزرگی نصب شده است.

در اطراف صحن حجره ها و ایوان های متعددی قرار دارد که بسیاری از شخصیت های اسلامی از علما و سلاطین و وزراء در آن به خاک سپرده شده اند. صحن مطهر نیز به طرز زیبایی کاشیکاری شده است.

درب های صحن شریف:

اشاره

درب های صحن شریف: (2) صحن ده در دارد که عبارتند از: باب الامام الحسن (علیه السلام)، باب الامام الحسين (علیه السلام) باب صاحب الزمان (علیه السلام)، باب موسی بن جعفر (علیه السلام)، باب امیرالمؤمنین (علیه السلام)، باب علی الهادی (علیه السلام)، باب الامام الجواد (علیه السلام)، باب الرضا (علیه السلام) و باب الرسول (صلی الله علیه و اله) که به باب القبله و باب الفرات نیز معروف است.

1. باب الحسن (علیه السلام):

در مذکور در سمت غربی صحن قرار دارد و زوار از طریق این در به حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) مشرف می شوند طول این در 4 متر و عرض آن 3/5 متر است و بر بالای آن نقطه در از بیرون صحن این آیه کریمه نقش بسته است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ يَا أَيُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلَّا أَنْ یُؤْذَنَ لَكُمْ. (3)

2. باب الحسين (علیه السلام):

این درکنار باب الامام الحسن (علیه السلام) قرار دارد، طول آن 4 متر و عرض آن 3/5 متر است و روی آن این آیات نقش بسته است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ إِنَّ الْمُتَّقِیْنَ فِیْ جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ اَدْخُلُوْهَا بِسَلَامٍ آمِنِیْنَ (4) و بالای آن لوحه ای قرار دارد که بر روی آن نوشته شده است: (السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَاقِی عَطَاشِی كَرِیْلًا).

3. باب صاحب الزمان (علیه السلام):

علت تسمیه آن، تبرک به نام امام زمان (علیه السلام) است.

ص: 198

1- همان منبع

2- (2) منظور ما اینجا دربهای جدید حرم است که از سال (1974 م) سامان دهی شده اند (ویراستار)

3- سوره احزاب/ 53

4- (2) سوره حجر/ 645

طول در 4 متر و عرض آن 5/3 متر است، بالای آن این آیه نقش بسته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ.

4. باب موسی بن جعفر (علیه السلام):

این درگوشه غربی صحن قرار دارد و طول آن بالغ بر 4 متر و عرض آن 5/3 متر است و بر بالای آن این آیات نقش بسته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (1).

5. باب امیر المومنین (علیه السلام):

در سمت شرقی صحن قرار دارد و طول آن 4 متر و عرض آن 5/3 متر است.

6. باب علی الهادی (علیه السلام):

درگوشه شمال شرقی صحن قرار دارد و طول آن 4 متر و عرض آن 5/3 متر است، این در به تازگی باز شده است.

7. باب الجواد (علیه السلام):

در سمت شمال صحن قرار دارد و طول آن 4 متر و عرض آن 5/3 متر است و سقفی هلالی شکل و مزین به کاشیکاری دارد که بالای آن این آیات نقش بسته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشَاهِ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجِهِ الزُّجَاجُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرِهِ مُبَارَكٌ زَيْتُونَهُ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (2).

8. باب الرسول (صلى الله عليه و اله) يا باب القبلة:

در سمت جنوبی صحن قرار دارد و بعلت اینکه رو به قبله است به باب القبلة مشهور است، طول این در 4 متر و عرض آن 5/3 متر است و بالای آن ساعت بزرگی نصب شده که زیر این ساعت نوشته شده است: (السلام عليك يا أبا الفضل العباس). در سال 1382 کلیدار حرم مطهر ابوالفضل سید بدرالدین آل ضیاء کتابخانه ای به نام کتابخانه ابوالفضل العباس را در مدخل این در بنا کرد و بنا به کوشش تعدادی از علمای فاضل کربلا در این کتابخانه جلسات فرهنگی در خلال ماه

ص: 199

1- (3) سوره رعد/ 24

2- سوره نور/ 35

9. باب العلقمی یا باب الرضا (علیه السلام):

در سمت شرقی صحن قرار دارد و در مقابل خیابان معروف العلقمی واقع شده است. در مذکور در سال 1375 ه ق (1956 م) باز شد و بعدها به باب الرضا (علیه السلام) معروف شد.

10. باب الفرات:

در سمت شرقی صحن قرار دارد و طول آن 4 متر و عرض آن 5/3 متر است و بالای آن کتیبه ای به خط کوفی وجود دارد که در آن این آیات نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ الَّذِيْ اَنْقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ فَاِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَاِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَاِلٰى رَبِّكَ فَارْغَبْ (1).

سقا خانه ها:

در گذشته دو سقاخانه در حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام) وجود داشته است که اولی در زاویه شرقی صحن و در مقابل مقبره (راجه) قرار داشته و توسط جمعیت (بهره) (فرقه اسماعیلیه) بنا شده بود و کنار آن دو نخل خرما و یک درخت سدر قرار داشت، و دومی در گوشه غربی صحن نزدیک باب السوق بنا شده بود و در کنار آن دو نخل خرما قرار داشت، متأسفانه هر دوی این سقاخانه ها ویران شده و در حال حاضر هیچ اثری از آنها و درختان نخل کنار آنها وجود ندارد.

گنبد مطهر:

گنبد حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام) 12 متر قطر دارد و شکل آن نیمه کروی و نوک تیز است و گردنی نسبتاً بلند دارد که پنجره هایی در آن تعبیه شده است و در نمای داخلی گنبد آیاتی از قرآن کریم نوشته شده است تاریخ بنای گنبد طوریکه در کناره آن

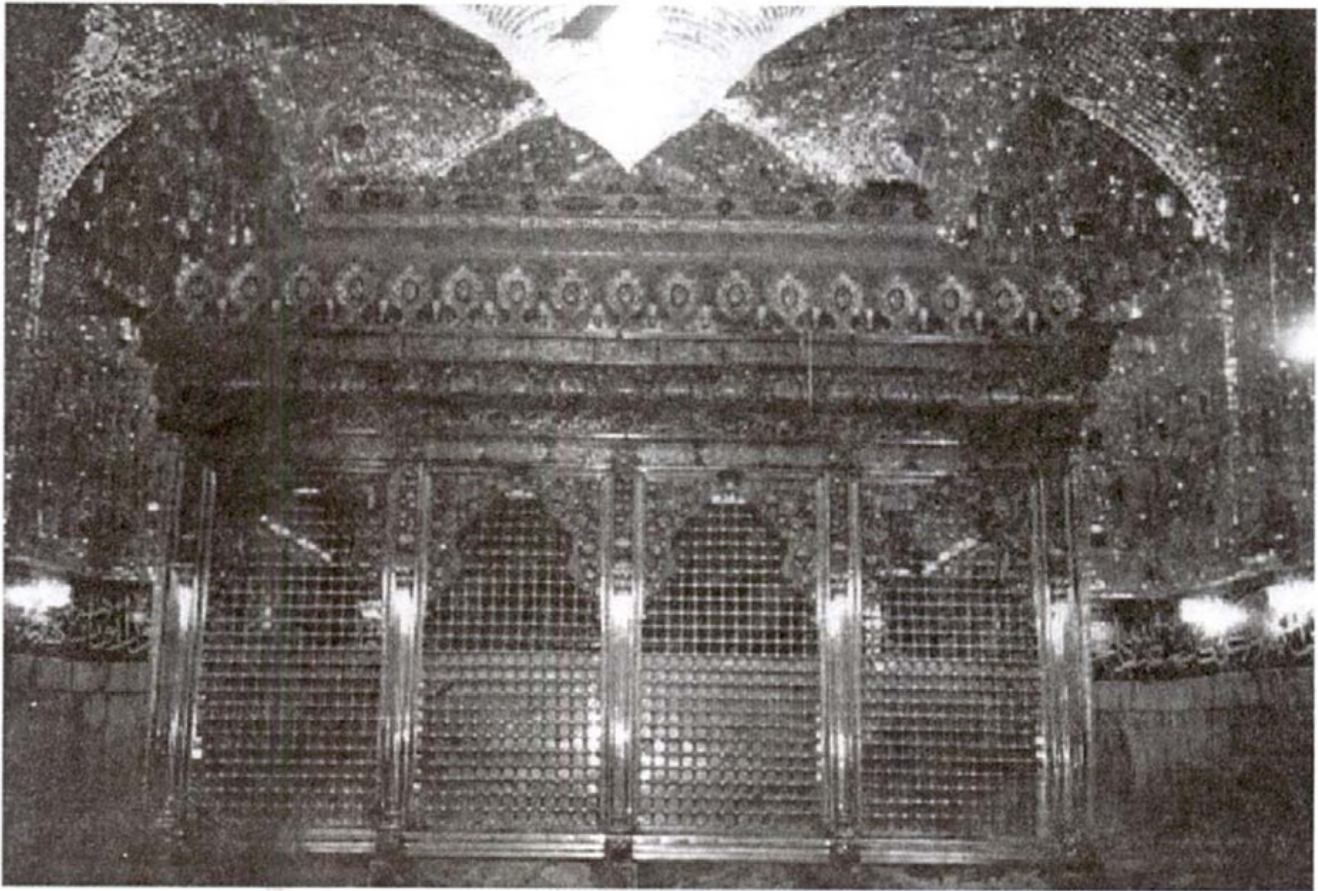
ص: 200

نوشته شده است سال 1305 ه ق است و در سال 1375 ه ق (1955 م) علامه شیخ محمد خطیب در تلگرافی از نخست وزیر عراق (دکتر محمد فاضل جمالی) خواست تا دولت عراق اقدام به طلاکاری گنبد مطهر نماید و دولت نیز این درخواست را پذیرفت و آن را طلاکاری کرد و برحسب مدارك موجود در اداره اوقاف کربلا تعداد آجرهای طلای بکار رفته در این گنبد بالغ بر 6418 آجر بوده است. ارتفاع گنبد از سطح زمین 39 متر است.

گلدسته ها:

در انتهای ایوان طلا و چسبیده به دیوار روضه شریف دوگلدسته قرار دارند که قسمت بالایی آنها طلاکاری شده است و تعداد آجرهای طلایی بکار رفته در آنها 2016 آجر است و نصف باقیمانده گلدسته ها کاشیکاری شده است.

در زیرکاشیکاری ها با خط کوفی زیبایی کلمه های: الله، محمد، رسول وعباس نقش



تصویر حرم مطهر حضرت ابوالفضل عليه السلام

بسته است ارتفاع گلدسته ها تا سطح زمین 44 متر است. این دوگلدسته را محمد حسین صدر اعظم ایران در سال 1221 ه ق بنا کرد و آن را کاشیکاری نمود. (1)

ج. موزه و گنجینه حرم مطهر:

گنجینه حرم مطهر قبلاً در اتاقی در گوشه ای از رواق جنوبی قرار داشت و در حال حاضر به مقبره آل خیرالدین در صحن شریف منتقل شده است در این گنجینه آثار گرانبهای بسیاری وجود دارد که برآورد ارزش مادی آنها مقدور نیست. از جمله اشیاء موجود در آن فرشی بسیار نفیس است که با نخهای طلا بافته شده و در آن سنگهای گرانبها بکار رفته است و در کنار آن فرشهای مختلف دیگر و لوسترهای بزرگ و شمشیرهای مثبت کاری شده با سنگهای گرانبها و طلاکاری شده و ساعتی دیواری طلاکاری شده و ساعتی ساخته شده از چوب آبنوس وجود دارد و ناوگانی از کشتی های کوچک زرین و لوح نقاشی سر مطهر امام حسین (علیه السلام) که از ایتالیا آورده شده است و برخی دیگر از آثار موجود در این گنجینه عبارتند از:

1. دو شمعدان طلایی که یکی از آنها بزرگ بوده و وزن آن 417 مثقال است و دیگری متوسط بوده و وزن آن 40 مثقال است.

2. دو شمعدان از جنس طلا و نقره که وزن هر کدام از آنها 15 مثقال است.

3. دو شمعدان نقره ای بزرگ که وزن هر کدام از آنها 1800 مثقال است.

4. نود و هفت شمعدان نقره با حجم های مختلف که وزن هر کدام بین 200 تا 300 مثقال است.

5. سه کف دست طلایی که یکی 29 مثقال و دوتای دیگر هر کدام 6 مثقال وزن دارد.

6. سه کف دست نقره ای که یکی 134 مثقال و دوتای دیگر هر کدام 110 مثقال است.

7. هفتاد و چهار پرده از حریر و مخمل و گلابتون.

ص: 202

8. دوازده پرچم قدیمی.
9. شش قبضه شمشیر و سپری قدیمی.
- 10 کمر بندی نقره ای و طلاکاری شده
11. آینه ای از نقره.
12. گردنبندی از نقره به وزن 25 مثقال
13. بازوبندهای طلسم از جنس نقره که وزن هرکدام از آنها 117 مثقال است.
14. کلاه خودهای نقره ای متعدد که وزن هر کدام 70 مثقال است.

د کتابخانه حرم مطهر:

این کتابخانه شامل قرآن های خطی بسیار نفیسی است که تعداد آنها به 109 قرآن خطی بالغ می گردد و یکی از آنها قرآنی منسوب به امام علی (علیه السلام) می باشد. محتویات این کتابخانه در لیستی ثبت شده است که در کتابخانه موزه بغداد قرار دارد. استاد ناصر نقشبندی ذکر می کند که بین این آثار خطی سه قرآن بسیار نفیس به خط کوفی وجود دارد. کتابخانه حرم و گنجینه آن در یکجا نگهداری می شوند.

ه بزرگان مدفون در حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام):

1. سید محمد بن محسن زنجانی (متوفی سال 1355 ه ق)
2. شیخ علی بن زین العابدین پارچینی یزدی صاحب کتاب الزام الناصب فی احوال الحجه الغائب.
3. علامه شیخ علی اکبر یزدی بفرولی از شاگردان علامه اردکانی.
4. سید کاظم بهبهانی از شاگردان سید هاشم قزوینی.
5. علامه سید عبدالله کشمیری.
6. شیخ ملاعلی الیزدی مشهور به سیبویه.
7. شیخ کاظم الهر.

1. مرقد سید ابراهیم مجاب

مرقد این امامزاده در رواق غربی حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) قرار دارد. نام کامل وی سید ابراهیم بن محمد بن موسی بن جعفر (علیه السلام) است، او نابینا بود و در کوفه زندگی می کرد و در سال 247 ه ق که المنتصر فرزند متوکل عباسی اجازه داد شیعیان به زیارت کربلا مشرف شوند، به کربلا آمده و در آنجا سکونت اختیار کرد و گویند که چون سید ابراهیم مجاب به کربلا رسید به قبر شریف نزدیک شد و گفت: السلام عليك يا جده، و از داخل روضه شریفه این ندا برخاست که: و عليك السلام یا ولدی، از آن روز به بعد مردم او را (مجاب) لقب دادند. هنگامیکه سید ابراهیم مجاب درگذشت او را در صحن آن روزگار دفن کردند و بعدها که روضه شریفه بزرگتر شد محل ضریح سید ابراهیم در رواق غربی واقع شد. روی ضریح او صندوقی از چوب ساج قرار دارد و در آن پنجره ای فولادی تعبیه شده که بعدها آن را تغییر داده و بجای آن پنجره ای برنزی نصب کردند که در سالهای اخیر آن را نیز تجدید نمودند. شیعیان پس از مشرف شدن به حرم معمولاً به زیارت سید ابراهیم مجاب نیز مشرف می شوند.

2. مرقد حبیب بن مظاهر اسدی

اعتقاد شیعیان بر این است که حبیب بن مظاهر اسدی از تمامی اصحاب امام حسین (علیه السلام) البته بجز خانواده اش والاتر است، بدین علت امام زین العابدین (علیه السلام) هنگام دفن، او را همراه با سایر شهدا دفن نکرده و قبر جداگانه ای درون حرم مطهر امام حسین به او اختصاص داد. زائران حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) ابتدا به قبر حبیب بن مظاهر می رسند و بر وی سلام می کنند، گویی که او دربان حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) است.

حبیب بن مظاهر یکی از یاران با اخلاص امام حسین (علیه السلام)، از اصحاب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) و از خواص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود که در تمامی

جنگهای آن حضرت ملتزم رکاب بود و پس از شهادت حضرت علی (علیه السلام) به خدمت امام حسن مجتبی (علیه السلام) شتافت و پس از وی در خدمت امام حسین (علیه السلام) بود. او سرور و بزرگ قوم بنی اسد بود و امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا او را فرمانده جناح چپ لشکر خود نمود. بعد از طلوع آفتاب به لشکر ابن زیاد حمله کرد و شصت و دو نفر از لشکریان دشمن را کشته و عاقبت خود نیز در سن هفتاد و پنج سالگی به شهادت رسید. بعد از حادثه عاشورا، پسرش قاسم به انتقام پدر برخاست و قاتلش را به قتل رساند.

قبر او همان طور که گفته شد در رواق حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) و جدا از سایر شهدا می باشد.

3. گودال قتلگاه

گودال قتلگاه عبارت از اتاق کوچکی است که در نزدیکی مرقد حبیب بن مظاهراسدی قرار دارد و محلی است که در آن شمر بن ذی الجوشن، سر مطهر امام حسین (علیه السلام) را از بدن شریف آن حضرت جدا کرد. این اتاق کوچک مورد توجه تمام زائرین قرار داشته و مردم در کنار میله های ضریح آن به دعا و نیایش و نماز می پردازند.

4. مرقد حر بن یزید ریاحی

مرقد حر بن یزید ریاحی در فاصله نه کیلومتری غرب شهر کربلا واقع شده است و علت اینکه جنازه او را به خارج از میدان معركة منتقل کردند، این بود که قبیله او یعنی بنی تمیم خود را به میدان معركة رساند، جنازه او را برداشته و به مکان فعلی آورده و به خاک سپردند.

در سال 914 ه ق شاه اسماعیل صفوی موفق به فتح بغداد شد و همان سال گنبدی روی قبر حر بنا کرد و صحن کوچکی برایش ساخت. او اولین کسی بود که به ساختن (مرقد حر) اهتمام ورزید. در سال 1325 ه ق به همت حسین شجاع السلطان مرقد بازسازی شد و در سال 1330 ه ق سید عبدالحسین کلیدار آن را مجدداً بازسازی نمود و

در سال 1963 م به همت حاج حسن وکیل به ناحیه (حر) برق رسید.

حر بن یزید ریاحی مرقدی زیبا با گنبدی کاشیکاری شده دارد که اطراف آن را باغ و بوستان فراگرفته است و بر در اصلی مرقد ابیاتی به عربی نوشته شده که به مقام و منزلت حر اشاره می کند.

در تاریخ آورده اند که چون شاه اسماعیل صفوی به زیارت کربلا آمد، برای کشف حقیقت محل دفن حر، دستور داد قبر وی را بشکافند و با اینکار وی را با دستمالی بر پیشانی و جسدی تروتازه یافتند و چون شاه درباره آن دستمال پرسید، به او گفته شد هنگامیکه حر در میدان نبرد زخمی شد، امام حسین با دست مبارك خود این دستمال را بر پیشانی او بست، شاه اسماعیل دستور داد دستمال را باز کنند و چون دستمال را باز کردند خون دوباره جاری شد و هرچه سعی کردند با دستمال دیگری جلوی خون را بگیرند ممکن نشد، لذا شاه اسماعیل دستور بستن مجدد همان دستمال را داد و پس از اینکه قبر را با احترام زیادی بستند شاه اسماعیل دستور داد گنبدی بر بالای قبر بسازند و خادمی برای آن تعیین کرد و موقوفاتی بر آن جاری نمود.

5. مرقد عون بن عبدالله

در نسبت این امامزاده تردیدهایی وجود دارد که آیا وی همان عون فرزند عبدالله بن جعفر طیار (علیه السلام) است که شهید کربلا بود و یا نواده امام حسن (علیه السلام) است؟ امروزه وی دارای بقعه و بارگاه باشکوهی در یازده کیلومتری شمال غربی کربلا و در آغاز بزرگراه کربلا بغداد می باشد. این امامزاده بسیار مورد توجه مردمان عراق بوده و دارای نذری مجرب است، از اینرو همواره مزار او مملو از زائر و نذورات آنان است.

6. خیمه گاه حسینی

در سمت جنوب غربی حرم مطهر خیمه گاه حسینی قرار دارد و بنا به نقل مورخان محل برافراشته شدن خیمه ها و چادرهای سید الشهداء (علیه السلام) و یاران او بود. این محل

توسط سید علی طباطبائی (صاحب ریاض العلماء) ساخته شد. او پس از حمله وهابی ها به کربلا (سال 1217 ه ق) اقدام بساختن باروی شهرکربلا کرد و در همان هنگام این خیمه گاه را نیز بنا کرد و این محل را بعنوان گورستان انتخاب کرد و نام قبلی آن را که (الطرف) بود به (المخیم) تغییر داد البته این منطقه در گذشته های بسیار دور به محله (آل عیسی) مشهور بود. آل عیسی یکی از خاندان های علوی ساکن کربلا بودند که نسب و شجره نامه آنها به زید بن علی بن الحسین (علیه السلام) می رسد.

در سال 1271 ه ق همسر آصف الدوله دستور داد که ساختمان فعلی خیمه گاه ساخته شود و ریاطی در کنار آن بنا شود. چندی بعد مدحت پاشا دستور داد که ساختمان خیمه گاه بازسازی شود تا در آن از ناصرالدین شاه و همراهانش پذیرایی شود.

در قرن دهم هجری شخصی به نام (عبدالمؤمن دده) هنگامیکه در کربلا ساکن بود، اتافی در این محل ساخت و نهال هایی از درخت خرما کنار آن کاشت که امروزه این بوستان در کنار خیمه گاه قرار دارد و آن را بوستان دده می نامند. در سال 1978 م ساختمان خیمه گاه مجدداً بازسازی گردید. این ساختمان یکی از اماکن زیارتی معروف کربلا است که مردم بقصد تبرک و نذر و گرفتن حاجات به آن روی می آورند. بر بالای در خیمه گاه سنگ مرمری قرار دارد که این ابیات بر آن نقش بسته است:

یا زائراً خیم الحسین بکربلا

طف فی جوانبها مع ساجم

فاذا وصلت الی خیام بنی الهدی

اله الفضائل من سلاله هاشم

واذکر اباالفضل المصنوع بالدماء

وعلی الاکبر ثم القاسم

واذکر حسین السبط لما قد هوی

فوق الصعید ولا یری من راحم

ای کسیکه به زیارت خیمه گاه حسین در کربلا آمده ای، با چشم گریان اطراف آن طواف کن.

و هنگامیکه به خیمه گاه خاندان هدایت و اهل فضیلت نسل بنی هاشم رسیدی.

ابوالفضل (علیه السلام) خون آلود و علی اکبر و قاسم را به خاطر آور.

همچنین امام حسین (علیه السلام) را به یاد آور که بر روی خاک افتاده و کسی به او رحم

نمی کند).

در این خیمه گاه همه ساله روزهای دوازدهم و سیزدهم محرم عزای بزرگی توسط زنان شیعه برگزار می شود. این مراسم در نیمه شعبان و اربعین حسینی نیز برپا می شود.

7. تل زینیه

این محل تپه ای مشرف بر میدان جنگ بود و گویند حضرت زینب (علیها السلام) برای دیدن اوضاع برادرش امام حسین (علیه السلام) بر بالای این تپه رفته بود، بهمین علت به نام تل زینیه معروف شد. این مقام در سال 1400 ه ق تجدید بنا شده است. در این مقام پنجره برنزی کوچکی قرار دارد و درکاشیکاری های داخل آن ابیاتی به زبان عربی و تصاویری که معرکه کربلا را نشان می دهد کشیده شده است. زائران معمولاً بقصد زیارت و تبرک به این مقام می روند و این محل ساختار قدیمی خود را حفظ کرده و همچنان مرتفع می باشد منتهی در کنار آن مغازه هائی ساخته شده که فروشندگان در آنها مهر و تسبیح می فروشند. تل زینیه به صحن مطهر امام حسین (علیه السلام) نزدیک است. هرکس این تل را زیارت کند می تواند صدای حضرت زینب (علیها السلام) را تصور کند، زمانیکه رو به گودال قتلگاه ایستاده و می گوید: (اخی حسین! یا بن امی یا حسین، ان كنت حياً إما تری هجوم القوم علی مخدراتک و ان كنت ميتاً فأمرنا وأمرك الی الله ..) یعنی برادرم حسین! فرزند مادرم ای حسین! اگر زنده ای، مگر نمی بینی حمله این قوم را به عیالت و اگر مرده ای! که امر و تکلیف ما و شما در دست خداست).

8. مقام کف دست راست و کف دست چپ ابوالفضل (علیه السلام)

مقام کف دست راست بین محله باب بغداد و باب الخان و نزدیک باب العلقمی صحن مطهر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) واقع است و مقام کف دست چپ در فاصله 50 متری باب القبله کوچک، صحن حضرت ابوالفضل (علیه السلام) و در مدخل بازار باب الخان واقع شده است. این دو مقام نشان دهنده محل قطع شدن دو کف دست حضرت

ص: 208

ابوالفضل (علیه السلام) هنگام جنگ با لشکریان ابن زیاد است. مقام کف دست راست در اواسط قرن سیزدهم هجری قمری بر بقایای نهری که به نهر مقبره العباس مشهور بود و از بقایای نهر علقمه بود ساخته شده، اما مقام دوم در سال 1327 ه. ق توسط مرد نیکوکاری که در این باره خواب دیده بود، ساخته شد. وی دیوار خانه خود را شکافت و این مقام را در آن بنا کرد. مقام کف دست راست ابوالفضل پنجره ای برنزی است که در دیوار خانه ای در

کوچه «الصخنی» نزدیک باب العلقمی قرار دارد و بر روی دیوار دو ساعد بریده نقاشی شده است که زیر آنها نوشته شده: «در این محل دست ابوالفضل (علیه السلام) قطع شده است». مقام کف دست چپ ابوالفضل (علیه السلام) نیز پنجره ای برنزی است با حاشیه آئینه کاری شده که در دیوار خانه ای کار گذاشته شده و بر روی آن ادعیه و اشعاری به زبان عربی نوشته شده که این اشعار متعلق به شاعر کربلایی شیخ محمد سراج است و در بالای آنها تصویر کف دستی کشیده شده است.

9. مقام امام الزمان (علیه السلام)

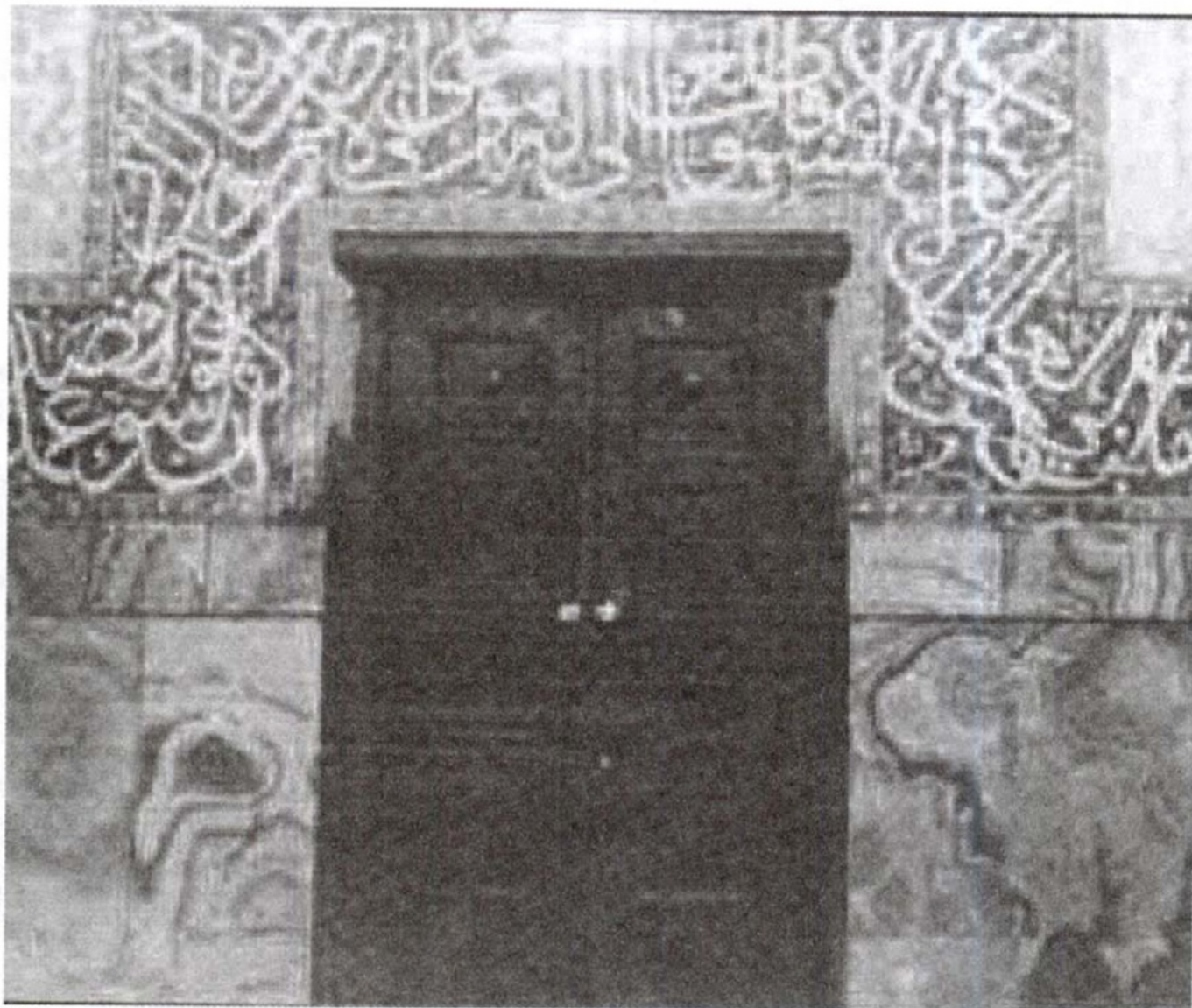
مقام امام زمان در میان نخلستانهای کرانه رودخانه فرات است که این شاخه از رودخانه به نام (نهر علقمه) مشهور است. جایگاه مذکور منسوب به حضرت حجت (علیه السلام) است و مردم در آن به نماز می پردازند. باب صاحب الزمان حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) رو به این مقام باز می شود.

10. مقام أم البنین

این مقام در گوشه جنوب غربی حرم مطهر حضرت ابوالفضل قرار دارد، اما بنظر می رسد که این انتساب سند و مدرک معتبری ندارد، زیرا همه می دانند که أم البنین در معرکه کربلا حاضر نبوده است بهرحال قابل ذکر است که أم البنین (فاطمه بنت حزام کلاییه) است که برای حضرت علی (علیه السلام) چهار فرزند آورد که عبارت بودند از: ابوالفضل العباس (علیه السلام)، عبدالله، جعفر و عثمان و بنابر روایات مشهور وی در شهر مدینه درگذشت و

در قبرستان بقیع مدفون شد.

سید سلمان آل طعمه در کتاب خود (کریلا فی الذاکره) می نویسد: زنان ساده لوح تکه ای گل بر دیوار این مقام می چسبانند، اگر این گل به دیوار چسبید می گویند که حاجتشان برآورده می شود و چنانچه بر روی زمین افتاد و به دیوار نچسبید می گویند که حاجتشان برآورده نخواهد شد، و اکنون مدتی است که این عادت از سرشان افتاده است.



تصویر مقام ام البنین در حرم حضرت ابوالفضل علیهما السلام

در حقیقت این مقام محل دفن یکی از متولیان حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام) به نام (شیخ علی بن عبدالرسول) است که در سال 1187 ه ق درگذشت و در این محل به خاک سپرده شد و در حال حاضر زنان به این مقام آمده و گمان می کنند که این محل مقام أم البنین است و بر آن پارچه سبز می بندند و حنا می مالند و از آن حاجت می طلبند.

11. مرقد آخرس ابن الكاظم

وی محمد بن ابی الفتح آخرس، از نوادگان حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) است که بقعه اش در محله ای به نام (الابتر)، در حومه کربلا قرار دارد.

12. مرقد ابن حمزه

وی نواده امیرالمؤمنین (علیه السلام) و از امام زادگان والا مقام است. آرامگاهش در آغاز بزرگراه کربلا طویریج قرار دارد.

13. مرقد احمد بن هاشم

وی از نوادگان حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) است که سال 745 ه ق وفات یافت و آرامگاه او امروزه در کویری واقع در شمال غربی کربلا می باشد. قبر او صحن و سرای بزرگی دارد و در میان اعراب بادیه نشین بسیار معروف است چنانچه همواره به وی پناه آورده، نذر و نیاز می کنند.

14. شیر فضه

نام محلی است که استناد تاریخی ندارد و برخی را گمان بر این است که فضه خدمتکار حضرت زهرا غل در این محل به نزد شیری آمد و از او خواست که از جسد مطهر امام حسین عالی حفاظت کند و نگذارد که دشمنان آن را لگدمال نمایند. این مکان در یکی از کوچه های بین الحرمین قرار دارد.

ص: 211

کربلا دومین شهر مقدس عراق است که در فاصله 105 کیلومتری جنوب غربی بغداد و در حاشیه صحرا و در غرب رودخانه فرات و در سمت چپ آبراه (حسینیه) که از فرات منشعب شده قرار دارد. بنا به گفته مورخان، تاریخ این شهر به دوران بابلی ها می رسد و قبل از فتح اسلامی این منطقه گورستان مسیحیان بود. برخی از صاحب نظران معتقدند که معنی کلمه (کربلا) که يك واژه قدیمی بابلی است، (نزدیکی به خدا) است و برخی دیگر معتقدند که این کلمه تحریف شده واژه عربی (کور بابل) به معنی روستاهای بابل است، برخی نام این منطقه را نینوا می دانند که در حال حاضر نام منطقه ای در شهرستان (سده الهندیه) در استان کربلا است. از نامهای دیگر منطقه: غاضریه، عقر بابل، نواوویس، الطف، الروضه، الحائر والحیر است علت تسمیه این منطقه به الحائر این بوده است که در دوران المتوکل خلیفه عباسی، خلیفه دستور داد که قبر شریف امام حسین (علیه السلام) را به آب ببندند تا ویران گردد و هنگامیکه آب رودخانه را بدین سو سرازیر کردند آب تا نزدیک قبر رسید و تنها گرداگرد آن را فرا گرفت و از همان زمان به نام الحائر (آب سرگردان) نامیده شد. برخی نیز اعتقاد دارند که واژه کربلا از کلمه آشوری (کرب) به معنی معبد (آیل) به معنی خدا مشتق شده است و معنی آن (معبد الهی) است. گروهی دیگر بر این گمان هستند که این واژه فارسی بوده و ریشه آن دو کلمه (کار) و (بالا) به معنی (کاری برجسته و با ارزش) است. با این هه به نظر می رسد که ریشه کلمه کربلا از واژه عربی (الکربه) گرفته شده باشد که به معنی زمین نرم و سست است. مساحت کربلا در حدود 52856 کیلومتر مربع است و خاک این شهر نرم و بدون سنگ و شن می باشد. گرداگرد شهر را باغهایی فرا گرفته که آب آنها از رودخانه فرات تأمین می گردد. شهر کربلا دارای دو راه ارتباطی است یکی از این راه ها، راه کربلا بغداد است که از شهر (مسیب) می گذرد و طول آن بالغ بر 97 کیلومتر است و راه دوم نجف کربلا است و در هر دو مسیر باغها و نخلستان های متعدد گرداگرد کربلا و راه های ارتباطی را فرا گرفته است. شهر کربلا به دو بخش (قدیمی) و (جدید) تقسیم می شود، قسمت قدیمی شامل

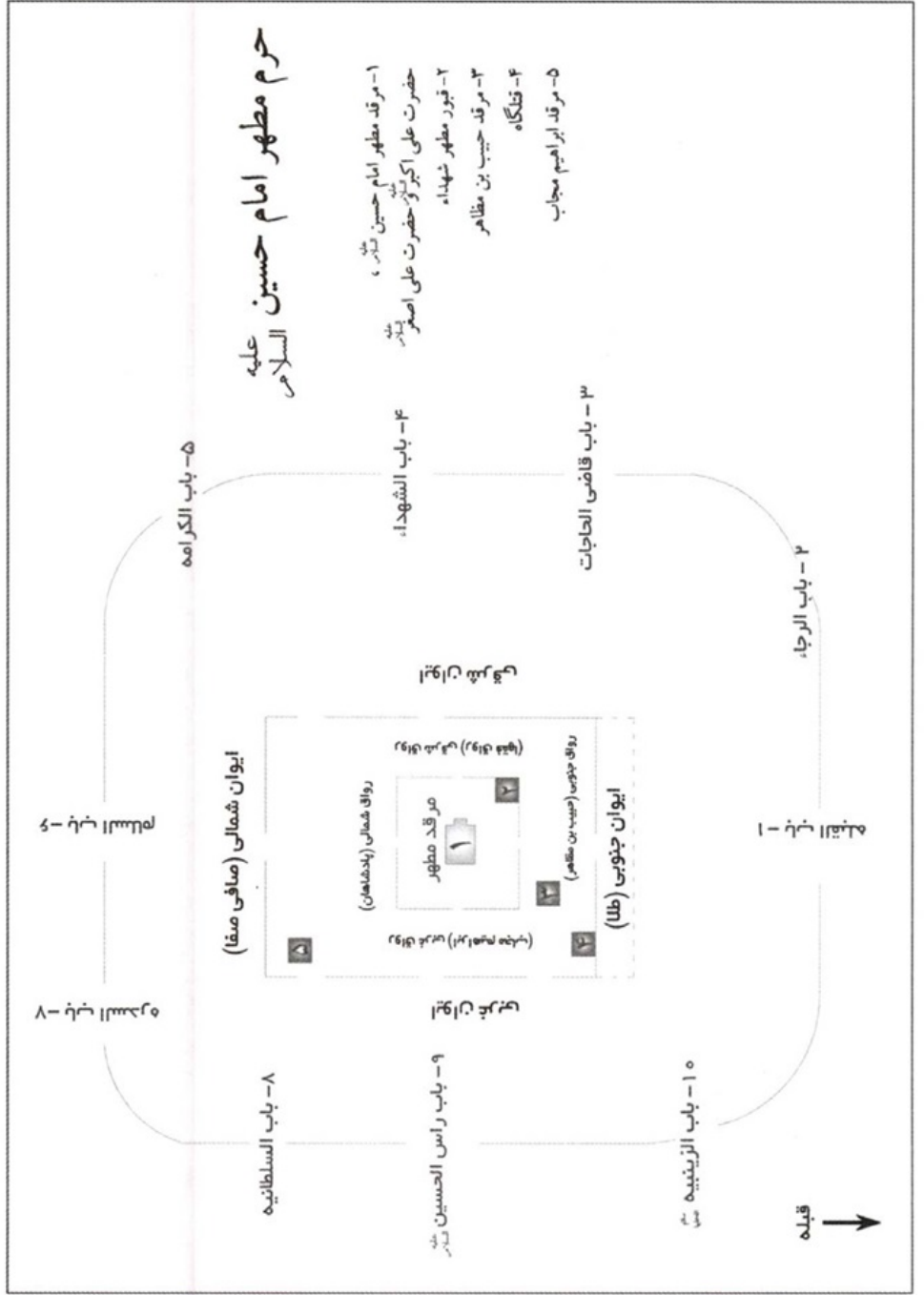
هسته اولیه شهر است که تا حدودی همچنان بافت سنتی خود را حفظ کرده است و قسمت جدید شهر بعدها به آن اضافه شده و شامل خیابانهای پهن، ادارات دولتی، مدارس دینی و ساختمانهای جدید می شود. شهر کربلا در مسیر راه آهن بصره بغداد قرار دارد و شاخه ای از این راه آهن به کربلا رسیده و سپس به شهرستان (سده هندیه) که از توابع استان کربلا است منتهی می گردد و طول آن 36 کیلومتر است.

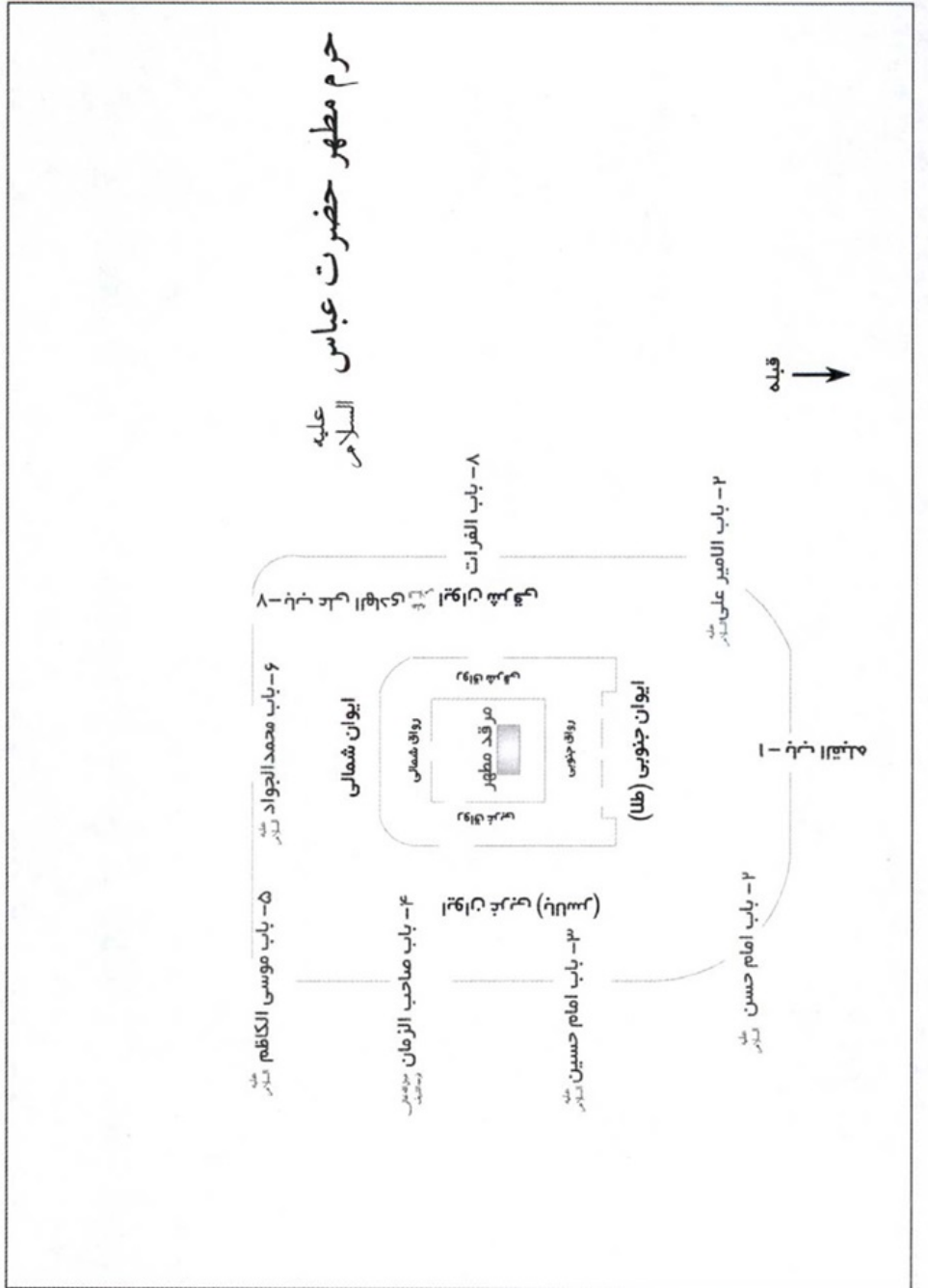
علاوه بر حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) و حرم مطهر ابوالفضل (علیه السلام) زیارتگاه های دیگری در شهر کربلا وجود دارد که شیعیان به زیارت آن اماکن متبرکه مشرف می شوند. این زیارتگاه ها عبارتند از:

مرقد سید ابراهیم مجاب (علیه السلام)، مرقد حبیب بن مظاهر اسدی، مرقد سایر شهدای کربلا، مرقد قاسم بن الحسن (علیه السلام)، نخل مریم، مقام حرین یزید ریاحی (علیه السلام)، خیمه گاه امام حسین (علیه السلام)، مقام حضرت مهدی (علیه السلام) تل زینبیه، مقام کف دست راست حضرت ابوالفضل (علیه السلام)، مقام کف دست چپ حضرت ابوالفضل (علیه السلام)، مقام امام جعفر الصادق (علیه السلام)، مقام عون بن عبدالله، مقام ابن فهد حلی، مقام فضه، مقام امام علی (علیه السلام)، مقام موسی بن جعفر (علیه السلام)، مقام علی اکبر (علیه السلام)، مقام رأس الحسین (علیه السلام)، مقام ام البنین (علیه السلام)، مقام آخرس بن کاظم (علیه السلام)، مقام ابن حمزه.

اماکن سیاحتی کربلا:

اماکن سیاحتی کربلا عبارتند از: دژالاحیضر، قلعه الهندی و خان العطشان





مقدمه

شهر مقدس کاظمین سومین شهر مهم زیارتی در عراق است که محل دفن امام موسی بن جعفر (علیه السلام) و امام محمد جواد (علیه السلام) می باشد. شهر کاظمین در حقیقت بخشی از شهر بغداد است و به همین علت ممکن است که برخی از زائران علاقه مند باشند که از شهر بغداد نیز دیدن کنند که در این حالت باید به آن سوی رودخانه دجله بروند.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده با سومین شهر مهم زیارتی عراق آشنا شود و اطلاعات موجزی در خصوص تاریخچه کاظمین، اماکن زیارتی کاظمین آورده شده و در آخر فصل، بخشی به شهر بغداد و اماکن زیارتی و دیدنی آن اختصاص داده شده است و تلاش شده است که تمامی اطلاعات مورد نیاز زائران در این فصل فراهم گردد.

مدل های رفتاری

زائران ایرانی پس از زیارت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) و امام محمد تقی (علیه السلام) ممکن است که بخواهند به بازدید از بازارهای شهر کاظمین پردازند، که در چنین حالتی بازارهای اطراف حرم مطهر می تواند پاسخگوی نیازهای آنان باشند، برای دسترسی به

بازارهای جدید، باید به سوی آن شهر دجله و به شهر بغداد رفت که این کار باید با احتیاط کامل صورت گیرد.

شهر مقدس کاظمین

شهر مقدس کاظمین در سمت غربی شهر بغداد و در سوی دیگر رودخانه دجله قرار دارد. علت تسمیه این شهر به کاظمین وجود حرم مطهر امام موسی کاظم (علیه السلام) در این شهر است. عامه مردم عراق به این شهر (الکاظم) و (الکاظمیه) می گویند، برخی آن را (بلده الکاظم) و برخی دیگر (کاظمین) می نامند در گذشته های دور به این منطقه (المشهد الکاظمی) وگاهی نیز (مشهد موسی بن جعفر) وگورستان قریش نیز می گفته اند.

در آثار باستانی برجای مانده از دوره های مختلف تاریخی نظیرکلدانیها، بابلیها، آشوریها و ایرانیها اسمی از (منطقه کاظمیه) در میان نیست و تنها اسمی که از این منطقه برجای مانده اسمی شبیه به اسامی یونانی است که (قطریل 1) (می باشد. این اسم در اواخر قرن چهارم قبل از میلاد یعنی پس از درگذشت اسکندر مقدونی و به قدرت رسیدن حکومت سلوکیها در منطقه، شایع گردید. برخی از مطالعات باستان شناسی نشان می دهد که سکه های قدیمی فراوانی درکنار سکه های دوران اسلامی در این منطقه یافت شده است، در سال 647 ه ق المستعصم بالله دستور بازسازی مرقد کاظمین را داد و هنگامیکه کارگران مشغول کندن زمین بودند به کوزه ای برخوردند که در آن تعدادی سکه یونانی و سکه های اسلامی قرار داشت، هنگامیکه این سکه ها را به المستعصم نشان دادند، دستور داد آنها را خرج بازسازی حرم مطهرکنند و مردم این سکه ها را به قیمت های گزاف خریدند و مبلغ آن را که چندین برابر شده بود خرج بازسازی کردند. (2)

در دوره ساسانی نیز به این منطقه (طسوج قطریل) می گفتند که به معنی روستای قطریل بود و این منطقه توسط شاخه ای از رودخانه دجله که به (دجیل) معروف بود

ص: 222

1- جعفر الخلیلی مؤسوعه العتبات المقدسه قسم الکاظمین 1: 10

2- (2) الحوادث الجامعه، فی اخبار سنه 647

در سال 145 ه ق منصور عباسی شروع ساختن بغداد کرد و بنا بر روایت خطیب بغدادی در سال 146 ه ق باروی شهر را ساخت و در سال 149 ه ق خندقی برای آن کند و بدین گونه شهر تقریباً کامل شد. پس از ساختن شهر (منصور عباسی) دستور داد تا قبرستانی در شمال شهر برای خود و خانواده اش بسازند و این قبرستان بعدها به نام قبرستان (قریش) و یا (قبرستان بنی هاشم) معروف شد و شیخ مفید روایت می کند که این مقبره مخصوص بنی هاشم و اشراف بود. اولین کسی که در این قبرستان، در سال 150 ه ق، به خاک سپرده شد (جعفر) پسر ابوجعفر منصور عباسی بود و پس از آن دفن کردن مردگان در این قبرستان شایع و متداول گردید (1).

در 25 رجب 183 ه ق امام موسی بن جعفر (علیه السلام) به دستور هارون الرشید و به دست سندی بن شاهک مسموم شد و جسد مطهر آن حضرت به گورستان (قریش) برده شد و در آن به خاک سپرده شد که مرقد شریف وی همچنان در آنجا می باشد. برخی از مورخین معتقدند که آن حضرت در جایی به خاک سپرده شد که قبلاً آن را خریداری کرده بود. پس از دفن آن حضرت، مرقد ایشان به نام (مشهد باب التبن) معروف شد زیرا که نزدیک دروازه شرقی شهر (باب التبن) قرار داشت و در کنار مرقد آن حضرت نیز مسجدی قرار داشت که به (باب التبن) معروف بود. (2) در آخر ماه ذی قعدة 220 ه ق نیز امام محمد جواد (علیه السلام) به شهادت رسید و در کنار قبر جدش امام کاظم (علیه السلام) به خاک سپرده شد (3). پس از شهادت دو امام مذکور، شیعیان به تدریج در کنار این دو قبر مطهر ساکن شدند تا بتوانند از آنها حمایت کرده و از زائران آنها پذیرائی کنند و در حقیقت این امر باعث شد که هسته اولیه شهر کاظمین تشکیل شود بویژه که این زمین بعلت نزدیکی به رودخانه دجله، مرغوبیت خاک، و نزدیکی اش به

ص: 223

1- خطیب بغدادی تاریخ بغداد ج 1 ص 126

2- یاقوت حموی معجم البلدان ماده ب

3- (2) ابن اثیر، الکامل فی التاریخ ج 6 ص 321

روستاها و مزارع و نخلستانهای بزرگ، مکانی مناسب برای سکونت به شمار می رفت.

از منابع تاریخی دوران عباسی در می یابیم که این منطقه بسرعت رشد نموده و بعنوان بخشی از بغداد و محله ای از محله های آن درآمد و جایگاه جرافیایی آن در دوران عباسی ها بین (منطقه حرابه) و (مقبره ابن حنبل) و (حریم طاهری) بود.

در سال 334 ه ق (معز الدوله بویه) بغداد را فتح کرد و از جمله کارهای عمرانی وی در بغداد اهتمام به مرقد امامان مذکور و ساختن مرقد و بارگاهی زیبا برای آنان بود. وی همچنین تعدادی از سربازان دلیر خود را برای خدمت به مردم و برقراری امنیت در این منطقه مستقر کرد و با توجه به برقراری امنیت در دوران آل بویه و نزدیکی مقابر قریش به بغداد بسیاری از شیعیان بغداد در روزهای معینی از سال نظیر عاشورا و یا عید غدیر به زیارت این منطقه می رفتند.

در سال 353 ه ق در روز عاشورا عزای عمومی اعلام شد و مردم به نوحه و زاری پرداختند و در عصر همان روز درگیری بسیار شدیدی بین شیعیان و سنیان در منطقه (قطیعه ام جعفر) و در مسیر راه کاظمین روی داد و تعداد زیادی زخمی شدند و غارتهای فراوانی صورت گرفت.

در سال 354 ه ق برای اولین بار عید غدیر در بغداد جشن اعلام گردید و مردم شادی کنان با صدای بوق و کرنا و دسته دسته به زیارت حرم مطهر کاظمین رفتند.

سال 449 ه ق خانه شیخ طوسی در محله کرخ بغداد توسط گروهی از اوپاش غارت شد و شیخ طوسی در اثر این کار به شهر نجف هجرت کرد. (1) در طی سالهای متعدد شهر کاظمین بارها دچار سیل گردید، تاریخ قوع این سیلها عبارتند از سالهای 367، 466، 554، 569، 614، 646 و 654 ه ق و از همه شدیدتر سیل سال 614 ه ق بود که باعث ویرانی بخشی از حرم مطهر و ویرانی شدید شهر کاظمین شد بطوریکه خلیفه (ناصر لدین الله) دستور تعمیر خرابیها را صادر کرد و دستور داد باروئی گرداگرد شهر

ص: 224

در دوران خلافت عباسی شهر کاظمین بعنوان محله ای تقریباً مستقل از بغداد و پرجمعیت با باروئی مستقل بود که علاوه بر نقیب علوی ها، نقیب دیگری بر امور مرقد و شهر نظارت می نمود.

در ماه محرم سال 656 ه ق (1258 م) لشکریان مغول به رهبری هلاکو شهر بغداد را محاصره کردند، این شهر پس از چند روز محاصره عاقبت در روز هیجدهم محرم سقوط کرد و مغولها خرابی فراوانی به شهر وارد ساخته و تعداد زیادی از اهالی شهر را بقتل رساندند.

ابتدا قرار بود که عتبات مقدس شیعه از غارت مغولها در امان باشد اما واقعیت این بود که حرم مطهر کاظمین تنها حرم شیعه بود که مورد غارت و چپاول قرار گرفت و به آتش کشیده شد و لشکریان وحشی مغول غنائم فراوانی را از حرم مطهر غارت کردند، طلا و نقره و سنگهای گرانبهای به غارت رفته به حدی بود که سربازان آن را بر روی زمین اسبهای خود می آویختند.

چندی بعد امیر قره تای به بغداد رسید و دستور داد عماد الدین عمر بن محمد قزوینی به اوقاف رسیدگی نماید و ساختمان حرم مطهر کاظمین و مسجد خلیفه را بازسازی نماید.

در قرن هشتم هجری، شهر کاظمین رشد زیادی کرد و از شهرهای شلوغ و پر زوار به شمار می رفت، (حمد الله مستوفی) اوایل قرن هشتم این شهر را چنین توصیف می کند: شهر کوچکی است که طول آن حدود شش هزارگام است و تعداد جمعیت آن حدود شش هزار نفر است.

در اوایل قرن دهم از لحاظ استقلال اداری شهر مستقلی به شمار می رفت. در سال 926 ه ق که عراق تحت تصرف امپراتوری صفوی واقع شد، شاه اسماعیل صفوی به زیارت کاظمین مشرف شده و دستور داد اداره مخصوصی برای مدیریت شهر به وجود آید و دادگاهی شرعی به ریاست يك قاضی که لقب (شیخ الاسلام) را داشت تشکیل

شود و همچنین دستور داد تا مرقد مطهر کاظمین تجدید بنا شود و حقوقی را برای خدام مرقد تعیین نمود.

در سال 1286 ه ق (مدحت پاشا) والی عثمانی عراق در بازنگری ساختار اداری، کاظمین را به شهرستان تبدیل کرد و این شهرستان یکی از شهرستانهای استان بغداد شد.

در سال 1302 ه ق (هدایت پاشا) فرمانده لشکر ششم ترکان عثمانی در بغداد، دستور داد که پل چوبی شناوری بر روی رودخانه دجله زده شود تا دو بخش کاظمیه و اعظمیه را بهم متصل سازد و اینگونه بود که کاظمین به بخش شرقی بغداد متصل شد.

شهر کاظمین در طی عمر بلند خود بسیاری از علما، فقها، شعرا، پزشکان و اندیشمندان را به جامعه عرضه نمود، در این شهر مدارس علمی فراوانی وجود داشت که از همه مهمتر مدرسه سید محسن اعرجی است که اوایل قرن سیزدهم هجری تأسیس شده است. در شهر کاظمین کتابخانه های بسیاری وجود دارد که کتب خطی نفیسی در آنها نگهداری می شود. اولین چاپخانه عراق که یک چاپخانه سنگی بود در سال 1237 ه ق در شهر کاظمین راه اندازی گردید.

شهر کاظمین در طی جنگ جهانی اول نقش مهمی در برابر تجاوز انگلیسی ها ایفا نمود و در روز 20 ذی حجه 1332 ه ق بزرگان بصره از علمای کاظمین درخواست کمک کردند و علمای بزرگ شهر کاظمین فتوایی در خصوص دفاع از شهرهای اسلامی در برابر تجاوز انگلیسی ها صادر کردند و در روز سه شنبه دوازدهم محرم 1333 ه ق سید مهدی حیدری به همراهی تعدادی از مجاهدان به منظور جنگ با انگلیسی ها از کاظمین عازم میدانهای جنگ شدند و در مراسم باشکوهی تمامی اهالی شهر به منظور تودیع مجاهدین از شهر بیرون آمدند. همچنین اهالی کاظمین توانستند کمکهای زیادی را به مجاهدینی که از نجف و کربلا عازم میدان جنگ می شدند، بنمایند. اما با تمام این تلاشها و فداکاری ها عاقبت انگلیسی ها موفق شدند در روز 17 جمادی الاول 1335 ه ق شهر کاظمین را تصرف کنند و بدین گونه پایان تسلط عثمانی و آغاز تسلط انگلیسی در این شهر اعلام گردید.

شهر کاظمین در طول مدت اشغال

انگلیسی ها، هیچگاه از مقاومت دست نکشید و تمامی فرستادگان انگلیسی در نامه ها و یادداشتهای خود بر این مسأله صحه گذاشتند. از جمله در نامه های (میس بیل) چنین می خوانیم: (شهرکاظمین شهری افراطی در اعتقاد به وحدت اسلامی است و در نبرد با انگلیسی ها بسیار مصمم و پابرجاست). همچنین فلیب آیرلاند درباره این شهر می گوید: دشمنی با انگلیسی ها در شهرکاظمین بسیار شدید بود و علمای این شهر تهدید کرده بودند که اگر کسی در همه پرسی به نفع تجاوز انگلیسی ها رأی دهد او را کافر اعلام خواهند کرد).

اماکن زیارتی در شهرکاظمین

اشاره

اماکن زیارتی فراوانی درکاظمین قرار دارد که مهمترین آنها حرم مطهر امام کاظم (علیه السلام) و امام جواد (علیه السلام) می باشد.

1 مرقد مطهرکاظمین:

الف تاریخچه حرم مطهرکاظمین:

در سال 183 ه ق پس از دفن امام کاظم (علیه السلام) مرقد اولیه ای بر قبر ایشان ساخته شد.

در سال 336 ه ق معزالدوله بویه به بغداد دست یافت و مرقد مطهرکاظمین را توسعه داده و بازسازی نمود.

در سال 373 ه ق در روز عاشورا (عضد الدوله بویه) درگذشت و جنازه او به سمت غربی حرم مطهرکاظمین منتقل و در آنجا به خاک سپرده شد و بر روی سنگ قبر او نوشته شد: (این قبر عضدالدوله و تاج الملّه ابوشجاع بن رکن الدوله است که به امید خلاص در روز جزا مجاورت این امام همام (موسی الکاظم (علیه السلام)) را برگزید و الحمد لله و صلی الله علی محمد و عترته الطاهره).

در سال 402 ه ق (فخر الملک) به اهالی کرخ و باب الطاق که دو محله شیعه نشین بغداد بودند اجازه برگزاری مراسم عاشورا را داد و شیعیان با سیاه پوش کردن خانه و

مغازه ها به عزاداری پرداختند. در ماه های رجب و شعبان و رمضان نیز (فخر الملك) هدایای زیادی را به حرم های مطهرکاظمین و کربلا و نجف فرستاد و به بیچارگان لباس و جامه و غذا و پول داد.

در سال 443 ه ق در روز اول صفر آتش فتنه دوباره بین شیعیان و سنیان شعله ور گردید و در روز چهارشنبه 23 صفر تعداد بیشماری از سنیان گرد آمده و به حرم مطهرکاظمین یورش بردند و تمامی زینت آلات آن را به غارت بردند و قبور برخی از افراد نظیر عوفی، ناشی و جذوعی را نبش نموده و جنازه های آنان را بیرون آورده و آتش زدند و برخی نیز جنازه های مدفون در آن حرم را بیرون کشیده و به گورستانهای دیگر شهر منتقل کردند و سپس پنجره چوبی حرم و گنبد را به آتش کشیدند و گروهی نیز قبر یکی از ائمه را کردند و تصمیم داشتند که یکی از امامان معصوم را از قبر بیرون آورند و او را به قبرستان سنیان برده و در کنار قبر احمد بن حنبل دفن کنند که در این هنگام نقیب علویان و گروهی از شیعیان پا خاستند و آنان را از این کار منع کردند. اهالی کاظمین (کرخ) چون چنین دیدند دچار اندوه و حزن فراوان شدند و تمامی خانه ها و بازارها را سیاه پوش کردند. در این اغتشاشات مرقد مطهر دچار آتش سوزی شد و در سال 450 ه ق (بساسیری) دوباره اقدام به بازسازی مرقد مطهر نمود.

در سال 448 ه ق دوباره اذان سنیان در حرم مطهرکاظمین و مساجد (عتیقه) و (برائا) متداول گردید و جمله (حی علی خیر العمل) حذف شده و بجای آن (الصلاه خیر من النوم) رایج شد. همچنین سنیان بغداد هر جا که کتیبه ای با مضمون (محمد و علی خیر البشر) یافتند، آن را کردند.

در سال 490 ه ق (مجد الملك قمی) اقدام به افزودن بخش هایی به مرقد مطهر نمود.

سال 502 ه ق در ماه شعبان شیعیان و سنیان بغداد با یکدیگر آشتی نمودند و شیعیان موفق شدند که پس از گذشت سالها برای اولین بار به مناسبت نیمه شعبان بیرون آمده و به حرم مطهر کاظمین مشرف شوند و کسی از سنیان معترض آنان نشود.

سال 517 ه ق المسترشد بالله در روز عاشورا وارد بغداد شد و در این روز سنیان شهر بغداد سر به شورش برداشتند و بسوی حرم مطهرکاظمین یورش برده و درهای آن را کنده و به غارت بردند و چون این خبر به خلیفه رسید از اینکار برآشفت و دستور داد امیر الحاج به کاظمین رفته و شورشیان را مجازات نموده و اموال به غارت رفته را بجای خود بازگرداند و وی موفق شد که برخی از اثاث غارت شده را بازگرداند. (1) در سال 575 ه ق و در سالهای بعد از آن خلیفه (الناصر لدین الله) اقدام به بازسازی مرقد مطهر نموده و بخشهای زیادی را به آن اضافه کرد. در دوران خلافت (الناصر) شیعیان تا حدودی از مزاحمت سنیان در امان بودند، زیرا که الناصر بر خلاف پدران خود به مذهب شیعه گرایش داشت و دستور داد که حرم مطهرکاظمین بعنوان پناهگاهی برای حاجتمدان و بیچارگان باشد و کسانی را که به آنجا پناه می بردند به نزد خود می پذیرفت و حاجات آنان را برآورده می کرد. (2) در روز سوم رجب سال 634 ه ق (المستنصر بالله) خلیفه عباسی به زیارت مرقد مطهرکاظمین مشرف شد و چون از زیارت بازگشت، ابو عبدالله حسین بن اقساسی را که (نقیب علویان) بود فرا خواند و سه هزار دینار به او داد و دستور داد که این مبلغ را به علویان نیازمند شهرهای نجف و کاظمین و کربلا بدهد. (3) در سال 641 ه ق (المستنصر بالله) خلیفه عباسی دستور داد که روضه امام حسین (علیه السلام) و مقتل آن حضرت، فقط در حرم مطهرکاظمین خوانده شود.

در سال 647 ه ق (الحاکم) خلیفه عباسی دستور داد تا بارویی گرداگرد حرم مطهرکاظمین کشیده شود و هنگامیکه کارگران شروع به کندن زمین کردند، کوزه ای حاوی يك هزار درهم قدیمی از زیر خاک بیرون کشیدند که برخی از این سکه های یونانی و برخی اسلامی و ضرب شده در بغداد و واسط (کوت) بود. این سکه را به خلیفه عرضه

ص: 229

1- ابن الساعی الجامع المختصر فی عنوان التواریخ و عیون السیر

2- (2) ابن الطقطقی الفخری فی التاریخ

3- ابن الجوزی المنتظم من تاریخ المملوک و الامم

کردند و خلیفه دستور داد تا سکه‌ها را فروخته و درآمد حاصل از آن را صرف بازسازی حرم مطهر نمایند.

در سال 656 ه ق در روز پنجم صفر لشکر مغول به رهبری هلاکو به بغداد حمله کرده، خلافت عباسی را منقرض ساخته و سبب ویرانی بسیاری از اماکن نظیر (جامع الخلیفه)، حرم مطهر کاظمین و همچنین قبور خلفای بنی عباس شد.

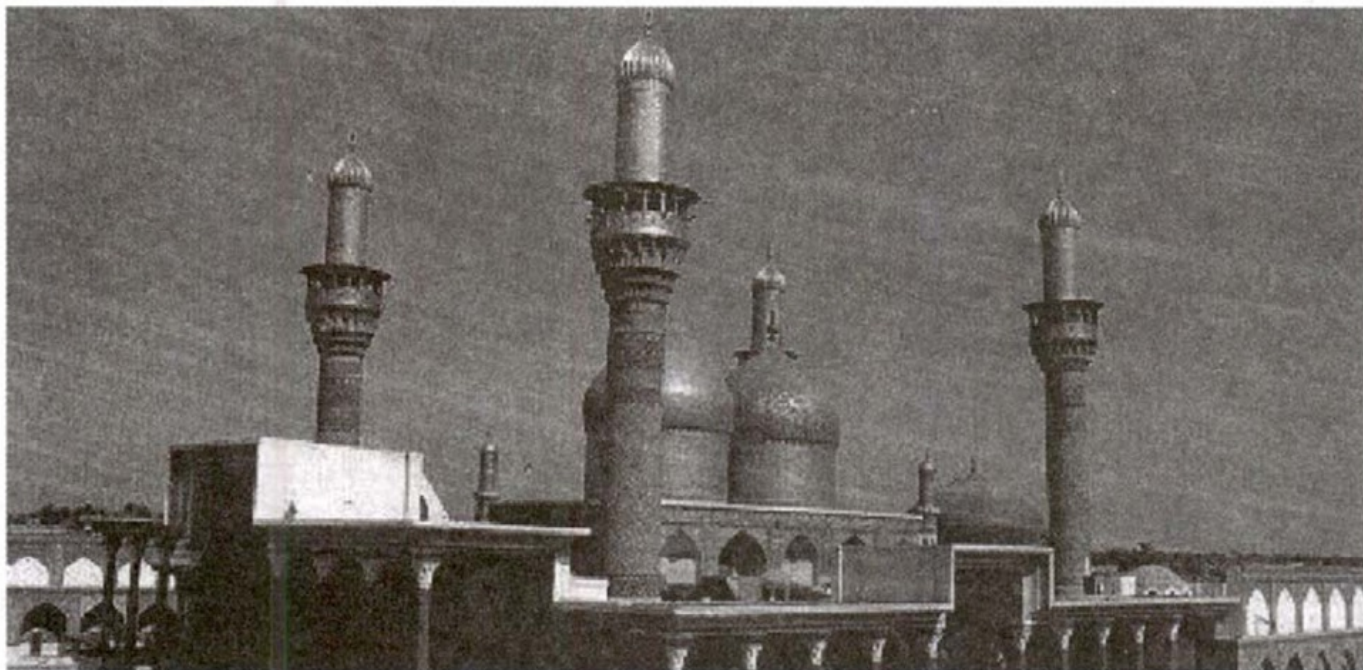
در سال 769 ه ق سلطان (اویس جلایری) پس از آنکه سیلابهای پی در پی خسارات کلی به حرم وارد کرد، اقدام به بازسازی مرقد مطهر نمود.

در سال 914 ه ق شاه اسماعیل صفوی پس از تصرف بغداد به زیارت مرقد مطهر کاظمین آمد و دستور داد تا امیر دیوان (خادم بیک) به تعمیر و بازسازی حرم مطهر کاظمین بپردازد و روضه مطهر را بزرگتر نماید و کف رواقها را سنگ مرمر کند همچنین دو صندوق ساخته روی دو قبر مطهر قرار دهند و سپس حرم و بیرون آن را کاشیکاری نموده و با آیات قرآنی و نوشته‌های تاریخی مزین کنند و بجای دو گلدسته موجود چهار گلدسته ساخته شود و مسجد بزرگی در سمت شمالی حرم ساخته شود که این مسجد بعدها به نام (مسجد صفوی) معروف شد و همچنین دستور داد تا حرم مطهر را فرش نموده و چلچراغ‌هایی در آن نصب شود و خدام و محافظین و اذان‌گویانی بر آن گماشت. برخی از آثار صفوی تا روزگار ما باقی مانده است.

در روز 24 جمادی الاول سال 941 ه ق سلطان عثمانی (سلیمان قانونی) وارد شهر بغداد شد. وی در روز 28 جمادی به بازدید اماکن زیارتی عراق در کاظمین و کربلا و نجف پرداخت و هنگام زیارت حرم مطهر کاظمین حقوقی را برای خدام حرم در نظر گرفت و سپس دستور داد تا بنای حرم و مسجد را که شاه اسماعیل صفوی آغاز کرده بود، ادامه دهند.

در سال 1032 ه ق شاه عباس کبیر دوباره بغداد را تصرف کرد و به زیارت مرقد مطهر کاظمین رفت و دستور داد که آثار ناشی از جنگ و اهمال را تعمیر کنند و ضریح بزرگی از فولاد بسازند و آن را روی دو صندوق موجود بر قبرها نهاده تا قبور

مطهر هنگام درگیری و غارت و جنگ آسیب نینند، اما بعثت بدی روابط بین ایران و ترکیه، ضریح مذکور عاقبت در سال 1115 ه ق به کاظمین رسید و نصب گردید.



تصویر حرم مطهر کاظمین علیهما السلام

در سال 1042 ه ق سیلاب شهر بغداد را فراگرفت و دیوارهای حرم را سست کرد، پس شاه صفی به (قزاق خان) امیرالامراء سابق شیروان دستور داد تا خرابی ناشی از سیل را تعمیر و بازسازی کند.

در سال 1045 ه ق شاه صفی پسر شاه عباس کبیر بازسازی هایی در حرم مطهر کاظمین انجام داد وی دستور داد تا گلدسته های حرم مطهر کاظمین و جاهای دیگری از صحن شریف بازسازی و تعمیر شود.

در سال 1153 ه ق نادر شاه افشار هدایای گرانبها و با ارزشی را برای عتبات عالیات و از آن جمله حرم مطهر کاظمین (علیه السلام) فرستاد.

در سال 1207 ه ق آقا محمد خان قاجار دستور تکمیل اصلاحات صفوی ها را صادر کرد. همچنین دستور داد تا گلدسته ها ساخته شوند و سه صحن وسیع در سمت شرق، جنوب و غرب حرم بنا شوند و اینگونه بود که صحن امروزی ساخته شد.

در سال 1216 ه ق گنجینه حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام) از نجف به کاظمین منتقل

شد تا از حمله و غارت وهابی ها در امان باشد و مراتب به اطلاع حکومت ایران نیز رسید(1).

فتح علی شاه نیز در دوران سلطنت خود دستور داد که داخل گنبدها را آب طلا و میناکاری و آئینه کاری کنند وی همچنین دیوارهای روضه مطهر را آئینه کاری نمود و گنبدها و مناره های چهارگانه را طلاکاری کرد.

در سال 1229 ه ق متمدین و شورشیان به سمت غربی بغداد یورش برده و سعی کردند تا به حرم مطهرکاظمین نزدیک شوند و حکومت محلی عراق نیزکاری برای ممانعت از تعدیات آنان انجام نداد، در این شرایط خطرناک بالغ بر چهل هزار نفر زائر ایرانی وارد عراق شده بودند که شورشیان به برخی از آنان حمله کردند و زوار مذکور از روی ناچاری در عتبات مقدسه مستقر شدند تا امنیت برقرار شود، در بین زوار ایرانی یکی از حکمرانان ایران به همراهی خانواده اش و تعدادی از صاحب منصبان ایرانی حضور داشتند و چون کار دشوار شد حکمران ایرانی مستقیماً با حکومت محلی عراق صحبت کرد و از آنان خواست تا کاری کنند که زوار ایرانی بتوانند پس از زیارت با امنیت کامل به کشورشان بازگردند و حکومت عراق نیز شخصی به نام (داود أفندی) را بعنوان فرمانده نظامی برگزید و لشکریانی را برای تنبیه متجاوزین گسیل کرد.

در سال 1255 ه ق منوچهر خان ملقب به (معمد الدوله) ایوان کوچک را در رواق جنوبی طلاکاری کرد.

در سال 1255 ه ق نیز سلطان محمود ثانی پادشاه عثمانی پرده ای زربفت و گرانها را که قبلاً بر روی قبر پیامبر قرار داشت به حرم مطهرکاظمین هدیه کرد. این پرده در یکی از شبهای قدر ماه رمضان بر روی ضریح مطهر قرار داده شد.

در سال 1270 ه ق ناصرالدین شاه قاجار یکی از علمای معروف آن روزگار را که شیخ عبدالحسین طهرانی نام داشت به عراق فرستاد و به وی که معروف به (شیخ العراقین)

ص: 232

بود اختیارات وسیعی داد تا در طرحهای توسعه و عمران عتبات مقدسه در عراق فعالیت کند.

در سال 1281 ه ق برنامه توسعه عمرانی حرم مطهرکاظمین آغاز شد و اینکار تا سال 1285 ه ق ادامه یافت و در این توسعه، اصلاحات بسیاری در روضه، رواقها و ایوانهای حرم مطهر داده شد.

در سال 1301 ه ق شاهزاده فرهاد میرزا قاجار پروژه عمرانی وسیعی را در کاظمین به اجرا درآورد که طی آن زیرزمین هایی برای دفن مردگان ساخته شد و گلدسته های حرم از محل وقف مؤذن تا نوك آن طلاکاری شد و باروی مرتفع دو طبقه ای برای حرم ساخته شد و دو ساعت بزرگ بر روی دو در اصلی حرم نصب گردید.

ب. بزرگان مدفون در حرم مطهرکاظمین:

بسیاری از بزرگان و علما در حرم مطهرکاظمین مدفونند که برخی از آنها عبارتند از:

1. ابومنصور محمد بن محمد مبارك کرخی (متوفی سال 598 ه ق)

2. ابوالفتح نصر الله بن محمد معروف به (ابن اثیر) (متوفی سال 558 ه ق)

3. مؤیدالدین ابوالحسن محمد بن محمد قمی وزیر (متوفی سال 643 ه ق)

4. خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی سال 671 ه ق)

5. امیر عضدالدوله بویه (متوفی سال 373 ه ق)

6. یحیی بن محمد نقیب علویین بصره (متوفی سال 613 ه ق)

2. مسجد برآنا:

یکی از زیارتگاه های شیعیان در بغداد مسجد برآنا است، این مسجد در حقیقت مسجدی است که حضرت علی پس از بازگشت از جنگ نهروان در آن نماز خواند.

ص: 233



جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند که: حضرت علی (علیه السلام) پس از بازگشت از جنگ خوارج به همراه یکصد هزار نفر در مسجد براهنا نماز خواند. در این میان راهبی نصرانی که در آن نزدیکی بود از صومعه خود بیرون آمد و پرسید: فرمانده این لشکر کیست؟ گفتیم: این مرد است. پس جلو آمد و سلام داد و عرض کرد: ای سرور من! آیا شما پیامبرید؟ حضرت فرمود: نه، پیامبر سرور و مولای من بود که مدتی پیش درگذشت. راهب پرسید: آیا شما وصی و جانشین او هستید؟ حضرت فرمود: بله سپس حضرت او را به نشستن دعوت کرد و از او پرسید که چرا این سؤال ها را می پرسد؟ راهب عرض کرد: من این صومعه را به خاطر این مکان که به آن (براهنا) می گویند ساختم و در کتابهای وحی الهی خوانده ام که پیامبری از پیامبران خدا و یا وصی پیامبری با جمع انبوهی در اینجا فرود خواهد آمد و نماز خواهد خواند و اکنون آمده ام که اسلام بیاورم. پس آن راهب اسلام آورد و همراه ما به کوفه آمد و چون به کوفه رسیدیم حضرت علی (علیه السلام) به او فرمود: آیا می دانی که چه کسی در اینجا نماز خوانده است؟ راهب گفت: حضرت عیسی و مادرش مریم (علیها السلام) حضرت علی فرمود: آیا می خواهی بدانی چه کسی دیگر در اینجا نماز خوانده است؟ گفت: آری. حضرت فرمود: حضرت ابراهیم (علیه السلام).

مسجد براهنا در محله براهنا بغداد قرار گرفته است، و قبل از بنای بغداد در منطقه

مذکور روستایی به نام (برائثا) قرار داشت و حضرت علی (علیه السلام) در بازگشت از جنگ نهروان در کنار این روستا توقف نمود و در این منطقه نماز خواند. (1) این مسجد بارها و بارها از طرف خلفای عباسی مورد تخریب قرارگرفت، چرا که شیعیان در آن گرد می آمدند و محل تجمعی برای آنان به شمار می رفت. خلیفه الرازی (2) بالله عباسی این مسجد را کاملاً با خاک یکسان کرد ولی مدتی بعد بنا به دستور (بجکم ماکانی) امیرالامرای بغداد آن را بازسازی کردند. (3) پس از ضعف روز افزون خلافت عباسی و قدرت گرفتن خاندان شیعی آل بویه و بنی حمدان، شیعیان عراق دوباره قدرت گرفتند و مدرسه بزرگی در بغداد به وجود آمد و بزرگانی نظیر شیخ مفید، سید رضی و سید مرتضی و شیخ طوسی در آن به تدریس اشتغال ورزیدند و گویند که شیخ مفید در مسجد برائثا تدریس می کرد.

گفته می شود شیعیان عراق تا اواسط قرن پنجم هجری نمازهای جمعه خود را در مسجد برائثا اقامه می کردند تا اینکه عاقبت یکی از علمای شیعه به نام ابن ادریس حلی فتوا داد که نماز جمعه باید فقط بشرط حضور امام عادل و یا اجازه او برپا شود و بدین گونه بود که شیعیان از خواندن نماز جمعه خودداری کردند.

3 مسجد المنطقه:

این مسجد در محله (المنطقه) کاظمین قرار دارد و به نام (مسجد العتیقه) نیز شهرت دارد. بنا به گفته روایات، امیرالمومنین (علیه السلام) در یکی از سفرهای خود، در این مسجد نمازگزارده است. (4)

ص: 235

1- یاقوت حموی، معجم البلدان، ماده (ب)

2- (2) عبدالحق بغدادی، مرصد الاطلاع

3- (3) خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج 1 ص 109111

4- عبدالحق بغدادی، مرصد الاطلاع

4. آرامگاه شیخ مفید:

مقبره شیخ مفید در شرق رواق جنوبی حرم مطهر قرار دارد. وی یکی از بزرگان شیعه و فقها و متکلمان چیره دست و توانا بود که در سال 413 هـ ق درگذشت. بر روی قبر او ضریحی فولادی و قدیمی قرار دارد. قطعه شعری بر سنگ مرمر بالای قبرش نوشته شده که امام زمان (علیه السلام) در رثای فوت او سروده است:

لاصوت للناعی بفقدك انه

یوم علی آل الرسول عظیم

5. آرامگاه ابن قولویه:

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه از بزرگان و فقها و محدثین امامیه است. وی در سال 368 هـ ق درگذشت و آرامگاهش در شرق رواق جنوبی به همراه شیخ مفید است. (1)

6. آرامگاه خواجه نصیرالدین طوسی:

خواجه نصیرالدین طوسی از بزرگان جهان علم و دانش و از مشاهیر دانشمندان است که دوست و دشمن بر جلالت قدر و عظمت مقام او اتفاق نظر دارند. او در سال 671 هـ ق درگذشت و درگور یکی از خلفای بنی عباس که در جوار حرم مطهرکننده و آماده شده بود مدفون گردید. بر روی مقبره او ضریحی فولادی و قدیمی قرار دارد.

7. مرقد امامزاده موسی بن ابراهیم:

وی موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر (علیه السلام) و برادر زاده امام رضا (علیه السلام) بود و مأمون او را برای تسخیر یمن و سرکوب شورش آن نواحی فرستاد وی نیز پس از تسخیر یمن، مردم آنجا را به امامت حضرت رضا (علیه السلام) دعوت کرد.

ص: 236

1- (2) وی استاد شیخ مفید است و کتاب کامل الزیارات وی مشهور است (ویراستار)

8. آرامگاه سید رضی و سید مرتضی:

1) این دو برادر از اعیان و مشاهیر بزرگ امامیه در قرن پنجم هجری به شمار می آیند و هر دو از شاگردان شیخ مفید بودند. آنان فرزندان حسین بن موسی بن ابراهیم بن موسی کاظم (علیه السلام) بودند. سید رضی در سن چهل سالگی درگذشت اما برادرش سید مرتضی عمری طولانی یافت و در سن هشتاد سالگی درگذشت. قبر این دو بزرگوار در دو ساختمان جداگانه بیرون صحن مطهر و در نزدیکی یکدیگر در جنوب شرقی دیوار صحن قرار دارد.

9. آرامگاه ابو یوسف قاضی:

وی در سال 166 ه ق به منصب قضاوت در بغداد، پایتخت خلافت بنی عباس برگزیده شد و نخستین کس در اسلام است که بعنوان (قاضی القضاة) شهرت یافت. قبر او در جنوب شرقی صحن مطهر درون یکی از حجره ها می باشد.

شهر بغداد

شهر بغداد پایتخت عراق و بزرگترین شهر آن است این شهر در کنار رودخانه دجله قرار دارد و فاصله چندانی با شهر باستانی تیسفون که پایتخت امپراتوری ساسانی بود ندارد. شهر بغداد مشهورترین شهر جهان اسلام است و بیش از پنج قرن پایتخت خلافت عباسیان بود که بر بخش عظیمی از جهان اسلام حکمرانی نمودند. بنا به قولی این شهر در حال حاضر بعد از شهرهای قاهره، جاکارتا و تهران چهارمین پایتخت بزرگ جهان اسلام است. جمعیت این شهر در حال حاضر در حدود شش میلیون نفر است و زبان رسمی آن زبان عربی است و اکثریت ساکنین این شهر را عربها تشکیل می دهند و اقلیتهای مذهبی یهودی و مسیحی اندکی نیز در شهر ساکن هستند، و اقلیتهای نژادی دیگر نظیر کردها

ص: 237

1- این دو بزرگوار در ابتدا در این مکان دفن شدند و پس از آن به کربلا منتقل شدند و در آنجا به خاک سپرده شدند و لذا این مکان محل دفن اولیه این عزیزان است (ویراستار)

و ترکمانها و ایرانیها نیز در این شهر ساکن می باشند.

شهر بغداد پس از تأسیس به شدت رشد کرد بطوریکه تنها سه سال پس از ساخته شدن جمعیت آن به بیش از نیم میلیون نفر رسید که در مساحتی معادل 3200 هکتار پراکنده بودند.

این شهر را ابو جعفر منصور دوانیقی در سال 145 ه ق (762 م) بنا نهاد و در دوران خلافت هارون الرشید به اوج عظمت رسید بطوریکه در سال 184 ه ق جمعیت آن به بیش از یک میلیون نفر رسید اما از سال 257 ه ق به بعد و پس از حمله ایرانیها، مغولها، تاتارها و بالاخره عثمانیها و همچنین بر اثر سیلابهای مکرر رودخانه دجله و بروز بیماری وبا، به تدریج از اهمیت و عظمت شهر کاسته شد. این شهر در سال 1921 م مجدداً بعنوان پایتخت عراق انتخاب شد.

اماکن زیارتی و دیدنی بغداد

1. مرقد نواب اربعه امام زمان (علیه السلام):

نواب اربعه به چهارتن از بزرگان و معتمدان شیعه بغداد گویند که طی هفتاد سال دوران غیبت صغری، عهده دار ارتباط میان امام زمان (علیه السلام) و شیعیان بوده اند و اموال و نامه های شیعیان را به امام (علیه السلام) و پاسخ آن حضرت را به آنها منتقل می نمودند. این چهار تن عبارت بودند از:

1. ابو عمرو عثمان بن سعید عمری اسدی

2. ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید معروف به شیخ خلانی

آرامگاه این پدر و پسر در یکی از میادین مهم و مرکزی شهر بغداد به نام (ساحه الخلانی)، درون مسجدی به نام (جامع الخلانی) قرار دارد. بر روی قبر آن دو، ضریحی نقره ای و گنبدی بلند با کاشیهای سبز قرار گرفته است.

ص: 238

3. شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (متوفای 326 ه ق)

آرامگاه او در میان بازار کهن و قدیمی بغداد، معروف به (سوق العطارین) واقع شده و دارای صحن و سرا و گنبد و ضریح است و زیارتگاه شیعیان می باشد.

4. شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمد سمیری

آرامگاهی درون بازار مشهور به (سوق الخفافین) کمی پایین تر از مدرسه المستنصریه دارد.

2. مرقد شیخ کلینی:

وی بزرگترین محدث و روایت نگار شیعه به شمار می رود و کتاب کافی او یکی از چهار کتب روایی معتبر شیعه می باشد. وی در سال 329 ه ق در بغداد درگذشت، امروزه مشهور میان مردم آن است که قبر وی در مسجد صفوی معروف به تکیه مولوی خانه در شرق بغداد (رصافه) و در نزدیکی پل شهدا می باشد.

3. مرقد ادریس حسنی:

وی نواده حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی (علیه السلام) است و امامزاده جلیل القدری است. قبر وی در محله (کراده) واقع شده و دارای بقعه و بارگاهی است و مردم بدو اعتقاد فراوانی دارند.

4. آرامگاه بشر حافی:

وی از اعیان متصوفه است و بنا به نقل مورخان مردی فاسق بود که لحظاتی چند شرف حضور امام کاظم (علیه السلام) را درك نمود و هدایت گردید. آرامگاهش در محله اعظمیه بغداد است.

5. آرامگاه بهلول:

او پسر عموی هارون الرشید و از شیعیان پاك و وفادار بود و داستانهای او با منحرفین مشهور است. آرامگاهش در محله کرخ در نزدیکی قبر مشهور به (ست زبیده) می باشد.

6. قبر سید سلطان علی:

او علی بن اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام) است و به گفته روایات، کسی است که شکایت عمویش حضرت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) را نزد هارون کرد لیکن بزودی به نفرین حضرت گرفتار آمد و به هلاکت رسید، قبر او در (محله الفضل) واقع در شارع الرشید بغداد است و سنیان برای او و برادرش محمد مزاری ساخته اند.

7. قبر قنبر علی:

او خادم امام دهم (علیه السلام) بود. امروزه آرامگاهش در شرق بغداد در محله (قنبر علی) است. (1)

8. مدرسه مستنصریه:

دانشگاهی است جهت تدریس علوم دینی مذاهب چهارگانه اهل سنت که به دستور مستنصر بالله عباسی در سال 631 ه ق ساخته شد و ساختمان آن تاکنون باقی است. این مدرسه نمایانگر نمونه مدارس آن دوره است و از ساختمان عظیم و بزرگ و شبستانها و اتاقهای تدریس فراوان برخوردار است. امروزه این مدرسه در سمت شرق بغداد (رصفه) و در بازار خفافین، در نزدیکی پل الشهداء قرار دارد.

ص: 240

1- حضرت علی (ع) نیز غلامی بدین نام داشته است که نام اصلی وی ابوالشعثاء مولی بن معمرست و علی (علیه السلام) خود نام قنبر بر وی نهاد به هر روی شاید این نام متشابه بین دو نفر باشد لازم به یاد آوری است که قبری به همین نام در حمص سوریه نیز وجود دارد (ویراستار)

9. مسجد صفویه:

این مسجد امروزه به نام (الاصفیه) شهرت دارد و قبلاً به نام (دار القرآن المستنصریه) مشهور بود و همزمان با مدرسه المستنصریه ساخته شده است. این بنا در فاصله کوتاهی از مدرسه مستنصریه قرار دارد. در یکی از اتاقهای این مسجد که پنجره آن به بازار باز می شود، آرامگاه مرحوم شیخ کلینی و قاضی ابوالفتح کراچکی از بزرگان امامیه و متوفای سال 449 ه ق قرار دارد.

10. قصر عباسی:

قصر عباسی یکی از کاخهای دوره اخیر عباسیها در بغداد است که شرق بغداد و نزدیک رودخانه دجله قرار دارد. این کاخ دارای تالارها و ایوانهایی است با گچبریهای زیبا و دیدنی.

11. مسجد خفافین:

مسجدی برجای مانده از دوره عباسی ها که در سال 599 ه ق به دستور زمرد خاتون ساخته شد. این مسجد در مجاورت مدرسه مشهور نظامیه است که توسط نظام الملك طوسی ساخته شده و امروزه اثری از آن باقی نمانده است.

12. مسجد الخلفا:

این مسجد در وسط شارع الرشید، معروفترین خیابان بغداد، قرار دارد. ساختمان اصلی آن، که به دستور المکتفی بالله عباسی در سال 290 ه ق ساخته شده بود، از بین رفته است و تنها گلدسته آجری آن باقی مانده و ساختمان کنونی به سبک معماری آن دوره ساخته شده است.

13. قبر ابوحنیفه:

ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی پیشوا و مؤسس مذهب حنفی است که جد او از مردم کابل بوده و در دوره ای، از شاگردان امام صادق (علیه السلام) به شمار می آمده است. وی در سال 150 ه ق درگذشت و در مقبره ای مشهور به (مقبره خیزران) که در شمال شرقی دجله است دفن گردید. امروزه قبرش در نزدیکی پلی است که بغداد را به شهرکاظمین وصل می کند و خلفای عثمانی صحن و سرا برای او ساخته اند و باتوجه به اینکه اکثریت سنی های عراق پیرو مذهب حنفی هستند، این محل زیارتگاه مهم سنی های عراق نیز به شمار می رود.

14. قبر عبدالقادر گیلانی:

وی مؤسس یکی از فرقه های مهم تصوف است که در شهرگیلان غرب کرمانشاه بدنیا آمد و در بغداد به تحصیل پرداخت و در سال 561 ه ق درگذشت و در یکی از مدارس بغداد دفن گردید. بعدها صوفیان معجزات و خرق عاداتی به او نسبت دادند و قبر او را توسعه و ترمیم نمودند. امروزه آرامگاه او در محله ای به نام (باب الشیخ) قرار دارد.

15. قبر شیخ عمر سهروردی:

وی یکی از صوفیان شافعی مذهب بود که در سال 539 ه ق در روستایی به نام (سهرورد) که یکی از قُرّای ماوراءالنهر است بدنیا آمد و در سال 632 ه ق درگذشت و در یکی از مقابر عمومی بغداد دفن گردید. معجزاتی به وی نسبت داده اند و عوام الناس برای او صحن و سرایی ساختند. قبر وی امروزه در محله ای به نام (شیخ عمر) در شرق بغداد واقع است.

در شهر حلب سوریه نیز قبری منسوب به شیخ سهروردی است که نگارنده از آن دیدن نموده است این قبر در مسجدی به نام مسجد سهروردی در وسط شهر حلب قرار دارد، اما صحت انتساب آن به سهروردی مورد شك و تردید است.

16. قبر زبیده خاتون:

در سمت غربی دجله (کرخ) گوری است منسوب به زبیده خاتون همسر هارون الرشید و برخی از محققان را عقیده دارند که این گور متعلق به زبیده خاتون نیست بلکه قبر زمرد خاتون مادر خلیفه عباسی الناصر لدین الله است.

17. قبر شیخ معروف کرخی:

وی یکی از بزرگان صوفیه بغداد است که در سال 200 ه ق درگذشت و آرامگاه وی در نزدیکی قبر زبیده خاتون در محله کرخ می باشد.

18. باب الطلسم:

این دروازه تنها دروازه باقیمانده از برج و باروی کهن بغداد است که در سمت شرق دجله (رصافه) می باشد.

19. آرامگاه احمد بن حنبل:

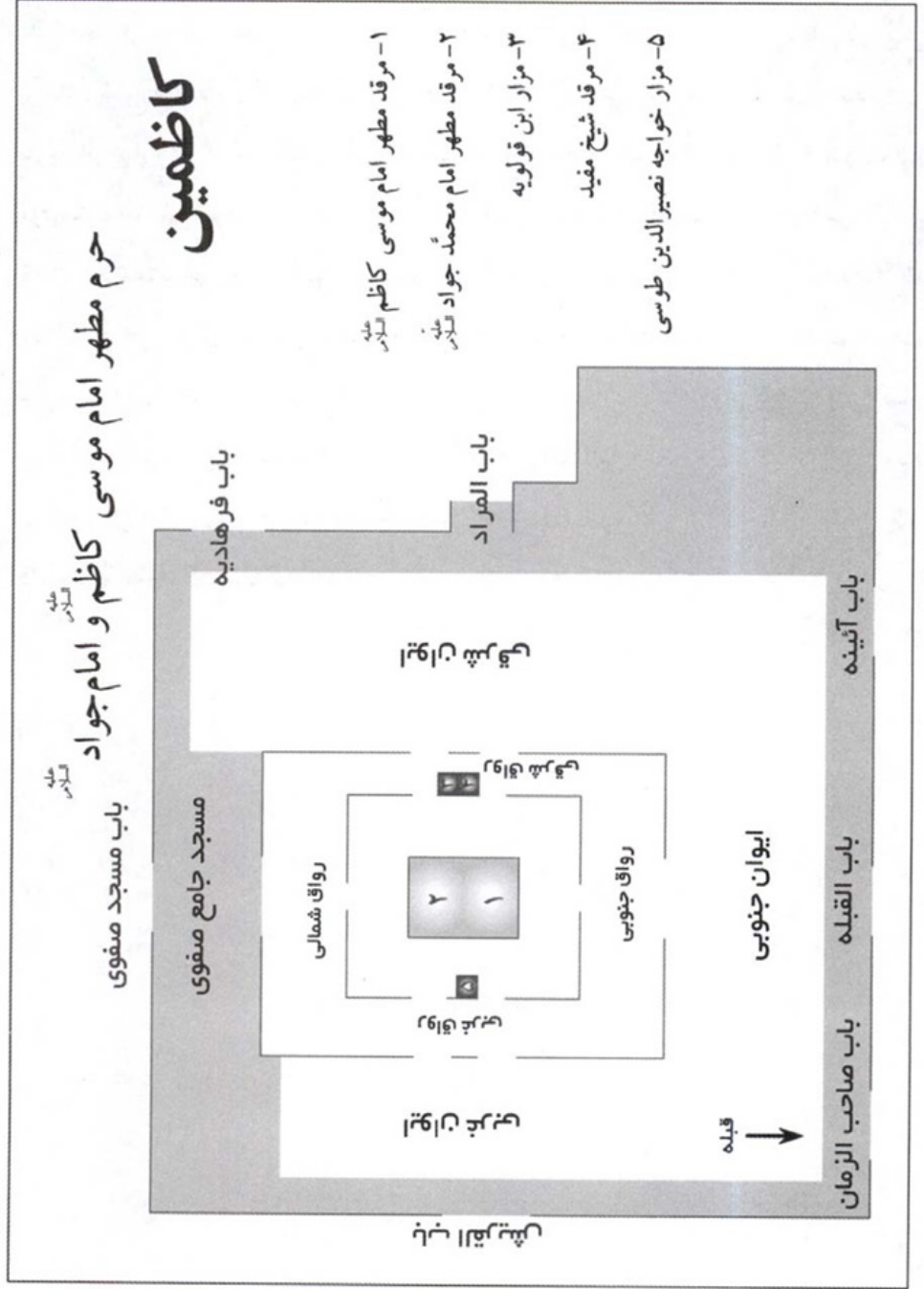
در نزدیکی رصافه همچنین قبر عبدالله احمد بن حنبل پیشوا و مؤسس مذهب حنبلی واقع شده است که گنبد ندارد و می گویند بارها روی آن گنبد ساخته اند ولی بعدها آن گنبد تخریب شده است و جالب است بدانیم که پیروان ابن حنبل ساختن گنبد و بارگاه بر قبور مردگان را حرام و بدعت می دانند.

20. قبور برخی از بزرگان صوفیه:

نزدیک قبر ابن حنبل قبر ابوبکر شبلی واقع شده که از بزرگان متصوفه بوده است. تربت صوفی نامدار (سری سقطی) و (بشر حافی) و (داود طائی) و (ابوالقاسم جنید بغدادی) نیز در همین مکان می باشند.

شهر مقدس کاظمین در سمت غربی شهر بغداد و در سوی دیگر رودخانه دجله قرار دارد. علت تسمیه این شهر به کاظمین وجود حرم مطهر امام موسی کاظم در این شهر است. عامه مردم عراق به این شهر (الکاظم) و (الکاظمیه) می گویند، برخی آن را (بلده الکاظم) و برخی دیگر (کاظمین) می نامند در گذشته های دور به این منطقه (المشهد الکاظمی) و گاهی نیز (مشهد موسی بن جعفر) و گورستان قریش نیز می گفته اند. در آثار باستانی برجای مانده از دوره های مختلف تاریخی نظیر کلدانیها، بابلیها، آشوریها و ایرانیها اسمی از (منطقه کاظمیه) در میان نیست و تنها اسمی که از این منطقه برجای مانده اسمی شبیه به اسامی یونانی است که (قطربل) می باشد. این اسم در اواخر قرن چهارم قبل از میلاد یعنی پس از درگذشت اسکندر مقدونی و به قدرت رسیدن حکومت سلوکیها در منطقه، شایع گردید. برخی از مطالعات باستان شناسی نشان می دهد که سکه های قدیمی فراوانی در کنار سکه های دوران اسلامی در این منطقه یافت شده است، در سال 647 ه. ق المستعصم بالله دستور بازسازی مرقد کاظمین را داد و هنگامیکه کارگران مشغول کندن زمین بودند به کوزه ای برخوردند که در آن تعدادی سکه یونانی و سکه های اسلامی قرار داشت، هنگامیکه این سکه ها را به المستعصم نشان دادند، دستور داد آنها را خرج بازسازی حرم مطهر کنند و مردم این سکه ها را به قیمت های گزاف خریدند و مبلغ آن را که چندین برابر شده بود خرج بازسازی کردند. در دوره ساسانی نیز به این منطقه (طسوج قطربل) می گفتند که به معنی روستای قطربل بود و این منطقه توسط شاخه ای از رودخانه دجله که به (دجیل) معروف بود آبیاری می شد. در سال 145 ه. ق منصور عباسی شروع بساختن بغداد کرد و بنابر روایت خطیب بغدادی در سال 146 ه. ق باروی شهر را ساخت و در سال 149 ه. ق خندقی برای آن کند و بدین گونه شهر تقریباً کامل شد. پس از ساختن شهر (منصور عباسی) دستور داد تا قبرستانی در شمال شهر برای خود و خانواده اش بسازند و این قبرستان بعدها به نام قبرستان (قریش) و یا (قبرستان بنی هاشم) معروف شد و شیخ مفید روایت می کند که این مقبره مخصوص

بنی هاشم و اشراف بود. اولین کسی که در این قبرستان، در سال 150 ه. ق به خاک سپرده شد (جعفر) پسر ابوجعفر منصور عباسی بود و پس از دفن کردن مردگان در این قبرستان شایع و متداول گردید. در 25 رجب 183 ه. ق امام موسی بن جعفر (علیه السلام) به دستور هارون الرشید و به دست سندی بن شاهک مسموم شد و جسد مطهر آن حضرت به گورستان (قریش) برده شد و در آن به خاک سپرده شد که مرقد شریف وی همچنان در آنجا می باشد. برخی از مورخین معتقدند که آن حضرت در جایی به خاک سپرده شد که قبلاً آن را خریداری کرده بود. پس از دفن آن حضرت، مرقد ایشان به نام (مشهد باب التین) معروف شد زیرا که نزدیک دروازه شرقی شهر (باب التین) قرار داشت و در کنار مرقد آن حضرت نیز مسجدی قرار داشت که به (باب التین) معروف بود. در آخر ماه ذی قعدة 220 ه. ق نیز امام محمد جواد (علیه السلام) به شهادت رسید و در کنار قبر جدش امام کاظم (علیه السلام) به خاک سپرده شد.



مقدمه

شهر مقدس سامرا چهارمین شهر مهم زیارتی در عراق است که محل دفن امام علی الهادی (علیه السلام) و امام حسن عسکری (علیه السلام) و نرجس خاتون مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و حکیمه خاتون عمه امام حسن عسکری (علیه السلام) بوده و در این شهر سرداب غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار دارد. زائران ایرانی علاقه فراوانی به زیارت این اماکن داشته و توجه خاصی به سرداب غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارند و معمولاً نیم روز را در این شهر می گذرانند. زائران همچنین به زیارت حضرت محمد بن علی الهادی (علیه السلام)، برادر امام حسن عسکری (علیه السلام) در شهر بلد نیز مشرف می شوند.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده یا چارمین شهر مهم زیارتی عراق آشنا شود و اطلاعات موجزی در خصوص تاریخچه سامرا و اماکن زیارتی سامرا آورده شده است.

هدف های رفتاری

زیارت سرداب غیبت و امامان معصوم (علیهم السلام) در شهر سامرا یکی از آرزوهای دیرینه

ص: 251

زائران ایرانی است. متأسفانه در حال حاضر وضعیت امنیتی شهر امکان تردد در آن را مقدور نمی سازد و زائران ناچار هستند در تحت حمایت شدید به زیارت اماکن زیارتی در سامرا مشرف شوند.

شهر مقدس سامرا

شهر مقدس سامرا در ساحل شرقی رودخانه دجله و در فاصله 118 کیلومتری شمال بغداد قرار دارد. این شهر روی طول جغرافیایی 43 درجه و 45 دقیقه و عرض جغرافیایی 34 درجه و 35 دقیقه واقع شده است. سامرا از شمال به تکریت و از جنوب به بغداد و از غرب به رمادی و از شمال غربی به موصل و از جنوب شرقی به دیالی محدود می شود. در این شهر مرقد دو امام همام علی الهادی (علیه السلام) و حسن العسکری (علیه السلام) قرار دارد. تولد و غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شهر سامرا بوده و محل غیبت آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زیارتگاه هزاران نفر از شیعیان دلسوخته می باشد. اکثر اهالی شهر از برادران اهل تسنن می باشند.

در گذشته گرداگرد شهر را بارویی از آجر و گچ بشکل دایره ای و به قطر 680 متر فراگرفته بود که محیط آن به 2 کیلومتر و ارتفاع آن به 7 متر می رسید. این بارو 19 برج و چهار دروازه داشت که عبارتند از: باب القاطول، باب الناصریه، باب الملطوش و باب بغداد. این بارو تا سال 1356 ه ق (1936 م) پابرجا بود.

بیشتر خانه های سامرا از آجر ساخته شده و باغهای عمومی و خصوصی فراوانی دارد. این شهر موزه ای دارد که حاوی آثار خطی و کتابهای فراوانی است. برحسب تقسیمات اداری و کشوری شهر سامرا مرکز شهرستان سامرا و بخشی از استان صلاح الدین عراق می باشد.

شهرستانهای استان صلاح الدین (سامرا):

استان صلاح الدین دارای هشت شهرستان است که عبارتند از: تکریت، الدور، سامرا، بلد، الطوز، الفارس، الشرقاط و بالاخره شهرستان بیجی.

امپراتوری ایران در سال 363 م (قبل از ظهور اسلام) پس از کشته شدن ژولیان امپراتور رم شرقی، موفق شد که این منطقه را از دست رومی ها خارج کرده و در آن دژی بسیار محکم به نام (سومیر) بنا کند. این شهر بعدها بعنوان پایتخت خلافت عباسی انتخاب شد و المعتمد بالله عباسی اولین خلیفه عباسی است که پایتخت خود را از بغداد به این شهر منتقل کرد و نقل است وقتیکه المعتمد بقصد یافتن محل مناسبی برای ساختن پایتخت به شمال بغداد سفر کرد، پس از پیمودن راهی طولانی عاقبت به دیری مسیحی رسید و سه روز در آن اقامت کرد و آب و هوای منطقه را مناسب دید، لذا دیر را بقیمت چهار هزار دینار از مسیحیان خرید و در سال 221 ه ق نقشه شهر را کشید و شروع بساختن اماکن مختلف شهر نمود و پس از مدتی فرماندهان نظامی و لشکریان خود را به شهر منتقل کرد و به تدریج مردم از اطراف و اکناف بسوی شهر مذکور روانه شدند. این شهر در آغاز به نام (عسکر) و بعدها به نام (سرمن رأی) یا (سامرا) معروف گردید و از سال 220 ه ق تا 279 ه ق و در دوران خلافت شش خلیفه عباسی (معتمد، متوکل، منتصر، مستعین، معتز، مهتدی و معتمد) بمدت 58 سال پایتخت عباسی به شمار می رفت. (1)

در سال 223 ه ق افشین فرمانده نظامی المعتمد، درحالیکه بابک خرمدین و برادرش را دستگیر کرده بود وارد شهر سامرا شد.

در سال 245 ه ق متوکل عباسی شهر متوکلیه و مسجدجامع با مناره مارپیچ آن را که به (ملویه) معروف شد، بنا نمود و این شهر را بعنوان مقر خلافت خود اعلام کرد، مهاجرت مردم به این شهر که در فاصله ده کیلومتری شمال سامرا بود باعث خالی شدن شهر سامرا از سکنه شد (2).

در سال 254 ه ق امام هادی (علیه السلام) به شهادت رسید و در سامرا مدفون شد.

ص: 253

1- طاهر مظفر الحمید، العماره العباسیه فی سامراء

2- یونس شیخ ابراهیم السامرائی، تاریخ مدینه سامرا المجلد الاول و الثانی

در سال 255 ه ق امام زمان در سامرا متولد شد

در سال 260 ه ق امام حسن العسکری (علیه السلام) به شهادت رسید و درکنار مرقد پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد و به تدریج در اطراف این مرقد مطهر خانه ها و بازارها بنا گردید و شهر سامرا رونق گرفت و این رونق خود را حتی بعد از سقوط دولت عباسی بوسیله مغولها حفظ کرد.

در سال 279 ه ق معتمد عباسی شش ماه قبل از وفاتش این شهر را بقصد انتقال مجدد پایتخت به شهر بغداد ترک کرد و از آن پس شهر بغداد دوباره بعنوان پایتخت خلفای عباسی انتخاب شد و این امر باعث از رونق افتادن شهر سامرا شد.

در سال 333 ه ق امیر ناصرالدوله حمدانی که از امرای شیعه بود و خلیفه عباسی دست نشانده او به شمار می رفت اقدام به توسعه سامرا نمود و بارویی دورتادور شهر بنا کرد.

در سال 445 ه ق یکی از فرماندهان به نام بساسیری علیه سلجوقی ها در این شهر قیام کرد.

در سال 1250 ه ق به همت و سرمایه یکی از پادشاهان هندوستان، جناب شیخ زین العابدین سلماسی اقدام به تعمیر باروی شهر نمود.

در سال 1258 ه ق به همت یکی دیگر از پادشاهان هند به نام أمجد علی شاه، سید ابراهیم قزوینی اقدام به تجدید بنای باروی شهر نمود.

در سال 1286 ه ق (9681 م) والی عثمانی عراق (مدحت پاشا) شهر سامرا را بعنوان شهرستانی وابسته به بغداد اعلام کرد و اولین قائم مقام وی در این شهرستان شخصی به نام (علی بیك) بود.

در سال 1292 ه ق میرزای بزرگ محمد حسن شیرازی از شهر نجف به شهر سامرا مهاجرت کرد و مدت بیست و یک سال در این شهر زندگی کرد و عاقبت در سال 1312 ه ق در این شهر درگذشت. میرزای شیرازی اقدام به بازسازی بخشهای مختلف شهر نموده و مدرسه علمی بزرگی در آن بنا کرد و طلاب علوم دینی را به این شهر دعوت

نمود.

در سال 1294 ه ق (1878 م) در دوران حکومت عثمانی اولین پل بر روی رودخانه فرات زده شد و باعث شد که این شهر با ساحل دیگر رودخانه مرتبط شود.

در سال 1296 ه ق (1879 م) گروهی از کردها به نام (هماوند) به شهر سامرا یورش برده و آن را تاراج کردند.

در سال 1299 ه ق (1881 م) اولین مدرسه ابتدایی در شهر سامرا بنا شد.

در سال 1318 ه ق میرزای شیرزای درحالیکه در شهر سامرا مستقر بودند فتوای معروف خود مبنی بر تحریم تنباکو را صادر کردند.

در سال 1335 ه ق (1917 م) انگلیسی ها در خلال جنگ جهانی اول شهر سامرا را تصرف کردند.

در سال 1335 ه ق (1917 م) تعدادی از دزدان به بالای گنبد مطهر مرقد امامان معصوم (علیهم السلام) رفته و 25 آجر طلاکاری شده گنبد را بسرقت بردند.

در سال 1339 ه ق (1920 م) دامنه قیام عراقیها علیه انگلیس (انقلاب سال 1920) به کربلا رسید و با تلاش سید محمد صدر اهالی سامرا نیز در این انقلاب مردمی شرکت نمودند.

در سال 1343 ه ق (1924 م) شهر سامرا دچار اپیدمی وبا شد و بر اثر میزان بالای ابتلا، تعداد زیادی از اهالی شهر تلف شدند و بسیاری نیز جهت گریز از بیماری شهر را ترک نمودند.

در سال 1359 ه ق (1941 م) اهالی شهر مجدداً بر علیه انگلیسی ها قیام کردند و این واقعه در دوران حکومت رشید عالی گیلانی اتفاق افتاد و هنگامی روی داد که استاندار بغداد اعلام کرد انگلیسی ها قصد تصرف ایستگاه راه آهن سامرا را دارند.

در سال 1375 ه ق (1955 م) دولت اقدام بساختن خیابانی کرد که از دروازه (قاپول) آغاز می شد و به در مرقد مطهر امام حسن عسکری (علیه السلام) منتهی می گردید. دولت همچنین اقدام به بنای ساختمان شهرداری، بیمارستان، مدرسه، اداره برق و اداره پست و

ص: 255

در سال 1952 م پروژه آبرسانی (ثرثار) افتتاح شد تا بتواند مزارع اطراف شهر را آبیاری نماید.

در سال 1976 م شهر سامرا که تا آن روز بعنوان مرکز شهرستان سامرا وابسته به استان بغداد بود، از این استان جدا شده و به استان صلاح الدین پیوست.

امام هادی (علیه السلام) و امام عسکری (علیه السلام) در سامرا امام هادی (علیه السلام) دهمین امام شیعیان است. نام او، «علی» و کنیه اش «ابوالحسن ثالث» بود و مشهورترین لقب آن حضرت «هادی» و «نقی» است. پدرش محمد تقی ملقب به جواد و مادرش «سمانه مغریه» است. در سال 214 هجری قمری در محلی به نام صربا در نزدیکی مدینه به دنیا آمد. او در زمان شهادت پدرش هفت ساله بود. مدت امامت ایشان 33 سال بود و امامت ایشان با خلافت شش تن از خلفای عباسی همزمان بود که این خلفا عبارت بودند از معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز عباسی. آن حضرت حدود بیست سال در مدینه زندگی کرد و سپس به اجبار خلیفه عباسی به سامرا تبعید شد. متوکل

دهمین خلیفه عباسی) او را به وسیله «یحیی بن هرثمه بن اعین» از مدینه به شهر «سامرا» احضار کرد و امام هادی (علیه السلام) در سامرا سکونت نمود و در سال 258 ه. ق. به شهادت رسید و در سامرا به خاک سپرده شد.

امام حسن عسکری یازدهمین امام شیعیان است نامش حسن، کنیه وی ابومحمد و القاب آن حضرت ابن الرضا، علی النقی (امام دهم شیعیان) و مادرش ام ولد بود که وی را حدیث، «سوسن»، «سلیل» نیز میگفتند. او با چند خلیفه عباسی هم عصر بود که این خلفا معتز، مهدی و معتمد بود. خلفای عباسی همواره امامان را تحت فشار و محدودیت قرار می دادند و این فشارها در دوران امام جواد (علیه السلام)، امام هادی (علیه السلام) و امام عسکری (علیه السلام) در سامرا به اوج رسید به طوری که این امامان عمر کوتاهی داشتند. تعقیب و مراقبت از امام دهم و یازدهم به قدری بود که آنان را در میان لشکریان جای داده بودند و به همین

دلیل این دو امام را «عسکرین» لقب داده اند. با این حال فشارها و محدودیت ها برای امام حسن عسکری (علیه السلام) به این جهت که در آن دوران شیعه به صورت یک قدرت عظیم در عراق در آمده بود و این باعث میشد حاکمان احساس خطر کنند. همچنین دودمان عباسی، طبق روایات فراوان و متواتر می دانستند، مهدی موعود که از بین برنده حکومت های باطل و برپا کننده حق است، فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) خواهد بود. این موضوع باعث شده بود تا حکومت عباسی به شدت وی را تحت کنترل قرار دهد. به طوریکه امام را مجبور کرده بودند هر دوشنبه و پنجشنبه در دربار حاضر شود. همچنین معتز به این مقدار هم کفایت نکرده و امام را زندانی کرد و عاقبت ایشان را در سال 290 ه. ق به شهادت رساند.

محله های شهر سامرا:

محله های شهر سامرا عبارتند از: محله العابد، محله البوجول، محله البوبدری، محله البونيسان، محله الغریبه، محله القاطول، محله القلعه، محله الشرقيه.

خیابانهای شهر سامرا:

خیابانهای مهم سامرا عبارتند از: شارع الخلیج، شارع السریحه (معروف به شارع الاعظم)، شارع الحیر الاول، شارع ابي احمد بن الرشید، شارع برغمش التركي.

مساجد شهر سامرا:

مساجد مهم سامرا عبارتند از: مسجد جامع (این مسجد را المعتصم خلیفه عباسی در سال 221 ه. ق بنا کرد)، مسجد القلعه، مسجد حسن پاشا، مسجد حمید حسون، مسجد سید درویش، مسجد البورحمان، مسجد علی بن ابي طالب (علیه السلام)، مسجد حاج صالح رحمانی، مسجد الارقم، مسجد اولاد الحسن (علیه السلام)، مسجد فاروق. همچنین مسجد

ابودلف و مناره ماریچ آن (در فاصله پانزده کیلومتری شمال سامرا قرار دارد) از آثار باستانی مهم این شهر به شمار می رود.

آثار باستانی سامرا:

مناره ماریچ (ملویه)، قصر بلکورا (در سال 247 ه ق بوسیله المعتز عباسی ساخته شد)، قصر العاشق و المعشوق (در سال 264 ه ق بوسیله معتمد عباسی ساخته شد)، قصر المعتصم (یا جوسق خاقانی که بوسیله المعتصم عباسی ساخته شد)، قصر المختار، قصر الوزیری، قصر العروس، قصر الجعفری، شهر متوکلیه (در فاصله ده کیلومتری شمال سامرا قرار دارد) قصر الجص، گنبد صلیبیه، دار العامه، تپه الصوان و بالاخره باروی شهر سامرا.

مدارس دینی سامرا:

شامل مدرسه علمیه جعفریه و مدرسه علمیه اهل تسنن است.

کتابخانه های سامرا:

کتابخانه های عمومی و خصوصی سامرا عبارتند از: کتابخانه محمد بن عبدالملک زیات، کتابخانه فتح بن خاقان، کتابخانه عمومی عسکرین، کتابخانه امام محمد مهدی (علیه السلام)، کتابخانه عمومی سامرا، کتابخانه ابن بطوطه، کتابخانه عمومی نسخ خطی عسکری در مدرسه آیت الله شیرازی.

شخصیت های مهم تاریخی سامرا:

در سامرا شخصیت های مهمی نظیر آیت الله سید محمد حسن شیرازی (متوفی سال 1312 ه ق)، ابراهیم بن محمد بن منصور سامری، ابراهیم بن ابی العباس سامری، احمد بن حسن بن حسان سامری، احمد بن سری بن سنان اطروش، محمد بن ادیس

ص: 258

سامری، محمد بن حسن زید سامری، احمد محمد امین راوی، ایوب توفیق خطیب می زیستند.

اماکن زیارتی سامرا

1. مرقد مطهر عسکرین:

مهمترین زیارتگاه شهر سامرا مرقد مطهر دو امام همام یعنی حضرت علی الهادی (علیه السلام) و فرزند برومندشان حسن العسکری (علیه السلام) می باشد که دارای حرم و بارگاهی مجلل با گنبدی طلایی است که از دور دستها قابل مشاهده است و کنار این گنبد طلایی گنبد دیگری قرار دارد که کاشیکاری شده است و آن محل مشهد صاحب الزمان (علیه السلام) و سرداب غیبت آن حضرت است و در زیرگنبد مذکور مسجد بزرگی قرار دارد.



تصویر حرم مطهر عسکرین در سامرا

در حرم مطهر عسکرین که بصورت شش گوشه ساخته شده است علاوه بر دو امام هادی (علیه السلام) و عسکری (علیه السلام) نرجس خاتون همسرگرامی امام حسن عسکری (علیه السلام) و والده مکرمه امام زمان (علیه السلام) و حکیمه خاتون دختر امام جواد (علیه السلام) و امامزاده حسین فرزند امام

هادی (علیه السلام) و تعدادی دیگر از اهل بیت (علیهم السلام) مدفون شده اند و گنبد طلایی در وسط صحن شریف قرار گرفته است. دو امام همام پس از شهادت در منزلشان به خاک سپرده شدند و تا سالها شیعیان برای زیارت به این خانه می آمدند، این خانه در کنار مسجدی بود که گویند محل نماز خواندن آن دو امام (علیه السلام) بود و وقتیکه در خانه مذکور بسته بود شیعیان در پشت پنجره خانه تجمع می کردند و آن حضرات را زیارت می کردند و سپس به مسجد مذکور می رفتند و نماز زیارت می خواندند و سالها این وضعیت ادامه داشت و گویند اولین کسی که بر سر قبور مطهر این امامان گنبدی ساخت، ناصر الدوله حمدانی بود که در سال 333 هـ ق گنبدی بر سر قبر آنان بنا نمود و این گنبد بارها تجدید بنا و ترمیم گردید تا اینکه عاقبت در قرن دوازدهم به همت حکمران خوی (احمد دنبلی خونی، متوفی سال 1200 هـ ق) و با هزینه زیادی صحن این دو امام (علیه السلام) بطوریکه امروز موجود است بنا شد و برای آن روضه، رواق، گنبدی عالی و گلدسته ساخت، برای سرداب مطهر نیز صحن جداگانه ای با ایوان و راه و پله ای جدا همچنین برای زنان دهلیز و سردابی مستقل ساخت. در سال 1285 هـ ق ناصرالدین شاه دستور داد تا گنبد حرم مطهر را طلاکاری کنند که این امر بر روی گنبد نیز نوشته شده است. گنبد حرم مطهر عسکرین بزرگترین گنبد اماکن مقدس شیعه است بطوریکه محیط آن 68 متر و قطر آن 22 متر و 43 سانتی متر می باشد و تعداد آجرهای طلای آن بالغ بر هفتاد و دو هزار عدد آجر است. در کنار این گنبد دو گلدسته طلایی قرار دارند که ارتفاع هر کدام از آنها از سطح زمین 36 متر و از سطح بام صحن بالغ بر 25 متر می باشد. در زیر گنبد حرم مطهر، ضریح نقره ای زیبایی قرار دارد که ساخته هنرمندان اصفهانی در دهه شصت میلادی است. درون حرم و قسمتهایی از رواقها بطرز زیبایی آئینه کاری شده و از یادگارهای ملک فیصل اول پادشاه هاشمی عراق است و بوسیله ایوانی فراخ و سقف دار به صحنی که گرداگرد حرم را فرا گرفته راه می یابد. داخل صحن شریف 45 ایوان وجود دارد که 16 ایوان سمت غرب و 9 ایوان سمت جنوب و 20 ایوان سمت شرق قرار گرفته اند و یکی از ویژگیهای این صحن آن است که

2. مرقد مطهر نرجس خاتون:

نرجس خاتون همسر امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر مکرمه حضرت مهدی (علیه السلام) می باشد و قبر مطهر آن بانوی بزرگوار در پشت ضریح امام حسن عسکری (علیه السلام) قرار گرفته و پس از زیارت دو امام همام شایسته است که به زیارت این بانوی پرهیزگار رفت.

3. مرقد حکیمه خاتون:

حضرت حکیمه دختر امام جواد (علیه السلام) و عمه امام حسن عسکری (علیه السلام) از زنان پرهیزگار دوران خویش بود و آن حضرت حرمت فراوانی نزد برادرش امام هادی (علیه السلام) و برادرزاده اش امام حسن عسکری (علیه السلام) داشت. وی شاهد تولد امام زمان بود و او را در قنطاق پیچیده به نزد امام حسن عسکری (علیه السلام) آورد. قبر شریف این بانوی پرهیزگار پایین پا و چسبیده به ضریح عسکریین است و شیخ عباس قمی گوید برای این بانوی فاضله در کتب مزار زیارتنامه مخصوصی ذکر نشده است و سزاوار است که او را با همان زیارتنامه حضرت معصومه قم زیارت کنند. حکیمه خاتون در سال 260 ه ق درگذشت.

4. قبر مطهر حسین بن علی الهادی (علیه السلام):

وی سیدی جلیل القدر و عظیم الشأن بوده و در بعضی از روایات، از امام حسن عسکری (علیه السلام) و برادرش حسین بن علی به سبطین تعبیر شده است و آنان را به اجداد طاهرشان یعنی امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) تشبیه کرده اند، همچنین در روایتی آمده

است که صدای حضرت حجت شبیه صدای عمویشان حسین بوده است و سید احمد اردکانی یزدی در شجره الاولیاء گوید که حسین فرزند حضرت هادی (علیه السلام) از زاهدان و عابدان روزگار بود و به امامت برادر خود اعتراف داشت.

5. سرداب غیبت:

مشهد صاحب الزمان و سرداب غیبت از زیارتگاه های مهم سامرا است و در حقیقت سرداب بخشی از خانه مسکونی حضرت عسکری (علیه السلام) بود که در آن به عبادت می پرداخت و پس از او محل سکونت امام زمان (علیه السلام) بوده است. این محل از دیر باز مورد توجه شیعه بوده است و از آنجا که عبادتگاه سه امام بوده، قداست و احترام ویژه ای



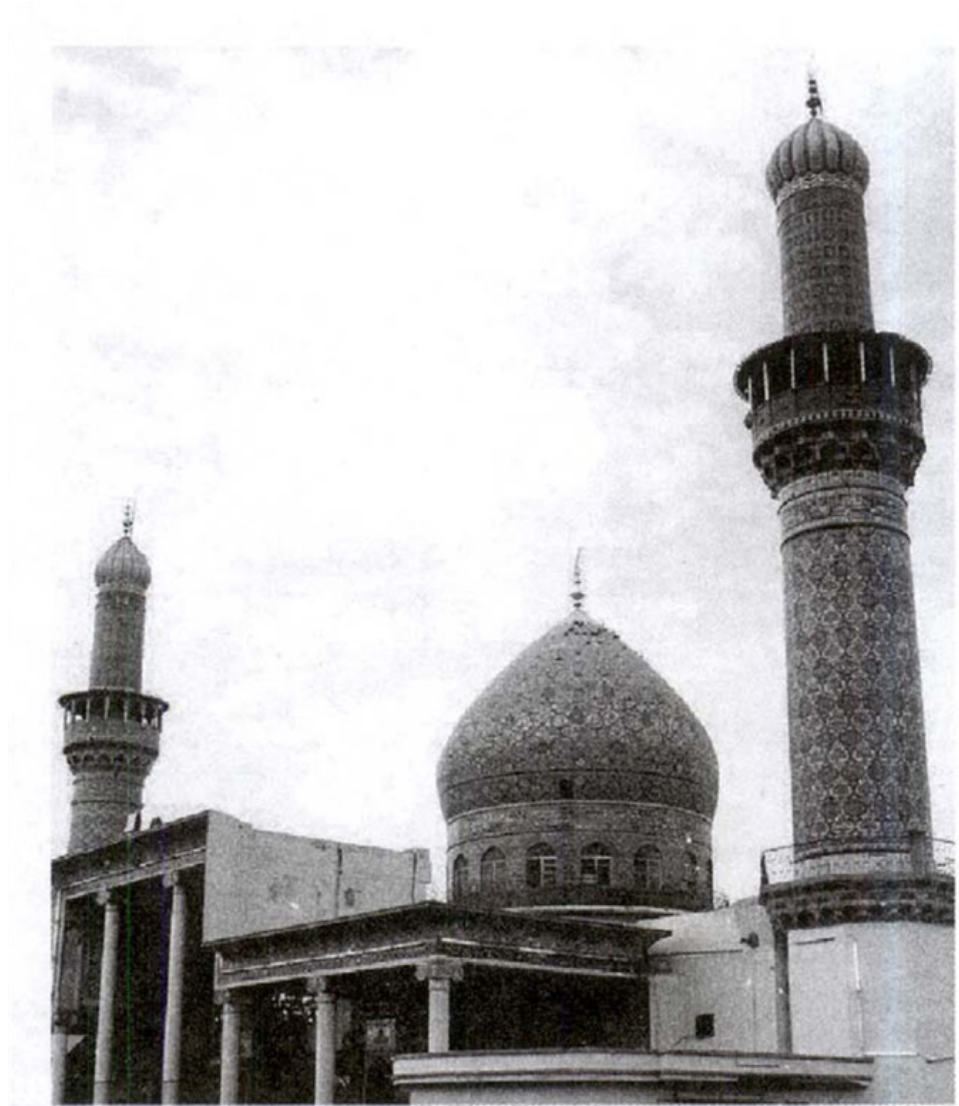
تصویر مشهد صاحب الزمان علیه السلام در سامرا

دارد. گفتنی است که بوسیله پله هایی می توان به زیرزمین رسید. فضای اصلی وکهن زیرزمین عبارت است از تالاری مربع مستطیل به ابعاد 3*5 متر. در شرق این تالار فضایی است که پنجره ای از چوب دارد و محل عبادت امام (علیه السلام) بوده است. پنجره این نمازخانه یکی از ارزشمندترین قطعات باقیمانده از دوران عباسی ها است و دارای کتیبه ای کهن می باشد. این پنجره به دستور الناصر لدین الله عباسی (از خلفای علاقمند به اهل بیت (علیهم السلام) بود) در سال 606 ه ق ساخته شده است. در کاشیکاری درون این بقعه نام ناصر الدین شاه قاجار ثبت شده است که در سفر عتبات خود به زیارت این جایگاه تشرف یافته است. خادمان سرداب در این بقعه کوچک حفره ای تعبیه کرده اند و از آن به زائران خاک می دهند که فاقد هرگونه توجیه و دلیل شرعی است. کاشیکاری های صحن و سردر ورودی ها از دوره قاجاریه می باشند.

6. مرقد سید محمد (علیه السلام)

سید محمد فرزند بزرگوار امام علی النقی (علیه السلام) است که در سال 252 ه ق درگذشت و مرقد ایشان در شهر بلد در جاده اصلی کاظمین سامرا و در فاصله هشت فرسنگی شهر سامرا قرار دارد. این امامزاده مورد احترام فراوان شیعیان عراق بوده و آنان را نسبت به وی اعتقادی عظیم است و معمولاً تمامی کسانی که به زیارت امامان معصوم سامرا می روند، به زیارت این جناب نیز نائل می گردند. کرامات بسیاری از این بزرگوار نقل شده است و در بزرگواری ایشان همین بس که ایشان قابلیت و صلاحیت امامت را داشتند و فرزند بزرگ امام هادی (علیه السلام) بودند و در فوت او، حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) گریبان خود را چاک نمود و شیخ نوری اعتقاد عظیمی به زیارت آن بزرگوار داشته و در تعمیر بقعه و ضریح مبارکش سعی نمود.

کتیبه ای بدین صورت بر ضریح شریفش نوشته شده است (هذا مرقد السید الجلیل ابی جعفر محمد بن الامام ابی الحسن علی الهادی (علیه السلام) عظیم الشأن جلیل القدر کانت الشیعه تزعم انه الامام بعد ابیه (علیه السلام) فلما توفی نص ابوه علی اخیه ابی محمد الزکی وقال له



تصویر مرقد مطهر سید محمد علیه السلام در سامرا

احدث الله شکرًا فقد احدث فيك امرًا خلفه ابوه في المدينة طفلاً وقد قدم عليه في سامرا مشتدًا و نهض الى الرجوع الى الحجاز ولما بلغ بلد على تسعه فراسخ مرض و توفي و مشهده هناك ولما توفي شق ابو محمد عليه ثوبه و قال في جواب من عابه عليه قد شق موسى على اخيه هارون و كانت وفاته في حدود اثنين و خمسين بعد المأتين) یعنی این مرقد سید جلیل ابوجعفر محمد فرزند امام هادی است که فردی عظیم الشان است و شیعیان را این گمان بود که او پس از امام هادی به امامت خواهد رسید و چون درگذشت امام هادی (علیه السلام) بر امامت حسن عسکری (علیه السلام) اشاره فرمود، هنگامیکه امام هادی (علیه السلام) از مدینه به سامرا می رفت سید محمد کودکی بیش نبود و بعدها چون به بلوغ رسید راهی سامرا شد و چندی در سامرا بود تا آنکه تصمیم گرفت به مدینه برگردد و

چون نه فرسنگی از سامرا دور شد و به بلد رسید در همین جا بیمار شده و درگذشت و چون این خبر به امام حسن عسکری (علیه السلام) رسید از شدت اندوه گریبان خود را چاک کرد و چون براین کار او خرده گرفتند فرمود که حضرت موسی نیز در مرگ برادرش هارون گریبان خود را پاره کرد)

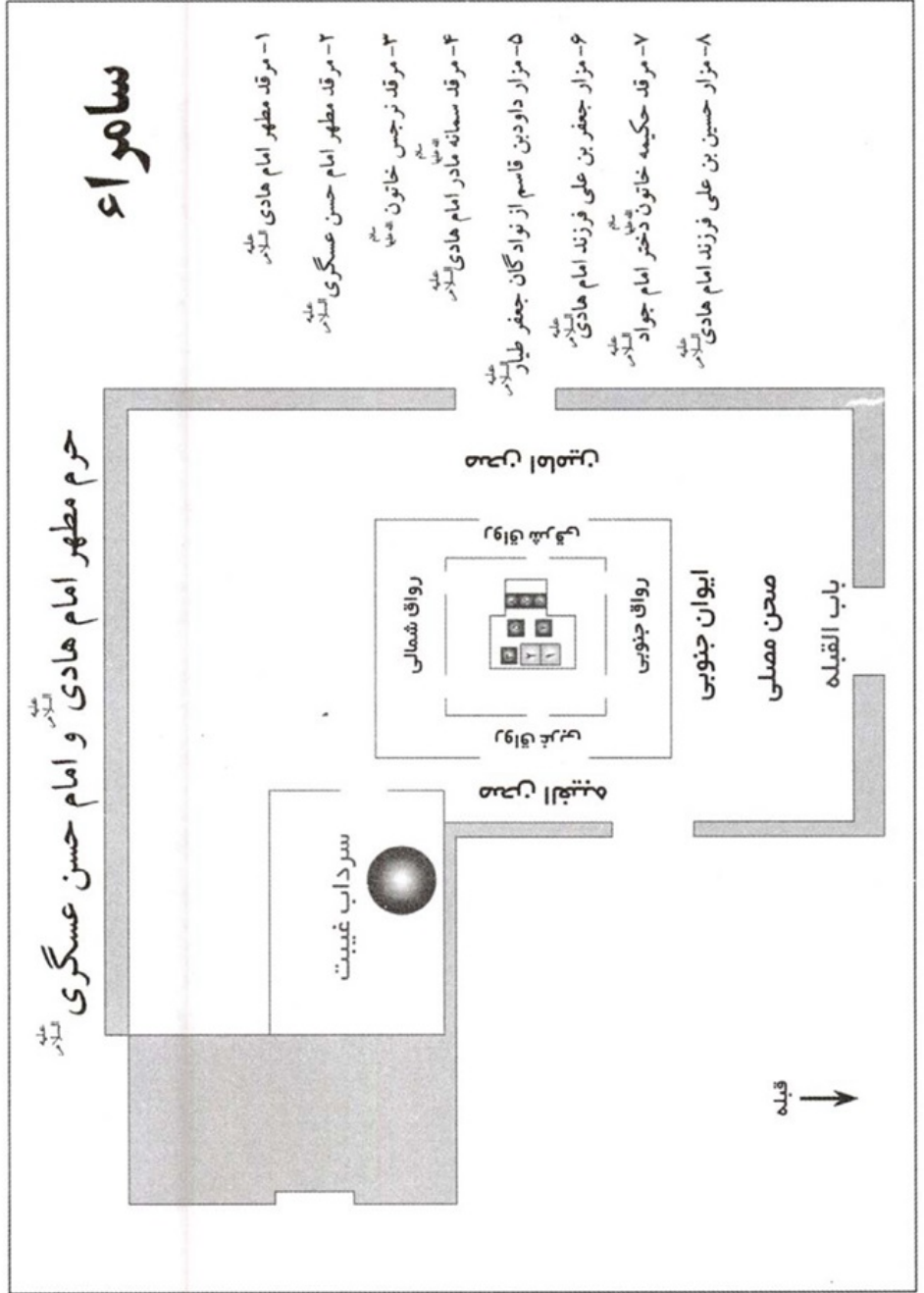
7. قبر امامزاده محمد دری

از نوادگان امام کاظم (علیه السلام) (متوفی سال 300 ه ق)

ص: 265

شهر مقدس سامرا در ساحل شرقی رودخانه دجله و در فاصله 118 کیلومتری شمال بغداد قرار دارد. این شهر روی طول جغرافیایی 43 درجه و 45 دقیقه و عرض جغرافیایی 34 درجه و 35 دقیقه واقع شده است. سامرا از شمال به تکریت و از جنوب به بغداد و از غرب به رمادی و از شمال غربی به موصل و از جنوب شرقی به یالی محدود می شود. در این شهر مرقد دو امام همام علی الهادی (علیه السلام) و حسن العسکری (علیه السلام) قرار دارد. تولد و غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شهر سامرا بوده و محل غیبت آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زیارتگاه هزاران نفر از شیعیان دلسوخته می باشد. اکثر اهالی شهر از برادران اهل تسنن می باشند. در گذشته گرداگرد شهر را بارویی از آجر و گچ بشکل دایره ای و به قطر 680 متر فرا گرفته بود که محیط آن به 2 کیلومتر و ارتفاع آن به 7 متر می رسید. این بارو 19 برج و چهار دروازه داشت که عبارتند از: باب القاطول، باب الناصریه، باب الملطوش و باب بغداد. این بارو تا سال 1356 ه. ق (1936 م) پابرجا بود. بیشتر خانه های سامرا از آجر ساخته شده و باغهای عمومی و خصوصی فراوانی دارد. این شهر موزه ای دارد که حاوی آثار خطی و کتابهای فراوانی است. برحسب تقسیمات اداری و کشوری شهر سامرا مرکز شهرستان سامرا و بخشی از استان صلاح الدین عراق می باشد. شهرستانهای استان صلاح الدین (سامرا): استان صلاح الدین دارای هشت شهرستان است که عبارتند از: تکریت، الدور، سامرا، بلد، الطوز، الفارس، الشرقاط و بلاخره شهرستان بیجی.

آثار باستانی سامرا: مناره ماریچ (ملویه)، قصر بلکورا (در سال 247 ه. ق بوسیله المعتز عباسی ساخته شد)، قصر العاشق و المعشوق (در سال 264 ه. ق بوسیله معتمد عباسی ساخته شد)، قصر المعتصم (یا جوسق خاقانی که بوسیله المعتصم عباسی ساخته شد)، قصر المختار، قصر الوزیری، قصر العروس، قصر الجعفری، شهر متوکلیه (در فاصله ده کیلومتری شمال سامرا قرار دارد) قصر الجص، گنبد صلیبیه، دار العامه، تپه الصوان و بالاخره باروی شهر سامرا



فصل هفتم: شهر حله و بصره

اشاره

ص: 271

شهرهای حله و بصره از شهرهای مهم شیعه نشین در عراق می باشد. شهر حله اولین شهری است که در آن حوزه علمیه شیعیان تأسیس شد و بعدها این حوزه به شهر نجف منتقل شد. شهر حله آرامگاه بسیاری از امام زاده ها و علمای بزرگ شیعه می باشد. شهر بصره نیز شهری مهم بر حاشیه رودخانه شط العرب است که فاصله چندانی با خلیج فارس نداشته و مهم ترین بندر عراق به شمار می رود. معمولا این دو شهر جزو برنامه زیارتی کاروان های زوار ایرانی نمی باشند ولی آشنایی با آنها می تواند افق دید زائران ایرانی را بازتر نماید.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده با دو شهر مهم و تاریخی حله و بصره آشنا شود. اطلاعات ارائه شده در این فصل می تواند به عنوان اطلاعات فوق برنامه تکمیل کننده سایر اطلاعات زوار ایرانی درباره عراق باشد.

هدفهای رفتاری

اطلاعات مندرج در این فصل برای برخی از زائران ایرانی می تواند جالب و مفید باشد. اطلاعات وارده در این فصل می تواند افق دید زائران را گسترده تر نماید.

شهر حله شهری قدیمی در میانه عراق و مرکز استان بابل می باشد این شهر بین راه بغداد به نجف و در فاصله هشتاد کیلومتری جنوب شرقی بغداد قرار دارد. این شهرکهن، یکی از مراکز مهم حوزه های علمی شیعه است و بسیاری از بزرگان شیعه مانند، علامه حلی و محقق حلی از این شهر برخاسته اند و امروزه استان بابل یکی از استانهای شیعه نشین مهم عراق است. در نزدیکی حله شهر باستانی (هاشمیه) قرار دارد که روزگاری پایتخت اولیه عباسی ها بود. در این شهر ابوالعباس سفاح و ابوجعفر منصور دوانیقی خلافت کردند و منصور پس از ساختن بغداد پایتخت خود را به بغداد منتقل کرد. دهها نفر از سادات جلیل القدر بنی الحسن (علیه السلام) به دست این دو تن در این شهر به شهادت رسیدند. برخی از آنها را از مدینه بدین شهر آورده، زندان نموده و سپس در گورهای دسته جمعی دفن کردند و یا در دیوارها و ستونها جای دادند و بر آنها ساختمان بنا کردند.

اماکن زیارتی و تاریخی حله

1. مرقده امامزاده حمزه:

این امامزاده به (حمزه الغریبی) شهرت دارد، وی ابو یعلی حمزه بن القاسم بن علی بن حمزه بن الحسن بن عبیدالله بن ابی الفضل العباس (علیه السلام) است. او از راویان حدیث و از علمای بزرگوار شیعه بوده و آرامگاهش در روستای (مزیدیه) در نزدیکی حله می باشد. بر قبر او گنبد و ضریح و رواق و صحن بزرگی ساخته شده و زیارتگاه مردم است.

2. مرقده امامزاده قاسم:

فرزند بزرگوار امام موسی بن جعفر (علیه السلام) و برادر تکی امام رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (علیها السلام) است. او پس از شهادت پدرش از بغداد گریخت و در میان عشایر منطقه (سورا) در اطراف حله مخفی گردید و پس از وفات در آرامگاه کنونی اش دفن شد. امروزه قبر او زیارتگاه مردم است و صحن و سرا و بارگاه باشکوهی دارد و میان مردم به

استجابت دعا و نذر مشهور است.

این دو امامزاده بزرگوار و صحیح النسب، مشهورترین امامزادگان این منطقه هستند و شهرت این دو به گونه ای است که نام شهر مدفن آنان، از نام اصلی به نام این دو تن تغییر یافت و در میان مردم به شهر (حمزه و قاسم) مشهور شده است.

3. مسجد رد الشمس:

در آغاز بزرگراه کربلا به حله بقعه ای است با گنبد مخروطی که بنابر روایات تاریخی، امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام بازگشت از جنگ صفین در این بقعه نماز ظهر و عصر را پس از آنکه خورشید به اراده پروردگار و خواست حضرت (علیه السلام) از وضعیت غروب به ظهر بازگشت، بجای آورد. این واقعه پیشینه تاریخی کهنی دارد و تمامی مورخان و محدثان درباره آن سخن گفته و آن را یکی از معجزات حضرت علی (علیه السلام) شمرده اند (1).

4. تپه حراقه:

جایگاه و تپه ای است که حضرت ابراهیم (علیه السلام) را در زمان نمرود بر منجنیق نهادند و به آتش افکندند. امروزه فضای باز روبروی تپه به گونه ای است که گویی آثار برافروختن آتشی عظیم بر روی زمین نمایان است. این جایگاه در دهکده ای به نام (یرس) در شمال حله واقع است.

5. آرامگاه ابراهیم احمر العینین:

وی ابراهیم بن عبدالله المحض بن الحسن المثنی فرزند امام حسن مجتبی (علیه السلام) است. او عالم، عابد، زاهد و شجاع بود و در سال 145 ه ق علیه ابوجعفر منصور قیام کرد و پس از جنگ و خونریزی به دست لشکریان منصور به شهادت رسید و سر او را بردند و به

ص: 275

هاشمیه پایتخت منصور بردند. امروزه در محل دفن سر او در هاشمیه، در نزدیکی رودخانه (الجربوعیه) آرامگاهی ساخته اند.

6. آرامگاه ابو دمیعه:

او محمد بن علی بن الحسین فرزند زید بن علی بن الحسین (علیه السلام) است که آرامگاهش در (محل الطاق) است. وی امامزاده ای والامقام است و در سال 140 هـ ق درگذشت، قبر او از زیارتگاه های مشهور شهر حله است.

7. آرامگاه حسن الاسمر:

ابومحمد حسن الاسمر از نوادگان زید شهید است و آرامگاهش در روستای (زبید) در حومه حله قرار دارد.

8. آرامگاه محمد الادرع:

ابوجعفر محمد الادرع از نوادگان امام حسن مجتبی (علیه السلام) است و آرامگاهش در روستایی در جنوب حله واقع است.

9. آرامگاه اسماء بنت عمیس:

اسماء بنت عمیس از زنان پیشتاز در اسلام است که به همراه شوهرش جعفر بن ابی طالب به حبشه مهاجرت کرد و پس از شهادت جعفر به همسری ابوبکر درآمد و محمد بن ابی بکر را برایش بدنیا آورد و پس از مرگ ابوبکر و شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام) به همسری امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درآمد و برایش یحیی را بدنیا آورد. آرامگاهی در حومه شهر هاشمیه به او نسبت داده می شود و در نزدیکی این آرامگاه قبر فرزندش یحیی قرار دارد.

او نواده حسن مثنی فرزند امام حسن (علیه السلام) است و آرامگاهش در هاشمیه است.

11. مرقد حضرت ایوب:

این پیامبر عظیم الشان یکی از انبیای بنی اسرائیل است که خداوند به منظور آزمایش، وی را به انواع بلاهای دنیوی مبتلا ساخت و آن حضرت در تمامی آن بلاها صابر و شکیبا بود. وی در سرزمین عراق وفات یافت و آرامگاهش در چهار فرسنگی جنوب شهر حله، به سمت کوفه، در منطقه ای به نام (الرازنجیه) قرار دارد.

12. مرقد بکر بن علی:

این مرقد در اطراف حله و در سمت راست جاده شهر (کفل) به حله و نزدیک جاده اصلی کوفه به حله، در فاصله شش کیلومتری حله واقع شده است. مرقد دارای گنبدی کوچک و بنای آن به اواخر دوران عثمانی ها در عراق باز می گردد. مرقد در سال 1387 ه ق تجدید بنا شده و روی آن گنبد بزرگتری از آجر ساختند که ارتفاع آن به 9 متر می رسد. مساحت حرم زیرگنبد 25 متر مربع است و روی قبر مطهرش ضریحی از آهن قرار دارد و بر قبر وی لوحی با این متن وجود دارد: (این قبر بکر بن اُبی طالب است که مادرش لیلی دختر مسعود بن خالد تمیمی است)

در بررسیهای بعمل آمده در خصوص این اسم، متأسفانه هیچگونه اثری از آن یافت نشده است و برخی از محققین معتقدند که منظور از بکر همان ابوبکر بن علی بن اُبی طالب است که در مورد اسم او اختلاف نظر است، برخی او را عبدالله و برخی عبید الله و برخی محمد می دانند و همچنین درباره نام مادرش برخی معتقدند که مادرش لیلی دختر مسعود بن خالد دارمی است و برخی می گویند که مادرش (أم ولد) است. بهر حال بررسی عمیق در این خصوص را باید به صاحب نظران مربوطه محول نمود.

حرم مرقد در سال 1412 ه ق تجدید بنا شد و تعدادی از رواقها به آن افزوده شد و در سال 1416 ه ق نیز ایوانی به حرم اضافه شد.

ضریح در سمت شمالی حرم واقع شده و از آهن آبکاری شده با آلومنیوم ساخته شده و

مساحت آن 1/5*2 متر و بلندی آن 2/5 متر است. بخش جلویی ضریح از سه پنجره تشکیل شده که روی آن سوره حمد نقش بسته است. دیوار اطراف ضریح دیوار آجری سیمانی بوده و روی آن نام ائمه اطهار نقش بسته است.

حرم دارای سه رواق است که در سال 1412 ه ق ساخته شده اند، دو رواق آن متعلق به زنان و یک رواق متعلق به مردان است. رواق مردان در سمت راست حرم قرار دارد و محرابی نیز در آن تعبیه شده است و دو رواق سمت چپ و شمال حرم متعلق به زنان می باشد.

مرقد ایوانی دارد که مساحت آن از رواقها کوچکتر است و بوسیله دری چوبی به طول دو متر و عرض دو و نیم متر از حرم جدا می گردد که روی در مذکور آیه (بسم الله الرحمن الرحيم ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل أحياء عند ربهم يرزقون) نقش بسته و زیر آن نوشته شده است: (السلام عليك يا من فدى لأخيه الحسين بنفسه. السلام عليك أيها الشهيد أبو بكر بن علي بن أبي طالب).

مرقد دارای صحنی به طول 60 و عرض 40 متر است و باتوجه به این امر باید مساحت کل مرقد 240 متر مربع باشد. صحن دو اتاق دارد که یکی متعلق به خدام مرقد و دیگری بعنوان انبار مورد استفاده قرار می گیرد. بخشی از کف صحن موزاییک و بخش دیگر آن سیمانی است.

13. قبر ابوالعباس سفاح:

ابوالعباس سفاح اولین خلیفه عباسی است. او در سال 136 ه ق درگذشت و گور او درون مخروبه ای در شهر قاسم است.

14. آرامگاه عبدالله المحض:

او نوه امام حسن (علیه السلام) است که در سال 145 ه ق زنده بگورگردید و آرامگاهش در هاشمیه است.

15. آرامگاه عبدالله بن زید:

او برادر یحیی بن زید شهید است. مدفنش در 17 کیلومتری شهرکفل و در حومه هاشمیه است.

16. آرامگاه عمران بن علی (علیه السلام):

عمران بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) یکی از فرزندان حضرت علی (علیه السلام) است که بنا به نقل مورخان در جنگ نهروان مجروح شد و هنگام انتقال به کوفه در نزدیکی حله شهید شده، و در همانجا دفن گردید. آرامگاهش در یک کیلومتری شمال حله واقع است.

17. آرامگاه عون بن علی:

از امامزاده های مدفون در حومه شهر هاشمیه است.

18. آرامگاه قاسم بن موسی الکاظم (علیه السلام):

آرامگاهش در جنوب شهر حله واقع است.

19. آرامگاه محمد الدیاج:

محمد دیاج و چهارتن دیگر از سادات بنی الحسن (علیه السلام) در بقعه ای در هاشمیه مدفونند.

20. آرامگاه ابن ادريس حلی:

ابن ادريس حلی از بزرگان فقهای امامیه است و از وی کتاب مشهوری به نام (السرائر) بر جای مانده است که خود نیز بدین نام شهرت یافته و به (صاحب السرائر) معروف شد. ابن ادريس در سال 598 ه ق درگذشت و آرامگاه باشکوهش اینک درون شهر حله واقع است.

21. آرامگاه ابن حماد واسطی:

ابن حماد از بزرگان فقهای امامیه است که قبرش در (محلہ الجامعین) حله می باشد.

22. آرامگاه ابن سعید حلی:

شیخ نجیب الدین یحیی بن احمد حلی یکی از فقهای نامدار شیعه است و نویسنده کتاب (جامع الشرائع) است. او در سال 689 ه ق در حله درگذشت و در خانه خود مدفون شد. آرامگاه وی امروزه در (محلہ الطاق) شهر حله قرار دارد و بر قبرش گنبد و سرایی ساخته اند. در پیرامون قبر او، آرامگاه گروهی از بزرگان شیعه نیز قرار دارد.

21. آرامگاه محقق حلی:

محقق حلی یکی از علمای بزرگ امامیه و نویسنده کتاب (شرائع الاسلام) است. او در سال 676 ه ق در حله درگذشت و آرامگاهش در حله مشهور است.

شهر بصره

شهر بصره نخستین شهر اسلامی ساخته شده در عراق است که در سال 14 ه ق تأسیس شد و زمان ساختن آن شش ماه قبل از تأسیس کوفه بوده است. این شهر در آغاز محل استقرار لشکریان اسلام بود و گویند که این شهر بر بقایای پادگان ایرانیان، در منطقه ای به نام (الخریبه) ساخته شده است و در کنار آن بقایای شهرکهن (طریدون) قرار دارد و ظاهراً یکی از شهرهای تمدن بابل و یا آشور بوده است. شهر بصره نقش مهمی در تاریخ و علوم اسلامی ایفا کرده و مرکز یکی از مدارس مهم فقه و کلام و زبان عربی به شمار می رفته است.

اماکن دیدنی بصره

1. مسجد جامع بصره:

این مسجد به مسجد امام علی (علیه السلام) نیز شهرت دارد و نخستین مسجد ساخته شده در

عراق است. حضرت علی (علیه السلام) پس از واقعه جمل در این مسجد نماز گزارد و درباره آن پیشگویی نمود که سیل عظیمی این مسجد را غرق خواهد کرد که صدها سال بعد این سیل بوقوع پیوست و این حادثه جزو غیبگویی های آن حضرت شمرده شد. امروزه از این مسجد تنها قسمتی از گلدسته و باروی آن باقی مانده است.

2. آرامگاه زید بن صوحان:

او از یاران با وفای امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود که در سال 36 ه ق در جنگ جمل به شهادت رسید و آرامگاهش در (کوت الزین) بصره قرار دارد.

3. قبر حسن بصری:

او از تابعین و مشایخ معروف صوفیه است که سال 21 ه ق در مدینه بدنیا آمد و سال 110 ه ق در بصره درگذشت و بر قبر او بنای کهنی از قرن هفتم با گنبدی مخروطی قرار دارد.

4. آرامگاه ملاصدرا:

صدر الدین شیرازی یکی از علمای برجسته شیعه و از فلاسفه معروف است که در حین سفر حج درگذشت و در یکی از اتاقهای پیرامون قبر حسن بصری به خاک سپرده شد.

5. قبر زبیر بن عوام:

زبیر بن عوام عمه زاده پیامبر (علیه السلام) و یکی از رهبران جنگ جمل بود که به همراهی طلحه غانله جمل را برپا کرد، اما در میانه جنگ پشیمان شد و هنگام فرار از میدان جنگ به دست مردی به نام (ابن جرموز) بقتل رسید. حکومت عثمانی برای گور او که در بیابان بود ساختمانی ساخت که امروزه اطراف آن شهری به نام (الزبیر) ساخته شده است و این شهر تا بصره 30 کیلومتر فاصله دارد.

شهر حله شهری قدیمی در میانه عراق و مرکز استان بابل می باشد این شهر بین راه بغداد به نجف و در فاصله هشتاد کیلومتری جنوب شرقی بغداد قرار دارد. این شهر کهن، یکی از مراکز مهم حوزه های علمی شیعه است و بسیاری از بزرگان شیعه مانند، علامه حلی و محقق حلی از این شهر برخاسته اند و امروزه استان بابل یکی از استان های شیعه نشین مهم عراق است. در نزدیکی حله شهر باستانی (هاشمیه) قرار دارد که روزگاری پایتخت اولیه عباسی ها بود. در این شهر ابوالعباس سفاح و ابوجعفر منصور دوانیقی خلافت کردند و منصور پس از ساختن بغداد پایتخت خود را به بغداد منتقل کرد. دهها نفر از سادات جلیل القدر بنی الحسن (علیه السلام) به دست این دو تن در این شهر به شهادت رسیدند. برخی از آنها را از مدینه بدین شهر آورده، زندان نموده و سپس در گورهای دسته جمعی دفن کردند و یا در دیوارها و ستون ها جای دادند و بر آنها ساختمان بنا کردند.

اماکن زیارتی و تاریخی حله:

1 مرقد امامزاده حمزه: این امامزاده به (حمزه الغریبی) شهرت دارد، وی ابو یعلی حمزه بن القاسم بن علی بن حمزه بن الحسن بن عبیدالله بن ابی الفضل العباس (علیه السلام) است. او از راویان حدیث و از علمای بزرگوار شیعه بوده و آرامگاهش در روستای (مزیدیه) در نزدیکی حله می باشد. بر قبر او گنبد، ضریح، رواق، و صحن بزرگی ساخته شده و زیارتگاه مردم است.

2 مرقد امامزاده قاسم: فرزند بزرگوار امام موسی بن جعفر و برادر تنی امام رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (علیها السلام) است. او پس از شهادت پدرش از بغداد گریخت و در میان عشایر منطقه (سورا) در اطراف حله مخفی گردید و پس از وفات در آرامگاه کنونی اش دفن شد. امروزه قبر او زیارتگاه مردم است و صحن و سرا و بارگاه باشکوهی دارد و در میان مردم به استجاب دعا و نذر مشهور است. این دو امامزاده بزرگوار و صحیح النسب، مشهورترین امامزادگان این منطقه هستند و شهرت این دو به گونه ای است که نام شهر

مدفن آنان، از نام اصلی به نام این دو تن تغییر یافت و در میان مردم به شهر (حمزه و قاسم) مشهور شده است.

سایر اماکن زیارتی عبارتند از: مسجد ردالشمس، تپه حراقه، آرامگاه ابودمیعه، آرامگاه حسن الاسمر، آرامگاه اسماء بنت عمیس، محمد الادرع، آرامگاه اسماعیل طباطبا، مرقد ایوب نبی و غیره.

ص: 283

مقدمه

در کشور عراق اماکن زیارتی در شهرهای مختلف دیگر وجود دارد که از آن میان می توان به مرقد دو طفلان مسلم (علیه السلام) در شهر مسیب و مرقد سلمان فارسی و حذیفه یمانی در شهر مدائن و مرقد ابراهیم اشتر در شهر مسکن در نزدیکی دجیل اشاره کرد که از این میان مرقد دو طفلان مسلم (علیه السلام) مورد توجه بیشتر کاروان های ایرانی قرار میگیرد.

آثار باستانی عراق شامل طیف وسیعی از آثار تاریخی و باستانی این کشور است که امکان بازدید از آنها برای زائران مقدور نمی باشد.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده با سایر اماکن زیارتی در عراق و مخصوصا با مرقد دو طفلان مسلم (علیه السلام) و مرقد سلمان فارسی و برخی از آثار باستانی عراق آشنا شود.

هدف های رفتاری

زیارت قبر دو طفلان مسلم (علیه السلام) برای زائران ایرانی حایز اهمیت فراوانی است و باید به این موضوع اهتمام خاص ورزیده و اطلاعات کافی و کامل در این باره داشت تا بتوان به پرسش های متعدد زائران در این خصوص پاسخ داد.

1. مرقد سلمان فارسی

مرقد سلمان فارسی یا (سلمان پاک) در شهر مدائن فعلی است و بنا بگفته شیخ عباس قمی از تکالیف زوار در کاظمین رفتن به مدائن به منظور زیارت عبد صالح الهی جناب سلمان فارسی می باشد که اول ارکان اربعه شیعه به شمار می رود و رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) او را از اهل بیت (علیهم السلام) خود شمرده است.

پس از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله)، سلمان به عنوان فرماندار مدائن برگزیده شد و پس از کسب اجازه از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بدین منطقه رهسپار شد و تا آخر عمر در شهر مدائن زیسته و در همان جا فوت کرده و به خاک سپرده شد.

2. مرقد حذیفه یمانی

حذیفه یمانی از بزرگان اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و اله) و از یاران خاص امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که مرقد وی نیز در مدائن می باشد. حذیفه از جانب خلیفه دوم سالها والی مدائن بود، سپس او را عزل کرد و جناب سلمان والی آنجا شد و چون سلمان وفات کرد، حذیفه مجدداً والی آنجا شد تا آنکه خلافت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسید و آن حضرت او را بر حکمرانی مدائن ابقا فرمود و هنگامیکه حضرت علی (علیه السلام) برای جنگ جمل از مدینه راهی بصره گردید، حذیفه وفات یافت و در همان شهر مدائن به خاک سپرده شد.

3. مرقد ابراهیم اشتر

ابراهیم بن مالک اشتر نخعی در ماه جمادی الثانی سال 71 هجری قمری در جنگ با لشکریان بنی امیه به فرماندهی (محمد بن مروان) به شهادت رسید و در منطقه ای به نام مسکن در نزدیکی رودخانه دجیل در فاصله یکصد کیلومتری شمال غربی بغداد به خاک سپرده شد.

ابراهیم اشتر همانند پدرش مالک اشتر سوارکاری دلاور و یکی از پیروان مخلص و

وفادار اهل بیت بود. هنگامیکه مختار ثقفی در سال 66 ه ق به خون خواهی امام حسین (علیه السلام) در کوفه قیام کرد. ابراهیم اشتر به او پیوسته و با او بیعت نمود و هنگامیکه لشکر بنی امیه به فرماندهی (عبید الله بن زیاد) برای سرکوب قیام مختار به عراق گسیل شد ابراهیم اشتر نیز در رأس لشکری برای مقابله با آنان برخاست و دو لشکر در منطقه ای بین اربیل و موصل به نام (خازر) بهم رسیدند و جنگ سختی بین آنان در گرفت و ابراهیم اشتر توانست در این جنگ تعدادی از فرماندهان برجسته بنی امیه را به قتل برساند که مهمترین آنها عبارت بودند از: عبید الله بن زیاد، حصین بن نمیر، شرحبیل بن ذی الکلاع، ابن حوشب، غالب باهلی.

در هنگام کشته شدن مختار در سال 67 هجری قمری بوسیله مصعب بن زبیر، ابراهیم اشتر حاکم موصل و جزیره بود و مصعب نیز او را بر پست خود باقی گذاشت تا بتواند جلوی حمله امویان را بگیرد.

عبدالمملک بن مروان در طی نامه ای به ابراهیم اشتر از او خواست که به بنی امیه بپیوندد تا وی را به حکومت عراق برگزیند اما اشتر این پیشنهاد را رد کرد و در نتیجه عبد المملک لشکری را به فرماندهی (محمد بن مروان) به مقابله با او فرستاد و جنگ سختی بین آنها در منطقه مسکن در گرفت و ابراهیم اشتر در این جنگ به شهادت رسید و بنا به نقل مسعودی در کتاب مروج الذهب پس از شهادت ابراهیم اشتر سرش را بریده، به نزد عبدالمملک فرستادند و جسد او را آتش زدند.

مرقد کنونی ابراهیم اشتر ظاهراً همان مکانی است که جسد مطهرش را آتش زدند و این مرقد امروزه در صحرای مابین بغداد و سامرا روی زمین مرتفعی بصورت ساختمانی مربعی شکل با گنبدی فیروزه ای قرار گرفته است و مردم این مرقد را به نام مرقد (شیخ ابراهیم) می نامند.

مرقد ابراهیم اشتر امروزه در شهرستان فارس استان صلاح الدین و در فاصله 45 کیلومتری کاظمین واقع شده است. این مرقد در خیابانی خاکی، منشعب از جاده اصلی سامرا کاظمین و در کنار پل اسحاقی قرار دارد. گنبد مرقد از بیرون با کاشیهای فیروزه فام

پوشانده شده و از درون با کاشیکاری و کاشی نوشته هایی از آیات قرآن تزئین شده است. در پایین گنبد دوازده پنجره قرار دارد و گنبد روی شش ستون هفت متری بنا شده که تا ارتفاع دو متری با مرمر پوشانده شده اند. ضریح مرقد از جنس برنز زرد بوده و قبلاً در حرم امامزاده سید محمد فرزند امام هادی قرار داشت که در سال 1385 ه ق به این مکان منتقل شده است ابعاد ضریح 3*25/4 متر و ارتفاع آن 5/2 متری باشد. گرداگرد ضریح را حرمی مربعی شکل به ابعاد هیجده متر و با چهار در بزرگ آهنی فراگرفته است. صحن خاکی بوده و اطراف آن را دیواری مستطیلی شکل به طول 100 متر و عرض 80 متر احاطه کرده که از بلوکهای سیمانی ساخته شده است. مرقد دارای برق و وسایل خنک کننده می باشد و تعداد خادمان آن سیزده نفر است که بصورت شیفتی خدمت می کنند.

4. مرقد دو طفلان مسلم بن عقیل

این مرقد در فاصله سه کیلومتری شرق (مسیب) (1) قرار دارد. و علی رغم آنکه روایت شیخ صدوق تنها روایتی است که قصه شهادت آنان را به تفصیل نقل کرده است اما برخی از علمای شیعه در صحت انتساب آن به فرزندان مسلم تردید داشته اند با این وجود بسیاری معتقدند که این محل مرقد طفلان مسلم بن عقیل است که محمد اصغر و ابراهیم نامیده می شدند و در حادثه کربلا موفق شدند که از معرکه جان سالم به در برده و پس از مدتی راهپیمائی راه را گم کرده و توسط دشمنان اسیر شده و به زندان می افتند اما زندانبان آنان را فراری داده و آن دو به خانه زنی از شیعیان پناهنده می شوند اما حارث بن عروه طائی که از سرکردگان عبید الله بن زیاد بود آنان را دستگیر نموده و در کنار شط فرات در سال 62 ه ق به شهادت می رساند و نیز در همین روایت آمده است که محمد اصغر در سال 52 ه

ص: 292

1- مسیب نام شهری در ساحل رودخانه فرات است که در حدود 42 کیلومتر از «حله» فاصله دارد، این شهر بر روی زمینهای: «مسیب بن نجبه فزاری» بنا گردید، شخص مذکور یکی از رهبران جماعت توابین بود که بعد از شهادت امام حسین (ع) به خونخواهی او برخاستند، وی نیز در نبرد «عین الورد» در سال 65 ه. ق به شهادت رسید.

بنابر روایات موجود ظاهراً مرقد فعلی محل شهادت آنان بوده است و قاتل پس از کشتن این دو طفل و جدا کردن سر آنها و ارسال سرها برای این زیاد جسد مطهرشان را در رودخانه فرات انداخت. اجساد بنا به روایتی توسط مردم از آب گرفته شده و در همان جا مدفون شدند و برخی نیز معتقدند که این محل زندان آن دو بوده است.

در بندی در کتاب خود (اسرار الشهاده) می گوید: (قبر آن دو در مکانی مشهور در نزدیکی شهر مسیب است، هر چند که ما تا کنون حتی يك روایت در مورد تعیین محل دقیق دفن آنها نیافته ایم اما اجماع علمای شیعه بر این است که آنها در این مکان به شهادت رسیده، دفن شده اند. به تواتر نقل شده که فضلا و علمای شیعه بقصد زیارت آنها به این مرقد مطهر مشرف می شده اند. (1) حرزالدین در کتاب خود مرقد المعارف در این باره می گوید: (قرنها می گذرد و این محل در طی قرون گذشته بعنوان مرقد طفلان مسلم مطرح بوده است و بجزگروه بسیار اندک، هیچکدام از مشاهیر بزرگ و علمای امامیه بدین امر معترض نشده اند. در دوران ما نیز بسیاری از علمای محقق و پژوهشگر شیعه به زیارت آن مرقد مشرف شده اند. تمام شیعیان ساکن در عراق این مرقد را متعلق به طفلان مسلم بن عقیل می دانند، همچنین شیعیان ایران و تمامی زائران عتبات عالیات نیز به این امر معتقد می باشند و به زیارت مرقد رفته و برای آن هدایا و نذوراتی برده اند و این امور خود بهترین دلیل در صحت انتساب آن به فرزندان مسلم بن عقیل است) (2).

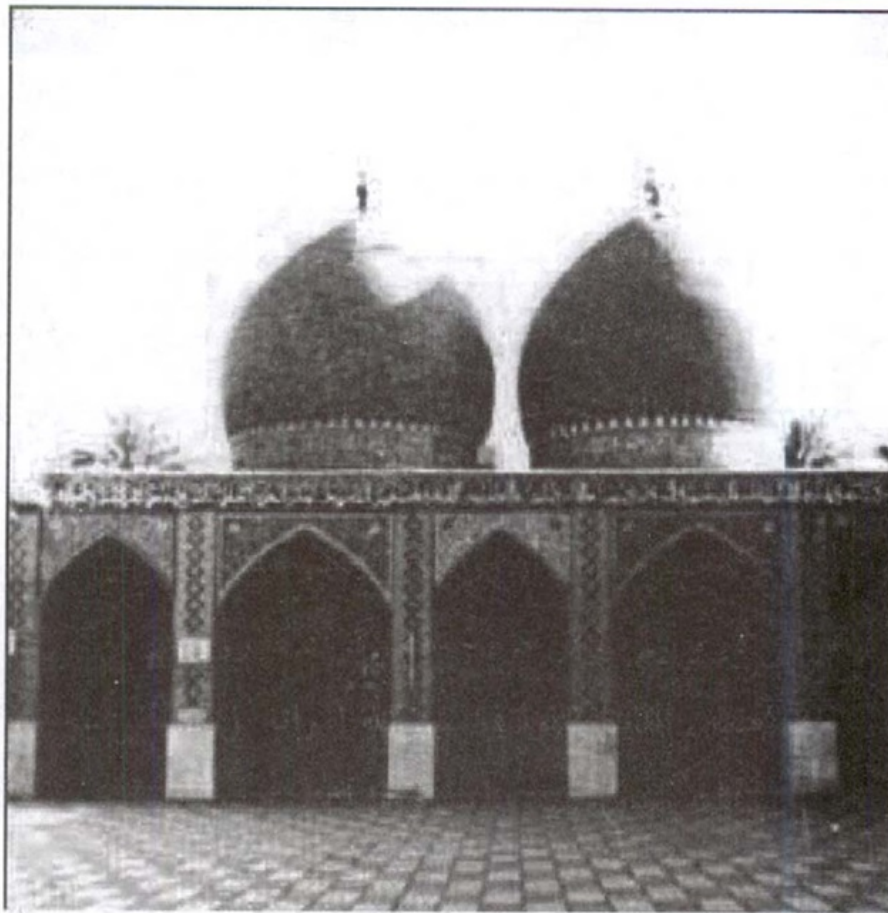
بنابر شواهد مذکور اولین بنایی که در این محل ساخته شده بوسیله سلطان اسماعیل صفوی و در حدود سالهای 920 تا 930 ه ق بود که شامل دو گنبد و يك حرم کوچک بوده است.

براساس اظهارات شیخ علی قسام نماینده آقای حکیم در شهر (مسیب) بنای فعلی

ص: 293

1- اسرار الشهاده تألیف آغا بن عابد در بندی، ص 242

2- اسرار الشهاده تألیف آغا بن عابد در بندی، ص 242



تصویر مرقد مطهر طفلان مسلم علیهم السلام

مرقد توسط حاج محمد حسین صدر وزیر سلطان فتحعلی قاجار در سال 1220 ه ق (1805 م) احداث شد. وی علاوه بر حرم صحن بزرگی برای مرقد ساخت که از وسط به دو بخش تقسیم شده بود، قسمت اول مخصوص استراحت زائران و قسمت بعدی مخصوص نگهداری چهارپایان آنان بود. در سال 1355 ه ق گروهی از تجار ایرانی بخش مخصوص چهارپایان را پس از ویران کردن به صحن مرقد افزودند و در آن اتاقهایی برای استراحت زوار ساختند. در سال 1376 ه ق نیز دولت عراق مبلغی را برای نوسازی صحن اختصاص داد که با آن بخش غربی صحن ساخته شد. در سال 1381 ه ق تجار فوق الذکر ایرانی مرقد را به آب لوله کشی تجهیز نمودند و برخی دیگر از مؤمنین در سال 1384 ه ق هزینه برق رسانی آن را تأمین کردند. در سال 1394 ه ق مرقد تجدید بنا

شد و با نقوش و خطوط زیبایی اسلامی مزین گردید. مقبره کنار مرقد نیز به پارکینگ ماشین تبدیل شد تا زائران از آن استفاده کنند.

در داخل حرم دو ضریح قرار دارند که ضریح شرقی متعلق به ابراهیم بن مسلم بن عقیل و ضریح غربی متعلق به برادرش محمد بن مسلم بن عقیل است و فاصله بین دو ضریح شش متر است و هرکدام از آنها 3 متر طول، 2 متر عرض و 25/2 متر ارتفاع دارند و در تاریخ 1301 ه ق از برنز زرد ساخته شده اند و ضریحی چوبی داخل هرکدامشان قرار دارد که توسط اداره اوقاف استان بابل عراق در سال 1395 ه ق (1975 م) نصب گردیده است.

بر بالای دو ضریح دو گنبد بزرگ قرار گرفته که با کاشیکاریهای فیروزه ای رنگ و کتیبه ای از آیات قرآنی تزئین شده اند و در پایین آیات قرآنی هرگنبد پانزده پنجره کوچک وجود دارد که نور از آنها به داخل حرم می تابد.

طول حرم 24 متر و عرض آن از سمت جنوب به شمال بیش از 12 متر است و در حرم شمعدان کوچکی وجود دارد که بر روی آن به زبان فارسی متن زیر کنده کاری شده است: (وقف مرقد مطهر طفلان جناب مسلم (علیه السلام) نمود نواب علیّه عالیّه شمس الدوله حرم محترم پادشاه به تاریخ شهر صفر سنه 1287 ه ق). (1)

آثار باستانی مهم عراق

اشاره

عراق پیشینه تاریخی بسیار کهنی دارد و این امر باعث شده است که آثار باستانی فراوانی را در خود جای دهد که از آنجمله می توان به شهرهای باستانی بابل، اورک، اریدو، نینوی و غیره اشاره کرد. ما در این فصل بصورت مختصر برخی از مهمترین این آثار را معرفی می کنیم.

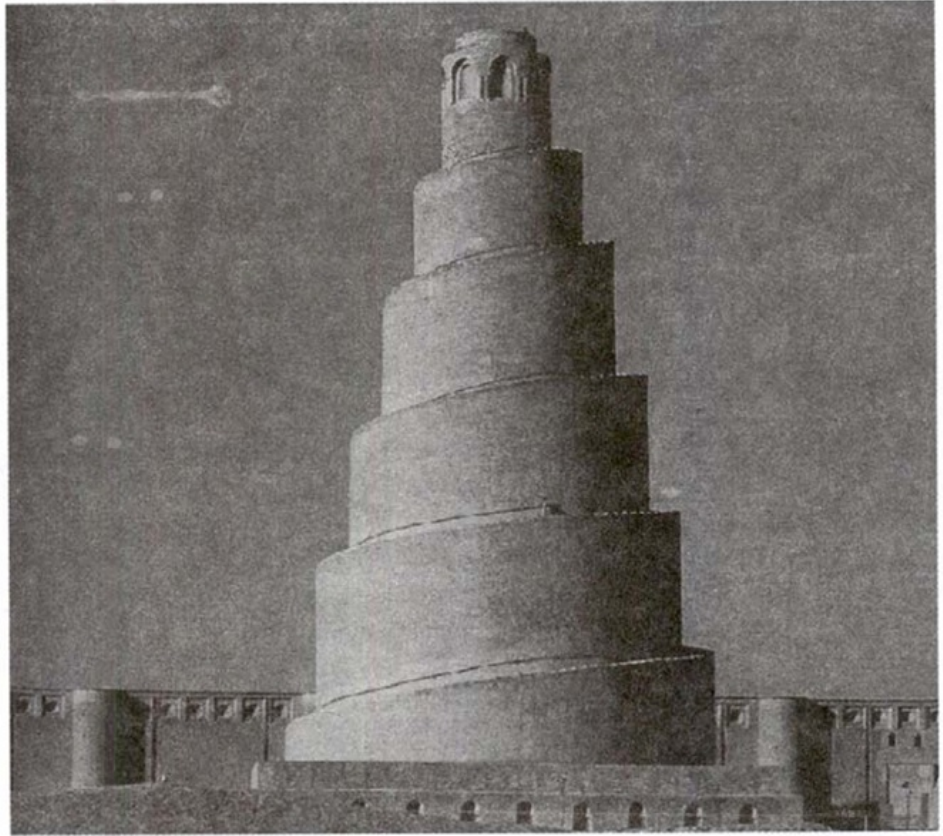
ص: 295

1- هنگامیکه حاج علی بن حسین هلال (متوفی، 1352 ه. ق) قبر دو طفلان مسلم را بازسازی می کرد به دو سنگ قبر برخورد که نوشته بود محمد بن مسلم و ابراهیم بن مسلم (ویراستار به نقل قول از ره توشه عتبات عالیات ص 321)

این مسجد در کنار رودخانه دجله و در شمال غربی بغداد قرار دارد. مسجد مستطیلی شکل بوده و مساحت کلی آن بالغ بر 38000 متر مربع می باشد، یعنی در حدود چهار هکتار است که نیمی از آن با سقفی چوبین متکی بر 464 ستون پوشیده می شده است. امروزه همه آن به اضافه موزاییک کاریهای سطح دیوارها کلاً از بین رفته است و فقط مناره مشهور این مسجد که به نام ملویه بوده و با پلکانی مارپیچی به قسمت مسطح نوک منتهی می شود، پابرجاست.

این مسجد در فاصله سالهای 848 و 852 میلادی ساخته شده و امروزه بصورت مخروبه درآمده است. در ضلع شمالی مسجد مناره تک و بزرگی ساخته شده است که آوای مؤذن از فراز آن مؤمنان را به نماز فرا می خواند. با آنکه شکل این مناره یادآور زیگوراتهای باستانی بین النهرین است، سازنده اش طرح آن را احتمالاً نه از زیگوراتهای یاد شده بلکه از گونه ای برج حلزونی در ایران ساسانی که هدف از آن تاکنون برکسی روشن نشده، الهام گرفته است. برخی تصور دارند که متوکل خلیفه عباسی پس از نوشیدن شراب با اسب از این مناره بالا می رفت، هرچند که پهنای پله های این مناره امکان انجام چنین کاری را می دهد، اما به هر حال از صحت انتساب چنین اسطوره ای به متوکل اطلاع چندانی در دست نیست.

مناره مذکور بیرون مسجد در فاصله بیست و هفت متری شمال آن قرار گرفته و بر خط محوری محراب مسجد واقع است. بدنه حلزونی مناره بر روی قاعده ای دو طبقه و مربعی شکل قرار گرفته که اضلاع طبقه پایین آن 8/31 متر و اضلاع طبقه بالایی آن 5/30 متر می باشد، ارتفاع این قاعده تزیین شده از سطح زمین 2/4 متر است. این گلدسته بدنه استوانه ای شکلی دارد که پلکانی مارپیچ و مخالف جهت عقربه های ساعت گرداگرد آن را گرفته و به بالاترین قسمت مناره ختم می شود. قطر انتهای این مناره مارپیچ 3 متر و ارتفاع آن از سطح زمین 50 متر است. بنا به روایت مورخان متوکل مبلغ پنج میلیون دینار عباسی برای ساختن این مسجد هزینه کرده است.



تصویر مناره مسجد جامع سامرا

2. قصر اخيضر:

کاخ اُخِيضْر یکی از نخستین کاخهای سالم مانده مسلمانان در عراق است که در نیمه دوم سده هشتم میلادی ساخته شده است. این کاخ که احتمالاً بزرگترین کاخ اسلامی است، در جنوب کربلا و در فاصله 48 کیلومتری آن قرار دارد، و در قرن گذشته سالم از زیر خاک بیرون آورده شد. دیوارهای بلند و برج دار آن از بیرون بیشتر به دیوارهای مسجد بزرگ سامرا شباهت دارد. این تشابه، بازتابی از انعطاف پذیری مختص نخستین بناهای بزرگ اسلامی است، زیرا با تغییراتی نسبتاً جزئی می شد آنها را متناسب با هدف خاصی از نو به کار گرفت. از بیرون به ندرت می توان تفاوت‌های موجود میان يك مسجد، کاخ و یا کاروانسرا را تشخیص داد: وجه مشترك این بناها عموماً ظاهر عبوس و مستحکم آنها بود که حکایت از ضعف نظامی آنها می کرد. دیوارهای بلند را احتمالاً برای حفاظت در برابر قبایل چادرنشین غارتگر می ساختند.



تصویر صر باستانی اخضر

در نقشه ساختمانی کاخ اخضر کارکرد دوگانه مسکونی و اداری آن دیده می شود. مجموعه با شکوه ورودی، شامل يك دروازه عظیم و تالاری بزرگ بین اتاقهای گنبددار کوچک که به يك حیاط بزرگ منتهی می شود و در پشت آن يك تالار پذیرایی وجود دارد که اتاقهایی در چهار طرف آن ساخته شده است. در دو جناح این محور تشریفاتی، چهار حیاط کوچکتر واقع شده که جملگی در هر يك از دو ضلع شمالی و جنوبی خود سه اتاق دارند. این اتاقهای مجتمع، ظاهراً مستقلند و احتمالاً بعنوان واحدهایی برای زندگی چند خانواده یا مهمانخانه مورد استفاده قرار می گرفتند. در سمت راست تالار ورودی، یکی از اجزای ثابت این گونه کاخهای اولیه یعنی مسجد دیده می شود که به پیکره کل کاخ چسبیده است، البته مسجد را گاهی جداگانه می ساختند. در بیشتر کاخها حمام های بسیار زیبا و با شکوه ساخته می شد، که پاره ای از مشخصات و اجزای فنی آنها مانند شبکه های گرمایش به تقلید از حمام های سنتی رومی می باشد. حمام های کاخ

اخیضر در نزدیکی مسجد قرار دارند و مانند حمام های روزگار کلاسیک کهن، احتمالاً کارهایی جز وظایف بهداشتی داشته اند. غالباً تالارهایی متصل به این حمام ها ساخته می شدند که احتمالاً بعنوان مکانهای خوش گذرانی و سرگرمی مورد استفاده قرار می گرفتند.

تزئینات کاخ اخیضر خیلی ساده بوده و به گچکاری و آجرکاری تزئینی بسیار ساده محدود می شود. از این لحاظ آثار به دست آمده از کاخهای غربی در سوریه و فلسطین به مراتب غنی تر بوده اند.

3. شهر اور:

بنا به گفته باستان شناسان این شهر که (اورکلدانیین) نام دارد کهن ترین شهر جهان به شمار می رود و در پنج هزار سال قبل از میلاد ساخته شده است. نام کنونی اور (الورقاء) است و نام سومری آن (اورک) است که در تورات با نام (ارک) ذکر شده است.

این شهر امروزه در سمت غرب رودخانه فرات و در پانزده کیلومتری جنوب شهر ناصریه مرکز استان قادسیه قرار دارد و از مهمترین آثار باقیمانده این شهر برج زیگورات آن است که نخستین نمونه از این گونه برجها در جهان کهن می باشد. این زیگورات کمی بیش از 3000 سال قبل از میلاد ساخته شده و چند قرن از نخستین هرم مصری قدیمی تر است. در نگاه نخست کوهی از خشت خام را می بینیم که در اثر عواملی همچون زمان، آب و هوا و تاخت و تاز دشمنان تقریباً بصورتی بی شکل در آمده است. ساختمان زیگورات از دوطبقه ساخته شده است و پشته ای که پایه زیگورات محسوب می شود و سطوح جانبی آن با آجر مستحکم شده است، بیش از دوازده متر ارتفاع دارد. پله های متعدد این پشته به سطح وسیعی منتهی می شود که محل بنای پرستشگاه است. سه پلکان خرپشته ای، هر يك با یکصد پله در يك نقطه به دروازه برج دار زیگورات می رسند و از آنجا احتمالاً پلکان دیگری به زیارتگاه یا پرستشگاه منتهی می شود.

این پرستشگاه سومری به نام (معبد سفید) معروف شده زیرا بدنه آجری آن سراسر

گچ اندود بوده است. محوطه درونی و اصلی ساختمان یا مقصوره آنجا که پیشکش و نذر نثار پای پیکره خداوند می گردید تالار باریک و بلندی است که در طول تمام معبد ادامه یافته و دو طرفش را اتاقهای کوچکتری متعاقب یکدیگر فرا گرفته است. اما ورودی اصلی مقصوره در سمت جنوب غربی قرار دارد و برخلاف انتظاری که داریم، در جهت مقابل پله ها و یا در یکی از جناحهای باریک معبد قرار نگرفته است. برای پی بردن بعلت این وضع باید زیگورات و معبد را همچون مجموعه واحدی در نظر آورد: بدین معنی که نقشه مجتمع ساختمانی آن به نحوی طرح شده بود که هر پرستنده برای صعود از پله های سمت مشرق به درون مقصوره می بایستی تاحد امکان از پیچهای بیشتری عبور کنند. به عبارت دیگر راه عبور عابدان بسوی معبد شبیه به نوعی مارپیچ حلزونی زاویه دار بوده است، این خاصیت راه ورود به پرستشگاه از مختصات بناهای دینی بین النهرین است. پس از این و

در طی 2500 سال بعد ساختمانها پیوسته بصورت زیگوراتهای برج مانند بلندتر و با طبقات بیشتر تکامل یافت. نمونه برجسته ای از آنها که به طرز استثنائی محفوظ برجای مانده، زیگوراتی است که توسط عیلامی ها در (دور اوتناشی) نزدیک شوش باستان (چغازنبیل امروزی در ایران) ساخته شده است و معیاری کامل از عظمت و تفصیل این گونه بناهای دینی را نشان می دهد.

بتی که معبد سفید برای پرستش آن ساخته شده بود از بین رفته است، اما به نظر می رسد که این معبد متعلق به خدای (آنو) خدای آسمان بوده است.

زیگورات اور نمونه مناسبی از معابد قدیمی دوره سومری نوین است. در این دوره معماران می کوشیدند بلندترین و کوه پیکرترین بنای ممکن را روی زمین برپا دارند. ساختمان این زیگورات، کوه محکمی از خشت خام با نما سازی ضخیمی از آجر پخته با ملات قیری است. آجر پخته را به این علت با ملات قیر در نما سازی بکار می بردند که بر قدرت و استحکام ساختمان در برابر سیلها و اثر سایر عوامل طبیعی بیفزایند. طبقات زیگورات، احتمالاً به رنگهای متفاوت با معنی نمادینی ساخته می شده اند و احتمالاً سطح پشته آنها را درختکاری و گیاهکاری می نمودند. ارتفاع زیاد این بنا و دشواری

صعود و دستیابی به نوک زیارتگاه احتمالاً مانند مذاهب دیگر، نمادی از گونه ای تدارك دشوار روح برای روشنایی گرفتن از خدا به شمار می رفته است. بدون تردید بلندی زیگوراتهای بزرگ که ظاهراً به قلب آسمان می رسیدند، تأثیر ژرفی بر مردمان کهن داشت و دلیل آن وجود زیگورات بلندی در بابل به نام برج بابل که ارتفاع آن نشانه ای از غرور بلند پروازانه نوع بشر است.



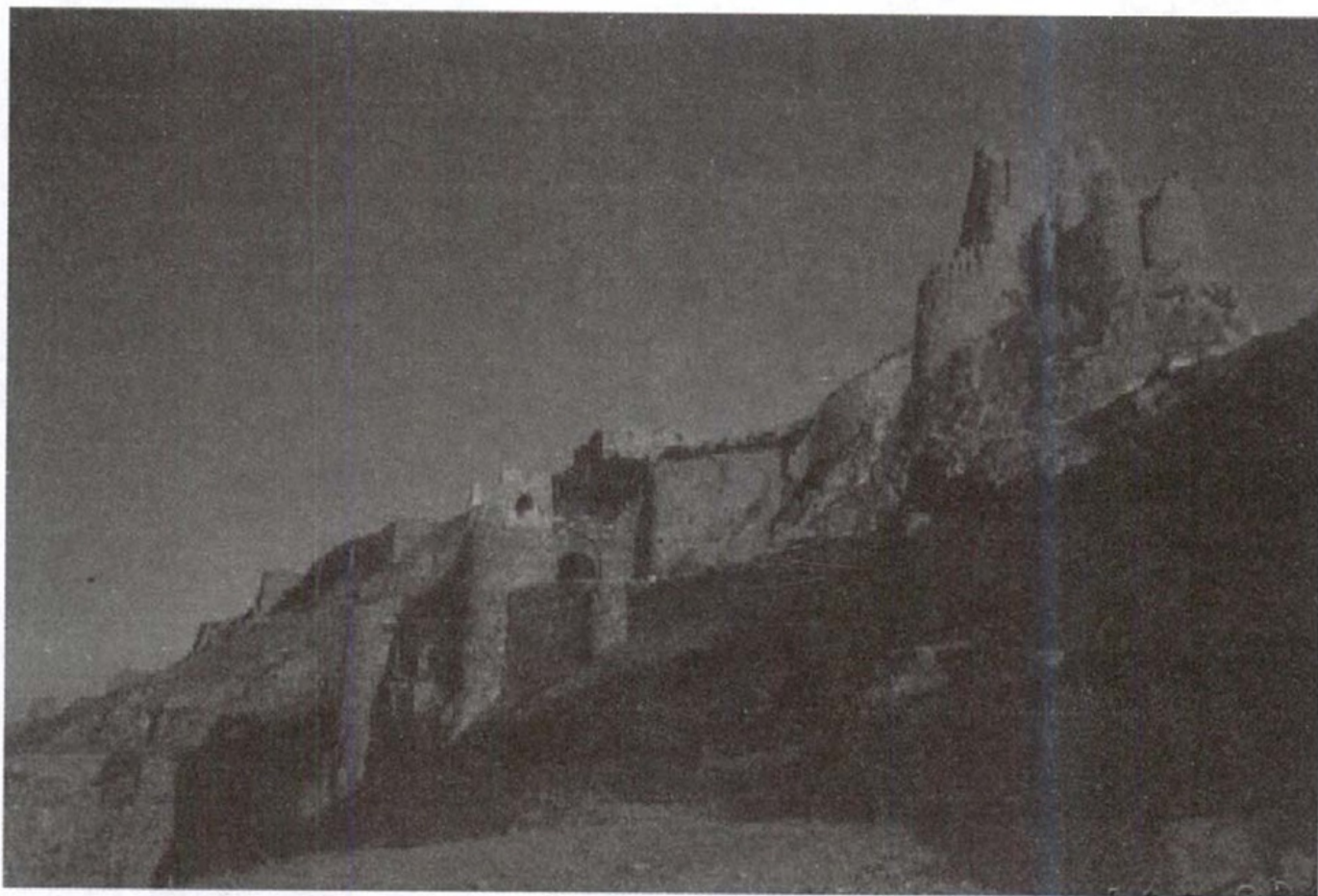
تصویر زیگورات اور

4. قلعه اربیل:

این قلعه در وسط شهر اربیل در شمال عراق قرار دارد و مساحت آن حدود یکصد و ده هزار متر مربع است و ارتفاع کلی قلعه از سطح شهر حدود ده متر است. بازدید کننده از دو طریق می تواند به داخل قلعه راه یابد یکی بوسیله پله ها و دیگری راه باریک و شیبی است که ماشین رو نیز می باشد. باستان شناسان علت ارتفاع قلعه را اینگونه توجیه می کنند که طی قرون متمادی این قلعه مسکونی بوده و نسلها یکی پس از دیگری بر خرابه های نسل قبلی خانه ساختند و این امر منجر به مرتفع شدن قلعه شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که نام شهر و قلعه آن در آثار برجای مانده از چهار هزار سال قبل آمده است و این قلعه مقر اصلی عبادت الهه عشق و باروری (عشتار) بوده است. یکی از مشهورترین ساکنین شهر و قلعه مذکور پادشاه قدرتمند آشوری (سنحاریب) بود که توانست آب آشامیدنی را با کانال کشی شهر و قلعه به آنجا برساند. در الواح گلی برجای مانده از آن روزگار آمده است که سنحاریب می‌گوید: من سنحاریب پادشاه جهان و پادشاه آشور هستم، سه کانال در کوه‌های خانی که از کوه‌های شهر اربیل است حفر کردم، آب چشمه‌های چپ و راست را به شهر هدایت کردم سپس کانالی کشیدم که آب را به وسط شهر زادگاه الهه (عشتار) می‌رساند.

پس از سقوط بابل، شهر اربیل همانند سایر شهرهای بین‌النهرین به تصرف پادشاهان هخامنشی درآمد و سالها تحت تصرف ایرانیان باقی ماند و عاقبت یکی از پادشاهان ایران در این شهر به قتل رسید و گویند که وی گنجهای خود را در قلعه اربیل مخفی کرده بود.



تصویر قلعه اربیل

اسکندر مقدونی هنگام حمله به شرق در دشتهای شهر اربیل با ارتش ایران درگیر شد و جنگی بزرگ در این منطقه درگرفت که عاقبت به پیروزی اسکندر مقدونی انجامید. یکی از ساکنان قلعه این حادثه تاریخی را بصورت نقاشی ترسیم کرد و این لوحه ارزشمند تاریخی بعدها از اربیل به بمبئی هندوستان و از آنجا به موزه ناپل در ایتالیا منتقل شد. گفته می شود که نقاش برجسته (لوبرون) شاهکار خود را از این نقاشی الهام گرفت و امروزه اثر وی در موزه قصر ورسای فرانسه قرار دارد.

شهر اربیل در روزگار عباسی ها بسیار شکوفا شد. از جمله مورخین عرب که از قلعه اربیل یاد کرده اند یاقوت حموی است که می گوید: در طرفی از شهر اربیل قلعه ای استوار با خندقی عمیق وجود دارد که زمینهای وسیعی را در برگرفته است. این قلعه بر روی تپه خاکی بزرگی قرارگرفته و در آن بازارها و خانه های رعیتها و مسجدی قرار دارد و بسیار شبیه قلعه حلب است اما از آن بزرگتر و زمینهای آن وسیعتر است.

5. طاق کسری:

طاق کسری قسمتی از قصر سلطنتی پادشاهان ساسانی است که در شهر تیسفون یا مدائن پایتخت قدیمی ایران قرار دارد و در حقیقت بلندترین طاق آجری است که از روزگار کهن تا کنون برجای مانده است. این قصر مسکن بسیاری از پادشاهان ساسانی بود و از آن همه جلال و جبروت، امروزه تنها ایوان عظیم آن باقی مانده است که بر فراز آن شکافی عمیق نمایان است و گفته می شود که هنگام تولد رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) این شکاف پدید آمده است. این طاق در 30 کیلومتری جنوب بغداد و در سمت غرب رودخانه دجله قرار دارد. بلندی این طاق آجری 30 متر و عرض آن 48 متر و قطر دیوارهای آن 7 متر است. در این قصر بود که در سال 532 ق. م پیمان صلح ایران و روم معروف به صلح پایدار میان دو دولت ایران و روم شرقی منعقد شد. در هنگام سقوط این شهر، وقتی که اعراب وارد آن شدند از عظمت آن در شگفت ماندند و چون شهر بنا به روایتی از دوازده شهر تشکیل می شد، نام آن را مدائن گذاشتند که در زبان عربی جمع مدینه و به

معنی (شهرها) است. کاخ عظیم مدائن را ابتدا شاپور ذوالاکتاف در قرن سوم میلادی بنا نمود و بعدها انوشیروان آن را توسعه داد.

بسیاری از شاعران عرب و ایرانی به دیدار بقایای این قصر شتافته و احساسات خود را در قالب قصیده و یا غزل بیان کرده اند و از مهمترین آنها خاقانی است که قصیده معروف خود (ایوان مدائن) را سروده است و در مطلع آن چنین گوید:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظرکن هان

ایوان مدائن را آینه عبرت دان

در کنار طاق کسری قبر دوتن از صحابه رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) قرار دارد که یکی از آنها سلمان فارسی و دیگری حذیفه یمانی است.



تصویر طاق کسری در مدائن

6. شهر باستانی بابل:

شهر باستانی بابل یکی از مهمترین آثار باستانی عراق است. این شهر در سال 2350 ق. م تشکیل شد. خرابه های این شهر در نزدیکی شهر حله قرار دارند. معنی کلمه بابل در زبان اکدی (باب الاله) یا دروازه خدایان است و پیشینیان آن را به نامهای مختلفی از

جمله (بابلونا) می خواندند نام این شهر در قرآن نیز آمده است. (1) این شهر بعد از سقوط تمدن سومری بعنوان پایتخت امپراتوری بزرگ بابل بر صحنه روزگار ظاهر شد امپراتوری بزرگی که حمورابی آن را در 2100 سال قبل از میلاد پایه گذاری کرد و از خلیج فارس در جنوب تا شمال رودخانه دجله امتداد داشت مدت پادشاهی حمورابی 43 سال بود و در این مدت بابل به اوج شکوفایی خود رسید.

شهر بابل در دو سوی رودخانه فرات قرار داشت و از جمله آثار مهم این شهر باغهای معلق بابل بود که یکی از عجائب هفتگانه جهان باستان به شمار می رفت و اکنون ویرانه ای بیش نیست. از دیگر آثار این شهر دروازه ای معروف به دروازه عشتار و معبد بزرگ مردوک می باشد. اقتصاد شهر بابل بیشتر متکی برکشاورزی و دامداری بود. شهر بابل حاوی طبقات متعدد اجتماعی بود از جمله طبقه اشراف، عامه مردم و بردگان و بعلت



تصویری از شهر باستانی بابل

عدم دسترسی منطقه به سنگ و درخت بابل‌ها خانه‌ها و معابد خود را از گل پخته و یا آجر می‌ساختند. در حال حاضر غالب آثار باستانی شهر بابل در موزه‌های آمریکا و انگلستان و سایر کشورهای اروپایی نگهداری می‌شود و تنها تعداد اندکی از آنها در موزه بغداد نگهداری می‌شود.

این شهر تا سال 538 ق. م رونق داشت و در این سال که به تسخیر کوروش درآمد، به تدریج رونق و اعتبار گذشته خود را از دست داد. امروزه این شهر در 90 کیلومتری جنوب بغداد و در فاصله چند کیلومتری شمال شهر حله قرار گرفته است.

7. شهر باستانی متوکلیه:

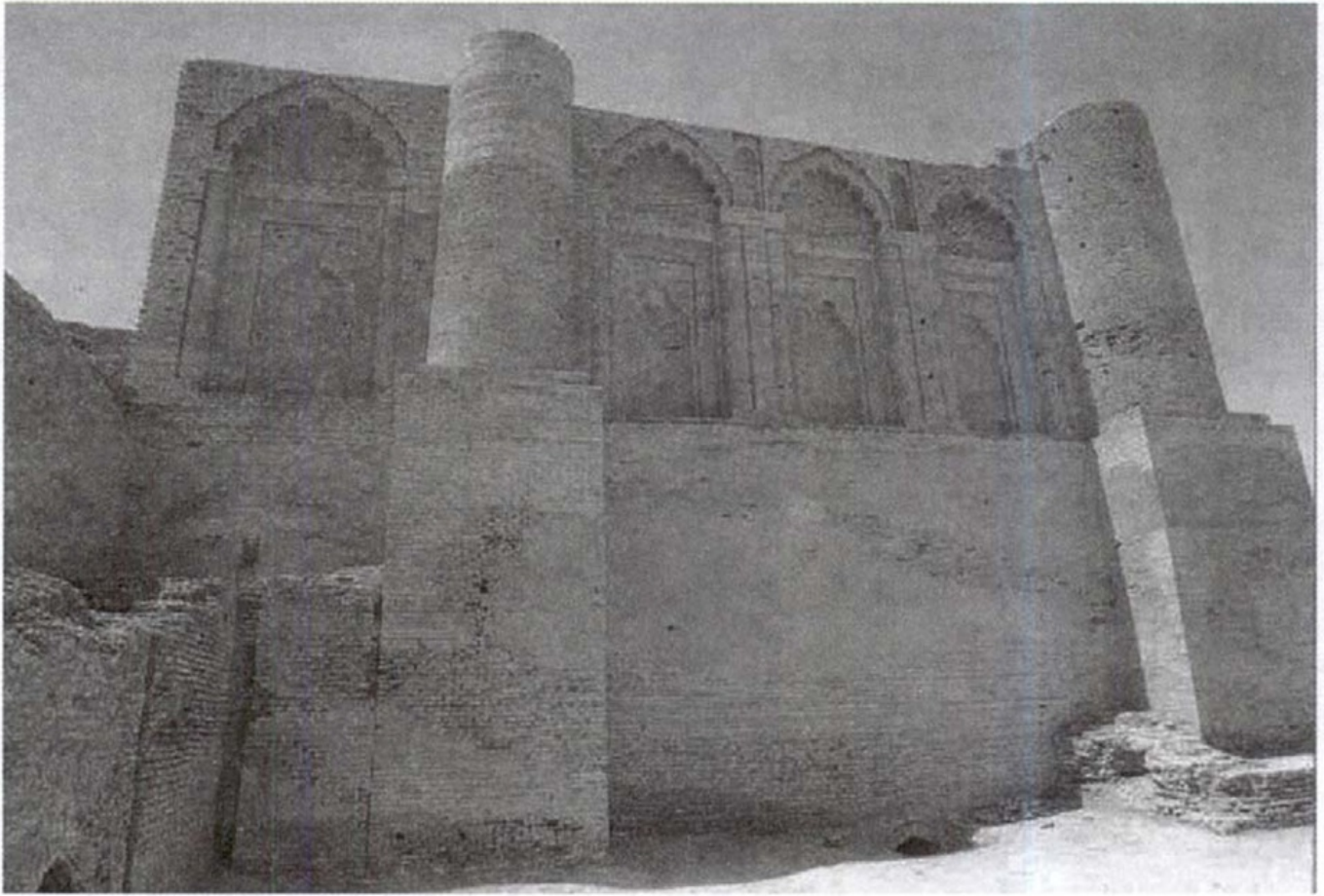
این شهر توسط متوکل خلیفه عباسی ساخته شد، شهر مذکور در فاصله 20 کیلومتری سامرا به سمت شهر نکریت قرار دارد و گفته می‌شود متوکل برای ساختن این شهر یک میلیون و پانصد هزار دینار طلا- هزینه نمود و دستور داد که خیابانهای آن را پهن بگیرند و در آن قصرهای متعددی برای خود و دربارانش بسازند. وی در این شهر مسجدی به نام ابو دلف با گلدسته ای ماریچ ساخته که بسیار شبیه مسجد جامع سامرا بود اما مساحت آن و ارتفاع گلدسته ماریچ آن بسیار کمتر بود. همچنین دستور داد قناتی از نزدیکی رودخانه دجله بسوی شهر مذکور کشیده شود تا بتوان بدین وسیله آب شهر را تأمین نمود. وی دستور داد تا علاوه بر ساختن بازار بزرگ شهر برای هر محله نیز بازاری ساخته شود. کار بنای شهر در سال 245 ه ق آغاز شد و شهر شامل سه بخش عمده بود: بخش اول محله جنوبی شهر بود که (عربایا) نام داشت و محل سکونت مردم معمولی و عادی شهر بود، بخش دوم شهر محله میانی بود که مخصوص سکونت فرماندهان نظامی بود و در شمال آن مسجد ابودلف قرار داشت و بخش سوم شهر محله شمالی آن بود که مخصوص قصر دارالخلافه، دیوانهای دولتی و قصرهای متوکل بود. این قسمت بوسیله بارویی کاملاً از سایر قسمتهای شهر جدا می‌شد، این بارو سه دروازه بزرگ داشت که سواره با نیزه اش می‌توانست به راحتی از آنها عبور کند. پس از اتمام ساخت شهر، متوکل

و درباریانش در اول ماه محرم سال 247 ه ق به شهر متوکلیه منتقل شدند اما متوکل نتوانست مدت زیادی را در این شهر بگذراند، و عاقبت در روز چهارم شوال سال 247 ه ق بر اثر توطئه پسرش (منتصر) توسط تعدادی از غلامان ترك به قتل رسید و پس از آن پسرش منتصر به خلافت رسید و چند روز بعد منتصر دستور داد که محل خلافت مجدداً به سامرا منتقل شود و خود و لشکریانش به شهر سامرا بازگشتند و شهر متوکلیه غیر مسکونی شد. در حال حاضر آثار برجای مانده از شهر متوکلیه در کنار رودخانه دجله و در 10 کیلومتری شمال سامرای امروزی همچنان پابرجاست و می توان باروی بزرگ و 5/4 کیلومتری آن را براحتی مشاهده کرد. مساحت این شهر در حدود 540 هکتار بوده است و از مهمترین آثار باقیمانده در این شهر مسجد ابودلف است که نقشه آن شباهت بسیاری به مسجد جامع سامرا دارد. ابودلف از معدود فرماندهان عرب لشکر متوکل بود که (قاسم بن عیسی بن ادیس بن معقل عجللی) نام داشت و در سال 226 ه ق وفات یافت. وی و فرزندانش از شیعیان معتقد و از سران حکومت عباسی در زمان هارون الرشید و پس از آن بودند. مسجد ابودلف در حقیقت نمونه کوچکتر مسجد جامع متوکل است و ابعاد آن 138*215 متر بوده و بارویی به ضخامت 6/1 متر دارد. این مسجد دارای هیجده دروازه است و گلدسته آن شبیه ملویه است، با این تفاوت که ارتفاع آن 19 متر است.

8. قصر عاشق و معشوق

یکی از قصرهای معروف دوران عباسی است. آثار برجای مانده از این قصر در نزدیکی شهر سامرا قرار دارد. این قصر را معتمد عباسی در سال 264 ه ق بنا نمود. این قصر آجری برجها و باروهای متعددی داشته که امروزه قسمتهایی از این برج و باروها برجای مانده است.

البته گفتنی است که قصرهای باستانی سامرا، مجموعه ای متعدد از قصرها است که خلفای هوسران عباسی پس از انتقال پایتخت به شهر سامرا آنها را برای خوشگذرانی و



تصویر قصر عاشق و معشوق

برگزاری مجالس جشن و سرور و شادمانی خود بنا کردند و قصر عاشق و معشوق یکی از این مجموعه قصرها می باشد و نام دیگر قصرهای عباسی که در سمت شمال غربی مسجد جامع متوکل و در شهر متوکلیه بنا گردید عبارتست از:

قصر الجعفری، قصر العروس، قصر المختار، قصر الوحید، قصر الجعفری المحدث، قصر الغریب، قصر الصبیح، قصر الملیح، قصر بستان الایتاخیه، قصر التل، قصر الجوسق، قصر برکوارا، قصر القلانند، قصر الغرد، قصر المتوکلیه، قصر البهو، قصر اللؤلؤه و غیره.

9. شهر حیره:

در چند کیلومتری شهر کوفه آثار و خرابه های شهر حیره، پایتخت پادشاهان سلسله مناذره قرار دارد. این سلسله از پادشاهان، دست نشانده امپراتوری ساسانی بودند و از مرزهای غربی امپراتوری در برابر اعراب بادیه نشین و رومیان دفاع می کردند. گفته

می شود ساختمانهای کوفه پس از ظهور اسلام و فتح عراق از آجرهای این شهر ساخته شده است. امروزه می توان آثار مخروبه ای از يك شهر کامل با خیابانها و كوچه ها و كليساها و غيره در آن مشاهده كرد.

10. شهر آشور:

در يكصد كيلومتری جنوب شهر موصل و در سمت راست رودخانه دجله، خرابه های شهر آشور، پایتخت باستانی امپراتوری آشور قرار دارد. قلعه این شهر با كاوش های باستان شناسان سر از خاك درآورده و امروزه به نام (قلعه شرقاط) مشهور است. علاوه بر این تعدادی معبد و بویژه معبد با برج گردان که شهرت ویژه ای دارد، در این شهر وجود دارند.

11. شهر کالج:

شهر کالج دومین پایتخت امپراتوری آشور است که سمت چپ رودخانه دجله و در فاصله 35 كيلومتری جنوب شرقی شهر موصل واقع است. خرابه های این شهر باستانی، امروزه به نام (خرائب نمرود) شهرت دارد و در نیمه قرن نوزدهم از زیر خاك بیرون آورده شد. از این شهر آثار باستانی مهمی كشف شده که بسیاری از قطعات آن زینت بخش موزه های جهان است.

12. شهر نینوا:

شهر نینوا آخرین پایتخت امپراتوری آشور است که خرابه هایش سمت چپ رودخانه دجله و مقابل شهر موصل کنونی قرار دارد، بگونه ای که هنگام ورود به شهر موصل باید از میان دیوارهای قطور برج و باروی آن گذشت. این شهر در سال 1080 ق. م پایتخت شد و به سرعت رو به توسعه و عمران نهاد و در آن می توان آثار معابد و كاخها و قلعه های عظیم و مجسمه های خدایان باستانی آشور را مشاهده كرد.

13. شهر حضر:

شهر حضر در آغاز يك پادگان نظامی بود و بعدها به تدریج به شهر مهمی تبدیل گردید. این شهر در قرن اول پیش از میلاد در فاصله یکصد و چهل کیلومتری جنوب غربی موصل و در دشت محصور بین دو رودخانه دجله و فرات ساخته شد. در این شهر امروزه می توان آثار باستانی جالب توجهی را دید که عبارتند از: قلعه های سنگی، کاخها، معابد، مقابر حکام و پادشاهان و مجسمه های خدایان و غیره.

14. شهر بوسیا:

در پانزده کیلومتری جنوب غربی حله به سمت نجف، تپه ای مصنوعی از آجر به ارتفاع 44 متر دیده می شود که به (برس نمرود) یا (برج نمرود) شهرت دارد و گفته می شود این تپه برج مانند جایگاهی است که نمرود از روی آن حضرت ابراهیم (علیه السلام) را به آتش افکند. در دشت روبروی این تپه، زمین بسیار وسیعی دیده می شود که همچون آجر پخته می باشد و گفته می شود که بر روی این زمین آتش نمرود برای سوزاندن ابراهیم (علیه السلام) افروخته شده است.

ص: 310

شهر مدائن یکی از شهرهای باستانی عراق است. این شهر پایتخت دولت ساسانیان بود و پس از سقوط آن در حمله اعراب به ایران به تصرف مسلمانان درآمد و امروزه مرقد دو تن از یاران پیامبر (صلی الله علیه و اله) در این شهر قرار دارد. در شهر مدائن مرقد سلمان فارسی و مرقد حدیفه یمانی قرار گرفته و یکی از زیارتگاه های شیعیان به شمار می رود. در این شهر علاوه بر مراقد فوق الذکر باقیمانده طاق کسری نیز وجود دارد که بخشی از قصر یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی می باشد. نام قدیمی مدائن تیسفون است و نام مدائن بعد از تصرف شهر توسط اعراب بر آن نهاده شد.

شهر مسیب یکی دیگر از شهرهای زیارتی عراق است که در آن قبر دو طفلان مسلم واقع شده است. که یکی ابراهیم و دیگری محمد نام داشتند.

عراق آثار باستانی فراوانی دارد که از جمله این آثار می توان موارد ذیل را ذکر نمود:

1. مسجد جامع سامرا

2. قصر اخیضر

3. شهر اور

4. قلعه اربیل

5. شهر باستانی بابل

6. شهر باستانی متوکلیه

7. قصر عاشق و عشوق

8. شهر حیره

9. شهر آشور

10. شهر کالج

11. شهر نینوا

12. شر حضر

13. شهر بوریسیا

1. واژه عراق از چه زمانی در شعر جاهلی عرب ظهور کرده است؟
2. معنی واژه (ایراک) در زبان فارسی قدیم چیست؟
3. مساحت جغرافیایی عراق چقدر است؟
4. عراق با جمهوری اسلامی ایران چند کیلومتر مرز مشترك دارد؟
5. دورودخانه مهم عراق را ذکر نمایید و بگویید که از کجا سرچشمه می گیرند؟
6. سه دریاچه عراق را نام برید؟
7. مرکز تجمع ترکمان های عراق در چه شهری است؟
8. صابنه عراق در کجای این کشور سکونت دارند؟
9. خلاصه ای از انقلاب سال 1920 م عراق علیه انگلیس ها بنویسید؟
10. عراق چند استان دارد؟ پنج استان آن را نام ببرید؟
11. مرکز استان التامیم چیست؟
12. قبرهای منسوب به نبی یونس و نبی شیت در کدام استان قرار دارند؟
13. قبرهای منسوب به نبی هود و نبی صالح در کدام استان قرار دارند؟
14. شهر واسط در عراق توسط چه کسی ساخته شد؟
15. فاصله شهر نجف اشرف تا کربلای معلی چند کیلومتر است؟
16. معنی لغوی نجف را بنویسید؟
17. شاه عباس صفوی در چه زمانی بر شهر نجف و سایر شهرهای عراق دست یافت؟

18. نام سه محله از محله های نجف را نام ببرید؟
19. حرم مطهر حضرت علی (علیه السلام) چند در دارد؟ سه تای آن ها را نام ببرید؟
20. سه مکان زیارتی دیگر در شهر نجف را نام ببرید؟
21. مقام امام زین العابدین (علیه السلام) در کجا قرار دارد؟
22. علت تسمیه مسجد حنانه بدین نام چه بوده است؟
23. قبرستان معروف نجف چه نام دارد؟
24. محل بنای شهر کوفه بنا به پیشنهاد کدامیک از یاران پیامبر (صلی الله علیه و اله) بوده است؟
25. مسجد کوفه در چه سالی تأسیس شد؟
26. مرقد مسلم بن عقیل در کجا قرار دارد؟
27. هانی بن عروه کیست؟
28. مهم ترین کار مختار ثقفی چه بود؟
29. میثم تمار در چه سالی به شهادت رسید؟
30. مسجد سهله در کجا واقع شده است و از چه جهت اهمیت دارد؟
31. مسجد صعصعه منسوب به چه کسی است؟
32. مرقد کمیل در کجا قرار دارد؟
33. خانه امام علی (علیه السلام) در کوفه در اصل منزل چه کسی بوده است؟
34. علامه مجلسی درباره مسجد حضرت یونس در کوفه چه نظری دارد؟
35. فاصله شهر کربلا تا بغداد چند کیلومتر است؟
36. کدام قبیله اقدام به دفن اجساد شهدای کربلا نمود؟
37. اولین کسی که بر روی قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) گنبدی از آجر و گچ ساخته که بود و در چه سالی؟
38. استان کربلا چند شهرستان دارد؟ نام ببرید؟
39. سه محله از محله های کربلا را نام ببرید؟
40. سایر زیارتگاه های مهم کربلا را نام ببرید؟

41. دژ الاخیضر از اماکن سیاحتی کدام استان عراق است؟
42. صحن مطهر امام حسین (علیه السلام) چند در دارد؟ سه تای آنها را نام ببرید؟
43. علت تسمیه در حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) به باب السدره چه بوده است؟
44. فاصله حرم مطهر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) تا حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) چقدر است؟
45. مرقد حر بن یزید ریاحی در کجا قرار دارد؟
46. اولین کسی که به ساختن مرقد حر بن یزید ریاحی اهتمام ورزید چه کسی بود و در چه سالی؟
47. علت تسمیه تل زینبیه بدین نام چه بوده است؟
48. در مورد دو مقام کف دست راست و دست چپ حضرت ابوالفضل (علیه السلام) چه می دانید؟
49. علت تسمیه شهر کاظمین بدین نام چیست؟
50. نام قدیمی محلی که امام کاظم (علیه السلام) در آن مدفون شدند چه بود؟
51. اولین پادشاهی که اقدام به ساختن مرقد و بارگاه بر روی قبر امام کاظم (علیه السلام) و امام جواد (علیه السلام) نمود که بود؟
52. سه مکان زیارتگاهی دیگر در شهر بغداد نام ببرید؟
53. چه کسی در مسجد برائنا نماز خوانده است؟
54. نواب اربعه امام زمان (علیه السلام) را نام ببرید؟
55. مرقد شیخ کلینی مؤلف کتاب کافی در چه شهری است؟
56. در حرم مطهر عسگریین در کنار مرقد امام هادی (علیه السلام) و امام عسگری (علیه السلام)، چه کسان دیگری از اهل بیت مدفون هستند؟
57. سه اثر باستانی موجود در استان صلاح الدین (سامرا) را نام ببرید؟
58. شهر سامرا تا بغداد چقدر فاصله دارد؟
59. در شهر بلد کدامیک از امامزادگان مهم شیعه مدفون هستند؟
60. از سرداب غیبت چه می دانید؟

61. سلمان فارسی در کجا مدفون است؟
62. اولین ولی مدائن که در زمان خلیفه دوم به این مقام منصوب شد چه نام داشت؟
63. مرقد ابراهیم پسر مالک اشتر در کجا قرار دارد؟
64. نام دو طفلان مسلم چه بود؟ و در کجا مدفون هستند؟
65. ذوالکفل کی بود و در کجا مدفون است؟
66. مهمترین مشخصه مسجد جامع سامرا، گلدسته آن است، این گلدسته چه خصوصیتی دارد؟
67. زمان تقریبی ساخت زیگورات اور در چه بستر زمانی می باشد؟
68. قلعه اربیل در گذشته مقر پرستش کدامیک از خدایان بوده است؟
69. اثر باستانی طاق کسری در کجا قرار دارد؟
70. بکر بن علی کیست و در کجا مدفون است؟
71. شهر باستانی بابل در کجا قرار دارد و معنی کلمه بابل چیست؟
72. شهر باستانی متوکلیه در کجا قرار دارد و توسط چه کسی ساخته شده است؟
73. متوکل عباسی در چه سالی پایتخت خود را به شهر متوکلیه منتقل کرد؟
74. قصر عاشق و معشوق توسط چه کسی و در چه سالی ساخته شد؟
75. خلفای عباسی قبل از بغداد چه شهری را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند؟
76. تپه حراکه کجاست و داستان آن چیست؟
77. امامزاده حمزه کیست و در کجا مدفون است؟
78. مسجد ردالشمس در کدام شهر واقع شده است؟
79. آرامگاه ادريس حلی عالم بزرگ شیعه در چه شهری قرار دارد؟
80. آرامگاه ملا صدرا در کدام يك از شهرهای عراق قرار دارد؟
81. زبیر ابن العوام کیست و در کجا مدفون شده است؟
82. قبر منسوب به اسماء بنت عمیس در چه شهری قرار دارد؟

- 1- آل طعمه، سلمان هادی، کربلا و حرمهای مطهر، ترجمه حسین صابری، چاپ اول، تهران، نشر مشعر، پاییز 1378.
- 2- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، چاپ اول، بیروت، دار صادر، 1995 م.
- 3- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابه، چاپ اول، بیروت، دار صادر، بی تا.
- 4- ابن طاووس، عبدالکریم، فرحه الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ دوم، نجف، المطبعه الحیدریه، سال 1993.
- 5- ابن طقطقی، محمدبن طباطبا، الفخری فی الآداب السلطانیه و الدول الاسلامیه، چاپ اول، مصر، رحمانیه، بی تا.
- 6- ابن فوطی البغدادی، کمال الدین عبدالرزاق، الحوادث الجامعه و التجارب النافعه فی المائه السابعه، چاپ اول، بغداد، المكتبه العربیه، 1351 ه. ق.
- 7- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارت، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات اسلامی، سال 1417 ه. ق.
- 8- امین، محسن، اعیان الشیعه، چاپ اول، بیروت، دارالتعارف، سال 1409 ه. ق.
- 9- امینی، عبدالحسین، الغدیر، چاپ اول، بیروت، مؤسسه اعلمی، سال 1414 ه. ق.
- 10- انصاری، رئوف، عماره کربلا، چاپ اول، بیروت، بی تا.

- 11- التميمي، محمدعلي جعفر، مشهد الامام و مدينة النجف، چاپ اول، نجف، مطبعة دار النشر والتأليف، سال 1958 م.
- 12- تونجي، محمد، يزديان يا شيطان پرستان، ترجمه احسان مقدس، چاپ اول، تهران، انتشارات عطايي، 1380.
- 13- الجزائري، سيد نعمت الله، الأنوار النعمانية، چاپ اول، بيروت، منشورات الاعلمي، بي تا.
- 14- جنسن، اچ وي، تاريخ هنر، ترجمه پرويز مرزبان، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمي فرهنگي، سال 1379.
- 15- جواد، مصطفى، الجامع المختصر في عنوان التواريخ و عيون السير، چاپ اول، بغداد، بينا، 1934 م.
- 16- الحر العاملي، وسايل الشيعة الى تحصيل الشيعة، چاپ اول، مؤسسه آل البيت لأحياء التراث، 1409 ه. ق.
- 17- حرز الدين، محمد مرآة المعارف، چاپ اول، نجف، بينا، سال 1389 ه. ق.
- 18- حرز الدين، محمد معارف الرجال، چاپ دوم، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشي، سال 1405 ه. ق.
- 19 - الحسنی، عبدالرزاق، العراق قديما وحديثا، چاپ هفتم، بغداد، بينا، سال 1982 م. 20- الحسيني الخراساني الحائري، سيد محمد هادي، القول السديد بشأن الحر الشهيد، تحقيق سيد محمد تقى الحسيني الجلالى، چاپ اول، قم، انتشارات المكتبة الحيدريه، بي تا.
- 21- حموي، ياقوت، معجم البلدان، چاپ اول، بيروت، دار صادر، سال 1993 م.
- 22- الخطيب البغدادي، الحافظ ابوبكر أحمد بن علي، تاريخ بغداد، چاپ اول، بيروت، دارالكتاب العربي، بيتا.
- 23- الخليلي، جعفر، موسوعه العتبات المقدسه، چاپ دوم، بيروت مؤسسة الأعلمي، سال 1407 ه. ق.

- 24- دربندی، آغابن عابد، اسرارالشهادة، چاپ اول، تهران، بیتا
- 25- الدجیلی، جعفر، موسوعة النجف الاشرف، چاپ اول، بیروت، بی جا، 1993 م.
- 26 - السامرائی، یونس شیخ ابراهیم، تاریخ مدینة سامراء چاپ اول، بغداد، بینا، سال 1972 م.
- 27- شاکری، حسین، الکشکول المبوب، چاپ پنجم، نجف، مطبعة الصفوه، سال 1418 ه. ق.
- 28- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ اول، تهران. 1354
- 29- طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، چاپ اول، قم، مؤسسه البعثه سال 1414 ه. ق.
- 30- طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1365 ه. ش.
- 31- عزاوی، قیس جواد و الجبوری، نسيف، دراسات حول كربلا و دورها الحضاری، چاپ اول، بغداد، بیتا.
- 32- العمید، طاهر مظفر، العماره العباسیه فی سامراء، چاپ اول، بغداد، بینا، سال 1997.
- 33- عمید، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، امیرکبیر، 1382.
- 34- قائدان، اصغر، عتبات عالیات عراق، چاپ اول، تهران، نشر مشعر، بهار 1383.
- 35- قریشی، عبدالامیر، المراقد و المقامات فی كربلا، چاپ اول، بیروت، بیت العلم للنابهین، سال 2008 م.
- 36- قزوینی، مهدی، المزار، چاپ اول، بیروت، دارالرافدین، سال 2005 م.
- 37- قمی، محمدرضا، اماکن زیارتی و سیاحتی عراق، چاپ اول، تهران، معاونت آموزشی بعثه مقام معظم رهبری سال 1378.
- 38- کرباسی، محمد صادق، تاریخ المراقد (الحسنی و اهل بیته و انصاره)، چاپ اول، لندن، المركز الحسيني للدراسات، سال 1998 م.
- 39- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

- 40- كمونه الحسينى، سيد عبدالرزاق، مشاهد العترة الطاهرة و أعيان الصحابه و التابعين، چاپ اول، بيروت، مؤسسة البلاغ، بى تا.
- 41- گاردنر، هلن، هنر در گذر زمان، ترجمه محمد تقى فرامرزی، چاپ چهارم، تهران، نقش جهان، سال 1379.
- 42- ماجدى، خزعل، كتاب مقدس بابل، ترجمه احسان مقدس، چاپ اول، تهران، انتشارات نيلوبرگى، سال 1358.
- 43- مفيد، محمدبن محمدبن نعمان، الارشاد فى معرفه حجيج الله على العباد، ترجمه هاشم رسولى محلاتى، چاپ اول، تهران، انتشارات علميه اسلاميه، بى تا.
- 44- موسوي الخرسان، عبدالمطلب، مساجد و معالم فى الروضة الحيدريه المطهره، چاپ اول، نجف، اصدارات العتبة العلوية المقدسه، سال 1427 هـ. ق.
- 45- الموسوي الزنجاني، ابراهيم، جولة فى الأماكن المقدسه، چاپ اول، بيروت، منشورات الاعلمى، بيتا
- 46- محبوبه، شيخ جعفر، ماضي النجف وحاضرها، چاپ دوم، نجف، مطبعه الاداب، سال 1958 م.
- 47- محدث نوري، مستدرک الوسائل، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، 1408 هـ. ق.
- 48- مسعودى، على بن الحسين، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاينده، چاپ اول، تهران، انتشارات علمى و فرهنگى، سال 1383.
- 49- مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ اول، بيروت، مؤسسه الوفاء، سال 1404 هـ. ق.
- 50- نجمى، محمدصادق، سخنان حسين بن على از مدينه تا كربلا، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامى.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود. برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهل بیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

